

نہدویت  
در قرآن و حدیث

جلد اول

محمد حسن صفائی کلپایگانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

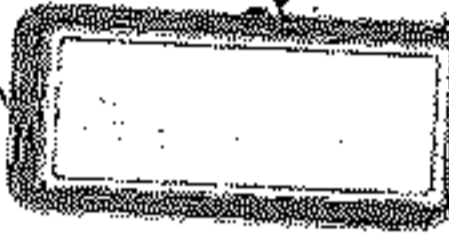
مہدویت

در قرآن و حدیث

جلد اول



محمد حسن صافی

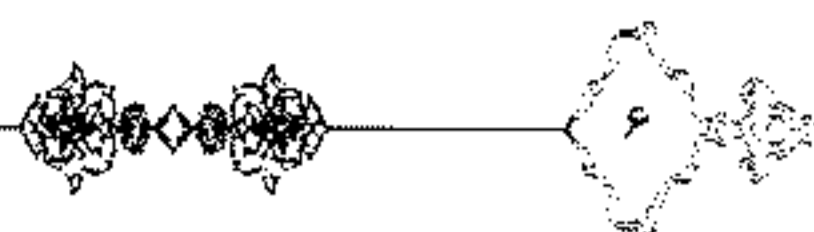
سرشناسه	: صافی. محمدحسن
عنوان و نام پدیدآور	: مهدویت در قرآن و حدیث / محمدحسن صافی
مشخصات نشر	: تهران، انتشارات منیر، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۳۰۰
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۴۶-۴-۲ ج: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۸۸-۴
وضعیت فهرست	
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: مهدویت
موضوع	: صافی، محمدحسن -- وعظ
موضوع	: محمد بن حسن(ع)، امام دوازدهم ۲۵۵ق
موضوع	: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی -- احادیث
زده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ م ۲ ص ۴ / ۲۲۴ / ۴ BP
زده‌بندی دیوبند	: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۶۴۴۲۸

# مرکز فرهنگ انتشاراتی منیر

- |                  |   |
|------------------|---|
| ● نام کتاب:      | ■ مهدویت در قرآن و حدیث (ج ۱)   |
| ● مؤلف:          | ■ محمدحسن صافی  |
| ● ناشر:          | ■ مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  |
| ● چاپ اول:       | ■ رجب المرجب ۱۴۴۰ / بهار ۱۳۹۸   |
| ● شمارگان:       | ■ ۳۰۰۰  |
| ● بها:           | ■  |
| ● شابک:          | ■ ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۸۸-۴   |
| ● وبسایت:        | ■ <a href="http://www.monir.com">http://www.monir.com</a>                             |
| ● پست الکترونیک: | ■ <a href="mailto:info@monir.com">info@monir.com</a>                                  |
| ● آدرس پستی:     | ■ تهران / خیابان مجاهدین / چهارراه آبسردار / ساختمان پزشکان / واحد ۹                  |
| ● تلفن و فاکس:   | ■ ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)   |

## فهرست مطالب

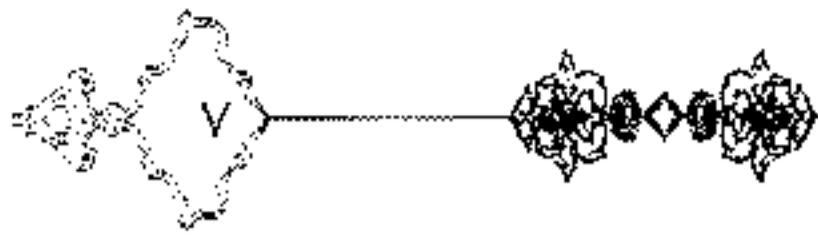
مقدمه ناشر.....	۱۹
جلسه اول.....	۲۵
مؤمنان روزه‌دار مخاطب خداوند.....	۲۶
جشن تکلیف هر ساله سید بن طاووس.....	۲۶
لذت ندای روزه‌داران در ماه مبارک رمضان.....	۲۷
وجوب روزه ماه مبارک رمضان برای مؤمنان.....	۲۸
نکته تعبیر «کُتِبَ» در آیه.....	۲۸
وجوب روزه برای امت‌های پیشین.....	۳۱
پیشینه روزه‌داری.....	۳۱
روزه در میان پیامبران پیشین.....	۳۲



- روزه گرفتن حضرت داود علیه السلام ..... ۳۳
- روزه گرفتن حضرت سلیمان علیه السلام ..... ۳۳
- روزه گرفتن حضرت عیسی علیه السلام ..... ۳۴
- روزه گرفتن حضرت مریم علیها السلام ..... ۳۴
- روزه گرفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۳۵
- مسح صورت روزه‌داران در هوای گرم به وسیله فرشتگان الهی ..... ۳۵
- بشارت فرشتگان به روزه‌داران در هوای گرم ..... ۳۶
- شهادت فرشتگان الهی به آمرزش روزه‌داران توسط خدا ..... ۳۷
- خوشحالی روزه‌داران هنگام افطار و ملاقات پروردگارشان ..... ۳۷
- پاداش روزه‌داران و صابران ..... ۳۸
- فایده روزه گرفتن ..... ۳۸
- تشریح حکم روزه مخصوص ایام ماه مبارک رمضان ..... ۳۹

## جلسه دوم ..... ۴۱

- ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن ..... ۴۱
- عظمت ماه مبارک رمضان به خاطر نزول قرآن ..... ۴۲
- قرآن معجزه جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۴۲
- تحریف‌ناپذیری قرآن ..... ۴۳
- دعوت قرآن به تحدی ..... ۴۳
- تحدی قرآن نسبت به انس و جن ..... ۴۴
- شناخت قرآن از طریق قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام ..... ۴۶
- خواندن روزی پنجاه آیه از قرآن ..... ۴۷
- قرآن کتاب هدایت ..... ۴۷
- قرآن احسن الحدیث است ..... ۴۸



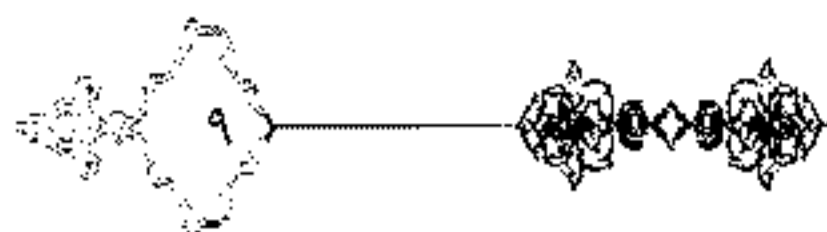
۴۸.....	قرآن برهانی از سوی پروردگار
۴۹.....	منظور از فرقان در قرآن
۵۰.....	قرآن بیان کننده همه چیز
۵۱.....	قرآن نور آشکار
۵۲.....	قرآن ذکر الهی
۵۳.....	قرآن موعظه الهی
۵۴.....	قرآن شفای دل‌ها
۵۶.....	قرآن رحمت برای مؤمنان
۵۶.....	قرآن کتاب مبارک
۵۷.....	قرآن از منظر امام علی (ع)
۵۷.....	قرآن ناصحی است که خیانت نمی‌کند
۵۸.....	قرآن هادی بدون گمراهی
۵۸.....	قرآن خبردهنده صادق
۵۸.....	ثمره همنشینی و مصاحبت با قرآن
۵۹.....	قرآن موجب زیادی هدایت
۵۹.....	قرآن موجب دوری از جهل و نادانی
۶۰.....	قرآن بی‌نیازکننده از هر نیازی
۶۱.....	قرآن شفای همه دردها
<b>۶۳.....</b>	<b>جلسه سوم</b>
۶۳.....	ضرورت پرداختن به مباحث مهدویت
۶۴.....	تلاش علما و مراجع برای پاسخ به شبهات مهدوی
۶۵.....	آیات مربوط به امام زمان (عج)
۶۶.....	منظور از غیب در قرآن

- ۶۶.....ایمان به غیب از ضروریات دین
- ۶۸.....منظور از کتاب در آیه شریفه
- ۶۸.....امیرالمؤمنین علی علیه السلام مصداق کتاب
- ۶۹.....منظور از کتاب در بیان امام باقر علیه السلام
- ۷۰.....شیعیان مصداق متقین در قرآن
- ۷۱.....درجات و مراتب ایمان و هدایت
- ۷۲.....امام زمان علیه السلام مصداق غیب
- ۷۳.....امام زمان علیه السلام مصداق غیب در آیات و روایات
- ۷۵.....منظور از آیه در قرآن
- ۷۵.....ایمان به غیب ایمان به قیام قائم
- ۷۶.....رستگاری ایمان آورندگان به غیبت
- ۷۸.....غیب از منظر فخر رازی

### جلسه چهارم ..... ۸۱

- ۸۲.....ترجمه آیه شریفه
- ۸۳.....تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند
- ۸۶.....وعده خداوند به مؤمنان
- ۸۷.....تأکید آیه استخلاف بر حتمی بودن وعده خدا
- ۸۸.....رضایت خداوند به دین اسلام
- ۸۹.....حاکم شدن امنیت بعد از ترس در زمان ظهور
- ۸۹.....اهمیت امنیت و عافیت در جامعه
- ۹۰.....حاکمیت دین در سراسر جهان
- ۹۱.....مؤمنان و صالحان جانشین خداوند در روی زمین
- ۹۲.....انتخاب جانشین و خلیفه توسط خداوند





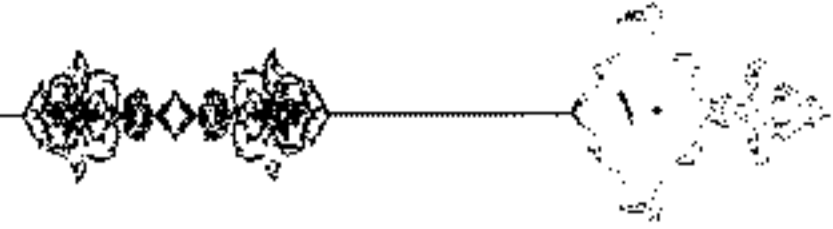
- ۹۲..... ائمه معصومین علیهم السلام مصداق اتم مؤمنان و صالحان
- ۹۳..... کافر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به منزله فاسق
- ۹۴..... تشکیل حکومت جهانی وعده خدا به شیعیان

### ۹۷..... جلسه پنجم

- ۹۸..... وعده الهی برای برقراری حکومت جهانی توسط امام زمان علیه السلام
- ۹۹..... امام زمان علیه السلام جمع کننده کلمات بر محور توحید
- ۹۹..... امام زمان علیه السلام هماهنگ کننده دیدگاهها
- ۱۰۱..... امنیت در سایه حکومت امام زمان علیه السلام
- ۱۰۲..... فضیلت زیارت آل یاسین
- ۱۰۲..... ائمه اهل بیت علیهم السلام دارای علم فراوان
- ۱۰۴..... امام زمان علیه السلام فریادرس و رحمت واسعة الهی
- ۱۰۵..... تأکید بر حتمی بودن وعده خداوند در دعای ندبه
- ۱۰۶..... حتمی بودن وعده خدا در دعای افتتاح
- ۱۰۸..... درخواست امام زمان علیه السلام برای حتمی شدن وعده ظهور
- ۱۱۱..... ضرورت دعا برای تعجیل فرج
- ۱۱۱..... توصیه آیت الله العظمی گلپایگانی به خواندن دعای فرج
- ۱۱۲..... سفارش امام زمان علیه السلام به خواندن دعای عهد
- ۱۱۴..... خواندن سوره اسراء جهت تشرف خدمت امام زمان علیه السلام

### ۱۱۷..... جلسه ششم

- ۱۲۱..... منظور از مستضعف در قرآن
- ۱۲۳..... شیعیان اهل بیت علیهم السلام نماد استضعاف
- ۱۲۵..... شیعیان اهل بیت به منزله موسی و شیعیانش



- ۱۲۶ ..... توصیه امام صادق علیه السلام به تدبیر در قرآن
- ۱۲۸ ..... فرعون و هامان امت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۲۹ ..... امام زمان علیه السلام نجات‌دهنده مستضعفین جهان از ظلم

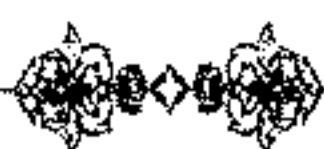
### جلسه هفتم ..... ۱۳۳

- ۱۳۴ ..... سلب نعمت‌های الهی از انسان به خاطر ناسپاسی
- ۱۳۵ ..... توسل به ائمه اهل بیت علیهم السلام توسط انبیای پیشین
- ۱۳۷ ..... استجابیت دعای حضرت موسی علیه السلام
- ۱۳۷ ..... منظور از چشمه‌های دوازده‌گانه در قرآن
- ۱۴۱ ..... منظور از خورشید و ماه و ستارگان در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۴۳ ..... شناخت اسلام نتیجه شناخت امامان دوازده‌گانه
- ۱۴۵ ..... منظور از ماه‌های دوازده‌گانه در قرآن
- ۱۴۷ ..... منظور از سال
- ۱۴۸ ..... امامان دوازده‌گانه حجت‌ها و امنای خداوند
- ۱۴۸ ..... منظور از ماه‌های حرام در قرآن

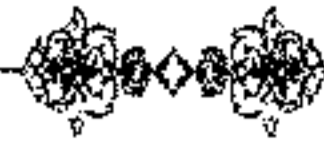
### جلسه هشتم ..... ۱۵۱

- ۱۵۲ ..... قسم‌های قرآن
- ۱۵۲ ..... ائمه دوازده‌گانه در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۴ ..... ائمه دوازده‌گانه مصداق اتم بروج
- ۱۵۵ ..... روایت اصبع بن نباته درباره ائمه
- ۱۶۰ ..... خبر جارود نصرانی
- ۱۶۲ ..... هدف از بعثت انبیا

### جلسه نهم ..... ۱۶۵



۱۶۶	.....	صالحان وارثان حکومت زمین
۱۶۶	.....	منظور از زبور و ذکر در قرآن
۱۶۸	.....	لوح محفوظ از مصادیق ذکر
۱۶۸	.....	تورات از مصادیق ذکر
۱۶۹	.....	پیامبر اسلام ﷺ از مصادیق ذکر
۱۶۹	.....	مبانی مهدویت در قرآن و کتب آسمانی گذشته
۱۷۰	.....	توحید، نبوت و امامت در زبور
۱۷۱	.....	کتاب‌های آسمانی ذکر الله
۱۷۲	.....	امام زمان ﷺ و اصحابش وارثان زمین
۱۷۲	.....	عصر ظهور عصر حکومت صالحان
۱۷۳	.....	اهل بیت ﷺ وارثان زمین
۱۷۵	.....	انتظار فرج بالاترین اعمال
۱۷۹	.....	<b>جلسه دهم</b>
۱۸۰	.....	ترجمه آیه
۱۸۱	.....	زنده شدن زمین به وسیله قائم آل محمد ﷺ
۱۸۲	.....	زنده شدن زمین با برقراری عدالت توسط امام زمان ﷺ
۱۸۳	.....	نکات روایت
۱۸۴	.....	تبلیغ مکتب اهل بیت ﷺ
۱۸۵	.....	احیای زمین با عدالت امام زمان ﷺ
۱۸۶	.....	امام زمان ﷺ سرچشمه حیات و زندگی
۱۸۸	.....	مناجات خداوند با پیامبر ﷺ در معراج
۱۹۰	.....	امیرالمؤمنین علی ﷺ معیار شناخت دوستان و دشمنان خدا
۱۹۱	.....	اقامه دین خدا و آبادانی زمین به وسیله امامان



**جلسه یازدهم..... ۱۹۵**

- ۱۹۶ ..... ترجمه آیه.....
- ۱۹۶ ..... حضرت مهدی عج و اصحابش مصداق اقامه کنندگان نماز و پراخت کنندگان زکات.....
- ۲۰۰ ..... امر به معروف و نهی از منکر در عصر امام زمان عج.....
- ۲۰۱ ..... اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۲۰۲ ..... ائمه ع مصداق اقامه کنندگان نماز.....
- ۲۰۵ ..... درخواست واگذاری حکومت به غیر اهل بیت.....
- ۲۰۷ ..... بغض به اهل بیت ع به منزله بغض به پیامبر ص و خدا.....

**جلسه دوازدهم..... ۲۱۱**

- ۲۱۲ ..... توصیه قرآن به صبر و امید.....
- ۲۱۳ ..... تحقق حتمی وعده الهی.....
- ۲۱۴ ..... فراگیر شدن توحید و یکتاپرستی در جهان.....
- ۲۱۴ ..... حاکم شدن دین اسلام در سرتاسر جهان.....
- ۲۱۶ ..... غالب شدن دین خداوند بر کفر و شرک هنگام خروج قائم عج.....
- ۲۱۹ ..... ولایت دین حق.....
- ۲۲۱ ..... امام زمان عج منصور به وسیله رعب.....
- ۲۲۱ ..... امام زمان عج تأییدشده به وسیله نصر خدا.....
- ۲۲۲ ..... طی الارض و احاطه امام زمان عج به زمین.....
- ۲۲۲ ..... ظاهر شدن گنج‌ها در عصر ظهور امام زمان عج.....
- ۲۲۳ ..... حاکمیت امام زمان عج در مشرق و مغرب عالم.....
- ۲۲۳ ..... آبادانی زمین در عصر ظهور.....
- ۲۲۴ ..... نزول حضرت عیسی ع در عصر ظهور.....
- ۲۲۴ ..... اوصاف منتظران ظهور امام عصر عج.....



**جلسه سیزدهم..... ۲۲۷**

۲۲۷ ..... ترجمه آیه شریفه.....

۲۲۸ ..... تأویل آیه شریفه.....

۲۲۹ ..... امام زمان علیه السلام مضطر واقعی.....

۲۳۱ ..... جبرئیل نخستین بیعت کننده.....

۲۳۲ ..... ۳۱۳ نفر یاران امام زمان علیه السلام.....

۲۳۳ ..... سبقت گرفتن از یکدیگر در کارهای خیر.....

۲۳۳ ..... خیرات یعنی ولایت.....

۲۳۵ ..... امام زمان علیه السلام مقربترین فرد به انبیای الهی.....

۲۳۷ ..... امام زمان علیه السلام وارث عمومه پیامبر صلی الله علیه و آله.....

۲۳۹ ..... دوست علی علیه السلام مؤمن و دشمن علی علیه السلام منافق.....

**جلسه چهاردهم..... ۲۴۳**

۲۴۴ ..... فضایل و مناقب امام حسن علیه السلام در کتابهای شیعه و اهل سنت.....

۲۴۵ ..... انتخاب نام امام حسن علیه السلام توسط خدا.....

۲۴۶ ..... فضایل و مکارم اخلاق امام حسن علیه السلام.....

۲۴۷ ..... امام حسن علیه السلام جزو اصحاب کساء.....

۲۴۸ ..... نزول آیه مباهله درباره اهل بیت.....

۲۴۹ ..... امام حسن علیه السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله.....

۲۵۱ ..... امام حسن علیه السلام تربیت یافته وحی.....

۲۵۲ ..... جلال و شکوه امام حسن علیه السلام.....

۲۵۲ ..... پیاده رفتن امام حسن علیه السلام برای حج خانه خدا.....

۲۵۳ ..... آداب صحیح نصیحت و برخورد با دیگران.....

۲۵۵ ..... جواب نیکی با نیکی یا بهتر از آن.....

۲۵۷ ..... عبادت امام حسن علیه السلام

### جلسه پانزدهم ..... ۲۶۱

۲۶۲ ..... جمع شدن تمام شیعیان در یک جا هنگام ظهور امام زمان علیه السلام

۲۶۳ ..... اولین بیعت کنندگان با امام زمان علیه السلام

۲۶۵ ..... منظور از «المفقودون عن فرسهم»

۲۶۶ ..... منظور از سبقت گرفتن در خیرات

۲۶۷ ..... شروع قیام امام زمان علیه السلام از بین رکن و مقام

۲۶۹ ..... تعداد یاران امام زمان علیه السلام هنگام ظهور

۲۷۰ ..... چگونگی اجتماع یاران امام زمان علیه السلام در مکه

۲۷۲ ..... مراتب و درجات یاران امام زمان علیه السلام

۲۷۳ ..... استشهاد اهل بیت علیهم السلام به آیات قرآن

۲۷۴ ..... چگونگی رفتن یاران امام زمان علیه السلام به مکه

۲۷۵ ..... مشخص بودن نام، اوصاف و خاندان یاران امام زمان علیه السلام

۲۷۵ ..... برتری ایمان یارانی که در روز به وسیله ابر به مکه می‌رسند

۲۷۶ ..... زنده شدن برخی شیعیان هنگام ظهور

۲۷۷ ..... از بین رفتن دوسوم جمعیت جهان مقارن ظهور

### جلسه شانزدهم ..... ۲۷۹

۲۸۰ ..... ترجمه آیه شریفه نور

۲۸۲ ..... خواندن آیه نور جهت تشرف خدمت امام زمان علیه السلام

۲۸۳ ..... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشکات و اوصیای حضرت مصباح

۲۸۴ ..... منظور از زجاجة فاطمه علیها السلام و شجرة مبارکه پیامبر صلی الله علیه و آله

۲۸۵ ..... امام زمان علیه السلام کوكب درى

- ۲۸۶ ..... مشکات نور علم در سینه پیامبر ﷺ
- ۲۸۶ ..... زجاجه سینه علی ﷺ
- ۲۸۸ ..... ائمه مصداق نور و حکمت الهی
- ۲۹۰ ..... تعجب امام علی ﷺ از عدم شناخت آیه نور
- ۲۹۲ ..... ائمه مصداق بارز «نور علی نور»
- ۲۹۳ ..... حکمت مثل‌های قرآنی
- ۲۹۴ ..... ذکر اسامی ائمه در معراج پیامبر ﷺ
- ۲۹۶ ..... امام زمان ﷺ احیاکننده دین پیامبر ﷺ

**جلسه هفدهم ..... ۲۹۹**

- ۳۰۰ ..... ترجمه آیه
- ۳۰۰ ..... منذر بودن رسول خدا
- ۳۰۱ ..... وجود امام هدایت‌کننده از اهل بیت ﷺ در هر عصر و زمان
- ۳۰۱ ..... امام علی ﷺ و اوصیایش هادیان امت
- ۳۰۲ ..... هدایت در پیروی از علی ﷺ
- ۳۰۳ ..... سفارش پیامبر ﷺ به تمسک به قرآن و عترت
- ۳۰۵ ..... امامان اهل بیت ﷺ معلم بشریت
- ۳۰۶ ..... ضرورت وجود امام برای هر عصری
- ۳۰۸ ..... ذکر اسامی امامان توسط پیامبر ﷺ به امام حسن مجتبی ﷺ

**جلسه هجدهم ..... ۳۱۵**

- ۳۱۵ ..... ترجمه آیه
- ۳۱۶ ..... ارزش صبر و انتظار فرج
- ۳۱۷ ..... صبر در امت‌های پیشین

- ۳۱۸ ..... منتظر امر ظهور به منزله شهید در راه خدا
- ۳۱۹ ..... انتظار فرج برترین اعمال
- ۳۲۰ ..... شرایط قبولی اعمال بندگان
- ۳۲۱ ..... وظایف منتظران و اصحاب قائم علیه السلام
- ۳۲۳ ..... انتظار فرج محبوب‌ترین کارها نزد خدا
- ۳۲۴ ..... یاد اهل بیت علیهم السلام شفای هر ناراحتی و بیماری
- ۳۲۴ ..... فراگیرنده امر امامان علیهم السلام همراه آنان در قیامت
- ۳۲۵ ..... ارزش انتظار
- ۳۲۶ ..... وظایف شیعیان در عصر غیبت
- ۳۲۹ ..... رعایت ادب در بردن نام امام زمان علیه السلام
- ۳۲۹ ..... اظهار محبت و علاقه ویژه به حضرت
- ۳۳۰ ..... اظهار شوق برای دیدار با امام زمان علیه السلام
- ۳۳۱ ..... اهمیت حضور و برپایی مجالس به یاد امام زمان علیه السلام
- ۳۳۲ ..... نشر فضایل امام زمان علیه السلام و ترویج دین خدا
- ۳۳۲ ..... گریه در فراق امام زمان علیه السلام
- ۳۳۴ ..... خواندن دعای عهد
- ۳۳۷ ..... جلسه نوزدهم**
- ۳۳۷ ..... امامت در ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۳۳۸ ..... امامان معصوم علیهم السلام مصداق کلمه باقیه
- ۳۳۸ ..... امامت در اولاد امام حسین علیه السلام
- ۳۳۹ ..... غیبت صغری و غیبت کبری
- ۳۴۰ ..... شناخت حجت سبب نجات از گمراهی
- ۳۴۰ ..... روایات ائمه علیهم السلام درباره غیبت





۳۴۱	..... غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> در سخنان امام حسین <small>علیه السلام</small>
۳۴۳	..... غیبت و عمر طولانی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۴۴	..... حکمت و فایده غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۴۶	..... امامان <small>علیهم السلام</small> امان اهل زمین
۳۴۶	..... امامان <small>علیهم السلام</small> وسیله نشر رحمت و برکت الهی
۳۴۷	..... وجود حجت خدا در میان مردم از زمان خلقت آدم <small>علیه السلام</small>
۳۴۸	..... عبادت خدا به واسطه وجود امام <small>علیه السلام</small>
۳۴۸	..... چگونگی بهره‌مندی مردم از امام غایب
۳۴۹	..... گریه امام صادق <small>علیه السلام</small> در فراق امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۵۱	..... امامان <small>علیهم السلام</small> ثقل محمد
۳۵۲	..... اسامی امامان <small>علیهم السلام</small> و اوصاف آنان
۳۵۳	..... قرار گرفتن شیعیان اهل بیت در فتنه و سرگردانی
۳۵۵	..... <b>جلسه بیستم</b>
۳۵۵	..... آیات مهدوی در تفاسیر اهل سنت
۳۵۸	..... احادیث مهدوی در کتاب‌های اهل سنت
۳۵۹	..... تواتر احادیث مهدوی در کتاب‌های اهل سنت
۳۶۰	..... اسامی صحابه روایت‌کننده احادیث مهدوی
۳۶۱	..... اسامی مشاهیر علمای اهل سنت
۳۶۲	..... کتاب‌های اختصاصی اهل سنت درباره امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۶۴	..... دیدگاه ابن‌خلدون درباره امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۶۵	..... تصریح برخی عالمان اهل سنت به وجود و اوصاف حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۶	..... دیدگاه اهل سنت درباره تولد امام زمان <small>علیه السلام</small>

**جلسه بیست و یکم ..... ۳۶۹**

- ۳۷۰ ..... اسامی صحابه نقل کننده روایات ائمه دوازده گانه
- ۳۷۱ ..... روایات ائمه اثنی عشر در کتاب های حدیثی اهل سنت
- ۳۷۱ ..... روایت احمد بن حنبل در خصوص دوازده امام
- ۳۷۳ ..... روایت ابوسعید خدری در خصوص دوازده امام
- ۳۷۵ ..... روایت ابن عباس از پیامبر ﷺ درباره دوازده امام
- ۳۷۷ ..... مراد از نگارش چهل حدیث
- ۳۷۸ ..... ولایت حضرت مهدی عجل الله فرجه شرط ایمان کامل
- ۳۷۹ ..... پذیرش ولایت امامان دوازده گانه شرط ورود به بهشت
- ۳۸۱ ..... ائمه دوازده گانه عجل الله فرجه در کتاب های اهل سنت
- ۳۸۲ ..... تعداد احادیث منقول در باب اسامی امامان معصوم عجل الله فرجه

**کتاب نامه ..... ۳۸۵**

## مقدمه ناشر

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از علوم کاربردی مورد نیاز جوامع اسلامی، علم تفسیر کلام وحی است؛ چراکه قرآن، آن‌چنان‌که خود مبین آن است، کتاب هدایت است<sup>۱</sup> و باید عموم مردم بتوانند از رهنمودها و دستوره‌های آن برای پیشرفت و رسیدن به کمال انسانیت که هدف آفرینش است، استفاده کنند و از آنجا که برای همه امکان دریافت پیام‌های وحیانی و تحلیل آن وجود ندارد، ناگزیر باید عالمان دینی متخصص در این حوزه دانشی به ترجمه و تفسیر کلام خالق متعال پردازند؛ کما اینکه از دیرزمان برخی از بزرگان دین به این مهم همت گمارده‌اند و ثروت علمی عظیمی را برایمان به یادگار گذاشته‌اند. سفارش‌ها و توصیه‌ها در پرداختن

---

۱. بقره، ۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

به تفسیر قرآن یکی از مهم‌ترین توصیه‌های قابل تصور در علوم گوناگون است که چگونه آیات قرآن کریم را با آن‌همه دشواری‌ها در عام و خاص و اطلاق و تقیید و محکم و متشابهی که در آن وجود دارد، تفسیر کنیم که دچار لغزش در تفسیر نشده و از تفسیر به رأی، که بسیار از آن مذمت شده،<sup>۱</sup> در امان بمانیم.

روشن است که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل برخورداری از خزائن علم ائمه علیهم‌السلام و با استعانت از کلمات و سیره معصومین علیهم‌السلام می‌توانند به‌طور دقیق به تفسیر قرآن ورود کنند.

یکی دیگر از مسائل بسیار مهمی که مددکار مفسر قرآن است، اطلاع داشتن از سبب و شأن نزول آیات کریمه می‌باشد که در چه مکان و در چه زمان و به چه مناسبتی این دستور الهی بر قلب نازنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است.

مفسر با علم به سبب نزول و کاربست آن راحت‌تر و دقیق‌تر می‌تواند به مفهوم و معنای آیات پی‌برد و آن را با بیان شیوا و قابل استفاده برای عموم مخاطبان بیان کند. گرچه بنا نداریم در این مقال بحث به درازا بکشیم، ولی

۱. سمرقندی، بحر العلوم، ج ۱، ص ۱۲؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۱۴۸؛ ابن‌ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۴. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ و در برخی روایات این‌گونه آمده است: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ». صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۷؛ حر عاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۹۰. در برخی روایات نیز با این تعبیر آمده است: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُؤْجَرْ فَإِنْ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ». عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷؛ شعیری، جامع‌الخبار، ص ۴۹.

خالی از لطف نیست که جایگاه و ثمره اطلاع از اسباب نزول را به طور خلاصه برای خوانندگان محترم بازگو کنیم.

برخی بر این عقیده‌اند که در کتاب‌های آسمانی پیشین خبری از سبب نزول نیست؛ زیرا تمام کتاب یک‌جا بر پیامبر هر زمان نازل شده است؛<sup>۱</sup> اما برای آنان که نزول قرآن را تدریجی می‌دانند، سبب نزول آیات قرآن مفهوم و ثمره پیدا می‌کند که افزون بر کتاب‌های تفسیری، تاکنون کتاب‌های فراوانی با نام اسباب نزول قرآن به رشته تحریر درآمده است که مصحف شریف امام علی علیه السلام نخستین اثری است که در آن اسباب نزول گردآوری شده است.

برخی روایات اسباب نزول را حدود نهصد روایت ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

دلیل توانمندتر بودن امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر قرآن اطلاع از زمان و مکان نزول آیات<sup>۳</sup> و علم لدنی آن حضرت است؛<sup>۴</sup> همچنان‌که ابن مسعود خود را مطلع بر

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۵؛ دانشنامه علوم قرآن، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. دانشنامه علوم قرآن، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. فرات کوفی، تفسیر، ص ۱۸۸. «وَاللَّهِ مَا نَزَّلَتْ آيَةٌ فِي لَيْلٍ أَوْ فِي نَهَارٍ وَلَا سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَلَا بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا وَقَدْ عَرَفْتُ أَيَّ سَاعَةٍ نَزَّلَتْ وَفِيمَنْ نَزَّلَتْ...».

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۴. «وَقَدْ كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلَّ يَوْمٍ دَخَلَةً وَكُلَّ لَيْلَةٍ دَخَلَةً فَيُخَلِّبُنِي فِيهَا أَدُورٌ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ وَقَدْ عَلِمَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ لَمْ يَصْنَعْ ذَلِكَ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ غَيْرِي قُرْبًا كَانَ فِي بَيْتِي يَأْتِينِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَكْثَرَ ذَلِكَ فِي بَيْتِي وَكُنْتُ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْضَ مَنَازِلِهِ أَخْلَانِي وَأَقَامَ عِنِّي نِسَاءَهُ فَلَا يَبْقَى عِنْدَهُ غَيْرِي وَإِذَا أَتَانِي لِلْخُلُوةِ مَعِي فِي مَنْزِلِي لَمْ تَقُمْ

اسباب نزول جلوه می دهد و به آن افتخار می کند.<sup>۱</sup>

بهره گیری مفسران از روایات اسباب نزول در تفسیر قرآن، از جایگاه ویژه آن در نزد ایشان حکایت می کند؛ به طوری که حجم بسیاری از کتاب های تفسیری صحابه و تابعان به بیان اسباب نزول آیات اختصاص یافته است؛ تا آنجا که واحدی تفسیر آیات را بدون اشراف بر سبب نزول ناممکن دانسته است.<sup>۲</sup>

خداوند منان را سپاس می گوئیم که توفیق پرداختن به یکی از مباحث مورد نیاز به ویژه برای فضلا و طلاب گران قدر را به ما ارزانی داشت و در این ماه شریف، استاد محترم مدرس حوزه و دانشگاه، حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج محمدحسن صافی - دامت توفیقاته - به دعوت ما پاسخ مثبت دادند و

عَنِّي فَاطِمَةٌ وَلَا أَحَدٌ مِنْ بَنِي وَكُنْتُ إِذَا سَأَلْتُهُ أَجَابَنِي وَإِذَا سَكَتُ عَنْهُ وَفَنَيْتُ مَسَائِلِي ابْتِدَائِي فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَأَهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَخَاصَّهَا وَعَامَّهَا وَدَعَا اللَّهُ أَنْ يُعْطِيَنِي فَهَمَّهَا وَحَفِظَهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا أَمْلَأَهُ عَلَيَّ وَكَتَبْتُهُ مُنْذُ دَعَا اللَّهُ لِي بِهَا دَعَا وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ وَلَا كِتَابٍ مُنْزَلٍ عَلَيَّ أَحَدٍ قَبْلَهُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ فَلَمْ أَنْسَ حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ صَدْرِي وَدَعَا اللَّهُ لِي أَنْ يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحُكْمًا وَنُورًا».

۱. ابن طاووس، سعد السعود، ص ۲۸۵؛ معرفت، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۸. «لَوْ عَلِمْتُ

أَنَّ أَحَدًا هُوَ أَعْلَمُ مِنِّي لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَضَرَبَ إِلَيْهِ أَبَاطَ الْإِبِلِ».

۲. واحدی، اسباب نزول القرآن، ص ۱۰.



توانستیم از دانش این استاد فرزانه و فرهیخته در ایام تعطیلی حوزه به دلیل ماه مبارک رمضان بهره‌مند شویم.

در کتابی که پیش روی شماست، استاد گرانقدر بحث پیرامون مهدویت از نگاه قرآن و حدیث را پی می‌گیرد و با بهره‌گیری از روایات تفسیری که شیوه علمای سلف است، به تبیین آیات مهدوی برای حاضران در جلسه بحث خویش می‌پردازد. حسب درخواست عزیزانی که موفق به شرکت در جلسات تفسیر نشده بودند و برخی از حاضران در جلسه درس و نیز برای حفظ و ماندگاری و استفاده بیشتر از مباحث، بر آن شدیم تا مطالب به همان شکل محاوره‌ای در قالب کتاب تقدیم علاقه‌مندان شود. ان شاء الله مرضی قطب عالم امکان حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - قرار گیرد.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَتَرْضَى

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

وَأَهْدِنَا إِلَى السَّدَادِ فَإِنَّكَ خَيْرٌ مُّوَفِّقٍ وَهَادٍ

رجب المرجب ۱۴۴۰

## جلسه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَعْصُومِينَ، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.  
قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup>.

قبل از اینکه وارد مباحث اصلی شویم، مناسب دیدم جلسه اول را درباره آیه ۱۸۳ سوره بقره، که به لزوم روزه در ماه مبارک رمضان می‌پردازد، مطالبی ارائه

---

۱. بقره، ۱۸۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی

که قبل از شما بودند، نوشته شد تا پرهیزکار شوید».





دهیم. ان شاء الله در جلسات آینده مباحثی درباره آیات مهدوی قرآن بیان می‌کنیم؛ زیرا این مباحث در حوزه کمتر گفته می‌شود و شاید بتوان گفت که در این باره کلاس و بحث کم داریم؛ از این رو در این باره مطالبی را مطرح خواهیم کرد و از نظرات دوستان و شرکت‌کنندگان عزیز هم بهره خواهیم برد.

### مؤمنان روزه‌دار مخاطب خداوند

آیه شریفه می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**؛ اولاً بسیار مهم است که خداوند به مؤمنان خطاب کرده است. چه عزتی بالاتر از این برای مؤمن که مورد خطاب خداوند رحمان و رحیم و قادر متعال باشد! خداوند بزرگ همه بندگانش را که ایمان کامل دارند، در این آیه شریفه مخاطب قرار می‌دهد. این افتخار بسیار بزرگی برای مؤمنان است. اگر شخصیتی بزرگ ما را خطاب کند و ما را پیش خود بخواند، برای ما چقدر لذت‌بخش و نشاط‌آور است؛ از آن سو خداوند قادر و خالق جهانیان، مؤمنان را خطاب بکند؛ معلوم است مؤمن چه نشاطی دارد، برای اینکه جواب این خطاب خداوند را بدهد!

### جشن تکلیف هر ساله سید بن طاووس

بعضی از علمای ما مثل سید بن طاووس رحمته الله علیه روز تکلیف خود را هر ساله جشن می‌گرفت و دلیلش این بود که در این روز مکلف شد و خطاب خداوند متعال شامل حال او شده است. مکلف خطابات خداوند و احکام نورانی قرآن شد؛ از این رو سید بن طاووس رحمته الله علیه در حالاتشان نوشتند که ایشان حتی به فرزندش که

اسم شریفش محمد بود. توصیه می‌کردند هر ساله روز تکلیفش را جشن بگیرد که یادش باشد که در این روز مورد خطاب خداوند متعال قرار گرفته است. چه لذتی بالاتر از این ندای آسمانی که در این ماه شامل حال مؤمنان روزه‌دار شده است. خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا». این ندا چیست؟ چه کسی باید پاسخ بگوید، و خداوند از مؤمنان چه می‌خواهد که آنها را منادای خود قرار داده است؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾.<sup>۱</sup>

### لذت ندای روزه‌داران در ماه مبارک رمضان

روایتی از امام صادق ع در تفسیر این آیه وارد شده است. بحث ما هم تفسیر روایی است که در توضیح آیات شریفه از روایات باید استفاده کنیم. امام صادق ع می‌فرماید: «لَذَّةُ مَا فِي النَّدَاءِ أَزَالَتْ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ». <sup>۲</sup> لذت آنچه که در ندا است، خداوند ما را ندا کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ این لذت آنقدر زیاد است که تعب، خستگی و زحمت عبادت را از انسان می‌برد. عبادت، آن هم عبادتی مانند روزه در فصل گرما به‌طور قطع زحمت دارد؛ اما اگر انسان ببیند خدا او را خواسته و دعوت کرده و او نیز به ندای خداوند متعال لبیک می‌گوید، چقدر لذت بخش است!

۱. بقره، ۱۸۳.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۹۰؛ قطب راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۷۲.

بنابراین، امام صادق ع می فرماید: «لَذَّةُ مَا فِي النَّدَاءِ أَزَالَتْ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ»؛

لذت ندا تعب، زحمت و خستگی عبادت را از بین می برد.

## وجوب روزه ماه مبارک رمضان برای مؤمنان

آیه شریفه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ روزه برای شما مؤمنان نوشته شده است.

مطالب زیادی در تبیین و تفسیر این آیه شریفه بیان شده است، ما هم نمی توانیم حق مطلب را ادا کنیم، اما در حد وسع و مجال مطالبی را تقدیم خواهیم کرد.

## نکته تعبیر «كُتِبَ» در آیه

اولاً به صورت فعل مجهول بیان فرمود: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ روزه بر شما نوشته شده است. اینکه می فرماید نوشته شده و نمی فرماید: «صُومُوا»، به صورت امری و انشایی نمی آورد، می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ»؛ روزه نوشته شده است برای شما «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»؛ همان طور که برای کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شده است.

مفسران در این باره مطالب بسیار زیادی را بیان کردند که ما می توانیم از مطالب آنان بهره ببریم.

یکی از دلایل آن شاید این باشد که این حکم تغییرپذیر نیست؛ مثل اینکه شخص حاکمی بخواهد حکمی را به شخصی بدهد، می گوید برای این شخص

نوشته شده که در فلان جا خدمت کند. اینکه نوشته شد، دیگر قابل تغییر نیست. برای قبل از شما نوشته شده است، برای پیشینیان شما هم نوشته شده بود. همان-گونه که برای آنها نوشته شد و قابل تغییر نبود، برای شما هم چنین حکمی الهی نوشته شده است و نمی‌توان آن را تغییر داد.

بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند اینکه خداوند فرموده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»، جمله خبریه است.<sup>۱</sup> همان‌طور که می‌دانید، جمله خبریه اثرش از جمله انشائیة بیشتر است. اینکه من خبر بدهم این کار انجام شد؛ یعنی دیگر تمام شد، یا اینکه بگویم الآن این کار را انجام بدهید، در انجام دادن ممکن است انجام بدهیم و ممکن است انجام ندهیم؛ اما وقتی به صورت جمله خبریه باشد؛ یعنی تمام شده است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» خبر می‌دهد که حکم شریعت برای شما نوشته شده است. این‌گونه نیست که برداشته شود، یک مسئله‌ای را خداوند دارد به صورت جمله خبریه بیان می‌کند.

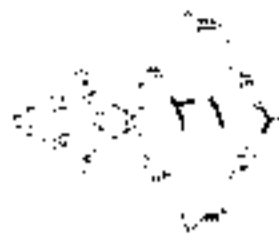
همچنین ممکن است اینکه فرموده «كُتِبَ» و فرموده «صوموا» یا «کتب الله»، به خاطر این باشد که خداوند در مقام احترام به مؤمنان است. معمولاً خطابات از فرد عالی به دانی است. فردی عالی باید خود را در مقام بالا قرار دهد و به کسی که در مقام پایین است، فرمان دهد؛ اینجا هم باید خداوند خود را در مقام بالا قرار بدهد و به بندگانش فرمان بدهد؛ اما آن‌قدر به بندگانش علاقه دارد که

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۶.

نمی‌خواهد از یک مقام بالا به مقام پایین فرمان بدهد؛ از این رو می‌فرماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾؛ ای بندگان من! این‌گونه برای شما نوشته شد که خداوند احترام خاصی را برای بندگان در نظر گرفته است؛ از همین رو به صورت جمله خبریه بیان فرموده است.

همچنین ممکن است به این خاطر باشد که همان‌طور که ما می‌دانیم، بالاخره روزه گرفتن زحمت دارد، روزه گرفتن مشکل است. این‌طور نیست که راحت باشد؛ به‌ویژه در فصل گرما برای کسانی که کار می‌کنند، زحمت می‌کشند، کارگر هستند، در روز، در هوای گرم تشنگی را برای خودشان قبول می‌کنند که دستور الهی را انجام بدهند؛ زیرا خداوند می‌داند که در این زحمت است، از این رو به گونه‌ای بیان کرده که فرمود: «كُتِبَ»، برای شما نوشته شده است، ای بندگان من! شما می‌دانید این عبادت برای شما زحمت دارد، اما برای دیگران هم نوشته شده بود. شما هم مانند پیشینیان هستید. همان‌گونه که پیشینیان زحمت کشیدند و روزه گرفتند؛ این هم برای شما که بندگان خاص من و مؤمن هستید، نوشته شده و زحماتش را تحمل کنید؛ لذا فرمود: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾.

نکته بسیار ظریف دیگری که ما از «كُتِبَ» استفاده می‌کنیم -اینکه خداوند نمی‌فرماید من برایتان نوشتم، می‌فرماید: «كُتِبَ»؛ نوشته شده است - این است که گاهی انسان که فرمان می‌دهد، به مردم می‌گوید من این کار را برای شما واجب کردم و ضروری است که این کار را انجام بدهید؛ ولی یک بار این‌طوری نمی‌گوید، می‌گوید این کار برای شما نوشته شده که انجام بدهید؛ به دلیل اینکه زحمتی برای بندگان است؛ لذا فرمود: «كُتِبَ»، در این آیه نفرموده است من برایتان واجب کردم؛



اگرچه همه احکام و دستورات ما از شرع مقدس است و خداوند در حقیقت واجب کرده است، اما در اینجا به خودش نسبت نمی‌دهد؛ ولی در جایی که رحمت باشد و زحمت نباشد، می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ»؛ خداوند در آنجا می‌فرماید رحمت را بر خودش نوشته است. دیگر نمی‌فرماید: «كُتِبَ»؛ بنابراین چون عبادتی است که دارای زحمت است، به این بیان آورده شد که بالاخره در این مقام بنده در اینجا باید یک مَنّی داشته باشد، نمی‌خواهیم مَنّ بر خدا بگذاریم. مثل اینکه دارند به او التماس می‌کنند، تو که مؤمن هستی، این فرمان خداوند متعال را اجرا کن.

### وجوب روزه برای امت‌های پیشین

سپس می‌فرماید: «كَمَا كُتِبَ عَلَي الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»؛ حکم الهی روزه بر شما نوشته شده، همان‌طور که بر انسان‌هایی که قبل از شما بودند، نوشته شده است. گمان نکنید شما مسلمان‌های آخرالزمان و امت پیامبر آخرالزمان هستید که چنین تکلیف شاقی دارید. نه، قبل از شما هم کسانی بودند که دارای چنین تکلیف شاقی بودند و این زحمات را متحمل می‌شدند و بندگی خداوند را انجام می‌دادند.

### پیشینه روزه‌داری

درباره سابقه روزه مشاهده می‌کنیم که خداوند متعال، همان‌طور که در تفاسیر و روایات آمده است، از روز اول خلقت انسان‌ها روزه را بر آنها واجب کرده است.

خیلی مهم است، معلوم می‌شود حکمی است که اهمیت زیادی دارد و آن قدر برای بندگان فایده دارد که خداوند بر آنان واجب کرده است؛ آن هم از روز اول که آدم -علی نبینا وآله وعلیه السلام- خلق شد، روزه بر او واجب شد.

در روایات نقل شده وقتی حضرت آدم ع را از بهشت بیرون راندند، شروع کرد به انابه، گریه و توبه کردن به درگاه خداوند و خداوند توبه‌اش را پذیرفت. آنجا دارد چون آدم از میوه آن درخت خورد، سی روز در شکمش ماند؛ پس خداوند سی روز گرسنگی و تشنگی را بر ذریه وی واجب گردانید و روزه گرفتن از همان ابتدا بر آدم ع واجب شد.<sup>۱</sup>

روشن است که از همان روز اول روزه گرفتن واجب بوده و حکمی بوده که خداوند آن را برای مردم آورده است.

### روزه در میان پیامبران پیشین

ابن عباس در مورد روزه انبیای گذشته از پیامبر اکرم ع روایتی نقل کرده که در کتاب *وسائل الشیعه* آمده است.<sup>۲</sup>

۱. صدوق، الامالی، ص ۱۹۳؛ همو، فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۰۱؛ همو، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۷۹؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴۱؛ مجلسی، حیاة القلوب، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳۹. «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنِ الصِّيَامِ، فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ دَاوُدَ فَإِنَّهُ كَانَ مِنْ أَعْبَادِ النَّاسِ؛ إِلَى أَنْ قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنْ أَفْضَلَ الصِّيَامِ صِيَامُ أَخِي دَاوُدَ ص، وَكَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا؛ وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صِيَامَ سُلَيْمَانَ ص



«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنِ الصِّيَامِ؛ شَخْصِي خَدَمْتُ پیامبر اکرم ﷺ: أَمَدُ وَدِرْبَارَةُ رُوزِهِ از پیامبر ﷺ سَوَّالِ كَرْد. مَعْلُومٌ مِی شُود سَوَّالِش از رُوزَةُ انبِیایِ گَذاشْتِه بُوْدِه اسْت.

### روزه گرفتن حضرت داود ﷺ

«فَقَالَ ﷺ: إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ دَاوُدَ فَإِنَّهُ كَانَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ؛ پیامبر ﷺ فرمود: اگر تو اراده کردی روزه حضرت داود ﷺ را که ببینی داود چگونه روزه می گرفت، داود از عابدترین مردم بود «إِلَى أَنْ قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ أَفْضَلَ الصِّيَامِ صِيَامُ أَخِي دَاوُدَ ﷺ»؛ ابن عباس ادامه می دهد، سپس می گوید: پیامبر ﷺ فرمودند: برترین و بافضیلت ترین روزه گرفتن روزه برادر من داود ﷺ است. حضرت داود ﷺ چگونه روزه می گرفت که می فرماید: برترین روزه، روزه داود است. «وَكَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا»؛ یک روز روزه می گرفت و یک روز افطار می کرد؛ روزی روزه بود، روزی دیگر افطار می کرد. روزه گرفتن حضرت داود ﷺ این گونه بود.

### روزه گرفتن حضرت سلیمان ﷺ

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صِيَامَ سُلَيْمَانَ ﷺ؛ اگر می خواهی ببینی روزه حضرت سلیمان ﷺ چگونه بوده است، «فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةً، وَمِنْ وَسْطِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةً، وَمِنْ

فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةً، وَمِنْ وَسْطِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةً، وَمِنْ آخِرِهِ ثَلَاثَةً؛ وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ عِيسَى ﷺ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ الدَّهْرَ كُلَّهُ لَا يُفْطِرُ مِنْهُ شَيْئًا؛ وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ مَرْيَمَ ﷺ فَإِنَّهَا كَانَتْ تَصُومُ يَوْمَيْنِ وَتُفْطِرُ يَوْمًا؛ وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ خَيْرِ الْبَشَرِ الْعَرَبِيِّ الْقُرْشِيِّ أَبِي الْقَاسِمِ ﷺ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَيَقُولُ: هِيَ صِيَامُ الدَّهْرِ».



آخِرِهِ ثَلَاثَةً؛ حضرت سه روز از اول ماه، سه روز وسط ماه و سه روز آخر ماه را روزه می گرفت.

روشن است که قبل از امت پیامبر اکرم ﷺ نیز روزه واجب بوده است؛ همان طور که قرآن تصریح کرده است: ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾؛ و انبیا این گونه روزه می گرفتند.

### روزه گرفتن حضرت عیسیٰ ﷺ

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ عِيسَى ﷺ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ الدَّهْرَ»؛ اگر می خواهی بدانی که روزه حضرت عیسیٰ ﷺ چگونه بوده است، تمام دهر و روزها در سال را روزه می گرفت. زندگی ایشان در این دنیا خیلی اندک بود، چندین سال بیشتر طول نکشید البته ایشان هنوز هم زنده است- ولی حضرت عیسیٰ ﷺ همیشه روزها را روزه می گرفت. «فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ الدَّهْرَ كُلَّهُ لَا يُفْطِرُ مِنْهُ شَيْئاً»؛ هیچ افطار نمی کرد از این دهر، حتی یک روز هم افطار نکردند.

### روزه گرفتن حضرت مریم ﷺ

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ مَرْيَمَ ﷺ»؛ اگر می خواهی بدانی روزه حضرت مریم ﷺ چگونه بوده، «فَإِنَّهَا كَانَتْ تَصُومُ يَوْمَيْنِ وَتُفْطِرُ يَوْماً»؛ دو روز روزه می گرفت، یک روز روزه نمی گرفت. سخت است، ما فقط به زبان می گوئیم، می نویسیم و می خوانیم؛ اما به خاطر لذتی که از روزه گرفتن در درگاه خدا می بردند، حاضر بودند همه این تعب و زحماتش را تحمل کنند.

## روزه گرفتن پیامبر اکرم ﷺ

«وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ خَيْرِ الْبَشَرِ الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ أَبِي الْقَاسِمِ ﷺ؛ اگر می خواهی بدانی خیرالبشر، حضرت محمد ﷺ، چگونه روزه می گیرند، «فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ»؛ ایشان سه روز در هر ماه روزه می گیرند، «وَيَقُولُ: هِيَ صِيَامُ الدَّهْرِ»؛ و خودش می فرماید این روزه، روزه دهر است. یک روز از اول ماه، یک روز از وسط ماه، یک روز از آخر ماه، روزه گرفتن پیامبر اکرم ﷺ این گونه بود.

چقدر اهمیت دارد که روزه در نزد پیشینیان و در میان پیامبران گذشته این گونه باارزش بود؛ لذا قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان طور که بر پیشینیان نوشته شد؛ باشد که تقوا پیشه کنید. فایده روزه هم معلوم است، البته ما هم نمی خواهیم اینها را اینجا توضیح دهیم، اگر وارد بحث روزه بشویم، چند جلسه بحث می خواهد؛ واقعاً جای بحث دارد. روایات بسیاری درباره روزه داریم، مانند روزه ماه مبارک رمضان، روزه های مستحب، روزه روزه های تابستان و...

## مسح صورت روزه داران در هوای گرم به وسیله فرشتگان الهی

روایت دیگری درباره سختی روزه در ماه مبارک رمضان و در فصل گرما نقل شده است. امام صادق ع درباره روزه در فصل گرما می فرماید: «مَنْ صَامَ لِلَّهِ عَزَّ

وَجَلَّ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ؛<sup>۱</sup> هرکس در شدت گرما روزه بگیرد و برای خدا نیتش خالص باشد و در هوای گرم به او تشنگی وارد شود، خداوند هزار ملک و فرشته را موکل می‌کند - یعنی برای اینها قرار می‌دهد - که صورت این شخص روزه‌داری که به خاطر تشنگی ناراحت شده و تشنگی را متحمل شده است، مسح کنند.

### بشارت فرشتگان به روزه‌داران در هوای گرم

«وَيُبَشِّرُونَهُ»؛ و به او بشارت می‌دهند. وسط روز می‌آیند خدمت این شخص و به او بشارت می‌دهند که ناراحت نباش و غصه نخور.

«حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ سپس امام علیه السلام می‌فرماید: خداوند متعال هنگام افطار با این شخص صحبت می‌کند. بسیار باارزش است که از جانب خدا به این شخص روزه‌دار ندا می‌شود؛ شخصی که برای خدا روزه گرفته است. همان‌گونه که می‌دانید، در روزه آن‌طور که معروف است، ریا وجود ندارد؛ یعنی کسی نمی‌تواند روزه را برای ریا و خودنمایی بگیرد؛ به خاطر اینکه انسان می‌تواند جایی به صورت پنهانی روزه را بخورد، اما اینکه دوازده ساعت، چهارده ساعت، هفده ساعت چیزی نخورد، معلوم است که برای خداست و در روزه ریا اصلاً وجود ندارد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۰۹. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ مُنْدِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ صَامَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمَأٌ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ، وَيُبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ، مَلَائِكَتِي اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ».



از این رو خداوند موقع افطار به روزه‌دار می‌فرماید: «مَا أَطِيبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ»؛  
چقدر بوی تو خوب و طیب است. چه بوی زیبایی داری! چه بوی معطری داری!  
ما ممکن است آن بو را استشمام نکنیم، اما خداوند آن بو را استشمام می‌کند؛  
از این رو می‌فرماید: «مَا أَطِيبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ»؛ چه بوی خوشی داری! روح تو  
چقدر بلند و معطر شده است!

### شهادت فرشتگان الهی به آمرزش روزه‌داران توسط خدا

«مَلَائِكَتِي إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهٗ»؛ خدا به فرشتگانش می‌فرماید: فرشتگان من،  
شاهد باشید من این شخص را آمرزیدم؛ هنگام افطار این بشارت بزرگ از جانب  
خداوند به او داده می‌شود.

### خوشحالی روزه‌داران هنگام افطار و ملاقات پروردگارشان

در روایتی دیگر داریم که «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ، وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ»؛<sup>۱</sup> انسان  
روزه‌دار دو فرح و خوشی دارد؛ یکی هنگام افطار است که می‌خواهد افطار کند؛ همه  
زحمات تمام شده، مشکلات برطرف شده، الآن نشسته کنار سفره افطار و می‌گوید: «اللَّهُمَّ  
لَكَ صُومْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ»؛<sup>۲</sup> خدایا من برای تو روزه گرفتم و برای تو افطار می‌کنم.  
این شخص چقدر خوشحال می‌شود که توانسته جواب ندای الهی را بدهد و روزه بگیرد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۵؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۶؛ حر عاملی، وسائل  
الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

۲. اشعث کوفی، الجعفریات، ص ۶۰؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۳۹؛ محدث نوری،  
مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۵۹.

«وَفَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ»؛ خوشی دیگر زمانی است که روز قیامت خدای خویش

را ملاقات می کند.

## پاداش روزه‌داران و صابران

در روایت داریم که آیه شریفه می فرماید: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ

حِسَابٍ»؛ خداوند به صابران و کسانی که صبر کردند، آن قدر پاداش بدون

حساب می دهد که فرشتگان الهی نمی توانند آن را شمارش کنند.<sup>۱</sup>

روایت می فرماید: صابران کسانی هستند که روزه گرفتند و صبر داشتند. «وَأَسْتَعِينُوا

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛<sup>۲</sup> در روایت داریم که منظور از صبر در اینجا روزه است.<sup>۳</sup> به وسیله

صبر استعانت پیدا بکنیم. منظور از صبر در این روایت، همان روزه است.

«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ خداوند به این روزه‌دار صابر بدون

حساب پاداش می دهد؛ لذا می فرماید: «فَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ».

## فایده روزه گرفتن

خداوند خطاب به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ

عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۴</sup>

۱. زمر، ۱۰. «صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند».

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۵؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۱۱۲.

۳. بقره، ۴۵. «از صبر و نماز یاری جوید».

۴. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۴۳-۴۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۱۷؛ حر عاملی، وسائل

الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۰۷-۴۰۸.

۵. بقره، ۱۸۳.

یکی از فواید روزه مسلماً ایجاد تقوا و ورع در انسان است. روزه‌دار، همان‌گونه که در روایات داریم، تنها دهان او روزه نیست؛ روزه‌دار تنها شکم او روزه‌دار نیست، هم گوشش روزه است، هم چشمش روزه است، همه اعضا و جوارحش روزه است.<sup>۱</sup> یعنی چه همه اعضا و جوارح روزه است؟! یعنی اعضا و جوارحش همه در اختیار خداوند است و خداوند کاری می‌کند که این روزه‌دار با هیچ کدام از اعضا و جوارحش گناه نکند؛ بلکه با تمام اعضا و جوارحش خدا را اطاعت بکند و شکر نعمت‌های الهی را با این اعضا و جوارح انجام بدهد؛ لذا اگر کسی این‌گونه روزه داشته باشد، روزه‌دار واقعی است. روایات فراوانی نقل شده است درباره کسانی که خودشان را حفظ می‌کنند، زبانشان را حفظ می‌کنند، گوششان را حفظ می‌کنند تا بتوانند روزه‌دار واقعی باشند؛ آن هنگام است که قرآن می‌فرماید: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.

### تشریح حکم روزه مخصوص ایام ماه مبارک رمضان

البته روزه هم چند روزی بیشتر نیست، ﴿أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ﴾؛<sup>۲</sup> این‌طور نیست که بخواهید یک سال روزه بگیرید. برایتان سخت باشد، نه، تمام می‌شود، چند روزی را خداوند متعال برای شما واجب فرمودند.

۱. اشعری قمی، النوادر، ص ۲۳؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۷؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲،

ص ۱۰۸-۱۰۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۹.

۲. بقره، ۱۸۴.

بعد بخشی از احکام روزه را بیان می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ...﴾.

امیدواریم که از روزه‌داران واقعی باشیم و ان شاء الله اعمال ما، کردار ما و طاعات ما مد نظر خاص روزه‌دار واقعی این ماه، حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام باشد و در موقع افطار مشمول دعای آن حضرت بشویم. ما هم وظیفه داریم در این ماه با زبان روزه برای فرج آن بزرگوار دعا کنیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. بقره ۱۸۴. ﴿أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ «چند روز محدودی را باید روزه بدارید، و هرکس از شما بیمار و یا مسافر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد؛ و بر کسانی که روزه بر آنها طاقت‌فرسا است، لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر بدانید».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾<sup>۱</sup>

به مناسبت نزول قرآن کریم در ماه مبارک رمضان، تفسیر آیه‌ای را که جلسه قبل مطرح کردیم، بیان می‌کنیم. ان شاء الله جلسات آینده وارد مباحث مهدویت می‌شویم و آیاتی را که درباره وجود نازنین حضرت بقیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء است، بیان می‌کنیم.

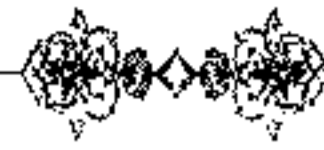
### ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن

همان‌گونه که قرآن کریم در آیات متعدد به این امر مهم اشاره فرمودند، در آیه شریفه ۱۸۵ سوره بقره نیز می‌فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾؛ نزول

---

۱. بقره، ۱۸۵. «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است».





قرآن کریم در ماه مبارک رمضان است. همچنین در آیه سوم سوره دخان می‌فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ**<sup>۱</sup>؛ ما قرآن را در شب مبارک فرستادیم و نازل کردیم. در سوره قدر نیز می‌فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**<sup>۲</sup>.

با توجه به این آیات، نتیجه می‌گیریم که قرآن کریم در ماه مبارک رمضان نازل شده است؛ آن هم در شب، نه در روز و آن شب نیز شب قدر است.

### عظمت ماه مبارک رمضان به خاطر نزول قرآن

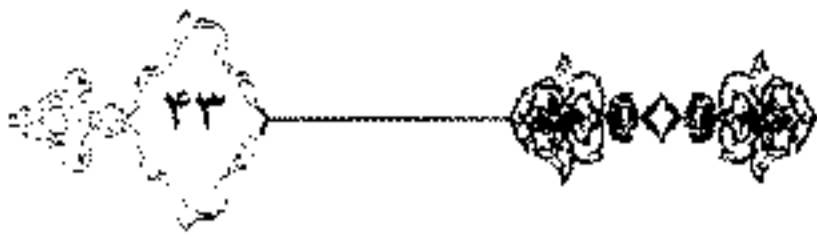
اما نزول قرآن در ماه مبارک رمضان به ما اعلام می‌کند که این ماه شرف بسیار زیادی دارد و عظمت این ماه به خاطر نزول قرآن کریم است. البته نزول قرآن یک مرتبه و به صورت دفعی یا به صورت تدریجی، بحثی است که بعضی از مفسرین عالی مقام می‌گویند قرآن کریم یک باره به صورت دفعی بر قلب مبارک رسول اکرم ﷺ در شب قدر نازل شد و به صورت تدریجی هم در ماه‌های دیگر در طول ۲۳ سال نازل گردید.

### قرآن معجزه جاویدان پیامبر اکرم ﷺ

عظمت این ماه بیشتر به خاطر نزول قرآن کریم است؛ قرآنی که معجزه خالده اسلام و معجزه جاویدان پیامبر اکرم ﷺ است. نه تنها معجزه پیامبر ﷺ، بلکه قرآن غیر از اینکه اثبات رسالت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ را دارد، اثبات رسالت و نبوت تمام انبیای گذشته را نیز دارد؛ یعنی این معجزه خالده تنها معجزه‌ای است که از انبیای الهی باقی

۱. دخان. ۳. «ما آن (قرآن) را در شبی پربرکت نازل کردیم».

۲. قدر. ۱. «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم».



مانده است، و گرنه معجزات دیگر معجزاتی بودند که از بین رفتند. عصای موسی علیه السلام، زنده کردن اموات به وسیله حضرت عیسی علیه السلام یا معجزه‌های فراوانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند، همه از بین رفتند. اینها معجزاتی بودند که خالد و جاویدان نبودند، اما معجزه‌ای که جاویدان، خالد و همیشگی است و می‌تواند رسالت انبیای الهی را ثابت کند، قرآن کریم است؛ لذا اهمیت قرآن برای ما روشن‌تر می‌شود.

### تحریف‌ناپذیری قرآن

قرآنی در میان کتاب‌های آسمانی، تنها کتابی است که تحریف نشده است. کتاب‌های آسمانی دیگر تحریف شده‌اند و اگر هم اصلش باشد، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام بوده و آنچه در میان بشر است، به جز قرآن کریم، همه تحریف شده‌اند؛ لذا قرآن تنها معجزه خالد و جاویدانی است که تحریف نشده است.

### دعوت قرآن به تحدی

قرآن بارها در آیات متعدد مردم را به تحدی دعوت می‌کند که اگر واقعاً می‌توانید مانند قرآن را بیاورید. این تحدی تا امروز هم پابرجاست. خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: **﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾**<sup>۱</sup>.

۱. بقره، ۲۳. «و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید،

(دست‌کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار فرا

خوانید، اگر راست می‌گویید!».

اگر واقعاً شما راست می‌گویید، اگر واقعاً می‌توانید مانند قرآن را بیاورید، فَاتُّوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ؛ پس یک سوره مثل قرآن بیاورید. اگر توانستید بیاورید. وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ؛ و دیگران را هم بخوانید؛ جن و انس را بیاورید. همه را با خودتان همکار کنید، اگر توانستید مانند یک آیه از قرآن کریم بیاورید. این تحدی تا امروز باقی مانده است؛ یعنی آن‌قدر مسلمانان، اسلام و قرآن کریم دشمن داشتند و تا به امروز هم که دشمنان هستند، اگر می‌توانستند برای از بین بردن حقانیت اسلام و برای اینکه دین مبین اسلام را در بین مردم از حقانیت بیندازند، به‌طور قطع دنبال این بودند که سوره‌های مانند قرآن بیاورند. اگر سوره می‌آوردند، این همه جنگ، این همه کشتار و قتل و غارت‌ها نبود که این‌گونه بیایند با مسلمانان دشمنی کنند. در طول قرون متعدد اگر می‌توانستند انجام می‌دادند، ولی ادبای عالم و کسانی که از بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین مردم زمان خودشان بودند، اذعان دارند بر اینکه هرگز نمی‌توانند یک سوره مانند سوره‌های قرآن کریم بیاورند.

### تحدی قرآن نسبت به انس و جن

قرآن در جای دیگر در آیه ۸۸ سوره اسراء می‌فرماید: ﴿قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾؛ ای پیامبر ما بگو اگر انس و جن نمی‌گویند یک نفر، نمی‌گویند انسان- روی زمین

۱. اسراء، ۸۸ «بگو اگر انسان‌ها و پریان (انس و جن) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند».

جمع بشوند و بخواهند از راه‌های گوناگون (جن‌ها طرق فوق‌العاده‌ای دارند، آنها شاید در بعضی از کارها از انسان‌ها جلوتر باشند و کارهایی را می‌توانند انجام بدهند) سوره یا آیه‌ای مثل قرآن بیاورند، **أَلَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ**؛ نمی‌تواند هرگز مانند این قرآن را بیاورند.

بعد می‌فرماید: **وَلَوْ كَانُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا**؛ اگرچه بعضی از آنها بر بعضی دیگر ظهیر باشند، پشتیبان همدیگر باشند. دانشگاه‌های عالم، دانشگاه‌های ادبیات، اساتید ادبیات عالم، همه جمع شوند، کنفرانس‌ها تشکیل بدهند، کنگره‌های مهم تشکیل بدهند که بخواهند یک آیه‌ای مانند قرآن کریم بیاورند، هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد. به این دلیل است که تا به حال نتوانستند بیاورند؛ اگر می‌توانستند تاکنون می‌آوردند و حقانیت قرآن از بین می‌رفت.

پس این معجزه خالد و جاویدان اسلام است؛ لذا اهمیت این کتاب باید بیشتر معلوم شود. ما باید بیشتر به این کتاب آسمانی افتخار کنیم و بیشتر به آن احترام بگذاریم. آن را در ماه مبارک رمضان بیشتر تلاوت کنیم. چرا در ماه مبارک رمضان خواندن قرآن و تلاوت قرآن این قدر ثواب دارد؟ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند اگر یک آیه در این ماه مبارک خوانده شود، ثواب یک ختم قرآن را دارد. چرا در ماه‌های دیگر این گونه نیست؟ به خاطر اینکه ماه نزول قرآن و ماه سالگرد نزول قرآن است. هر سال مسلمانان باید به نازل شدن این کتاب دستور و این قانون اساسی اسلام افتخار کنند و به خودشان ببالند و به جهانیان اعلام کنند که ما چنین کتاب آسمانی

داریم. کتاب هدایت، کتاب نور، کتاب شفا که دنیا در مقابل آن کرنش می‌کند و سر تسلیم فرود می‌آورد. اینکه می‌گوییم دنیا، دانشمندان بزرگ دنیا و ادیبان عالم در برابر قرآن سر تسلیم فرود آوردند و الآن هم همین‌گونه است. از نظر علوم اخلاقی، از نظر علوم اجتماعی، از نظر تاریخی، از نظر علمی که برای هدایت و راهنمای بشر است، همه اذعان دارند که قرآن بهترین راه هدایت را برای بشر معرفی کرده است. اینها اعترافاتی است که دیگران بر این مسئله دارند، نه اینکه تنها ما مسلمانان اعتقاد داشته باشیم؛ از این رو قرآن برای ما اهمیت دارد. در ماه مبارک رمضان باید بیشتر به قرآن توجه داشته باشیم و به دنیا اعلام کنیم اگر در ماه مبارک رمضان قرآن می‌خوانیم، به خاطر سالگرد نزول قرآن کریم در ماه مبارک رمضان است.

### شناخت قرآن از طریق قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام

از سوی دیگر، می‌بینیم قرآن خودش را معرفی می‌کند، اگر بخواهیم قرآن را بشناسیم، از قرآن و گفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. واقعاً قرآن و کلمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام اقیانوس بی‌کرانی درباره قرآن است. در ماه رمضان باید بیشتر به این مسائل اهمیت بدهیم. کلمات گهربار امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در نهج البلاغه درباره قرآن بیان شده است، بعضی از آنها را بیان خواهیم کرد. باید مردم را به کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره قرآن توجه دهیم. ما قرآن را فقط در منزل نگذاریم یا در بعضی اوقات به روی سرمان بگیریم یا کسی می‌خواهد به مسافرت برود؛ نه، هر روز باید این قرآن را باز کنیم.



## خواندن روزی پنجاه آیه از قرآن

امام صادق ع بنا بر روایتی می فرماید بر مسلمانان لازم است روزی پنجاه آیه از این کتاب آسمانی را تلاوت کنند.<sup>۱</sup> بر ما لازم است که دست کم پنجاه آیه را تلاوت کنیم. اینها برای خود ماست.

## قرآن کتاب هدایت

قرآن راهنما و هادی ماست، لذا می فرماید: **اذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**<sup>۲</sup>؛ این کتاب هدایت است. یکی از نام‌های قرآن کریم هادی و هدایت کننده است، آن هم برای متقین. متقین چه کسانی هستند؟ **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**<sup>۳</sup>؛ کسانی که ایمان به غیب دارند. در بحث آیات مهدوی ان شاء الله اشاره خواهیم کرد.

قرآن می فرماید: **هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**؛ قرآن کتاب هدایت است. اگر به دنبال نسخه شفابخشی هستید که مردم ارشاد و هدایت بشوند، این نسخه شفابخش را به مردم ارائه بدهیم تا از وضعیت بدی که در جهان پیدا شده، رهایی یابند. اگر ما ارائه ندهیم، مسئول هستیم. ما مسلمانان باید به این کتاب آسمانی افتخار کنیم و آن را

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۲۲؛ حر عاملی،

وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۹۸.

۲. بقره، ۲. «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است».

۳. بقره، ۳. «کسانی که به غیب ایمان می آورند».

هرطور که شده در بین مردم نشر دهیم و تبلیغ کنیم. بنابراین آیه می‌فرماید قرآن کتاب هدایت است و یکی از نام‌های قرآن هادی (هدایت‌کننده) است.

### قرآن احسن‌الحدیث است

خداوند در جای دیگر قرآن را به احسن‌الحدیث معرفی کرده است. **«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ»**<sup>۱</sup> قرآن احسن‌الحدیث است. چقدر زیباست! خدا بهترین گفتار را نازل کرده است. حدیث به معنای یک چیز تازه است. گفتار نو را حدیث می‌گویند. خدا بهترین گفتار را که برای مردم لازم است، نازل کرده است. اگر احسن‌الحدیث را می‌خواهید باید در قرآن کریم جست‌وجو کنید. **«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ»**؛ پس خود قرآن این کتاب آسمانی را به عنوان احسن‌الحدیث معرفی می‌کند.

### قرآن برهانی از سوی پروردگار

در جای دیگر می‌فرماید قرآن برهان است؛ دلیل آشکار و روشن برای جامعه بشری؛ لذا در آیه ۱۷۴ سوره نساء می‌فرماید: **«قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ»**<sup>۲</sup> خداوند برای شما مسلمانان برهانی فرستاد. برهانی از سوی پروردگارتان آمد. برهان چیست؟ برهان دلیل آشکاری است که در او هیچ سستی وجود ندارد. در این برهان هیچ کجی وجود ندارد. برهان درستی که می‌تواند دلیل آشکاری

۱. زمر، ۲۳. «خداوند بهترین سخن را نازل کرده است.»

۲. نساء، ۱۷۴. «ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد.»

برای حقانیت دین اسلام باشد، همین قرآن است. برهان است برای توحید، برهان است برای نبوت، این کتاب برهان است برای معاد، برهان است برای امامت، برهان است برای ولایت؛ هرچه می‌خواهید برهان محکم این قرآن است. شما هم می‌توانید با این برهان با مردم روبه‌رو شوید. اگر کسانی هستند که می‌خواهند شبهه ایجاد کنند و اشکالی بکنند، می‌توانید جوابش را با قرآن بدهید. هر جا این سلاح را داشته باشید و به قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مسلح باشید، آنجا پیروز هستید؛ اما هرچه از قرآن دور باشید، آنجا ضعیف و سست هستید؛ لذا می‌فرماید:

«قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ این قرآن برهانی است از جانب پروردگارتان؛ بنابراین یکی از اوصاف قرآن برهان است.

## منظور از فرقان در قرآن

یکی دیگر از نام‌های قرآن، فرقان است. در آیه نخست سوره فرقان خداوند می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ خداوند مبارک است، آن کسی که فرقان را بر بنده‌اش نازل کرده است. قرآن در قرآن به فرقان معرفی شده است. فرقان یعنی چه؟ فرقان یعنی جداکننده حق از باطل، آن چیزی که می‌تواند حق را از باطل جدا کند، قرآن است. اگر بنخواهید با حق باشید، با

---

۱. فرقان، ۱. «زوال‌ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد».



قرآن باشید. اگر بخواهید با باطل باشید، از قرآن دور هستید. روایات متعددی داریم که اگر بخواهید حقانیت قرآن را بشناسید، باید با کسانی باشید که پیامبر اکرم: «أَنْهَا رَا بَه حَق مَعْرِفِي كَرَدَه اسْت: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»<sup>۱</sup>. در روایتی دیگر می‌فرماید: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»: «علی با حق و حق با علی است».

قرآن هم با علی است و علی از قرآن جدا نخواهد شد؛ این را فرقان می‌گویند. قرآن خود را به فرقان معرفی کرده است؛ یعنی کتابی که جداکننده حق از باطل است؛ از این رو می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ»: مبارک است خدایی که فرقان را بر بنده خودش (پیامبر) نازل کرده است.

ما به میزان احتیاج داریم، نیازمند کسی یا چیزی هستیم که حق و باطل را برای ما معلوم کند. آن میزان و آن چیزی که می‌تواند حق و باطل را معرفی کند، قرآن است؛ لذا می‌فرماید قرآن فرقان است.

## قرآن بیان‌کننده همه چیز

واقعاً انسان چقدر لذت می‌برد! هرچه قرآن را بخواند و هرچه در این آیات تدبیر و تتبع کند، افق‌های روشنی در مقابل چشمش باز می‌شود و نشاط معنوی پیدا

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۵-۳۶.

۲. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۰؛ مفید، الفصول المختارة، ص ۹۷، ۱۳۵، ۲۱۱، ۲۲۴، ۳۳۹.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۶.

می‌کند. خدا قرآن را به تبیان معرفی می‌کند. قرآن تبیان است؛ یعنی بیان‌کننده آنچه مربوط به امور مردم است و مردم تا روز قیامت به آن احتیاج دارند.

در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ**؛ ای

پیامبر! ما بر تو نازل کردیم کتاب را که تبیان برای هر چیزی است.

آنچه لازم است برای مردم بیان شود، در قرآن آورده شده است. برنامه‌های

هدایت آنها تا روز قیامت در این کتاب بیان شده است. آنچه مردم به آن احتیاج

دارند، این کتاب را برایت فرستادیم که هر چیزی بخواهید در این قرآن بیان شده

است. **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ**؛ ما از قرآن دور هستیم. وگرنه همه

موضوعات از نظر هدایت و برنامه تربیتی در قرآن به بهترین وجه بیان شده است.

## قرآن نور آشکار

باز در جای دیگر قرآن خود را نور آشکار معرفی می‌کند. قرآن نور است،

نورانیت واقعی در قرآن است. نورانیت قلوب در قرآن است. می‌فرماید: **وَأَنْزَلْنَا**

**إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا**؛

ما برای شما هرچه می‌خواهید فرستادیم؛ هدایت فرستادیم، تبیان فرستادیم،

برهان فرستادیم، نور نیز فرستادیم. شمایی که در ظلمت و جهل زندگی می‌کنید،

آن هم ظلمت جاهلیت؛ جاهلیتی که برای آنان هیچ ارزش معنوی مطرح نبوده و

۱. نحل، ۸۹. «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است».

۲. نساء، ۱۷۴. «و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم».

معنویات برای شان مفهومی نداشت. می فرماید ما برایتان نور فرستادیم. **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا؛** ما برایتان نور مبین، نور آشکار فرستادیم.

با این چراغ راه هدایت را بگیرید و زیر این نور قرآن در تمام دنیا بچرخید و از این نور استفاده کنید. این نور ظلمت‌ها را از بین می‌برد، تاریکی‌ها را از بین می‌برد، جهل‌ها را از بین می‌برد. آیات قرآن هم باعث هدایت مردم می‌شود و هم باعث نورانیت دل می‌شود. انسان با این نورانیت می‌تواند وارد اجتماع شود و مردم را هدایت بکند. لذا در آیه ۱۷۴ سوره نساء می‌فرماید: **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا؛** ما برای شما نور فرستادیم.

## قرآن ذکر الهی

باز در جای دیگر قرآن خودش را به عنوان ذکر معرفی می‌کند. قرآن ذکر است. آیه معروفی که همه می‌دانیم: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛** این آیه تأکیدهای زیادی دارد. **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ؛** ما خودمان برای شما قرآن را نازل کردیم. باز دوباره می‌فرماید: **وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛** ما این ذکر را برایتان حفظ می‌کنیم. قرآن را تا روز قیامت حفظ می‌کنیم و نمی‌گذاریم قرآن تحریف شود. این ذکر آسمانی است، این چیزی است که اگر انسان دنبالش برود، یاد و ذکر واقعی قرآن است.

۱. حجر، ۹. «ما قرآن را نازل کردیم و ما به‌طور قطع نگهدار آن هستیم!».

در جای دیگری می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۱</sup>

قرآن می فرماید اگر می خواهید به یاد من باشید، نماز بخوانید. ذکر همان قرآن است.

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ قرآن خودش را به عنوان ذکر معرفی می کند.

در آیه دیگر می فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>

از اهل ذکر سؤال کنید. ذکر یعنی قرآن و اهل ذکر یعنی اهل قرآن. اهل قرآن

چه کسانی هستند؟ قرآن نیز خانواده دارد. قرآن نیز اهل دارد. «أَهْلُ الْبَيْتِ أَذْرَىٰ مِنِّي فِي

الْبَيْتِ»<sup>۳</sup> اهل بیت قرآن کسانی هستند که می فرماید ما قرآن را نازل کردیم به عنوان

ذکر؛ «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»؛ پیامبر اکرم ص و ائمه معصومین ع هستند، که در آیه

تطهیر می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۴</sup>

## قرآن موعظه الهی

در یکی از آیات دیگر قرآن می فرماید این کتاب موعظه و نصیحت است، پند و اندرز

است. در آیه ۵۷ سوره یونس می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ»<sup>۵</sup>

۱. طه، ۱۴. «و نماز را برای یاد من به پا دار».

۲. نحل، ۴۳؛ انبیاء، ۷. «اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید».

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۴.

۴. احزاب، ۳۳. «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

۵. یونس، ۵۷. «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است».

ای مردم! همه را خطاب می‌کند؛ ای مردم از طرف خدا برای شما موعظه آمده است. همه به موعظه احتیاج دارند. امروز کسی نمی‌تواند بگوید ما به موعظه و پند و اندرز نیاز نداریم. حتی بالاترین مقام انسانیت و بشریت. گل سرسبد موجودات عالم، حضرت خاتم‌الانبیاء، محمد مصطفی ص، به جبرئیل می‌فرماید: «عِظْنِي»؛<sup>۱</sup> من نیز به موعظه احتیاج دارم.

موعظه واقعی و پند و اندرز برای جهانیان قرآن کریم است. اگر بخواهید برای خانواده خود وعظ و اندرز داشته باشید، اگر بخواهید برای اجتماعتان واعظ باشید، اولین چیزی که لازم است آشنایی با کتاب خدا و قرآن است. واعظی بالای منبر باشد و بگوید من واعظم، اما از قرآن چیزی برای مردم نگوید، این واعظ نیست؛ این را نباید واعظ بگوییم. ممکن است یک ساعت وقت مردم را بگیرد و یک آیه از قرآن را برای مردم نخواند. این واعظ نیست، واعظ آن است که قرآن می‌فرماید: **قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ**؛ واعظ واقعی قرآن است که خداوند برای مردم فرستاد و به عنوان موعظه خالده و جاویدان تا روز قیامت باقی است. این نیز از نام‌های دیگر قرآن است. موعظه یکی از نام‌های قرآن است.

## قرآن شفای دل‌ها

یکی دیگر از اوصاف بسیار مهمی که قرآن خودش را معرفی می‌فرماید، اینکه

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ج ۴، ص ۳۹۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸،

ص ۱۵۲. «نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ ص، فَقَالَ لَهُ: يَا جِبْرَائِيلُ عِظْنِي».

قرآن شفا است؛ آیات متعددی داریم که می‌فرماید: «وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ»؛ قرآن شفاست برای آنچه در این قلب‌هاست. اگر بخواهیم این مطالب را باز کنیم، ساعت‌ها باید وقت بگذاریم و در این باره صحبت کنیم. در قلب‌ها چیست که این کتاب «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» است. اگر قلب من و شما را باز کنند مقداری گوشت بیشتر نیست. کینه‌ها، حسدها و مسائل مختلفی که اگر در دل انسان باشد، انسان را از خدا دور می‌کند. قرآن «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» است. اگر می‌خواهید قلبتان پاک بشود، با قلب پاک خدا را ملاقات کنید. در این شب‌های عزیز و روزهای پربرکت با خدا ملاقات داشته باشید و با او صحبت کنید، قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن شفاست. چرا این سو و آن سو بروید. در روایت داریم آنچه بشر تا روز قیامت لازم دارد، در قرآن کریم وجود دارد.<sup>۲</sup> اگر این طرف و آن طرف رفت، راه صحیح را گم کرده است.

«وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup>.

قرآن شفای دردهای معنوی و دردهای باطنی ماست. اگر روح بیمار شود، هرگز نمی‌توانیم آن را اصلاح کنیم؛ یعنی طبیب اجسام و طبیب جسم هرگز نمی‌تواند روح و روان آدمی را درمان کند. به جز قرآن کریم و مواعظی که اوصیا و اولیای الهی برای ما آورده‌اند، کسی نمی‌تواند آن را درمان کند.

۱. یونس، ۵۷. «و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست».

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۷؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۹-۶۱؛ بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۴۴۳.

۳. اسراء، ۸۲. «و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم».

## قرآن رحمت برای مؤمنان

قرآن رحمت است. همین آیه‌ای که بیان کردیم، هم شفا در آن است و هم رحمت: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ قرآن برای مؤمنان رحمت است. اگر بخواهید کتاب آسمانی را برای مردم معرفی کنید، بگویید قرآن کتاب رحمت است؛ نه کتابی که داعشی‌ها، وهابی و از خدا بی‌خبران به مردم معرفی می‌کنند. آنها کتاب ظلمت، جهل و خشونت است. قرآن خودش را معرفی می‌کند: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ قرآن شفا و رحمت برای تمام مؤمنان است.

## قرآن کتاب مبارک

یکی دیگر از نام‌های قرآن کتاب مبارک است: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ»؛ این کتاب را ما برای شما نازل کردیم که بابرکت است. برکت در این کتاب است. برکت این است که آنچه انسان به آن احتیاج دارد، تا روز قیامت در این کتاب مبارک وجود دارد. قرآن کتابی است که دارای برکت است. قرآن کتابی است که مرده را زنده می‌کند؛ مرده‌هایی که قلوبشان مرده است. البته آیات زیاد دیگری است که برخی مفسران احصا کردند و بیش از نود آیه را در اینجا آوردند که قرآن خودش را معرفی می‌کند. ما چند مورد را بیشتر بیان نکردیم؛ برای اینکه بیشتر از این اقتضا نمی‌کند.

۱. انعام، ۹۲. «و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی است پربرکت».

## قرآن از منظر امام علی علیه السلام

اما امیرالمؤمنین علی علیه السلام، صاحب این ماه پر عظمت، کسی که در این ماه به شهادت رسید و شخصیت بزرگی که نه تنها عالم اسلام، بلکه عالم انسانیت مدیون ایشان هستند، در سخنان متعددی قرآن را معرفی می کند. سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام را در نهج البلاغه حتماً ببینید که چگونه قرآن را معرفی می کند.

### قرآن ناصحی است که خیانت نمی کند

حضرت می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ»<sup>۱</sup> بدانید این قرآن ناصحی است که خیانت نمی کند. اگر انسان در زندگی نصیحت کننده و واعظ لازم دارد، قرآن را به دست بگیرد و مطالعه کند. قرآن ناصحی است که هرگز خیانت نمی کند؛ یعنی نصیحت کنندگان و واعظان دیگر ممکن است اهل خیانت باشند، اما قرآن تنها ناصحی است که هرگز خیانت نمی کند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ (ص ۲۵۲)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۴. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ؛ وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ، زِيَادَةٌ فِي هُدًى، أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى؛ وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فِائِقَةٍ، وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى؛ فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ وَالْغِي وَالضَّلَالُ...».



## قرآن هادی بدون گمراهی

«وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ»؛ قرآن هادی است؛ هدایت‌کننده انسان‌هاست. هادی که مردم را گمراه نمی‌کند. بعضی اسمشان هادی است، ولی مضل هستند و ضلالت و گمراهیشان از همه بیشتر است. اسم هادی را برای خودشان یدک می‌کشند، اما قرآن تنها هادی و هدایت‌کننده واقعی است که هرگز مردم را گمراه نمی‌کند.

## قرآن خبردهنده صادق

«وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ»؛ انسان می‌خواهد با اشخاص و افرادی روبه‌رو شود که دروغ نمی‌گویند؟ ما انسان‌های راستگو را دوست داریم. قرآن می‌فرماید: «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ با راستگویان باشید. کسانی که هرگز دروغ نمی‌گویند که به بیان امیرمؤمنان علیه السلام قرآن است. «وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ»؛ قرآن آن حدیث‌گویی است که دروغ نمی‌گوید. آنچه گفته است، راست و حقیقت بوده و عین واقعیت است؛ از این‌رو اگر مردم بخواهند به چیزی تمسک کنند و به کلام راست استشهاد کنند، می‌گویند قرآن گفته است. اگر بگویند قرآن گفته، پس معلوم می‌شود که این راست و حقیقت است. دروغ در قرآن وجود ندارد.

## ثمره همنشینی و مصاحبت با قرآن

«وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ»؛ کسی با قرآن نشست، مگر

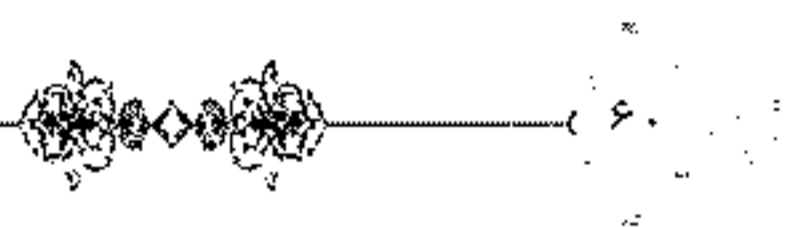
بعد از اینکه بلند شد از کنار قرآن یا بر او چیزی زیاد شده بود یا از او چیزی کم شده بود. هرکس با قرآن نشست، بعد از اینکه از کنار قرآن رفت و آن را بست و بلند شد، یا بر او چیزی زیاد شد یا از او چیزی کم شد. بعد خود حضرت توضیح می‌دهد به خاطر این همنشین و به خاطر این مصاحب واقعی چه چیز بر انسان افزوده می‌شود و چه چیز از انسان کم می‌شود. اگر می‌خواهید مصاحب و دوست داشته باشید، دوستی را برگزینید که این‌گونه باشد؛ یا به انسان چیزی بیفزاید یا از انسان چیزی کم کند، دوست واقعی این‌گونه است.

### قرآن موجب زیادی هدایت

«زِيَادَةٌ فِي هُدًى»؛ امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: دوست خوب (قرآن) سبب زیادی در هدایت می‌شود و هدایتش زیاد می‌شود. قرآن باعث شده که هدایتش بیشتر شود. شخصیتی قرآنی می‌شود، جامعه‌اش جامعه قرآنی می‌شود، خانه‌اش خانه قرآنی می‌شود، فکرش، گفتارش و پندارش قرآنی می‌شود.

### قرآن موجب دوری از جهل و نادانی

«أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى»؛ یا نقصانی پیدا می‌کند از عمی و کوری؛ یعنی جهالت از بین می‌رود و ظلمت کم می‌شود. کسی که تاکنون وظیفه‌اش این بوده که آن را از خودش دور بکند، به وسیله قرآن آن ضلالت‌ها و گمراهی‌ها از بین خواهد رفت.

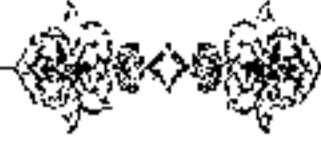
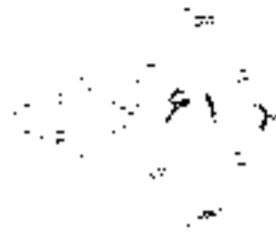


## قرآن بی‌نیازکننده از هر نیازی

امیر بیان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ»؛ شما بعد از قرآن به چیز دیگری احتیاج ندارید، اگر بعد از قرآن دنبال چیزی دیگر بروید، در واقع اشتباه کرده‌اید. در قرآن همه چیز است، سراغ کتاب‌های دیگر نروید. بعد از اینکه قرآن آمد، همه چیزهایی که قبل از قرآن بوده، حتی اگر حقیقت داشته‌اند، از بین رفته‌اند. کتاب واقعی و کتاب هدایت قرآن است. افتخار ما به قرآن کریم است، نه چیز دیگر، این را بدانید.

روایتی در این باره نقل شده که یکی از صحابه نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از کتاب‌های آسمانی گذشته را باز کرده و در مجلس می‌خواند. حال شاید می‌خواست اظهار فضل کند که من این کتاب را دارم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند چه کتابی را باز کردی و می‌خوانی؟ مگر بعد از قرآن ما به این کتاب‌ها نیاز داریم؟ مگر به قرآن کریم شک داری؟ بعد از آمدن قرآن کریم ما دیگر به هیچ چیزی احتیاج نداریم. اگر هم حقیقت داشته باشند که بسیاری از آنها حقیقت ندارند و همین‌طور معروف شدند. افتخار ما به قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه است؛ به دعای ابو حمزه ثمالی است. افتخار ما اینهاست. این دعاهایی را که از لسان معصومین علیهم السلام صادر شده است، کجا می‌خواهی پیدا کنی؟

۱. ابن‌عبدالبر، جامع بیان العلم، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن‌کثیر، تفسیر، ج ۲، ص ۴۸۴؛ هیتمی، مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۶۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۸۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۱.



لذا می فرماید: «أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ»؛ دیگر بعد از قرآن مردم به چیز دیگری نیاز ندارند. «وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى»؛ قبل از قرآن نیاز بود. با آمدن قرآن همه نیازمندی‌ها از بین رفت، همه ثروتمند و سرمایه‌دار شدند، سرمایه واقعی ما قرآن است.

## قرآن شفای همه دردها

«فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ» اگر درد دارید، شفای دردهایتان را از قرآن بخواهید. «فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ»؛ زیرا در قرآن شفای بزرگ‌ترین دردهاست. «وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأَوْائِكُمْ»؛ و در سختی‌ها از آن طلب یاری نمایید. در قرآن شفا از بزرگ‌ترین دردهایی است که انسان دارد. قرآن برای همه مردم شفاست.

«وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ وَالْغِيُّ وَالضَّلَالُ»؛ چیزهایی که داء و درد واقعی انسان

است، عبارتند از:

۱. کفر: قرآن کفر را از بین می‌برد؛

۲. نفاق: قرآن نفاق را نیز از بین می‌برد؛

۳. غی و تباهی: قرآن تباهی را از بین می‌برد؛

۴. ضلال و گمراهی: قرآن گمراهی را از بین خواهد برد.

ماه مبارک رمضان ماه عبادت است، باید به عبادات و دعاهای وارد شده در این

ماه برسیم. ان شاء الله همه ما از برکات این ماه شریف بهره‌مند شویم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>

به خواست خداوند متعال از این جلسه آیاتی را که مربوط به وجود سازنین حضرت بقیة الله الاعظم - ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است، بیان می کنیم. ان شاء الله این مباحث باعث شود که بیشتر با مقام بزرگ قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر علیه السلام آشنا شویم.

### ضرورت پرداختن به مباحث مهدویت

در ابتدا عرض می کنم ضرورتی که این بحث ها در حوزه و مجامع علمی و مراکز فرهنگی ما دارد، کاملاً روشن است. همان گونه که می دانید، شبهات بسیار زیادی در شبکه های ماهواره ای به وسیله دشمنان دین و دشمنان مذهب در حال نشر است و متأسفانه دسترسی جوانان ما به این شبهات خیلی آسان است؛ از این رو

---

۱. بقره، ۱۲۰. «الم؛ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.»

لازم می‌دانیم که خودمان را همیشه آماده نگه داریم؛ مانند سربازی که در حالت آماده‌باش است ما هم ان‌شاءالله که سرباز امام زمان عجلتعالیه هستیم، یک سرباز آماده برای پاسخگویی به این شبهات و تبلیغات سوئی که در دنیا امروز متأسفانه زیاد است، باشیم.

پس ضرورت این بحث‌ها کاملاً روشن است. به‌ویژه در حوزه علمیه قم که مهد علم و فقاہت و دیانت است و این همه کتاب‌های دینی و مجامع روایی ما از مطالبی که درباره امام زمان عجلتعالیه است، مشحون است، نباید غافل باشیم. بنیان‌گذار بزرگ حوزه علمیه، حاج شیخ عبدالکریم حائری و همچنین علما و مراجع بعد از ایشان به این نکته خیلی توجه داشتند که طلاب و فضلاء عالی‌مقام با بحث مهدویت به‌طور کامل آشنایی داشته باشند و بتوانند پاسخ‌گو باشند.

### تلاش علما و مراجع برای پاسخ به شبهات مهدوی

از آیت‌الله حائری رحمته‌الله نقل شده است که ایشان با اینکه مرجع تقلید بودند و در قله بلند علم و فقاہت قرار داشتند، اما ماه مبارک رمضان را به بحث مهدویت و پاسخ به شبهات مهدوی اختصاص می‌دادند. اینها همه برای ما درس است. از این بزرگوار نقل شده است که فرمودند: در اراک بودم، مشاهده کردم مردم از بنده پرسش‌هایی می‌کنند و این سؤالات بیشتر درباره حضرت مهدی عجلتعالیه بود. پرسیدم چه خبر است که چنین سؤالاتی را می‌کنند؟ متوجه شدم بعضی از دشمنان امام زمان عجلتعالیه مانند بهایی‌ها مشغول شبهه‌افکنی در میان مردم هستند. من

نیز یک ماه وظیفه خود دانستم که برای مردم صحبت کنم. نماز جماعت می خواندم، بعد از نماز جماعت به شبهات پاسخ می دادم و مباحث مهدوی را مطرح می کردم.

پس بر ما لازم است با مباحث مهدوی آشنایی کامل داشته باشیم. البته اگر بخواهیم وارد بحث بشویم، مصداق‌های خارجی زیاد است که گفتن آن الآن اطاله کلام می شود و شاید از بحث خارج شویم؛ وگرنه ضرورت بحث برای همه عزیزان کاملاً روشن است.

### آیات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

آیاتی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نازل شده، بسیار زیاد است. بعضی از علمای ما فرمودند ۲۵۰ آیه درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه نازل شده است که علامه مجلسی رحمته الله علیه در کتاب *بحار الانوار* بسیاری از این آیات را جمع آوری کرده است. برخی از علمای بزرگ ما مانند سیدهاشم بحرانی در کتاب *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة*، که کتابی بسیار معتبر و مورد توجه علمای ماست، آیاتی را که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه نازل شده، جمع آوری کردند. بعد از اینکه آیات را ذکر می کند، روایاتی را که در این باره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مورد حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه وارد شده است، می آورد که انشاءالله به این کتاب‌ها اشاره می کنیم تا با این کتاب‌ها بیش از پیش آشنا شویم.

## منظور از غیب در قرآن

اولین آیه‌ای را که انتخاب کردم، در سوره بقره است. آیات دوم و سوم که می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ این کتابی که در دست ماست «لَا رَيْبَ فِيهِ»، هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست. «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ مایه هدایت پرهیزکاران است. قرآن هدایت برای متقین است. متقین چه کسانی هستند؟ می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ متقین کسانی هستند که ایمان به غیب دارند. در تفسیر این آیه شریفه روایات زیادی داریم که غیب به حضرت حجت عجل الله فرجه تفسیر شده است.

## ایمان به غیب از ضروریات دین

مسئله مهمی که لازم است گفته شود، مسئله ایمان به غیب است. ایمان به غیب چیست؟ می‌دانید جزء عقاید حقه ما و شاید بتوانیم بگوییم جزء ضروریات دین ماست؛ چراکه از جمله غیب وجود ذات اقدس الهی است، ذات اقدس الهی هم غیب است. حال به آن معنایی که واقعیت دارد، ما نیز نمی‌توانیم با چشم ظاهر ذات اقدس الهی را ببینیم. ایمان به غیب، ایمان به وجود خداوند است. ایمان به غیب ایمان به فرشتگان و ملائکه الهی است که ما نمی‌توانیم با چشم آنها را ببینیم. ایمان به غیب، ایمان به معاد و روز قیامت است که از چشم همه ما

---

۱. بقره، ۲-۳. «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. کسانی که به غیب ایمان می‌آورند».



غایب است و بر هر مؤمن و مسلمانی لازم است که به این مسائل ایمان داشته باشد؛ به عبارت دیگر به فرموده حضرت آیت‌الله والد ما، ایمان کامل نمی‌شود، مگر با ایمان به غیب. اگر کسی می‌خواهد ایمانش کامل شود، باید به غیب ایمان داشته باشد. بدون ایمان به غیب نمی‌توانیم ادعا کنیم، مؤمن هستیم.

آیه شریفه دیگری می‌فرماید: **آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ**<sup>۱</sup>.

مؤمنان به خدا ایمان آوردند. مؤمن به ملائکه خدا ایمان دارد. مگر ما می‌توانیم ملائکه خدا را ببینیم؟ مسلم است که از چشم ظاهری ما پنهان است. نمی‌توانیم آنها را ببینیم. ممکن است در بعضی اوقات برای عده خاصی اتفاق بیفتد، مثلاً برای انبیای الهی و اوصیا مانند اینکه جبرئیل بیاید خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض ادب کند. اینها موارد خاص هستند، اما برای سایر مؤمنان ایمان به ملائکه لازم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آوردند به خدا و به ملائکه و به کتاب‌هایی که قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. پس خود پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان لازم است به فرشته‌های الهی مانند میکائیل، جبرائیل، اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام ایمان داشته باشند. این جزو اعتقادات حقه ماست.

ایمان به غیب جزو باورهای ماست. ایمان به عالم برزخ، ایمان به شب اول قبر، ایمان به حساب و کتابی که در روز قیامت با مردم انجام می‌شود، ایمان به صراط که

۱. بقره، ۲۸۵. «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است؛ و همه

مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند».

صراط چیست. اینها همه جزو ایمان به غیب است و ما در دعاهایی که می خوانیم - دعای عهد و سایر دعاها و زیارت آل یاسین - می گوئیم که به همه اینها ایمان داریم؛ به صراط ایمان داریم؛ به حساب ایمان داریم؛ به عالم برزخ ایمان داریم با اینکه ما آنها را ندیدیم. ما نمی توانیم شب اول قبر را درک کنیم که چه عالمی است، اما روایات برای ما توضیح می دهد و ما ایمان آوردیم؛ پس معلوم می شود ایمان به غیب یکی از معتقدات مذهب و حتی می توان گفت از باورهای دین اسلام است.

### منظور از کتاب در آیه شریفه

درباره این آیه شریفه تفاسیر مختلفی ارائه شده است که بعضی از آنها را بیان می کنیم. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ»؛ این کتاب چه کتابی است؟ «ذَلِكَ» اشاره است به این کتاب معهود. این کتاب همان کتابی است که پیامبران گذشته همه به آمدن آن بشارت داده بودند. این کتاب در درجه اول قرآن کریم است؛ همان کتابی که کتاب همه مسلمانان است. «لَا رَيْبَ فِيهِ»؛ شک و ریبی در این کتاب نیست.

### امیرالمؤمنین علی علیه السلام مصداق کتاب

علی بن ابراهیم قمی در کتاب تفسیر خود نقل می کند: «حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: الْكِتَابُ عَلِيُّ عليه السلام لَا شَكَّ فِيهِ»<sup>۱</sup>.

۱. قمی، تفسیر، ج ۱، ص ۳۰. «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: الْكِتَابُ عَلِيُّ عليه السلام لَا شَكَّ فِيهِ...».

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: **«ذَلِكَ الْكِتَابُ»**؛ این کتاب مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است. شخصیتی که قرآن درباره اش می فرماید: **«عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»**؛ علم کتاب، نه «من الكتاب»، نه «بعض الكتاب»، بلکه تمام کتاب در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ از این رو امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از کتاب در آیه شریفه، علی علیه السلام است؛ **«الْكِتَابُ عَلِيٌّ»** لَا شَكَّ فِيهِ؛ کتاب علی علیه السلام است که شکی در وجود نازنین امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت، خلافت و امامت ایشان وجود ندارد. پس معلوم شد این کتاب، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

### منظور از کتاب در بیان امام باقر علیه السلام

روایتی در همین زمینه در تفسیر کنز الدقائق از امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>۱</sup> ایشان در تفسیر همین آیه شریفه فرمودند: **«الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»**، به لقب حضرت تعبیر می آورند: **«الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»** لَا رَيْبَ فِيهِ؛ منظور از کتاب که قرآن می فرماید: **«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ»**، امیرالمؤمنین علیه السلام است که **«لَا شَكَّ فِيهِ»**. سپس حضرت می فرماید: **«أَنَّهُ إِمَامٌ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ»**؛ همانا او امام هدایت است برای متقین؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام هدایت است، امام هدایت کننده برای متقین است.

۱. رعد، ۴۳.

۲. مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ: «ذَلِكَ

الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ»، قَالَ الْكِتَابُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا شَكَّ فِيهِ أَنَّهُ إِمَامٌ هُدَى لِلْمُتَّقِينَ».

روایت دیگری از امام حسن عسکری علیه السلام است<sup>۱</sup> که می‌فرماید «هدی» به چه معناست، «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ أَيْ بَيَانٌ وَشِفَاءٌ لِّلْمُتَّقِينَ»؛ این کتاب هدایت است، بیان و شفاست برای متقین. متقین چه کسانی هستند؟ «مِن شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ علیهما السلام»؛ این کتاب، امیرالمؤمنین علیه السلام است که هدایت و شفا برای متقین از شیعیان محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

این روایت در تفسیر شریف *نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن* نهاوندی که تفسیر روایی بسیار خوبی است نیز آمده است.<sup>۲</sup>

### شیعیان مصداق متقین در قرآن

روایت بسیار مختصر دیگری در خصوص تفسیر آیه شریفه نقل شده است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُتَّقُونَ شِيعَتُنَا»؛<sup>۳</sup> متقینی که قرآن کریم درباره آنها می‌فرماید: این کتاب هدایت است برای متقین، متقین شیعیان ما هستند. این گونه نیست که این کتاب برای همه هدایت است. برای هدایت شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام است، البته ممکن است بعضی در اذهانشان این بیاید که اگر این کتاب برای هدایت متقین است؛ دیگر متقین احتیاج به هدایت ندارند. متقین آن هم شیعیان

۱. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۶۷.

۲. نهاوندی، *نفحات الرحمان*، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۶؛ بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۱۲۳؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۴،

ص ۱۷؛ نهاوندی، *نفحات الرحمان*، ج ۱، ص ۱۹۴.

امیرالمؤمنین هدایت شده هستند. ما چگونه بگوییم قرآن هدایت است برای کسانی که هدایت شدند؛ به بیان دیگر می شود تحصیل حاصل. متقین که هدایت شدند، ما بگوییم این کتاب هدایت است برای هدایت شدگان.

## درجات و مراتب ایمان و هدایت

بعضی از علما فرمودند هدایت چند درجه دارد؛ یک درجه هدایت شامل حال کسانی است که هنوز در طریق ایمان قرار نگرفتند. این یک نوع هدایت است. شما در جایی مشغول تبلیغ می شوید و عوام را ارشاد می کنید، برخی از مردم ممکن است، بعضی از احکام قرآن به گوششان نخورده باشد. این یک نوع هدایت است.

درجه دوم هدایت، تقواست که مؤمنان را به ثبات و استمرار در ایمان هدایت می کند؛ به گونه ای که به حقایق کتاب های آسمانی و احکام شرعی پای بند باشند؛ بنابراین، تقوا برتر از ایمان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾<sup>۱</sup> قرآن می فرماید ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان بیاورید. «آمِنُوا» دوم با «آمِنُوا» اول خیلی فرق می کند. ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان بیاورید. ایمان که آوردند! خطاب می کند به کسانی که ایمان آوردند، ایمان بیاورید! معنایش معلوم است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾؛ یعنی مراتب ایمان را

بالا تر بیاورید. ایمانتان را با عمل ضمیمه و توأم کنید. این هم نوع دوم هدایت که مؤمنان را به تقوای الهی دعوت می‌کند.

درجه بالای هدایت که برای متقین است: **أَهْدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ**، خود متقین را به هدایت دعوت می‌کند؛ یعنی برای تقرب به ذات اقدس الهی، به درگاه خداوند مقرب شوید ای متقین! اینجا درست است که شما تقوا و ورع دارید، اما بالاتر از این باید جزو **أَوْلِيَّكَ الْمُقْرَبُونَ**<sup>۱</sup> شوید. باید مقامتان آنقدر بالا برود که در قرب الهی جا بگیرید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **«الْمُتَّقُونَ شِيعَتُنَا»**؛ متقین واقعی که قرآن می‌فرماید: **أَهْدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ**، شیعیان ما هستند.

### امام زمان علیه السلام مصداق غیب

در عبارت و کلام بعدی قرآن می‌فرماید: **«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»**<sup>۲</sup> متقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند. بحث ما نیز درباره همین مطلب است. نمی‌توانیم بگوییم همه جزو متقین هستند. **«وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»**، برای کسانی است که ایمان به غیب داشته باشند. ایمان به غیب جزو ضروریات دین ماست. یکی از انواع ایمان به غیب، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. کسی که به وجود امام زمان علیه السلام ایمان داشته باشد، متقی واقعی است؛ وگرنه تقوا بدون ایمان به امام زمان علیه السلام معنا ندارد. تقوا این نیست که سرمان را پایین بیندازیم و مثلاً بعضی از گناهان را انجام

۱. واقعه، ۱۱. «آنها مقربانند».

۲. بقره، ۳. «(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند».

ندهیم، به نامحرم نگاه نکنیم، صدای حرام را نشنویم. اینها هست، اما کسی که به غیب ایمان داشته باشد، به وجود مقدس امام زمان عجلتعالیه ایمان دارد، حضرت را مثل حضور ببیند. ایمان به غیب یعنی همان‌گونه که شما به خداوند ایمان دارید و او را نمی‌بینید، اما به او ایمان دارید، به امام زمان عجلتعالیه نیز باید ایمان داشته باشید، همان‌گونه که به خداوند ایمان دارید. حضرت را از خودتان جدا نکنید، ایشان با ماست، بین ما و جامعه ماست، ایشان در اجتماع ماست و ما را می‌بینند؛ ممکن است ما هم وجود مقدس ایشان را ببینیم، اما شناسیم. چه بسا افرادی این افتخار را پیدا کردند که ایشان را دیدند و آن وجود مقدس را شناختند.

### امام زمان عجلتعالیه مصداق غیب در آیات و روایات

درباره ایمان به غیب مطالب بسیاری در روایات آمده است؛ از جمله اینکه ما می‌گوییم: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ منظور از غیب، امام زمان عجلتعالیه است.

شیخ صدوق رحمته حدیثی را درباره ایمان به غیب نقل می‌کند.<sup>۱</sup> «بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عجلتعالیه؛ يَحْيَى بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ كَمَا مِنْهُ أَنْ يَحْيَى بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ عجلتعالیه عَنْ قَوْلِ

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۸. «عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ عجلتعالیه عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿الْمُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾؛ فَقَالَ: «الْمُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ؛ وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِيُحْكُمَ لَكُمْ مِنْ أَيْنَ يَشَاءُ اللَّهُ فَخَبَّرَ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْآيَةَ هِيَ الْغَيْبُ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ؛ وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً﴾؛ يَعْنِي حُجَّةً».



اصحاب امام صادق ع بودند، می گوید از امام صادق ع سؤال کردم: «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ از امام زمان خودم، امام صادق ع، درباره این آیه شریفه سؤال کردم: «الم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ : چه کسانی به غیب ایمان دارند؟» «فَقَالَ: اَلْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع»؛ امام صادق ع فرمودند متقین شیعیان علی ع هستند. اینها مسلم است. «وَالْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»؛ منظور از «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ غیب چه کسی است؟ غیب حجت خداست؛ حجتی که از ما غایب است. «وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ حضرت برای این مطلب خودشان شاهد گرفتند. شاهد این مطلب قول خداوند در سوره یونس است که می فرماید: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»<sup>۱</sup>.

آیه بسیار عجیبی است. امام صادق ع از این آیه شریفه گواه آوردند. «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ»؛ مردم زمان پیامبر ص می گفتند چرا آیه و حجتی بر این پیامبر نازل نمی شود؟! سپس از طرف خداوند متعال خطاب شد: «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ»؛ بگو ای پیامبر من! غیب برای خداست. اینجا غیب معنایش چیست؟ یعنی همان حجت الهی است. «فَانتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛ منتظر این غیب باشید، من نیز با شما از منتظران هستم. در این آیه شریفه می فرماید: «لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ»؛ سپس امام صادق ع آیه را به غیب تفسیر کردند. چرا آیه ای نمی آید؟

۱. یونس، ۲۰. «می گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟! بگو: غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من با شما در انتظارم».



چرا برای مردم غیبی نمی آید؟ بعد فرمودند: «الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ»: غیب همان حجت است؛ سپس فرمود: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ».

## منظور از آیه در قرآن

شاهد دیگر مبنی بر اینکه منظور از غیب حجت است، آیه دیگری از قرآن است که می فرماید: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً»<sup>۱</sup> ما فرزند مریم، حضرت عیسی را آیه قرار دادیم. عیسی آیه‌ای از آیات الهی است. همچنین مادرش حضرت مریم را آیه‌ای از آیه‌های الهی قرار دادیم. «يَعْنِي حُجَّةً»: حضرت عیسی بر مردم حجت بودند. آیه همان حجت است، آیت‌الله یعنی حجت‌الله که همان غیب است و می‌شود آیه‌ای از آیات الهی. این روایت نیز در کتاب شریف المحجة از امام صادق نقل شده است.<sup>۲</sup>

امام صادق می فرماید: منظور از غیب در آیه: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، امام زمان است، حجت خدا که غایب است. پس معلوم می‌شود ایمان به امام زمان جزو شرایط ایمان است؛ یعنی مؤمن و متقی واقعی کسی است که به امام زمان ایمان دارد.

## ایمان به غیب ایمان به قیام قائم

روایت دیگری نیز صدوق در تفسیر این آیه شریفه از امام صادق نقل کرده

۱. مؤمنون، ۵۰. «و ما فرزند مریم [عیسی] و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم».

۲. بحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۶.



است که اسنادش به داود بن کثیر رقی می‌رسد.<sup>۱</sup> «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ امام صادق در باره قول خداوند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ می‌فرماید: «قَالَ مَنْ آمَنَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ فَهُوَ أَنَّهُ حَقٌّ»؛ منظور از ایمان آوردگان به غیب کسی است که به قیام حضرت مهدی ایمان بیاورد که این قیام حق است و حضرت خواهد آمد و جهان را پر از عدل خواهد کرد. این روایت در کتاب شریف *المحجة* نیز آمده است که ایمان به غیب یعنی ایمان به قیام امام زمان عجل الله فرجه.<sup>۲</sup>

### رستگاری ایمان آوردگان به غیبت

روایت دیگری درباره ایمان به غیب از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است؛ روایتی که پیامبر ائمه اثنی عشر را نام می‌برند.<sup>۳</sup>

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۳، ح ۳۱۰. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ قَالَ: «مَنْ أَقْرَبَ (آمَنَ) بِقِيَامِ الْقَائِمِ فَهُوَ أَنَّهُ حَقٌّ».

۲. بحرانی، *المحجة فيما نزل في القائم الحجة*، ص ۱۶.

۳. قندوزی، *ينابيع المودة*، ج ۳، ص ۲۸۳-۲۸۵؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۵، ح ۵۷۰. «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ الْأَيُّمَةَ الْإِثْنِي عَشَرَ وَفِيهِمُ الْقَائِمُ»؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِمْ، أَوْلَئِكَ مَنْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: ﴿هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»؛ ثُمَّ قَالَ تَعَالَى: ﴿أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ الْأَئِمَّةَ الْإِثْنَيْ عَشَرَ؛ وَفِيهِمْ الْقَائِمُ ﷺ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ؛» حضرت می فرماید: خوشا به حال کسانی که در غیبت حضرت مهدی ﷺ صابر بودند! «طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِمْ؛» و خوشا به حال کسانی که بر محبت امام زمان ﷺ ثابت قدم هستند و ایشان را همیشه دوست دارند. حضرت مهدی ﷺ محبوبشان است، برای محبوبشان گریه و زاری می کنند، از خدا می خواهند فرجش نزدیکتر شود تا روی مبارکش را زودتر ملاقات کنند.

سپس امام ﷺ می فرماید: «أُولَئِكَ مَنْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ؛» اینها کسانی هستند که در کتاب خداوند وصفشان آمده است. کسانی که در محبت حضرت مهدی ﷺ ثابت قدم هستند و در انتظار مصلح آخرالزمان صابر هستند، اینها را خداوند در کتاب خودش وصف فرموده است. آنها کسانی هستند که خداوند در وصفشان فرمود: «فَقَالَ: هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛»<sup>۱</sup> اینها کسانی هستند که به غیب ایمان دارند.

بعد پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ثُمَّ قَالَ تَعَالَى: «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛»<sup>۲</sup> حزب الله واقعی کسانی هستند که منتظر امام زمان ﷺ هستند. به طور قطع این حزب الله روزی غالب خواهد شد و تمام جهان تحت سیطره حضرت مهدی ﷺ و حزب الله قرار خواهد گرفت که فرماندهی اش با امام زمان ﷺ است.

۱. بقره، ۲-۳.

۲. مجادله، ۲۲. «اینها حزب خداوند هستند؛ آری، حزب خداست که رستگارانند.»

این روایات مختلف را وقتی کنار هم بگذاریم، به صورت متواتر است و از آن استفاده می‌کنیم که آیه شریفه: **«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»**<sup>۱</sup>؛ غیب همان وجود مقدس امام زمان عجلتعالیه است. این از روایاتی است که از طرق شیعه نقل شده است.

### غیب از منظر فخر رازی

برخی مفسران اهل سنت هم درباره این آیه شریفه مطالبی دارند که شیعیان نیز همین مطالب را می‌گویند؛ همان مطالبی است که علما و مفسرین شیعه اتفاقاً می‌گویند، در تفسیر فخر رازی هم آمده است.<sup>۲</sup> همان‌طور که می‌دانید، فخر رازی از علمای بزرگ اهل سنت است، ایشان در *التفسیر الکبیر* خود درباره همین آیه: **«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»** می‌گویند: مراد از غیب چه کسانی هستند؟ **«قَالَ بَعْضُ الشَّيْعَةِ: الْمُرَادُ بِالْغَيْبِ الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ»**؛ ایشان می‌گویند شیعیان اعتقاد دارند که منظور از غیب، مهدی منتظر عجلتعالیه است که هم در قرآن خداوند به او وعده داده است و هم در خبر آمده است. سپس این عالم سنی آیات قرآنی را ذکر می‌کند و روایاتی را از وجود نازنین پیامبر اکرم ص در تفسیرش نقل می‌کند.

**«أَمَّا الْقُرْآنُ فَقَوْلُهُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»**<sup>۳</sup>، دلیل قرآنی بر اینکه شیعیان می‌گویند

۱. بقره، ۳.

۲. فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در

این سرزمین جانشین خود قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین خود قرار داد.»

منظور از غیب، مهدی منتظر است، آیه ۵۵ سوره نور است که ان شاء الله بعداً درباره این آیه صحبت خواهیم کرد.

«وَأَمَّا الْخَبْرُ فَقَوْلُهُ: ﴿لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي﴾؛ دلیل روایی سخن پیامبر اکرم ﷺ است که می فرماید: اگر از دنیا یک روز باقی بماند، خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می کند تا مهدی آخرالزمان عجلت در آن روز قیام کند و ان شاء الله ما از منتظران قیام آن حضرت هستیم.

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»<sup>۱</sup>.

خود حضرت فرمودند: برای تعجیل فرج زیاد دعا بکنید که این فرج شماست. اگر شیعه می خواهد فرج پیدا کند و از این همه گرفتاری ها، غصه ها و ناراحتی ها نجات یابد، رفع این گرفتاری ها در فرج حضرت مهدی عجلت است. امیدواریم که همه ما در زمره اصحاب خاص آن حضرت قرار بگیریم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغيبة، ص ۲۹۲-۲۹۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲،

ص ۲۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا  
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ  
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

بحث ما در مورد آیاتی از قرآن کریم است که درباره وجود مقدس و نازنین  
حضرت بقیة الله - ارواح العالمین له الفداء - وارد شده است. جلسه گذشته در این

---

۱. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند».

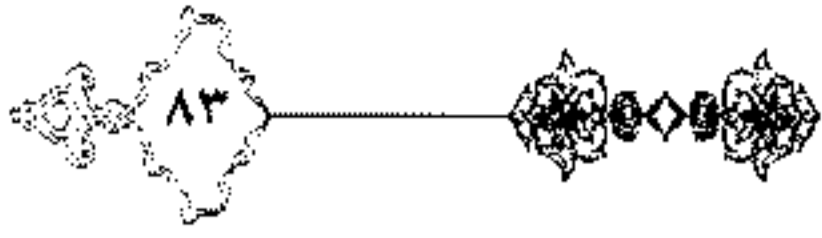
باره گفتیم که علمای ما بیش از ۲۵۰ آیه در قرآن را درباره حضرت حجت علیه السلام بیان کردند و این آیات به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به وجود مقدس امام زمان علیه السلام تفسیر شده است.

### ترجمه آیه شریفه

یکی از آیاتی که بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت می کند و جای بحث بسیار زیادی دارد، آیه ۵۵ سوره نور است که می فرماید: **﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾** خداوند به کسانی که از میان شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام می دهند، وعده خیر و خوبی داده است. خدا به آنها چه وعده ای داده است؟ می فرماید: **﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾**؛ خدا آنها را خلیفه و جانشین خودش در روی زمین قرار می دهد؛ همان گونه که عده خاصی قبل از اینها خلیفه خداوند روی زمین شدند.

سپس می فرماید: **﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾**؛ وعده دیگری که خداوند به آنها می دهد این است که مکتب، قدرت و سلطنت به آنها می دهد و دین را به وسیله آنها در سراسر جهان و گیتی حاکم می کند؛ دینی را که خداوند به آن دین راضی شده، روی زمین حاکم می کند.

سپس می فرماید: **﴿وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾**؛ این اشخاص ترس داشتند، در دوره ای از زمان ترس و رعب و وحشت داشتند. خداوند ترس و وحشتشان



را می‌برد و امنیت، آسایش و آرامش را به آنها عنایت می‌کند. ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ این اشخاص مرا عبادت می‌کنند. نتیجه این خلافت بر روی زمین و نتیجه اینکه دینش را در سراسر جهان حاکم می‌کند و نتیجه امنیت و آسایش و آرامش را خداوند بعد از خوف و وحشت به آنها می‌دهد. نتیجه آن توحید و یکتاپرستی در سراسر گیتی است. می‌فرماید: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ همه مردم مرا عبادت می‌کنند. دیگر آن موقع مشرکی پیدا نخواهد شد. ﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ کسانی که بعد از این، به نعمت‌های بزرگ الهی کفر ورزند، فاسق هستند.

### تخلف‌ناپذیر بودن وعده خداوند

اما از نظر تفسیر و تبیین این آیه شریفه، با توجه به روایاتی که در این باره است، اثبات می‌شود که این آیه به زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام مربوط است و خداوند آن هنگام به همه جهانیان وعده داده است که دینش را در سراسر گیتی حاکم می‌کند.

نکته اول که در اینجا است، وعده الهی است. آیا وعده الهی مثل وعده ماست؟ ما هم به مردم وعده می‌دهیم، اما چه بسا خلف وعده می‌کنیم و به وعده مان عمل نمی‌کنیم. خداوند که وعده می‌دهد، وعده‌اش هرگز مخالفت نمی‌شود، وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. آیات متعددی در قرآن کریم داریم و از آن استفاده می‌کنیم که وعده خدا تخلف‌ناپذیر است. یکی از آیات، آیه ۱۹۴





سوره آل عمران است که می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»<sup>۱</sup> خداوند هرگز بر خلاف وعده‌اش عمل نمی‌کند.

خداوند با ما فرق می‌کند. وعده‌ای که خداوند داد، تخلف‌ناپذیر است؛ یعنی مردم بدانند و امیدوار باشند اگر خدا به آنها وعده‌ای داد که آینده جهان سرشار از عدالت، دادگستری، آرامش و آسایش است، این وعده الهی تخلف‌ناپذیر است و با وعده‌های دیگران فرق دارد.

در آیه دیگر - که هم در سوره آل عمران و هم در سوره رعد آمده - می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»<sup>۲</sup> در سوره زمر نیز آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ»<sup>۳</sup>.

باز آیه دیگری است در سوره حج که می‌فرماید: «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ»<sup>۴</sup> خداوند هرگز خلاف وعده‌اش عمل نمی‌کند.

این گونه نیست که خدا به وعده‌ای که داد از وعده‌اش برگردد و بگوید یک وعده‌ای بوده است. خیلی از ما از این وعده‌ها می‌دهیم؛ اما چه کسی به این وعده‌ها عمل می‌کند؟ می‌گوییم وعده‌ای بوده لازم نیست که حتماً به آن

۱. آل عمران، ۱۹۴. «زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود تخلف نمی‌کنی».

۲. آل عمران، ۹؛ رعد، ۳۱. «همانا خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند».

۳. زمر، ۲۰. «این وعده الهی است و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند».

۴. حج، ۴۷. «درحالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد».

عمل کنیم. این گونه نیست، خداوند به آنچه وعده داده است، عمل می کند. از این رو می فرماید: ﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾؛ خداوند هرگز خلاف وعده اش عمل نخواهد کرد.

آیه شریفه دیگر می فرماید: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾؛<sup>۱</sup> ای پیامبر من صبر کن! وعده خدا حق است و خواهد آمد. اگر خدا به شما مسلمانان وعده داد که شما را روزی - ان شاء الله - از دست ظالمان و ستمگران نجات خواهد داد، مسلم بدانید که وعده خدا حق است؛ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾.

در جای دیگری قرآن درباره وعده حق و تخلف ناپذیر خداوند می فرماید: ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾؛<sup>۲</sup> در این روز روز خداوند مؤمنان را به نصرت خود خوشحال می کند. نصر خدا با آنهاست، خدا آنان را یاری می کند. ﴿يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾؛ خداوندی که دارای عزت و رحیم است. سپس می فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛<sup>۳</sup> این وعده خداوند است و هرگز خلاف وعده اش عمل نمی کند.

۱. روم، ۶۰؛ غافر، ۵۵. «اکنون که چنین است، صبر پیشه کن که وعده خدا حق است».

۲. روم، ۴-۵. «و در آن روز، مؤمنان (به خاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد، به سبب یاری خداوند؛ و او هرکس را بخواهد یاری می دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است!».

۳. روم، ۶. «این وعده ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده اش تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم نمی دانند».

اینها همه آیاتی است که درباره وعده خداست. این آیات به خاطر اهمیتی که دارند، در مورد آن می‌خواهیم صحبت کنیم. اینکه خداوند جهان را در زمان حضرت حجت علیه السلام پر از آرامش، امنیت و عدالت می‌کند.

### وعده خداوند به مؤمنان

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.<sup>۱</sup>

خداوند به زنان و مردان مؤمن وعده داده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾؛ ما وقتی آیات قرآن کریم را می‌شنویم، باید لذت ببریم، نشاطمان بیشتر شود که خدا دارد به مؤمنان و مؤمنات چنین وعده‌ای می‌دهد که تخلف‌ناپذیر است. پس بکوشیم به گونه‌ای که او می‌خواهد، در آن راه عمل کنیم.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾؛ به ایشان چه وعده‌ای داده است؟ ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ خدا بهشت را به آنها وعده داده است؛ بهشتی که از زیر آن جوی‌ها و آب‌ها سرازیر می‌شود و بندگان هر لذتی بخواهند آنجا دارند.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾؛ در آن جنات و بهشت الهی جاویدان هستند. ﴿وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً﴾؛ و

۱. توبه، ۷۲. «خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!».

در مسکن‌هایی که طیب و پاک است و آرامش دارد. ﴿فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ﴾؛ خداوند به اینها قصرهایی در فردوس برین عنایت می‌کند.

﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾؛ سپس می‌فرماید اینها چیزی نیست که خدا به بندگانش می‌دهد، بزرگ‌تر از اینها رضوان پروردگار است؛ خشنودی خداوند متعال از این بندگان است. خداوند از آنها راضی است و انسان چقدر مقامش بالا می‌رود و چقدر لذت می‌برد وقتی می‌بیند ذات اقدس الهی، کسی که حاکم روز قیامت است، از او راضی و خشنود است! سپس می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ این فوز بزرگی است برای مردم، رستگاری برای مردم است و مردمی که عمل صالح انجام دادند. این وعده الهی است. خداوند به مردان و زنان مؤمن وعده بهشت و رضوان می‌دهد و خداوند هرگز خلاف وعده‌اش عمل نمی‌کند. درباره وعده الهی نکاتی را گفتیم تا روشن شود وعده خدا حق است و تخلف‌ناپذیر است.

### تأکید آیه استخلاف بر حتمی بودن وعده خدا

اما نکات مهمی که ما از این آیه شریفه می‌توانیم استفاده کنیم، آیه‌ای را که در ابتدا تلاوت کردیم،<sup>۱</sup> آیه وعده یا آیه استخلاف معروف است که می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾. اولاً نکته مهم این

است که در اینجا **لَيْسَتْ خُلَفَانَهُمْ** هم با لام تأکید آمده و هم با نون تأکید ثقیله. **وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ**؛ همچنین **وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا** هم با لام تأکید و هم با نون تأکید ثقیله آمده است؛ یعنی اینها وعده حتمی خداوند متعال است. آنها را خلیفه روی زمین می‌کند. آنان جانشین حتمی خداوند هستند و خداوند هم به ایشان مکت و قدرت می‌دهد که در سراسر زمین حاکم باشند و به آنها نیز امنیت و آرامش می‌دهد که هرگز خوف و وحشتی نداشته باشند.

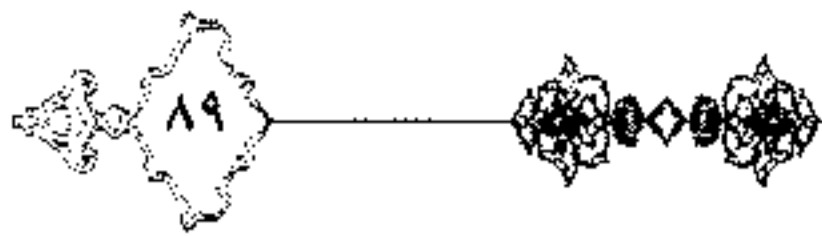
### رضایت خداوند به دین اسلام

بعد در همین آیه می‌فرماید: **وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ**؛ دینی که خدا برای آنها راضی شد، چه دینی است؟ دینی که آن روز حاکمیت بر روی زمین دارد، همان دینی است که روز غدیر خم خدا فرمود: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا**؛ یعنی بعد از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر اعلام شد، خداوند فرمود امروز راضی شدم برای شما که اسلام دین شما باشد.

اینجا هم می‌فرماید: **دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ**؛ دینی که خداوند راضی به آن شده است، کدام است؟ دینی که خداوند در روز غدیر می‌فرماید: **وَرَضِيْتُ لَكُمْ**

۱. مائده، ۳. «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به

عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».



الإِسْلَامَ دِينًا؛ دینی که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد. اگر ولایت را از این دین بگیریم، خداوند متعال هرگز این دین را قبول نخواهد کرد. این نکته مهمی که در این آیه شریفه آمده است.

### حاکم شدن امنیت بعد از ترس در زمان ظهور

نکته دیگری که ما از این آیه استفاده می‌کنیم، اینکه می‌فرماید: ﴿وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾؛ خداوند بعد از خوف و وحشتی که مردم دارند، به آنها در این زمان امنیت و آرامش می‌دهد. نعمت امنیت، نعمتی که در روایات داریم، نعمتی که در بین مردم مجهول است.

### اهمیت امنیت و عافیت در جامعه

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ»؛<sup>۱</sup> دو نعمت است که پوشیده و مخفی است و مردم قدر این دو نعمت را نمی‌دانند؛ یکی نعمت امنیت است و دیگری نعمت عافیت. نعمت امنیت که همان امان است برای زمین و ان شاء الله خواهیم گفت که نعمت امنیت با وجود حجت خدا است، بدون حجت خدا ما امنیت نداریم. الحمد لله امنیت در مملکت ما وجود دارد. به طور قطع به واسطه وجود حجت خدا و ولایتی که مردم در این سرزمین قبول کردند، ایجاد شده است. امان الارض که در حدیث می‌فرماید: «مَنْ رَكِبَهَا

۱. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۰.

نَجَى»؛<sup>۱</sup> ان شاء الله بعداً مفصل توضیح خواهیم داد کسی که بر این سفینه و کشتی امن سوار شود، در امان خواهد بود از امواج مختلفی که این کشتی را فرا گرفته است و ممکن است مردم در این اقیانوس بیکران غرق شوند و کسی که می‌تواند آنها را نجات دهد حجت خداوند است؛ از این رو امنیت بدون حجت خدا هرگز معنا ندارد.

عافیت نیز همین‌گونه است. عافیت واقعی در ظل عنایات خاصه امام زمان علیه السلام است. کسی عافیت دارد که امام معصوم علیه السلام و حجت خدا را قبول داشته باشد؛ وگرنه بدون حجت خدا عافیت نیز وجود ندارد؛ لذا امام علیه السلام می‌فرماید: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ»؛<sup>۲</sup> دو نعمت هست که پوشیده شده است: امنیت و عافیت. حضرت آیت‌الله والد ما کتابی دارند به نام *امان الامة*، اگر مطالعه نکردید، حتماً مطالعه کنید. این کتاب درباره‌ی امان امت است. امت چگونه امان پیدا می‌کند. امان امت در پناه ائمه معصومین علیهم السلام و حجت خداوند است.

## حاکمیت دین در سراسر جهان

نکته مهم دیگری که از آیه شریفه وعد و استخلاف می‌توانیم استفاده کنیم عبادت خداست که آخر آیه فرمود: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ چرا خدا آنها را خلیفه

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۳۸؛ نعمانی، الغیبة، ص ۴۴؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲،

ص ۲۷؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۰.

روی زمین قرار داد؟ چرا خداوند آنان را از خوف، خشیت، ترس و وحشت نجات می‌دهد و به ایشان امنیت می‌دهد؟ چرا دینش را در سراسر گیتی حاکم می‌کند؟ به خاطر اینکه من (خداوند) را عبادت کنند «يَعْبُدُونَنِي». توحید و یکتاپرستی در سراسر عالم حاکم باشد؛ یعنی چنین شخصیتی ان شاء الله تشریف بیاورند. با وجود این شخصیت بزرگ عالم بشریت - یعنی حضرت حجة بن الحسن المهدي عجل الله فرجه - توحید واقعی و یکتاپرستی در سراسر جهان حاکم می‌شود.

### مؤمنان و صالحان جانشین خداوند در روی زمین

نکته دیگری که در این آیه شریفه است، می‌فرماید: «لَيْسَتْ خَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ خداوند اشخاصی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خلیفه روی زمین قرار می‌دهد؛ همان‌گونه که قبل از آنها نیز کسانی از طرف خداوند خلیفه روی زمین قرار گرفتند. اینکه قبل از آنها اشخاصی بودند که خلیفه در زمین شدند. درباره حضرت آدم - علی نبینا وآله وعلیه السلام - داریم که در آیه ۳۰ سوره بقره می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ به یاد آور زمانی را که خداوند متعال به ملائکه و فرشتگان الهی این چنین فرمود: من می‌خواهم روی زمین خلیفه و جانشین قرار بدهم. جانشین و قائم مقام خدا روی زمین مسئله خیلی مهمی است که همه مقامات بسیار بالای امامت و ولایت را به این اشخاص عنایت کند «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ من می‌خواهم روی زمین خلیفه‌ای را قرار بدهم؛ یعنی آدم. اولین حجت خدا بر روی





زمین حضرت آدم - علی نبینا وآله وعلیه السلام - است. پس قبل از شما هم خلیفه‌ای به نام آدم بر روی زمین آمده است.

### انتخاب جانشین و خلیفه توسط خداوند

همچنین در مورد حضرت داود علیه السلام می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ ای داود ما تو را خلیفه روی زمین قرار دادیم «إِنَّا»؛ یعنی کسی که می‌تواند خلیفه را انتخاب کند، خداست. کسی نمی‌تواند خلیفه را انتخاب کند، مردم اصلاً نمی‌توانند بشناسند شخصیتی که بتواند جهان را اداره کند و مدیریت جهان را داشته باشد. ما نمی‌فهمیم چه کسانی هستند. این است که جعل باید جعل الهی باشد. «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ ما خودمان قرار دادیم. اینها همه تأکید دارد ما خودمان تو را جانشین در زمین قرار دادیم. خداوند داود را به عنوان خلیفه روی زمین برمی‌گزیند.

این هم نسبت به زمان گذشته که قرآن می‌فرماید همان‌گونه که قبل از شما خلفایی را ما بر روی زمین قرار دادیم.

### ائمه معصومین علیهم السلام مصداق اتم مؤمنان و صالحان

البته در بعضی از تفاسیر داریم اینکه قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ آن کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می‌دهند مصداق اتم

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾<sup>۱</sup> ائمه معصومین علیهم السلام هستند.<sup>۲</sup> خداوند به اینها وعده داده که حاکم بر روی زمین بشوند، خلیفه الله بشوند و این همه نتایج اثر حکومت الهی این انوار پاک و مقدسه هستند. در این باره روایات زیادی است که ما از این آیه شریفه می توانیم استفاده کنیم.

### کافر به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به منزله فاسق

در آخر آیه می فرماید: ﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ هرکس بعد از این، کفران نعمت کند، فاسق است. ابن مسعود می گوید: ﴿وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ﴾؛ یعنی کسی که بعد از اینها به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کافر شود. خداوند ائمه معصومین علیهم السلام را جانشین خود بر روی زمین قرار داد، حال اگر کسی بعد از این کفران نعمت ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را بکند، فاسق است. «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».<sup>۳</sup>

۱. نور، ۵۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ حسینی، استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۶۵؛ بحرانی، البرهان،

ج ۴، ص ۸۹-۹۰؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۱۶؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق،

ج ۹، ص ۳۳۵.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۶۳؛ ابن طاووس، الیقین، ص ۴۱۲؛ همو،

الطرائف، ج ۱، ص ۹۶؛ بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۹۷.

## تشکیل حکومت جهانی وعده خدا به شیعیان

نکته دیگر که از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم، ولایت امام زمان عجل الله فرجه و امامت آن حضرت روی زمین است که با ظهورشان جهان را پر از عدل و داد کنند.

روایتی از امام سجاد ع نقل شده است<sup>۱</sup> که وقتی حضرت آیه **﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾** را خواندند، فرمودند: به خدا قسم اینها شیعیان ما اهل بیت ع هستند؛ **«هُمُ وَاللَّهُ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»**؛ خداوند به آنها وعده داده که روی زمین حکومت بکنند و به آنها امنیت و قدرت زیاد بدهد که همه زمین برای آنها شود. پادشاهی زمین در دست آنان باشد. سپس فرمود: **«يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِّ رَجُلٍ مِّنَّا»**؛ شیعیان و بندهای خداوند نمی‌توانند حکومت بکنند، این همه شیعه تا الآن بودند، قدرت داشته‌اند، اما این حکومت به دست چه کسانی انجام می‌شود؟ می‌فرمایند: **«يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَى يَدَيِّ رَجُلٍ مِّنَّا»**؛ این قدرت و این حکومت را خدا انجام می‌دهد؛ به دست شخص و امامی از ما **«وَهُوَ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ»**؛ و آن امام حضرت مهدی عجل الله فرجه است. مهدی این امت که امام سجاد ع می‌فرماید: **«الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص»**

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۳، ص ۱۳۶؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۶۵. «وَرَوَى الْعِيَّاشِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ وَقَالَ: هُمْ وَاللَّهُ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِّ رَجُلٍ مِّنَّا وَهُوَ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِيهِ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عَشْرَتِي اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا».

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي؛ سپس رسول خدا فرمودند: اگر از دنیا یک روز باقی بماند، خدا این روز را آنقدر طولانی می کند تا یک نفر از عترت من بیاید «اسْمُهُ اسْمِي»؛ که اسم او اسم پیامبر اسلام ﷺ است. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ که به وسیله ایشان جهان پر از عدل و داد می شود؛ همان گونه که جهان را ظلم، فساد و ستم فرا گرفته باشد.

بر اساس این روایت، آیه وعده و استخلاف مصداق کامل آن در زمان حضرت ولی الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - است. در همین جا طبرسی رحمته الله علیه، صاحب مجمع البیان، می فرماید: «وَرُوِيَ مِثْلُ ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ»؛<sup>۱</sup> مانند همین روایتی که از امام سجاده رحمته الله علیه وارد شده، از امام باقر رحمته الله علیه و امام صادق رحمته الله علیه هم چنین روایتی نقل شده و ما از این روایات استفاده می کنیم جهانی را که خداوند وعده داده که خلیفه واقعی خودش را روی آن حاکم می کند، عصر ظهور ولی الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - است.

روایت دیگری درباره این آیه شریفه از امام صادق رحمته الله علیه نقل شده است.<sup>۲</sup> عبدالله بن سنان، یکی از اصحاب امام صادق رحمته الله علیه، می گوید خدمت امام صادق رحمته الله علیه رفتم

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.

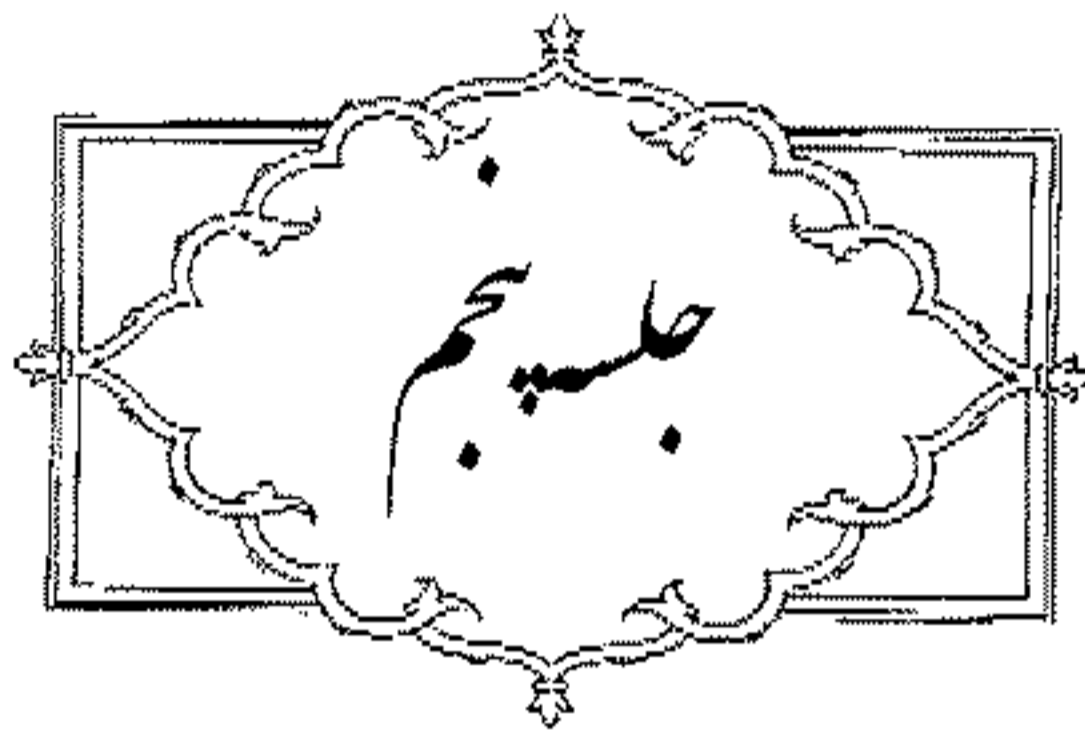
۲. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۶۵؛ بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۹۰. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رحمته الله علیه عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَيُّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ رحمته الله علیه؛ «وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ قَالَ: عَنِّي بِهِ ظُهُورُ الْقَائِمِ رحمته الله علیه».

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...﴾؛ از ایشان درباره آیه وعد و استخلاف پرسیدم که این آیه برای چه کسی و برای چه نازل شده است؟ «قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأُئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ ع»؛ این آیه درباره امیرالمؤمنین ع و امامانی که از فرزندان ایشان به دنیا می آیند که یازده امام هستند، نازل شده است. سپس می گوید از امام پرسیدم: ﴿وَلِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾ به چه معناست که خدا به آنها مکتب می دهد و دین خودش را در سراسر عالم حاکم می کند؟ «قَالَ: عَنِّي بِهِ ظُهُورُ الْقَائِمِ ع»؛ یعنی خداوند با نزول این آیه شریفه، ظهور حضرت مهدی ع را قصد کرد.

روایات فراوان دیگری در این باره داریم و بر اساس این روایات نتیجه می گیریم که در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مصداق اتم و واقعی اش حضرت ولی الله الاعظم، قطب دایره عالم امکان، امام زمان ع است.

امیدواریم که با خواندن آیات مربوط به امام زمان ع و روایاتی که در این باره آمده است، با امام زمان ع بیشتر آشنا شویم و بدانیم که در این ماه اگر شبها دعای افتتاح را می خوانیم، این دعا از امام زمان ع رسیده است تا امام شناسی ما قوی تر بشود و بتوانیم به ساحت مقدس ائمه معصومین ع عرض ادبی داشته باشیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا  
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ  
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

---

۱. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسق‌اند».

جلسه گذشته درباره آیه ۵۵ سوره نور که به آیه وعده یا آیه استخلاف معروف است، مطالبی را بیان کردیم. نکته‌های بسیار ظریفی در این آیه شریفه وجود دارد که به‌طور مختصر باید گفته شوند. نخست وعده‌ای است که خداوند متعال در این آیه شریفه داده و همان‌گونه که جلسه قبل گفتیم، وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ خداوند هرگز در وعده‌اش تخلف ندارد.

در دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده، مطالبی است که از این آیه شریفه می‌توانیم استفاده کنیم. در این جلسه مقداری از بحثمان درباره همان دعاهایی است که از این آیه شریفه گرفته شده است و نکاتی که در جلسه گذشته بیان داشتیم.

### وعده الهی برای برقراری حکومت جهانی توسط امام زمان علیه‌السلام

در روایت داریم که می‌فرمایند: «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ»<sup>۱</sup>؛ سلام و درود بر حضرت مهدی علیه‌السلام که خداوند امت‌ها را به ایشان وعده داده است. همین که در این روایت و در این دعاست: «وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ»، این وعده

۱. آل عمران، ۹؛ رعد، ۳۱. «خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند».

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۵. «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَنْ يُمَكِّنَ لَهُ وَبِهِ، وَيُنْجِزَ وَعْدَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَسْتَخْلِفُهُمْ فِيهَا حَتَّى يَعْبُدُوهُ بَعْدَ السَّخَوفِ آمِنِينَ وَبَعْدَ الرَّجَاءِ مُتَيَقِّنِينَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا...».

همان وعده‌ای است که از این آیه شریفه استنباط شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup> خداوند به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده که آنها را خلیفه خود بر روی زمین قرار دهد و مکت، شوکت و حکومت جهانی را به ولی خودش عنایت کند. در این دعا نیز می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ».

### امام زمان علیه السلام جمع‌کننده کلمات بر محور توحید

بعد از این می‌فرماید: «أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ»؛ خداوند متعال به وسیله حضرت مهدی علیه السلام کلمه‌ها را جمع می‌کند؛ یعنی کلمه‌های مختلفی که وجود دارد، حرف‌های زیادی که گفته می‌شود را در یک کلمه جمع می‌کند و آن هم کلمه توحید است. «أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ»؛ امام مهدی علیه السلام کلمات، گفته‌ها، افکار، عقاید و ایده‌های مختلف را برمی‌گرداند به یک کلمه و آن هم کلمه توحید واقعی است که مردم از زبان گهربار امام زمان علیه السلام می‌شنوند.

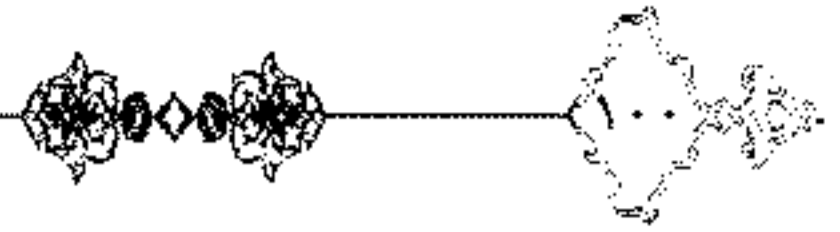
### امام زمان علیه السلام هماهنگ‌کننده دیدگاه‌ها

«وَيَلْمُ بِهِ الشَّعْثَ»؛ و به وسیله ایشان پراکندگی‌ها را یکپارچه می‌کند. اختلافاتی که وجود دارد، پراکندگی که در میان ملل و امم وجود دارد، هرکس برای خودش

۱. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده

می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد».





یک سازی می زند، اختلافات بین مذاهب را به وسیله امام زمان عجل الله فرجه ان شاء الله یکپارچه می کند و همه را هماهنگ و متحد می کند.

سپس می فرماید: «وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا».

آخر این دعا همان مطالبی است که در جلسه قبل بیان کردم و در این آیه شریفه وجود دارد: «وَأَنْ يُمَكِّنَ لَهُ وَبِهِ»؛ خداوند متعال به وسیله حضرت مهدی عجل الله فرجه مکت، حکومت و سلطنت می دهد؛ آیه ای که می فرماید: «وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ»؛<sup>۱</sup> عیناً از این آیه شریفه، این دعا استفاده شده است. «وَأَنْ يُمَكِّنَ لَهُ وَبِهِ وَيُنْجِزَ وَعْدَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ خداوند به وسیله حضرت، مردم را نجات می دهد و وعده اش را - همان وعده ای که در این آیه سوره نور آمده - برای مؤمنان انجام می دهد. «الَّذِينَ يَسْتَخْلِفُهُمْ فِيهَا»؛ مؤمنانی را که خداوند متعال خلیفه خودش بر روی زمین قرار می دهد، نیز از این آیه شریفه استفاده شده است: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ آنها را جانشین خودش بر روی زمین قرار می دهد.

خیلی مهم است ارتباط این دعاها با آیه شریفه. معلوم می شود این دعاها همه از قرآن است. روشن است که هیچ فرقی بین قرآن و کلمات ائمه معصومین علیهم السلام وجود ندارد. آنها نیز اگر مطلبی را برای ما به صورت دعایی گفتند، هم کلماتشان، هم ادعیه ای که از آنها وارد شده است، همه برگرفته از قرآن کریم است.



در این دعا می فرماید: «حَتَّىٰ يَعْبُدُوهُ»، تا اینکه همه مردم خداوند را عبادت کنند. باز از این آیه شریفه استفاده شده است که می فرماید: «وَلَيَسِدَّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ همان که خدا در قرآن می فرماید: اگر مردم مرا عبادت کنند، اصلاً مشرک در روی زمین پیدا نخواهد شد؛ در این دعا هم می فرماید که سلام بر آن مهدی که خداوند به وسیله او توحید و یکتاپرستی را در سراسر عالم گسترش می دهد و همه موحد می شوند و یکپارچه کلمه «لا إله إلا الله» را بر زبان جاری می کنند.

### امنیت در سایه حکومت امام زمان عجل الله فرجه

«حَتَّىٰ يَعْبُدُوهُ بَعْدَ الْخَوْفِ آمِنِينَ»؛ باز در این آیه شریفه می فرماید: «وَلَيَسِدَّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ خداوند بعد از خوفی که مؤمنان دارند و وحشت و ترسی که در میانشان افتاده، این ترس و وحشت را به وسیله امام زمان عجل الله فرجه به امن، آسایش، آرامش و امنیت کامل در سراسر جهان تبدیل می کند. از این رو می فرماید: «حَتَّىٰ يَعْبُدُوهُ بَعْدَ الْخَوْفِ آمِنِينَ»؛ مؤمنان خوف دارند، اما بعد از خوف، همه در امنیت هستند، همه خوشحال و در آسایش و آرامش به سر می برند. «وَبَعْدَ الرَّجَاءِ مُتَقِنِينَ»؛ بعد از اینکه مردم امیدوار بودند به آمدن حضرت، آن هنگام دیگر یقین پیدا می کنند و امیدشان به یقین تبدیل می شود و وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه را می بینند. بعد در این دعا می فرماید: «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ در این کلام باز از همان آیه استفاده شده است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». این دعای شریف سراسر از آیه شریفه وعد، آیه ۵۵ سوره نور گرفته شده است.

## فضیلت زیارت آل یاسین

در دعاهای زیادی به همین آیه شریفه اشاره دارد. این آیه شریفه از سوره نور که در زیارت آل یاسین تلاوت شد و ان شاء الله همه این زیارت را می‌خوانید. حضرت می‌فرماید: اگر می‌خواهید به وسیله ما به سوی خدای متعال توجه پیدا کنید، این زیارت را بخوانید.<sup>۱</sup> آنجا دارد «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»<sup>۲</sup> سلام بر تو، کسی که خداوند به او وعده داد؛ یعنی به ظهورش وعده داد و ضامن او شد و ضمانت کرد که حتماً این موعود جهانی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. آن وعده کجاست؟ در این آیه شریفه که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۳</sup>

در همین زیارت شریفه آل یاسین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ»؛ سلام بر تو ای کسی که دارای پرچم برافراشته شده هستی! پرچمت در سراسر گیتی به اهتزاز درخواهد آمد.

## ائمة اهل بیت علیهم السلام دارای علم فراوان

«وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ»؛ شخصی که دارای علم ریزان و فراوان است؛ مصبوب یعنی

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲-۴۹۳.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرِ مَكْدُوبٍ...».

۳. نور، ۵۵.

همین طور علم ریزش می‌کند. در روایت داریم علمی که اکنون در دست مردم است، دو درجه از علوم است. علم ۲۷ حرف است، دو درجه از علم تاکنون آمده، ۲۵ درجه آن نزد امام زمان علیه السلام است.<sup>۱</sup> حال انسان تصور کند چه زمانی می‌شود؟! الآن علم این همه پیشرفت کرده، اینجا ما الآن نشسته‌ایم قاره‌های مختلف می‌توانند ما را ببینند یا می‌توانیم دیگران را در قاره‌های مختلف ببینیم و با آنها صحبت کنیم. تعجب می‌کنیم، اما علمی که امام زمان علیه السلام می‌آورد، چه علمی است! چقدر لذت دارد! ان شاء الله در موقع ظهور آن حضرت باشیم و از وجود شریف آن حضرت استفاده بکنیم؛ از این رو باید برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنیم.

لذا می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ»؛ ای کسی که علم و پرچمت برافراشته شده است! «وَالْعِلْمُ الْمَمْصُوبُ»؛ علمی که همین‌گونه ریزش دارد. مانند علم بعضی از دانشمندان ما نیست که اگر کسی می‌خواهد علم یاد بگیرد، ابتدا باید اجرتش را بپردازد، سپس به او علم بیاموزند. دانشگاه‌های زمان حضرت دانشگاه‌هایی هستند که برای همه مردم مفتوح و باز هستند و همه می‌توانند از آن دانشگاه استفاده کنند.

۱. قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ آیت‌الله

العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۱۱۹۲.

## امام زمان علیه السلام فریادرس و رحمت واسعة الهی

سپس در همین زیارت آل یاسین می فرماید: «وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ»؛ غوث و کسی که به داد مردم می رسد و فریادرس مردم و رحمت واسعة الهی است، امام زمان علیه السلام است. حضرت نمونه رحمت واسعة الهی است که شما همیشه می گویند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ کسی که رحمت الهی را بر روی زمین نشان می دهد، حضرت است. امام ما، امام رئوف، امام مهربان، امامی که دارای رحمت واسعة است. ما باید امام را این گونه به مردم معرفی کنیم تا مردم عاشق امام زمان علیه السلام بشوند؛ امامی که دارای رحمت واسعة است و رحمتش همه دنیا را فرا می گیرد؛ همان گونه که قرآن درباره جد بزرگوارش می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>.

بعد در همین دعا می فرماید: «وَعِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»؛ وعده الهی است که دروغ در آن راه ندارد، اشاره به آیه ۵۵ سوره نور دارد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۲</sup>. هنگامی که این دعاها را می خوانیم، سعی کنیم با تدبیر بخوانیم. این دعاها همه از معارف الهی هستند. همین دعاها ماه مبارک رمضان را ببینید، اینها همه معارف است، اینها همه علوم آل محمد علیهم السلام است که به وسیله دعا برای مردم آورده شده است و ما باید از آن استفاده کنیم.

۱. انبیاء، ۱۰۷. «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

## تأکید بر حتمی بودن وعده خداوند در دعای ندبه

همین دعای شریف ندبه چه دعای بزرگ و با عظمتی است! در دعای ندبه باز اشاره به همین آیه شریفه است: «وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا؛<sup>۱</sup> وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ؛<sup>۲</sup> وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛<sup>۳</sup> آنجا دارد خداوند ما منزّه است که وعده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است. وعده‌ای که اشاره شده در همین آیه شریفه «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» این گونه نیست که وعده خدا همانند وعده مردم باشد، نه، وعده خدا تخلف‌ناپذیر است. هرگز در وعده خدا تخلفی وجود ندارد. این جزء حتمیات است و حتماً انجام می‌شود.

شخصی از امام علیه السلام پرسید که آیا ممکن است در قیام حضرت علیه السلام بدائی حاصل شود؟ فرمود: هرگز، این وعده الهی است. در وعده الهی هرگز بداء حاصل نخواهد شد؛<sup>۴</sup> از این رو می‌فرماید: «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ این هم اشاره به همین آیه‌ای است که درباره وعده و استخلاف است.

۱. اشاره به آیه ۱۰۸ سوره اسراء.

۲. اشاره به آیه ۲۷ سوره حج.

۳. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۵۸۷؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷ (دعای ندبه).

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۳؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۶۷، ۳۶۹-۳۷۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰-۲۵۱. «قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو هَاشِمٍ دَاوُدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرَّضَا علیه السلام، فَجَرَى ذِكْرُ السُّفْيَانِيِّ وَمَا جَاءَ فِي الرَّوَايَةِ مِنْ أَنَّ أَمْرَهُ مِنْ الْمَحْتُومِ. فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: هَلْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْمَحْتُومِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْنَا لَهُ: فَتَخَافُ أَنْ يَبْدُوَ لِلَّهِ فِي الْقَائِمِ. فَقَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَ الْمِيعَادِ، وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ».

## حتمی بودن وعده خدا در دعای افتتاح

شب‌های ماه رمضان دعای افتتاح را ان شاء الله موفق هستید می‌خوانید، در همین دعای افتتاح داریم که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْتَظِرِ»؛ سپس می‌فرماید: «اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ»؛ این فرازهای دعا اقتباس از همین آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ این قسمت از دعای افتتاح از همین آیه شریفه اقتباس شده است.

جمله بعدی «مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ»؛ نیز از این آیه شریفه ﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ﴾ اقتباس شده است. این جزء وعده خداست، ما دعا می‌کنیم «مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ»؛ خدایا مکتب بده و دینش را در سراسر گیتی و جهان گسترش بده. «مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ»؛ دینی که تو راضی شدی. پیش‌تر بیان کردیم در این آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾؛ دینی که خدا به آن راضی شده، کدام دین است؟ دینی است که روز عید غدیر فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۶۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۸۱ (دعای افتتاح). «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْتَظِرِ... اسْتَخْلِفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبَدْلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا...».

۲. نور، ۵۵. «و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت».

نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛<sup>۱</sup> در دعای افتتاح می خوانیم: «الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَه»؛<sup>۲</sup> خدایا دینی را که تو راضی شدی؛ یعنی دین همراه ولایت، دینی که امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت اهل بیت علیهم السلام مکمل آنها هستند، بدون آنها دینی وجود ندارد.

سپس در همین دعای شریف افتتاح می فرماید: «أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا»؛ وقتی اینها را می خوانید، باید به این آیه توجه داشته باشید که دعای افتتاح از این آیه شریفه استفاده شده است. «أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا» اشاره به «وَلْيَبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» است که خدا می فرماید ما خوف آنها را به امنیت و آرامش تبدیل می کنیم. در این دعا می خوانیم «أَبْدِلْهُ»؛ خدایا اینها را تبدیل کن. «أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا»، اشاره به همین آیه شریفه دارد. «يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا»؛ فقط تو را پرستند و غیر از تو را نپرستند، مردم مشرک نباشند. اشاره به آیه شریفه است که می فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ اینها با هم ارتباط زیادی دارند و خیلی زیباست! بسیار جالب است که انسان این دعاها و آیات را بخواند و متوجه بشود. خواندن قرآن در ماه مبارک رمضان ثواب بسیار زیادی دارد. از سوی دیگر، این دعاها را می خواند که ارتباطش را با قرآن متوجه بشود و اینها را بداند؛ زیرا اینها سنت الهی هستند؛ همان گونه که خلقت آسمانها، خلقت انسانها، خلقت زمین و

۱. مائده، ۳. «امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

۲. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۶۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۸۱ (دعای افتتاح).



آمدن پیامبران و انبیا، سنت الهی است؛ وعده خداوند مبنی بر اینکه روزی امام زمان علیه السلام خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد نیز جزو سنت‌های حتمی الهی است و تخلف‌ناپذیر است. هرگز امکان ندارد برگشتی در این سنت خداوند باشد، این نیز جزو سنت‌های واقعی و حتمی است.

### درخواست امام زمان علیه السلام برای حتمی شدن وعده ظهور

عبدالله بن جعفر حمیری از یاران و اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است که در زمان غیبت صغری زندگی می‌کرد. ایشان می‌گوید خدمت سفیر دوم و نایب خاص امام زمان علیه السلام رسیدم. محمد بن عثمان از نواب اربعه و سفیر دوم امام زمان علیه السلام بود. «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرَ الْعَمْرِيَّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟<sup>۱</sup> از محمد بن عثمان سؤال کردم، آیا شما صاحب این امر را زیارت کردید؟ تاکنون خدمت حضرت مشرف شدید؟» «فَقَالَ: نَعَمْ وَآخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ»؛ محمد بن عثمان فرمود: بله و آخرین بار وقتی خدمت حضرت رسیدم در خانه

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰؛ همو، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ آیت الله العظمی

صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۴، ص ۱۴۰، ح ۸۲۹ «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ،

قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرَ الْعَمْرِيَّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ:

نَعَمْ وَآخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي».

خدا در مکه بود. «وَهُوَ يَقُولُ: اَللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِيْ مَا وَعَدْتَنِيْ»؛ و حضرت این گونه در خانه خدا دعا می کردند و از خدا می خواستند: خدایا آنچه را که برای من وعده دادی، حتمی کن و آن وعده‌ها را حتماً به من عنایت کن! «اَنْجِزْ لِيْ مَا وَعَدْتَنِيْ»؛ خود حضرت به خدا عرض می کند. «مَا وَعَدْتَنِيْ» چیست؟ وعده‌ای که خداوند به امام زمان علیه السلام داده و حضرت می خواهد که حتماً انجام بشود، «اَنْجِزْ لِيْ»؛ حتماً آن را برایم بیاور، آنچه وعده دادی را حتمی کن، اشاره به همین آیه شریفه است:

﴿وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ﴾<sup>۱</sup>

در روایت دیگر آمده است بعد از اینکه حضرت به دنیا آمدند، این دعا را خواندند:

«اَللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِيْ وَعْدِيْ، وَاَتْمِمْ لِيْ اَمْرِيْ، وَثَبِّتْ وَطْأَتِيْ»؛<sup>۲</sup> این دعایی است که حضرت فرمودند:

«اَنْجِزْ لِيْ وَعْدِيْ»؛ همان موقع که حضرت به دنیا آمدند، حکیمه خاتون می گوید که دیدم حضرت به سجده رفته بودند و به درگاه خداوند متعال این دعا را می خواندند: «اَنْجِزْ لِيْ وَعْدِيْ»؛ خدایا! انجام بده برای من آنچه را که وعده دادی. خداوند چه وعده‌ای داده بود؟ همین وعده‌هایی که در این آیه شریفه ۵۵ سوره نور وجود دارد.

باز محمد بن عثمان - سفیر دوم و نایب خاص امام - نقل می کند که در نوبت دیگر خدمت حضرت رسیدم «وَرَأَيْتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي

۱. نور، ۵۵.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۹؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۵۹؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳. «اَللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِيْ وَعْدِيْ، وَاَتْمِمْ لِيْ اَمْرِيْ، وَثَبِّتْ وَطْأَتِيْ...».

الْمُسْتَجَارِ»<sup>۱</sup> و وجود نازنین امام عصر ع را در مکان مقدس مستجار دیدم که پرده‌های خانه خدا را گرفته بود.<sup>۲</sup>

«وَهُوَ يَقُولُ» امام زمان ع دست‌هایشان را به پرده خانه خدا گرفته بودند و به درگاه خدا این گونه دعا می‌کردند: «اللَّهُمَّ اَنْتَقِمْ بِي مِنْ اَعْدَائِكَ»؛ خدایا به وسیله من از دشمنانت انتقام بگیر! اینها دشمنان تو هستند. دشمنان واقعی خدا، دشمنان اهل بیت ع هستند. دشمنان ولایت هستند، دشمنان امیرالمؤمنین ع هستند. کسانی که مولا امیرالمؤمنین ع را از مقام الهی در ظاهر کنار زدند، دشمن امام زمان ع هستند، آنها دشمن خدا هستند.

«اللَّهُمَّ اَنْتَقِمْ بِي مِنْ اَعْدَائِكَ»؛ چقدر حضرت ناراحت هستند! واقعاً هنگامی که انسان این دعاها را می‌خواند، باید برای مظلومیت حضرت اشک بریزد که ایشان باید خودشان کنار خانه خدا فرج خود را تقاضا کند.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱. «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ السَّجَمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرَ الْعُمَرِيَّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ: «رَأَيْتُهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ، وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اَنْتَقِمْ بِي مِنْ اَعْدَائِكَ». در برخی مصادر «اَنْتَقِمْ لِي» دارد. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰؛ همو، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ طوسی، الغيبة، ص ۲۵۱، ۳۶۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۴، ص ۱۴۲، ح ۸۳۰.
۲. مستجار همان جایی است که خانه خدا شکافته شد و مادر امیرالمؤمنین ع وارد خانه خدا شدند و بعد از چند روز قنداقه مبارک حضرت امیرالمؤمنین ع بر روی دست‌های مبارک مادر حضرت، فاطمه بنت اسد، بود و از آن مکان بیرون آمدند.



## ضرورت دعا برای تعجیل فرج

«وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»<sup>۱</sup> برای تعجیل فرج فراوان دعا کنید که فرج امام زمان عجلتعالیه فرج شماست. شما شیعیان اگر می‌خواهید از دست دشمنان نجات پیدا کنید، به وسیله دعا می‌توانید نجات پیدا کنید.

در روایت داریم که بنا و وعده خدا بود که حضرت موسی ع بیاید و مردم را از ظلم و ستم فرعون و فرعونیان نجات بدهد. بنی اسرائیل آنقدر از دست فرعون ناراحت بودند، آنقدر در عذاب بودند تا همگی به صورت یکپارچه دعا کردند و خداوند به واسطه دعای آنها، حدود ۱۷۰ سال زودتر حضرت موسی را برای مردم فرستاد.<sup>۲</sup>

## توصیه آیت‌الله العظمی گلپایگانی به خواندن دعای فرج

یادی کنیم از آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته که من این کلام را از ایشان شنیدم. در زمان جنگ که فشار زیادی بود، عده‌ای خدمت ایشان رفتند، برای مردم ناراحتی بود. ایشان فرمودند برای فرج امام زمان عجلتعالیه دعا کنید که اگر واقعاً دعا کنیم، خداوند فرجش را نزدیک‌تر می‌آورد.

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲-۲۹۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲،

ص ۲۷۲؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۵۴؛ فیض‌کاشانی، تفسیر‌الصافی، ج ۵۲، ص ۴۶۰؛ مجلسی،

بحار‌الانوار، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵۲، ص ۱۳۲.

ان شاء الله ظهور موفور السرور امام زمان علیه السلام را به چشمان خودمان ببینیم و در رکاب ایشان باشیم. از خدا بخواهیم این عمری را که به ما داده، در رکاب حضرت بدهیم؛ زیرا ممکن است الآن بخواهیم و دیگر بیدار نشویم. چه فایده دارد. از خدا بخواهیم «وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»<sup>۱</sup> آن لذت عمر است. درباره دعا برای فرج امام زمان علیه السلام سفارش فراوان شده است.

### سفارش امام زمان علیه السلام به خواندن دعای عهد

داستان مختصری را عرض کنم. بسیار خوشحال هستم که در حوزه علمیه قم موفق شدیم بحث‌های مهدوی را بیان کنیم؛ هرچند قابل نیستیم، ولی اگر از امام زمان علیه السلام استمداد کنیم، خود ایشان جواب ما را خواهند داد. ان شاء الله به این مجلس و مجالس دیگر خودشان نظری دارند.

شخصی خدمت امام زمان علیه السلام می‌رسد. حضرت به ایشان می‌فرماید که دعای عهد را بخوانید. تأکید بسیاری به خواندن دعای عهد داشتند. شخصی است در زمان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، گویا ایشان با شیخ عباس قمی هم‌بحث بودند. مرحوم حاج شیخ حسن اصفهانی که در اصفهان زندگی می‌کردند. ایشان از علمای اصفهان بوده و می‌گوید که من خیلی علاقه داشتم که خدمت امام زمان علیه السلام برسم. همه ما چنین علاقه‌ای داریم. شبانه‌روز دعا می‌کردم، هر دعایی

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۶۳-۶۶۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۰.

را که گفته بودند، می خواندم تا اینکه به خدمت حضرت برسم. شبی خواب دیدم به من ندا شد اگر می خواهی خدمت حضرت برسی، باید فلان صفت رذیله و بد را از خودت دور کنی. تو دارای صفت بدی هستی که نمی توانی سعادت زیارت امام زمان عجلتعالیه را داشته باشی. از خواب بیدار شدم و با خود فکر می کردم چه صفتی دارم تا بالاخره فهمیدم. گویا یک صفت بدی در دلم بود، حال مثل اینکه حسد یا کینه داشت یا نسبت به حقوق اهل و عیال خودش مقصر بود یا نسبت به اهل منزل بداخلاقی داشت. اینها همه مهم است. امام زمان عجلتعالیه به اینها نیز نظر دارند. خلاصه فهمیدم این صفت چیست. تلاش و کوشش کردم تا این صفت را از خودم دور کردم. سپس مشغول شدم به خواندن دعاها و آیات و سوره هایی که جزو سور مسَبَّحات است. هر سوره ای را که اول آنها «سَبَّحَ اللهُ» یا «يُسَبِّحُ اللهُ»<sup>۱</sup> بود، خواندم تا زمانی در بیداری در مشهد مقدس خدمت امام زمان عجلتعالیه رسیدم. رفتم نزدیک و خدمتشان عرض ادب و سلام کردم. حضرت فرمود بیا کربلا، آنجا جواب تو را خواهم داد. بعد از اینکه این قضیه را دیدم، خوشحال شدم و هم از آن طرف حضرت فرمودند بیا کربلا، در آنجا دارند که حضرت به ایشان فرموده بودند.

۱. حدید، ۱؛ حشر، ۱؛ صف، ۱.

۲. جمعه، ۱؛ تغابن، ۱.

### خواندن سوره اسراء جهت تشریف خدمت امام زمان علیه السلام

بعد از این تشریف، رفتم اذکار و دعاهای دیگری را خواندم؛ از جمله سوره اسراء که امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس شبهای جمعه سوره اسراء را بخواند و موفق باشد، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت می کند و اگر هم در این دنیا موفق نشد، بعد از اینکه حضرت قیام کردند، برمی گردد و خدمت حضرت می رسد.<sup>۱</sup>

ایشان می فرماید شروع کردم به خواندن سوره اسراء و آمدم کربلای معلی هنگامی که بالای سر حضرت سیدالشهدا علیه السلام خدمت حضرت رسیدم، آنجا عرض کردم که من چه کار کنم با شما ارتباط بیشتری داشته باشم. دوست دارم با شما مرتبط باشم. امام زمان علیه السلام فرمودند که دعای عهد را بخوان. سفارش کردند به خواندن دعای عهد؛ همچنین فرمودند آیات آخر سوره حشر را بخوان.

من از این تشریف می خواهم این را استنباط کنم که خود حضرت به خواندن دعای عهد سفارش کردند. بسیاری از بزرگان ما دعای عهد را فراموش نمی کردند. من یادم هست که حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام هر روز صبح دعای عهد را می خواندند، بعد هم که می رسیدند به کلام آخر، دستشان را به زانو می زدند و با حضرت دوباره بیعت می کردند. همچنین زیارت آل یاسین که خیلی سفارش شده و حضرت آیت الله والد ما نیز بسیار سفارش می کردند. خود ایشان بارها موفق شدند به خواندن زیارت آل یاسین.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۰۷.

پس چیزی که برای ما لازم است، این است که ارتباطمان را با امام زمان علیه السلام زیاد کنیم. راه‌های متعددی دارد؛ امروزه وظیفه ما این است بتوانیم علوم و معارف آنها را تا اندازه‌ای که می‌توانیم یاد بگیریم و به دیگران برسانیم؛ به شبهات پاسخ دهیم، به اشکالاتی که مطرح می‌کنند، پاسخ دهیم، شناخت واقعی نسبت به امام زمان علیه السلام داشته باشیم؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - در آن روایتی که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده‌اند - می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مردنش مردن جاهلیت است. شناخت امام زمان علیه السلام چیست؟ ان شاء الله در مباحث آینده خدمتتان عرض خواهم کرد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹۶؛ مجلسی، بحار الانوار،





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \*﴾

﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup>

یکی از آیات قرآن کریم که بر ظهور و حضور حضرت حجت علیه السلام دلالت می‌کند، آیات ۵ و ۶ سوره قصص است. شاید بتوان گفت یکی از شورانگیزترین داستان‌های قرآنی که حدود ۲۵۰ آیه قرآن کریم را به خود اختصاص داده است

---

۱. قصص، ۵-۶. «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی

زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و

لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند، نشان دهیم.»

داستان قوم بنی اسرائیل و احوال فرعون و فرعونیان است که در حدود ۲۵۰ آیه خداوند درباره حالات قوم بنی اسرائیل و احوال زمان فرعون و ستم‌هایی که بر مردم داشتند و ظلمی که به واسطه آن مردم در ناراحتی و خوف بودند، بیان می‌فرماید.

در همین آیه شریفه، قبل از آیه‌ای که تلاوت کردیم، قرآن کریم درباره فرعون این چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾؛ فرعون بر روی زمین علو کرد، تکبر کرد و بزرگی نشان داد و اهل و قوم خویش را به طایفه‌های مختلف متفرق کرد. ﴿يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ﴾؛ عده‌ای از آنها را مستضعف کرد، به آنها ظلم و ستم نمود. ﴿يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ﴾؛ به گونه‌ای که فرزندان آنها را می‌کشت و پسران‌شان را ذبح می‌کرد. ﴿وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾؛ و زن‌های آنها را هم به بردگی می‌گرفت، به بدترین وضع آنها را شکنجه می‌داد. ﴿إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ او از مفسدان و از کسانی بود که روی زمین فساد می‌کرد.

در این آیه شریفه مطالب گفتنی بسیار زیاد است که اگر ما بخواهیم وارد آن بشویم و مطالبی را که در تفاسیر اهل بیت علیهم‌السلام است، در این باره بیان کنیم، زمان زیادی می‌طلبد.

---

۱. قصص، ۴. «فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنان‌شان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود.»

آن چیزی که از این آیه شریفه می‌توانیم استفاده کنیم، در مرحله اول این است که فرعون آن قدر مردم را اذیت و شکنجه کرد و قوم بنی‌اسرائیل را در استضعاف قرار داد که شاید بتوان گفت در تاریخ نظیر ندارد. فرزندان آنها را وقتی به دنیا می‌آمدند - اگر می‌شنیدند حتی اگر در گهواره بود - ذبح می‌کردند و از بین می‌بردند. زنانشان را به اسارت می‌گرفتند. با مردانشان مانند اسیر و برده رفتار می‌کردند. ظلم و ستم فرعون سال‌ها ادامه داشت. سرانجام مردم از ظلم و استبداد فرعون به ستوه آمدند و به درگاه خداوند متعال ضجّه و انابه و زاری کردند و واقعاً از خدا خواستند که آن مصلحی را که بناست بیاید و نجاتشان دهد، زودتر به داد آنها برساند؛ از این رو در روایت داریم که حضرت موسی بنا بود سال‌ها بعد ظهور کنند و خداوند متعال او را برای نجات بنی‌اسرائیل بیاورد، ولی به خاطر دعای مردم و به خاطر استجابت دعا، حضرت موسی علیه السلام زودتر از موعد آمدند و بنی‌اسرائیل را از شر فرعون و فرعونیان نجات دادند.<sup>۱</sup>

نکته اول اینکه آنها در استضعاف و ناراحتی بودند، اما خواست و سنت خدا بر این است کسانی که در سال‌های زیادی در سختی بودند، خلیفه خدا بر روی زمین بشوند و وراثت زمین در اختیار آنها قرار بگیرد. از این رو آیه می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ﴾ بعد از اینکه فرعونیان چنین کارهای زشتی را

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۵۴؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار،

ج ۴، ص ۱۱۸؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵۲، ص ۱۳۲.

انجام می دادند، ما اراده کردیم بر کسانی که در چشم فرعون و فرعونیان مستضعف، خوار و کوچک شدند، منت بگذاریم ﴿وَنَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ و آنها را امام و پیشوای مردم و وارث روی زمین قرار دهیم. آنچه در زمین بود؛ از برکات، منابع و معادن، همه را در اختیار آنها قرار دادیم و با صلح، صفا، صمیمیت و آرامش در زیر سایه یک نبی از انبیای الهی به نام حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - به راحتی و با امنیت کامل زندگی می کردند.

پس از این آیه، قرآن کریم می فرماید: ﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ ما زمین را به آنها دادیم. مکتت و قدرت زمین و حکومت را در اختیارشان گذاشتیم. ﴿وَنُورِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾؛ و بعد به فرعون که ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾؛ می گفت و ادعای خدایی می کرد و به هامان نیز که وزیر ایشان بود و لشکریان این دو نشان دادیم آنچه که از آن می ترسیدند و از آن حذر می کردند. فرعون از عذاب الهی می ترسید، سرانجام عذاب الهی به آنها رسید و با آن وضع بسیار فلاکت انگیز از بین رفتند و برای جهانیان نشانه و عبرت شدند تا امروز که خداوند اگر بخواهد حکومت ظالم را از بین خواهد برد و مظلوم را به جای آنها حاکم می کند.

ظاهر این آیه شریفه و تنزیل آن درباره حضرت موسی علیه السلام و پیروان ایشان و از سوی دیگر درباره فرعون و فرعونیان است.

## منظور از مستضعف در قرآن

یکی از آیات مهدوی که می‌توانیم درباره ظهور حضرت حجت عجله الله از آن استفاده کنیم، همین آیه شریفه قرآن کریم است؛ آن هم از روایات متعددی که در تفاسیر ما و حتی در بعضی از تفاسیر اهل سنت وجود دارد. اولاً استضعافی که در زمان موسی ع برای بنی اسرائیل بود، همین استضعاف برای اهل بیت ع نیز وجود داشت؛ یعنی همان‌گونه که زمان حضرت موسی ع پیروان ایشان در کمال خوف و کمال زحمت و شدت بودند، اهل بیت ع و پیروان‌شان نیز در فشار، زحمت و ناراحتی بودند. از این رو می‌بینیم که مفضل<sup>۱</sup> در این باره از امام صادق ع روایت کرده است.<sup>۲</sup>

«عَنِ الْمُفْضَلِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع فَبَكَى؛ مفضل می‌گوید در مجلسی بودم، از امام صادق ع شنیدم پیامبر اسلام ص به صورت مبارک امیرالمؤمنین، امام حسن و امام

۱. همان‌گونه که می‌دانید مفضل کتابی به نام توحید داد این بسیار معروف و خواندنی است و لازم است اهل علم حتماً این کتاب را بخوانند.

۲. صدوق، معانی الاخبار، ص ۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۸. «عَنِ الْمُفْضَلِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع فَبَكَى وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي. قَالَ الْمُفْضَلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأَيُّمَةُ بَعْدِي؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

حسین علیه السلام نگاه کردند، سپس گریه کردند و اشک ریختند و ناراحت شدند، «وَقَالَ: أَنْتُمْ السُّتْضَعْفُونَ بَعْدِي»؛ و فرمودند: شما بعد از من مستضعف می شوید. مردم به گونه‌ای دیگر به شما نگاه می‌کنند. حق شما را پای مال می‌کنند. شما را در میان مردم، ضعیف جلوه می‌دهند. مستضعف و ناتوان نگه داشته می‌شوید و قدرت را از شما می‌گیرند.

«قَالَ الْمُفْضَلُ: فَقُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟»؛ مفضل می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای اینکه امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مستضعف می‌شوند، چیست؟ «قَالَ: مَعْنَاهُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةُ بَعْدِي»؛ حضرت فرمود: یعنی شما بعد از من، امامان این امت می‌شوید. نتیجه استضعاف همان است که بعد از استضعاف خدا می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا»؛ اول استضعاف؛ یعنی شما مستضعف می‌شوید. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حقیقتان را می‌گیرند. جنگ‌های مختلفی را با این وجود مبارک و خلیفه بلا فصل پیامبر صلی الله علیه و آله به راه می‌اندازند تا در محراب عبادت شهیدش می‌کنند. این همه ناراحتی و مشکلات برای امام حسن و امام حسین علیهم السلام و شیعیان‌شان پیش می‌آورند که می‌شوند مستضعفی که قرآن کریم در این آیه بیان می‌کند. «وَنَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً»؛ بعد از استضعاف امامان معصوم علیهم السلام امام و پیشوای مردم می‌شوند و زمین را در اختیار آنها قرار می‌دهیم.

سپس امام صادق علیه السلام به آیه شریفه پنجم سوره قصص استشهاد کردند. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً»

وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ بعد امام صادق ع می فرماید: «فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ این آیه مختص زمان موسی ع نبوده، بلکه این آیه درباره ما جاری شده تا روز قیامت. ان شاء الله زمین به دست ائمه معصومین ع - اول امام زمان ع بعد هم در رجعت به دست سایر ائمه معصومین ع - خواهد افتاد؛ لذا می فرماید: «فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». این روایت برای ما کاملاً روشن می کند که آیه شریفه درباره وجود نازنین و مقدس امام زمان ع است.

در این باره روایت دیگری نقل شده است. <sup>۱</sup> «وَرُوِيَ أَنَّهُ تَلَى بِحَضْرَتِهِ ع»، اگر «رُوِيَ» بگوییم یعنی روایت شده و اگر «رَوَى» بگوییم، یعنی خود مفضل روایت کرده است. «أَنَّهُ تَلَى بِحَضْرَتِهِ ع»؛ کسی این آیه را پیش امام صادق ع خواند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا»، <sup>۲</sup> «الآيَةَ»؛ وقتی که این آیه را خواندند، دو چشم امام صادق ع پر از اشک شد، «فَهَمَلْنَا عَيْنَاهُ ع»؛ سپس حضرت فرمود: «وَقَالَ: نَحْنُ وَاللَّهِ الْمُسْتَضَعُّونَ»؛ ما مستضعفی هستیم که خداوند متعال در این سوره قصص بیان فرموده است، کسانی که مستضعف شده اند و حقشان را گرفتند، کسانی که در خوف و شدت و ناراحتی بودند، ما و شیعیان ما بودند.

### شیعیان اهل بیت ع نماد استضعاف

همچنین روایات دیگری داریم که می فرماید نماد استضعاف در زمان امامان معصوم ع، شیعیان آنها هستند؛ همان گونه که در زمان موسی ع پیروان ایشان نیز

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۴. «وَرُوِيَ أَنَّهُ تَلَى بِحَضْرَتِهِ ع»؛ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا»، <sup>۲</sup> «الآيَةَ»؛ فَهَمَلْنَا عَيْنَاهُ ع وَقَالَ: نَحْنُ وَاللَّهِ الْمُسْتَضَعُّونَ.

در استضعاف بودند، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام تا امروز در حالت استضعاف بودند. همان گونه که خود اهل بیت علیهم السلام مورد ستم و بی مهری قرار گرفتند.

این روایت نیز روایت بسیار عجیبی است. «عَنْ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ، قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: أَتَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟»<sup>۱</sup> ثویر می گوید: امام سجاده علیه السلام به من فرمود: ای ثویر! آیا قرآن می خوانی؟ «قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ»؛ گفتم: بله، قرآن می خوانم، من اهل قرآن هستم. «قَالَ: فَأَقْرَأْ طِسْمَ سُورَةِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ»؛ این آیه شریفه سوره قصص که برایتان قرائت کردم و اولش «طسم» است و درباره حضرت موسی و فرعون است قرائت کن.

«قَالَ: فَقَرَأْتُ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ السُّورَةِ إِلَى قَوْلِهِ»؛ ثویر می گوید: شروع کردم به خواندن سوره در نزد امام سجاده علیه السلام تا رسیدم به اینجا: «وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ این را که خواندم، حضرت فرمودند: «فَقَالَ لِي: مَكَانَكَ»؛ همین جا بمان. «حَسْبُكَ»؛ بس است دیگر نخوان.

۱. فرات کوفی، تفسیر، ص ۳۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۷۱؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۰، ح ۳۱۵ (با اندکی اختلاف در عبارت). «حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ الزُّهْرِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ، قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: أَتَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: فَأَقْرَأْ طِسْمَ سُورَةِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ. قَالَ: فَقَرَأْتُ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ السُّورَةِ إِلَى قَوْلِهِ: «وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» الْآيَةَ. فَقَالَ لِي: مَكَانَكَ حَسْبُكَ، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتَنَا (وَشِيعَتُهُمْ) كَمَنْزِلَةِ (بِمَنْزِلَةِ) مُوسَى وَشِيعَتِهِ».



## شیعیان اهل بیت به منزله موسی و شیعیانش

بعد امام سجاده علیه السلام فرمود: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتَنَا كَمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيعَتِهِ»؛ قسم به خداوندی که پیامبر آخرالزمان، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان بشارت دهنده و انذارکننده امت فرستادند، ابرار و نیکان از ما اهل بیت علیهم السلام هستند که خداوند در آینده، زمین را به دست آنها خواهد داد. منزلت و مقام شیعیان ما همانند منزلت موسی علیه السلام و شیعیان ایشان است. همان گونه که موسی علیه السلام شیعیانی داشت و خداوند آنها را به وسیله موسی علیه السلام نجات داد، شیعیان نیز به وسیله امامان معصوم از خوف، ناراحتی و مشکلات نجات خواهند یافت.

این حدیث شریف دلالت دارد که این آیه هم برای ائمه معصومین علیهم السلام و هم برای شیعیان آنهاست.

همچنین در نقل دیگری درباره همین روایت در کتاب شریف بحار الانوار علامه مجلسی رحمته الله علیه روایت کردند که امام سجاده علیه السلام این چنین فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيعَتِهِ»؛ بعد این عبارت را اضافه دارد: «وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ»؛<sup>۱</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷ - ۱۶۸. «وَقَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: وَالَّذِي

بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَشِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيعَتِهِ، وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ».

کسانی که دشمن ما و پیروان دشمنان ما هستند، آنها هم فرق نمی‌کنند. دشمنان ما همان فرعونیان هستند که آن زمان بودند و امروز چهره‌هایشان فرق می‌کند؛ از این رو می‌فرماید: «بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ».

این حدیث در کتاب شریف *تأویل الآيات* نیز نقل شده است.<sup>۱</sup> *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة* کتابی است که درباره آياتی که تفسیر و تأویل آن مخصوص ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، نوشته شده است.

### توصیه امام صادق علیه‌السلام به تدبر در قرآن

درباره اینکه فرعون و فرعونیان در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام و بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه کسانی بودند، ما باید آنها را بشناسیم و معرفی بکنیم؛ از این رو در روایتی باز حضرت به مفضل که یکی از اصحاب حضرت است، این چنین می‌فرماید: «قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: يَا مُفَضَّلُ لَوْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ شِيعَتُنَا لَمَا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا»؛<sup>۲</sup> ما را به خواندن قرآن با تدبر بسیار سفارش می‌کنند، اینکه تنها به ظاهر قرآن نگاه نکنید؛ تأویل

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآيات، ص ۴۰۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۶. «قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: يَا مُفَضَّلُ لَوْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ شِيعَتُنَا لَمَا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا، أَمَا سَمِعُوا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ وَنُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْتَدِرُونَ»؛ وَاللَّهُ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ تَنْزِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَتَأْوِيلَهَا فِينَا، وَإِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ نِيَمٌ وَعَدِيٌّ».

قرآن را نیز ببینید. تأویل بیشتر این آیات درباره ائمه معصومین علیهم السلام است و آنجایی که مذمت شده است یا عذابی در آن است، درباره دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَوْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ شِيعَتُنَا لَمَا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا»؛ ای مفضل! اگر شیعیان ما در قرآن تدبّر می کردند، هرگز درباره ما و فضایل و مناقب ما شک نمی کردند. کسانی که شک و تردید دارند، به خاطر آن است که قرآن را همین طور می خوانند و می روند. شما الآن نگاه کنید در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله چقدر مردم نشسته اند و قرآن می خوانند، آیا اینها دلیل بر این است که واقعاً به قرآن عمل می کنند و در قرآن تدبّر و تفکر می کنند؟! تأویل قرآن را می دانند؟! امام صادق علیه السلام از ما توقع دارد، از آنها که انتظاری نیست، از ما شیعیان توقع دارد که در قرآن تدبّر کنیم. اگر شیعیان ما در قرآن تدبّر می کردند، هرگز در فضل و مناقب ما شک نمی کردند و تردید به خودشان راه نمی دادند.

سپس می فرماید: «أَمَا سَمِعُوا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ آیا شیعیان ما نشنیدند قول خداوند را که در قرآن کریم می فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»<sup>۱</sup>؛ آیا این آیه به گوش آنها نخورده است؟ آیا در

۱. قصص، ۶-۵. «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند، نشان دهیم.»

این آیات تدبیر نکردند؟! «وَاللّٰهُ يٰ مُفَضَّلُ»؛ به طور حتم مطلب مهمی است که امام قسم می خورد. «وَاللّٰهُ يٰ مُفَضَّلُ اِنَّ تَنْزِيْلَ هَذِهِ الْاٰيَةِ فِيْ بَنِي اِسْرَائِيْلَ»؛ تنزیل این آیه شریفه درباره بنی اسرائیل است؛ یعنی شأن نزول و ظاهر آیه شریفه درباره بنی اسرائیل بود؛ ما کاری به بنی اسرائیل نداریم، ما باید قوم خودمان را ببینیم. الآن از این استفاده کنیم، از این باید برای آنچه احتیاج داریم، استفاده کنیم. «وَتَأْوِيْلَهَا فَيُنَا»؛ تأویل این آیه درباره ماست، درباره ما اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی اگر کسی خوب توجه کند، می بیند که منظور آیه «وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلٰی الَّذِيْنَ اسْتَضْعَفُوْا فِي الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اٰيْمَةً» این است که خداوند می گوید من اراده کردم بر کسانی که استضعاف دارند، آنها را امام قرار بدهم؛ از این رو می فرماید: «تَأْوِيْلَهَا فَيُنَا»؛ تأویل آیه ما امامان هستیم.

### فرعون و هامان امت پیامبر صلی الله علیه و آله

سپس می فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ تَيْمٌ وَعَدِيٌّ»؛ اگر می خواهید فرعون و هامان این امت را بشناسید، فرعون تیم و عدی هستند. آن دو نفری که خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب کردند. این آیه فرعون و هامان را به ما معرفی می کند. هامان این امت کیست؟ فرعون این امت کیست؟

در روایت دیگری نیز از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است که تأویل این آیه

درباره ائمه معصومین علیهم السلام است.<sup>۱</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۸.

ما از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌کنیم که امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان آنها مستضعفان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. آیا این مستضعفان روزگار درخشانی هم دارند که ما امیدوار باشیم به آن روز که خداوند این مردم را از این حالت استضعاف نجات دهد؟ روزی خواهد آمد که می‌بینیم سراسر گیتی پر از عدل، داد، آسایش، آرامش و نشاط است. آیا می‌توانیم از این آیه شریفه و روایات آن را استنباط کنیم یا نه؟

### امام زمان علیه السلام نجات‌دهنده مستضعفین جهان از ظلم

روایت دیگری از امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه ۵ سوره قصص نقل شده است.<sup>۱</sup>

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: جد بزرگوارم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قَالَ: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ»؛ کسانی را که خداوند اراده کرده بر آنها منت بگذارد که زمین را در اختیارشان قرار بدهد و سیطره زمین در اختیار آنان باشد، آل محمد علیهم السلام هستند. «يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ»؛ خداوند متعال، مهدی آنها را مبعوث خواهد کرد، بعد از اینکه شیعیان

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳،

ص ۱۱، ح ۳۱۷. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ قَالَ: هُمْ

آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيُعِزُّهُمْ (لِيُعِزَّهُمْ) وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ».

تلاش زیادی کردند و زحمات زیادی کشیدند «فَيَعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ امام مهدی عجلتعالیه خواهد آمد، شیعیان و کسانی را که در حالت استضعاف بودند عزت می‌دهد و دشمنانشان را نیز ذلیل می‌کند.

در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ». این روایت همین را می‌فرماید. کسی که شیعیان را عزیز می‌کند، حضرت مهدی عجلتعالیه است. کسی که دشمنان شیعه را ذلیل می‌کند، باز وجود مقدس امام زمان - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است.

در همین باره حدیث دیگری نقل شده<sup>۲</sup> که امام عسکری ع فرزند عزیزش را هنگامی که به دنیا آمدند، نگاه می‌کند. حکیمه خاتون، عمه گرامی امام حسن عسکری ع، می‌گوید دیدم که امام عسکری ع به فرزند کوچکش فرمود: «قَالَ: تَكَلَّمْ يَا بُنَيَّ!» ای فرزندم، ای پسر عزیزم! صحبت کن که تکلم تو روح مرا زنده

۱. ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۷۹؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۵؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۴، ص ۹۸-۱۰۰، ح ۷۹۵. «قَالَ: تَكَلَّمْ يَا بُنَيَّ. فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَتَنَى بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ ع؛ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُفَعِّلُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ...».

می‌کند. دوست دارم که برای من حرف بزنی. «فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ امام زمان علیه السلام بر وحدانیت خداوند متعال شهادت دادند. «وَتَنِي بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ؛ بر جد بزرگوارشان، حضرت محمد صلوات الله عليه، صلوات فرستادند. «وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و بر علی امیرالمؤمنین علیه السلام. این مهم است که حضرت وقتی به دنیا آمدند گفتند: «الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام». امیرالمؤمنین علیه السلام را آنجا اضافه کردند، به جای علی علیه السلام، فرمودند: «وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛ یک به یک ائمه را نام بردند. یک به یک بر اجداد طاهرین خود درود و صلوات فرستادند «حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ علیه السلام؛ تا به پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری علیه السلام رسید و بر ایشان صلوات فرستادند.

«ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ؛ سپس این آیات شریفه را تلاوت کردند. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ یعنی من آمدم که اراده خدا روی زمین محقق شود. کسی که می‌تواند اراده خدا را حتمی و قطعی کند و مردم را از ظلم و ستم فرعون و فرعونیان در هر زمانی نجات دهد، مهدی آل محمد علیهم السلام است.

برای تکمیل بحث باز از دعای شریف افتتاح بیان می‌کنم که از خود امام زمان علیه السلام وارد شده است.<sup>۲</sup> بسیاری از کلمات این دعا اشاره به آیات قرآنی دارد

۱. قصص، ۵-۶.

۲. کفعمی، البلد الامین، ص ۱۹۴.



که درباره وجود نازنین امام زمان علیه السلام است. آنجا دارد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ»؛ ستایش مخصوص خدایی است که هنگام ظهور حضرت به خائفین و کسانی که خائف و ترسناک هستند، آرامش و امنیت می دهد «وَيُنَجِّي الصَّادِقِينَ»؛ و صادقین و راستگویان را نجات می دهد. صادقین در روایات، ائمه معصومین علیهم السلام هستند. <sup>۱</sup> «وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ»؛ خدا مستضعفان را بالا می برد. این فراز از دعا از همین آیه شریفه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ»؛ استفاده شده است. «وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ»؛ فرعونیان از بین خواهند رفت. «وَيُهْلِكُ الْمُلوَكَّ»؛ ملوک و پادشاهان روی زمین به واسطه امام زمان علیه السلام هلاک خواهند شد و حکومت واحد جهانی در آن زمان ایجاد می شود؛ آن هم حکومت واقعی امام زمان علیه السلام «وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ»؛ که منظور از «آخِرِينَ» وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. بنابراین تأویل آیات ۴ تا ۶ سوره قصص درباره امام زمان علیه السلام است؛ گرچه تنزیلش در مورد موسی علیه السلام و فرعون است، اما تأویل واقعی آن ائمه معصومین علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱؛ فرات کوفی، تفسیر، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ کلینی، الکافی، ج ۱،

ص ۲۰۸؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۱-۳۴۵.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾<sup>۱</sup>

این آیه شریفه آیه ۶۰ سوره بقره است که ان شاء الله در خصوص این آیه

مطالبی را بیان خواهیم کرد. مطلب مهمی که بناست درباره آن صحبت کنیم

---

۱. بقره، ۶۰. «و (به یاد آور) وقتی موسی برای قوم خود طلب آب کرد، به او گفتیم عصای

خود را بر سنگ بزن؛ پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و هر سبطی آبشخور خود

را دانست. (و گفتیم) از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین به

فتنه‌انگیزی و فساد نپردازید.»

دوازده و عدد دوازده در قرآن کریم است و همچنین روایاتی که در این باره وارد شده و ارتباط خاصی که با وجود مقدس امام زمان عجلت الله فرجه دارد.

### سلب نعمت‌های الهی از انسان به خاطر ناسپاسی

درباره این آیه شریفه مطالب بسیار مهمی است که زمانی که بنی‌اسرائیل بر اثر سرکشی و نافرمانی در بیابان‌ها سرگردان شدند و از سوی دیگر تشنه و گرسنه شدند، پس از مدتی که حضرت موسی ع برای آنها امنیت، آرامش و راحتی آورده بود، قدرش را ندانستند. اگر قدر آسایش و راحتی را می‌دانستند و شاکر امنیت می‌بودند و از آرامشی که خداوند متعال به وسیله حضرت موسی ع به آنها داده بود، استفاده می‌کردند، نعمت‌های الهی از آنها گرفته نمی‌شد.

خداوند وجود مقدس حضرت موسی ع را عنایت کرده بود تا این قوم از مشکلات و گرفتاری‌های زمان فرعون نجات پیدا کنند. مدت‌ها در راحتی زندگی می‌کردند، اما بعد از مدتی شروع کردند به بهانه گرفتن و از مسیر اصلی خود خارج شدند تا اینکه خداوند امنیت و آسایش را از آنان گرفت. البته خودشان مقصر بودند، خداوند که با اشخاص و مردم دشمنی ندارد. شاکر نعمت‌های الهی نبودند و خدا نیز امنیت را از آنها گرفت تا آنقدر گرسنه و تشنه شدند که در روایت دارد خدمت حضرت موسی ع رفتند و گفتند که ما گرسنه و تشنه هستیم و از حضرت آب و طعام درخواست کردند.

در آیه شریفه می‌فرماید: ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ

فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ<sup>۱</sup>؛ ما به موسی علیه السلام وحی کردیم که عصای خود را به این سنگ بزن؛ سنگی که از نظر ظاهر بعید است از آن آب بیرون بیاید. دوازده چشمه از این سنگ جاری شد و هر کدام از مردم هر طایفه‌ای مشرب خودشان را می‌دانستند؛ یعنی می‌دانستند که باید از کدام یک از چشمه‌ها آب بخورند. چشمه‌های پرشماری برای اشخاص متعدد بود و اینها مشغول استفاده از این چشمه‌ها شدند.

از آیه ۶۰ سوره بقره کلمه دوازده استفاده می‌شود که عدد بسیار مقدس و مبارکی است.

### توسل به ائمه اهل بیت علیهم السلام توسط انبیای پیشین

روایتی ذیل همین آیه شریفه نقل شده که حضرت موسی علیه السلام چگونه از خداوند متعال درخواست کرده که مردم از تشنگی نجات پیدا کنند. این روایت در تفسیر شریف امام حسن عسکری علیه السلام است.<sup>۲</sup>

حضرت موسی علیه السلام به خداوند متعال عرضه داشت: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام، وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ سَيِّدِ

۱. بقره، ۶۰. «و وقتی موسی برای قوم خود طلب آب کرد، به او گفتیم عصای خود را بر سنگ بزن، پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و هر سبطی آبشخور خود را دانست.»

۲. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۲۶۱.

الْأَوْلِيَاءِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، وَبِحَقِّ عَثْرَتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكَيَاءِ، لَسَاءَ سَقِيَّتَ عِبَادِكَ هَؤُلَاءِ».

معلوم می شود که انبیای گذشته و پیامبران الهی هنگام مشکلات به ذات اقدس اهل بیت علیهم السلام متوسل می شدند، همان گونه که از ابتدای خلقت آدم علیه السلام **﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ بِكَلِمَاتٍ﴾**؛ کلماتی که خداوند به آدم یاد داد، همان اسامی متبرکه چهارده معصوم علیهم السلام بود و در مشکلاتشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان ایشان متوسل می شدند.

بعد از اینکه بنی اسرائیل گرفتار شدند، درحالی که ناراحت بودند، خدمت حضرت موسی علیه السلام آمدند و عرضه داشتند که از خدا بخواه ما را از این وضعیت نجات دهد. ما داریم می میریم و از بین می رویم، آب و نان نداریم و گرسنه هستیم. سپس حضرت موسی عرض کرد خدایا به حق محمد صلی الله علیه و آله که سید انبیای الهی و بزرگ پیامبران الهی است، به حق امیرالمؤمنین علیه السلام که سید اوصیا است، به حق حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که سیده نساء است و به حق امام حسن مجتبی علیه السلام که سید اولیای توست و به حق امام حسین علیه السلام که سیدالشهدا است، این بندگان را سیراب کن! در آن زمان خبر شهادت امام حسین علیه السلام را دادند. مکتوب است که حضرت آدم علیه السلام شهادت امام حسین علیه السلام را از همان روز اول خبر داد و هر نبی و پیامبری برای شهادت امام حسین علیه السلام گریه کردند و اشک ریختند و گفتند به حق

۱. بقره، ۳۷. «سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت».

عترت این بزرگواران و جانشینان آنها، ائمه معصومین علیهم السلام که بزرگان و پاکان روی زمین هستند و سیادت، آقای، مکت و منزلت مال آنهاست؛ این بندگانت را سیراب بکن.

### استجابت دعای حضرت موسی علیه السلام

روشن است وقتی حضرت موسی علیه السلام با آن مقام نبوت، خدا را به حقیقت چهارده معصوم علیهم السلام قسم بدهد، خداوند دعایش را مستجاب می کند. چگونه دعایش را مستجاب کرد؟ «فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛ فرمود: این عصا را که به دست تو دادیم، به این سنگ بزن؛ از این سنگ دوازده چشمه فوران کرد و آب فراوانی از این چشمه ها بیرون آمد؛ به طوری که «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبُهُمْ»؛ هر کدام از مردم، دسته ها و گروه های مختلف، چشمه خودشان را می دانستند، برای مثال چشمه «الف» متعلق به گروه «الف» است و چشمه «ب» متعلق به گروه «ب» است. برای هر طایفه ای یک چشمه از آن آب ها بود.

### منظور از چشمه های دوازده گانه در قرآن

استفاده دیگری که از این روایت می کنیم این است که قوم بنی اسرائیل پیروان حضرت موسی علیه السلام، یهود بودند. این یهودی های فعلی می گویند ما نیز پیرو موسی علیه السلام هستیم، ولی دروغ می گویند، پیرو موسی علیه السلام نیستند. اگر پیرو حضرت موسی و عیسی علیهم السلام باشند، باید پیرو خاتم الانبیا علیهم السلام نیز باشند. نمی توانند بگویند ما



پیرو موسی علیه السلام هستیم، ولی پیرو پیامبر خاتم نیستیم؛ زیرا هم موسی و هم عیسی فرمودند که بعد از ما پیامبر خاتم می آید و باید به ایشان ایمان بیاورید. پس اگر می خواهید مؤمن و مسلمان باشند و به موسی و عیسی علیهم السلام عقیده داشته باشند، باید به پیامبر خاتم ایمان بیاورند، وگرنه یهودی یا مسیحی واقعی نیستند.

یهودی ها اهل بیت علیهم السلام را می شناختند و می دانستند که حضرت موسی علیه السلام به اهل بیت علیهم السلام توسل پیدا کرد و آنها را از تشنگی نجات داد. از این رو هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرده بودند، یهودی هایی که هنوز مسلمان نشده بودند در زمان خلیفه دوم پیش عمر آمدند و از ایشان پرسیدند که منظور از عدد دوازده چیست؟ درباره عدد دوازده چه می دانی؟ عدد دوازده ظاهرش معلوم است، ولی در حقیقت عدد دوازده ماندند.

پس گفت چه سؤال هایی از من می پرسید، مگر من آمدم که این سؤال ها را جواب بدهم؟ رفتند خدمت باب علم نبی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از ایشان سؤال کردند که منظور از عدد دوازده چیست؟ حضرت به همین آیه شریفه قرآن استشهاد کردند: **إِذْ قُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عِثَانًا**. هنگامی که این فرمایش را از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدند و مطالب دیگری را از ایشان استماع کردند، شهادتین را به زبان جاری کردند و گفتند که پیشوای ما و خلیفه بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تو هستی. ایشان پیش عمر رفتند و گفتند که ما به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام شهادت می دهیم.<sup>۱</sup>

۱. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۷-۹.

بنابراین یهودی‌ها این سابقه را می‌دانستند که موسی علیه السلام در مواقع مختلف به اهل بیت عصمت علیهم السلام توسل پیدا کرده بود. هر وقت برای انبیای الهی مشکلی پیش می‌آمد، به انوار پاک مقدس معصومین علیهم السلام متوسل می‌شدند.

اما مطلبی که بناست در بحث آیات مهدوی از آنها استفاده کنیم، عدد دوازده و آیاتی است که عدد دوازده در آنجا ذکر شده است. همان‌گونه که می‌دانید، ائمه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوازده نفر هستند. همان دوازده نفری که شأن نزولش در قرآن کریم است، در مورد مطلبی است که در آن زمان روی داده است، ولی تأویل آنها درباره دوازده امام معصوم علیهم السلام است.

روایتی داریم که سلمان فارسی می‌گوید: «عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛<sup>۱</sup> روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خواندند. «فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۴۰-۴۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۹-۲۹۰؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۶-۲۷، ح ۲۶ (با اندکی اختلاف در عبارت). «عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَاحِلٌ عَنْكُمْ عَنْ قَرِيبٍ وَمُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ أَوْصِيكُمْ فِي عِزَّتِي خَيْرًا... مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنِ افْتَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْقَمَرِ، وَمَنِ افْتَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْفَرْقَدَيْنِ، وَمَنِ افْتَقَدَ الْفَرْقَدَيْنِ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ بَعْدِي، أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ. قَالَ: فَلَمَّا نَزَلَ عَنْ مِنْبَرِهِ (الْمِنْبَرِ) تَبِعْتُهُ حَتَّى دَخَلَ بَيْتَ عَائِشَةَ، فَدَخَلْتُ إِلَيْهِ وَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْتُكَ تَقُولُ: إِذَا افْتَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ، وَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَتَمَسَّكُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ، وَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْفَرْقَدَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ، فَمَا الشَّمْسُ، وَمَا الْقَمَرُ؟ وَمَا الْفَرْقَدَانِ؟ وَمَا النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ؟ فَقَالَ:

رَاحِلٌ عَنْكُمْ عَنْ قَرِيبٍ؛ ای مردم! من به زودی از میان شما خواهم رفت. إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ<sup>۱</sup>.

«وَمُنْطَلِقٌ إِلَى الْمَغِيبِ»؛ و به زودی به کسی که در غیب است - یعنی به خداوند متعال - ملحق خواهم شد. «أَوْصِيكُمْ فِي عِثْرَتِي خَيْرًا»؛ به شما وصیت می کنم که در حق عترتم جز خیر و خوبی، کار دیگری نکنید. من در میان شما عترتم را می گذارم و شما هم با آنان به خوبی رفتار کنید.

سپس فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ افْتَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ»؛ ای گروه مردم! بعد از اینکه خورشید از میان شما رفت، به ماه تمسک پیدا کنید. «وَمَنْ افْتَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ»؛ بعد از اینکه ماه از میان شما رفت، به فرقدین تمسک بجویید که دو ستاره بسیار پرنور در آسمان خلقت است. «وَمَنْ افْتَقَدَ الْفَرْقَدَيْنِ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ بَعْدِي»؛ هر وقت این دو فرقدین و دو ستاره پرنور نیز از میان شما رخت بربستند، به نجوم زاهره تمسک پیدا کنید؛ به ستارگان درخشان که آنها به روی شما نور می دهند. «أَقُولُ قَوْلِي»؛ این گفتار من است. پیامبر ﷺ:

أَمَّا الشَّمْسُ فَأَنَا، وَأَمَّا الْقَمَرُ فَعَلِيٌّ ﷺ؛ فَإِذَا افْتَقَدْتُمُونِي فَتَمَسَّكُوا بِهِ بَعْدِي، وَأَمَّا الْفَرْقَدَانِ فَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ﷺ؛ فَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا، وَأَمَّا النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ فَالْأَيُّمَةُ التَّسْعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ ﷺ، وَالتَّاسِعُ مَهْدِيَّهُمْ؛ ثُمَّ قَالَ ﷺ: إِنَّهُمْ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ وَالْخُلَفَاءُ بَعْدِي، أَيُّمَةُ أَبْرَارٍ، عَدَدَ أَسْبَاطِ يَعْقُوبَ وَحَوَارِيَّ عِيسَى...».

۱. زمر، ۳۰. «تو می میری و آنها نیز خواهند مرد».



می فرماید: من آنچه لازم بود برای شما بیان کردم «وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ»؛ و از خداوند طلب مغفرت می کنم، هم برای خودم و هم برای شما.

### منظور از خورشید و ماه و ستارگان در سخنان پیامبر اکرم ﷺ

«قَالَ: فَلَمَّا نَزَلَ عَنِ الْمِنْبَرِ تَبِعْتُهُ»؛ سلمان می گوید بعد از اینکه پیامبر اکرم ﷺ این خطبه را خواندند، از منبر که پایین آمدند. من ایشان را متابعت کردم و پشت سرشان رفتم تا اینکه به خانه خود رفتند. «فَدَخَلْتُ إِلَيْهِ»؛ داخل خانه شدم و خدمت حضرت رفتم. «وَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ»؛ پدر و مادرم فدایت باد، امشب چیزهایی را از شما شنیدم که اینها را باید برای ما توضیح دهید. «سَمِعْتُكَ تَقُولُ: إِذَا افْتَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ»؛ وقتی خورشید از میان شما رفت، به قمر تمسک پیدا کنید. «وَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَتَمَسَّكُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ»؛ وقتی قمر از میان شما رفت به فرقدین که دو ستاره درخشان است، تمسک پیدا کنید. «وَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْفَرْقَدَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ»؛ زمانی که دو ستاره پرنور از میان شما رفت، به ستارگان درخشان تمسک کنید.

خدمت پیامبر ﷺ عرض کردم: «فَمَا الشَّمْسُ؟»؛ منظور از خورشید چه کسی است؟ «وَمَا الْقَمَرُ؟»؛ ماه چه کسی است؟ «وَمَا الْفَرْقَدَانِ؟»؛ دو ستاره پرنور چه کسانی هستند؟ «وَمَا النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ؟»؛ این ستاره های درخشان چه کسانی هستند؟ انسان باید این گونه باشد؛ کلامی را که از پیامبر ﷺ یا امام ﷺ می شنود، باید تا آخر

کلام را یاد بگیرد، ببیند منظور پیامبر ﷺ یا امام ﷺ در اینجا چه بود؟ رفتم خدمت حضرت و اینها را از ایشان پرسیدم.

«فَقَالَ: أَمَّا الشَّمْسُ فَأَنَا»؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خورشید من هستم که بالاخره از میان شما خواهم رفت. امروز خورشید جهان تاب عالم اسلام وجود مقدس رسول الله ﷺ است و من هم از میان شما خواهم رفت. «وَأَمَّا الْقَمَرُ فَعَلِيٌِّّ»، فَإِذَا افْتَقَدْتُمُونِي فَتَمَسَّكُوا بِهٖ بَعْدِي»؛ ماه علی ﷺ است. اگر من از میان شما رفتم، بعد از من به امیرالمؤمنین علی ﷺ تمسک پیدا کنید. قمر ظاهر و ماه درخشان آسمان امامت و ولایت بعد از پیامبر اکرم ﷺ این شخصیت بزرگ است. به امیرالمؤمنین تمسک کنید، راه را از حضرت بگیرید و با ایشان باشید و هرگز از ایشان جدا نشوید. پیامبر ﷺ راه را نشان می دهد.

«وَأَمَّا الْفِرْقَدَانِ»؛ اما پرسیدی که فرقدان چه کسانی هستند؟ فرقدان به معنای ستاره است. «فَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ»؛ دو ستاره درخشان حسن و حسین هستند. دو نور دیده رسول خدا، فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین، سید شباب اهل الجنة، امام حسن و امام حسین ﷺ هستند که به آنان تمسک پیدا کنید. ستاره درخشان اینها هستند. بعد از امیرالمؤمنین ﷺ، راه را از امام حسن ﷺ بگیرید، بعد از ایشان نیز راه را از امام حسین ﷺ بیاموزید و با ایشان باشید.

«فَإِذَا افْتَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهٖمَا»؛ وقتی که قمر از میان شما رفت؛ یعنی امیرالمؤمنین ﷺ از میان شما رفتند، به فرقدان تمسک پیدا بکنید که وجود مبارک امام حسن و امام حسین ﷺ است.

سپس می فرماید: «وَأَمَّا النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ فَالْأَيْمَةُ التَّسْعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ»؛ اما ستارگان درخشانی را که باید بعد از اینها به آنان تمسک بجوید، امامان نه گانه از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند.

شاهد ما این جمله مبارکی است که خود رسول الله فرمود: «وَالْتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ»؛ نهمین نفر آنها حضرت مهدی - روحی و ارواح العالمین له الفداء - است.

«ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُمْ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ وَالْخُلَفَاءُ بَعْدِي»؛ سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آنها اوصیا و خلفای بعد از من هستند. «أَيْمَةُ أَبْرَارٍ»؛ امامان پاکی هستند که بر زمین امامت می کنند.

«عَدَدَ أَسْبَاطِ يَعْقُوبَ وَحَوَارِيَّ عِيسَى»؛ به عدد اسباط یعقوب علیه السلام و به عدد حواری عیسی علیه السلام هستند. اسباط یعقوب علیه السلام دوازده نفر بودند، حواری عیسی علیه السلام نیز دوازده نفر بودند. اسباط چه کسانی هستند؟ اسباط جمع سبط؛ یعنی فرزندان یعقوب علیه السلام یا گروه‌هایی بودند که مورد توجه خاص حضرت یعقوب علیه السلام و اوصیای بعد از یعقوب علیه السلام بودند. حواری عیسی علیه السلام نیز دوازده نفر بودند، به عدد اسباط یعقوب علیه السلام و به عدد حواری عیسی علیه السلام. اینها اوصیا و جانشینان من هستند؛ اینها ائمه ابرار هستند به تعداد اسباط یعقوب و حواری عیسی و مردم بعد از من باید به اینان تمسک بجویند.

### شناخت اسلام نتیجه شناخت امامان دوازده گانه

در روایت دیگری که ابن عباس از اصبع بن نباته نقل کرده، آمده است: «فَقَامَ

۱. ابن شاذان قمی، مائة منقبة، ص ۷۱-۷۲؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹، ح ۱۵۸. «عَنِ الْأَصْبَعِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ... فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ



جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا عِدَّةُ الْأَيِّمَةِ؟؛ جابر بن عبدالله انصاری بلند شد، مثل اینکه دوست داشتند پیامبر ﷺ تأکید کند، تا دیگران نیز بفهمند. حضرت دوباره بگویند، از بس که دوست داشتند و لذت می بردند؛ همچنین اشخاص دیگری نیز آنجا بودند که آنها هم متوجه شوند. «وَمَا عِدَّةُ الْأَيِّمَةِ؟»؛ به حضرت عرض کرد: ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟

«فَقَالَ: يَا جَابِرُ سَأَلْتَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ»؛ ای جابر! تو از من از همه اسلام سؤال کردی؛ یعنی همه اسلام در این پرسش تو خوابیده است. «سَأَلْتَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ»؛ نکته بسیار درخور توجهی است؛ یعنی اگر ائمه ﷺ را بشناسید، همه اسلام را شناختید؛ اما اگر یکی از آنها را شناختید، در شناخت اسلام ضعف داریم، بلکه اصلاً دین ما کامل نیست و آن دین الهی نیست. «عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»؛ عده آنها به اندازه ماههای دوازده گانه است که در کتاب خداوند آمده است؛ «وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ﷺ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ»؛

اللَّهُ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا عِدَّةُ الْأَيِّمَةِ؟ فَقَالَ: يَا جَابِرُ سَأَلْتَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛ فَأَلَيْمَةٌ يَا جَابِرُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ ﷺ.

عده آنها به اندازه عده چشمه‌هایی است که برای موسی علیه السلام جاری شد. مردم زمان حضرت موسی علیه السلام از دوازده چشمه آب می‌نوشتیدند. «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛ دوازده چشمه به وسیله دعای حضرت موسی علیه السلام و توسل حضرت به اهل بیت علیهم السلام برای شان باز شد و مردم از آنها استفاده کردند. «حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ فَاَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛ وقتی با عصایش به سنگ زد و از آن سنگ دوازده چشمه بیرون آمد. سپس آخر این روایت فرمودند: «فَالْأئِمَّةُ يَا جَابِرُ اثْنَا عَشْرَ إِمَامًا أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام»، ای جابر! اولین آنها امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخرین شان قائم آل محمد علیهم السلام است. روایت بسیار زیبایی است که در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله به چند آیه شریفه از قرآن استشهاد کردند که تعداد امامان دوازده نفر است و در آیات مختلف قرآن کریم این تعداد آمده است.

این امر، وظیفه ما را سنگین می‌کند که ما بالاخره نمی‌توانیم امروز بگوییم مراد پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه اثنی عشر علیهم السلام نبوده یا در کتاب‌ها نامشان نبوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسامی مبارک ائمه علیهم السلام را در روایات فراوانی بیان فرمودند.

## منظور از ماه‌های دوازده‌گانه در قرآن

روایت دیگری نیز در این باره نقل شده است.<sup>۱</sup> روایت بسیار عجیبی است.

۱. طوسی، الغیبة، ص ۱۴۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۴۰؛ آیت‌الله العظمی صافی

گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۹۰-۹۱، ح ۲۸۹. «وَرَوَى جَابِرُ الْجُعْفِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا

درعین حال، تأسف دارد، چون وقتی انسان این روایت را می‌خواند، واقعاً گریه‌اش می‌گیرد. «وَرَوَى جَابِرُ الْجُعْفِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ تَأْوِيلِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «جَابِرُ جَعْفِي مِي‌گوید خدمت امام باقر ع رسیدم. از امام باقر ع دربارهٔ تأویل این آیه شریفه سؤال کردم: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ع». باز این هم یکی از آیاتی که عدد دوازده در آنها وجود دارد. از این آیه شریفه پرسیدم که قرآن می‌فرماید: تعداد ماه‌ها پیش خدا، از وقتی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است. «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ع؛ قرآن می‌فرماید: چهار ماه از این ماه‌ها حرام است که عبارتند از: ماه رجب، ذی‌القعدة

جَعْفَرٍ ع عَنْ تَأْوِيلِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ع؛ قَالَ: فَتَنَفَسَ سَيِّدِي الصُّعْدَاءُ ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ أَمَا السَّنَةُ فِيهِ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص، وَشُهُورُهَا اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا، فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ وَإِلَى ابْنِي جَعْفَرٍ وَابْنِهِ مُوسَى وَابْنِهِ عَلِيٍّ وَابْنِهِ مُحَمَّدٍ وَابْنِهِ عَلِيٍّ وَإِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ وَإِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا حُجَّجَ اللَّهُ فِي خَلْقِهِ وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعِلْمِهِ، وَالْأَرْبَعَةُ الْحُرْمُ الَّذِينَ هُمْ الدِّينُ الْقَيِّمُ، أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ يَخْرُجُونَ بِاسْمِ وَاحِدٍ: عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبِي عَلِيٍّ بِنُ الْحُسَيْنِ، وَعَلِيٌّ بِنُ مُوسَى، وَعَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ ع، فَالْإِقْرَارُ بِهَؤُلَاءِ هُوَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ؛ أَيُّ قَوْلُوا بِهِمْ جَمِيعًا تَهْتَدُوا».

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد)؛ این آیین ثابت و پایرجا (ی الهی) است! بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خون‌ریزی بپرهیزید)!».

الحرام، ذی الحجة الحرام و محرم الحرام. «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ این دین محکم و استوار است. «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ»؛ در آنها به خودتان ظلم نکنید. این چه ربطی به دوازده ماه دارد که می فرماید: «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ».

## منظور از سال

«قَالَ: فَتَنَفَسَ سَيِّدِي الصُّعْدَاءُ»؛ آقای من نفس غم باری کشید، وقتی سؤال کردم منظور از دوازده چیست، آه کشید. «ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ أَمَا السَّنَةُ فَهِيَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»؛ امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسش من فرمودند: سال عبارت از جدم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. «وَشُهُورُهَا اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»؛ و ماه های آن دوازده ماه است. «فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ»؛ اولین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام است. مثل اینکه قبل از اینکه جابر بیاید سؤال کند از ائمه بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام را تا امام باقر علیه السلام کاملاً می داند. از شیعیان مخلص بوده است. بعد از امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین علیه السلام تا من (امام باقر علیه السلام). منظور از «إِلَيَّ»؛ امام محمد باقر علیه السلام است. سپس می فرماید: «وَإِلَى ابْنِي جَعْفَرٍ»؛ بعد از من فرزندم امام جعفر صادق علیه السلام است. «وَإِبْنِهِ مُوسَى»؛ اسامی مبارکشان را به ترتیب بیان می کند. بعد از ایشان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است؛ «وَإِبْنِهِ عَلِيٌّ»؛ بعد از ایشان علی بن موسی الرضا؛ «وَإِبْنِهِ مُحَمَّدٌ»؛ بعد از حضرت، امام محمد جواد علیه السلام است؛ «وَإِبْنِهِ عَلِيٌّ»؛ بعد از ایشان، علی بن محمد هادی علیه السلام؛ «وَإِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ»؛ بعد از ایشان امام حسن عسکری علیه السلام، تا به فرزند او حجة بن الحسن علیه السلام می رسد، «وَإِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»؛ و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام که دوازده امام هستند.

## امامان دوازده گانه حجت‌ها و امنای خداوند

«حُبِّجُ اللهُ فِي خَلْقِهِ وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعِلْمِهِ»؛ آنها حجت‌های خداوند بر خلق و امنای خدا (امین الهی) بر وحی خدا هستند. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللهُ فِي أَرْضِهِ»؛<sup>۱</sup> آنها امنای خدا هستند؛ «وَعِلْمِهِ»؛ آنها امنای خدا بر علمش هستند.

## منظور از ماه‌های حرام در قرآن

اما این فراز آیه شریفه که می‌فرماید: «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ»<sup>۲</sup>؛ آن چهار چیزی که حرام است، ظاهرش ماه‌هایی بود که ما گفتیم که ماه حرام است. اما امام باقر ع درباره تأویل آیه می‌فرماید: «وَالْأَرْبَعَةُ الْحُرْمُ»؛ آن چهار ماهی که قرآن می‌فرماید حرمتشان زیاد است؛ «الَّذِينَ هُمْ الدِّينُ الْقِيَمُ»؛ آنهایی که دین قیَم و دین پایدار هستند، «أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ»؛ چهار نفر از این دوازده امام هستند که «يَخْرُجُونَ»؛ خارج می‌شوند؛ یعنی زمانی برای آنها می‌آید. «بِاسْمِ وَاحِدٍ»؛ به اسم واحد علی، که همه آنها اسمشان علی است. «عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع»؛ حضرت می‌فرماید: اولین امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع است که قوام دین ما با ایشان است. «وَأَبِي عَلِيٍّ بِنُ الْحُسَيْنِ»؛ دومین آنها پدر من امام علی بن حسین (امام سجاد ع) است. «وَعَلِيٍّ بِنُ مُوسَى»؛ سومین آنان نیز

۱. طوسی، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۳۸؛ ابن‌مشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۸۲؛ کفعمی، المصباح، ص ۴۸۰.

۲. توبه، ۳۶.



امام رضا علیه السلام است. «وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ»؛ چهارمین شان امام هادی علیه السلام است. چهار نفر از ائمه ما نام مبارکشان علی علیه السلام می باشد. اینها دین قیّم هستند.

«فَالْإِقْرَارُ بِهَوْلَاءِ هُوَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ اگر کسی این ائمه را قبول داشته باشد، دین

قیّم را دارد؛ دینی که خدا آن را قبول دارد. این دوازده نور پاک هستند.

سپس آیه شریفه می فرماید: «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ»؛ معنایش چیست؟

معنای آیه این است که در این ماهها به خودتان ستم نکنید. چه ارتباطی به امامان

دارد؟ امام علیه السلام در آخر این حدیث شریف می فرماید: «فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ؛ أَيُّ

قُولُوا بِهِمْ جَمِيعاً تَهْتَدُوا»؛ یعنی با اینها باشید و به آنها خیر و خوبی بگویید و به اینها

ظلم نکنید. اگر بخواهید هدایت بشوید، باید با آنها باشید. «فَلَا تَظْلِمُوا»؛ یعنی به

این دوازده امام معصوم ظلم نکنید.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾<sup>۱</sup>

مباحث گذشته ما مربوط به آیاتی است که درباره نام‌های مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام و تعداد آنها بود و روایاتی که در تفسیر آن آیات وارد شده است. آیات دال بر عدد دوازده، در قرآن کریم زیاد است؛ از جمله آیه اول سوره بروج: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾؛ همان‌گونه که قرآن کریم به اشیاء و مخلوقات مختلف

---

۱. بروج، ۱. «سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است».

قسم می‌خورد که خداوند آنها را آفریده، در اینجا نیز در ظاهر آیه شریفه، قرآن به ستارگان، خورشید و سیاراتی که وجود دارند، قسم می‌خورد و همین‌گونه در آیات گوناگون دیگری در قرآن که خداوند به آفریده‌هایش قسم خورده است.

## قسم‌های قرآن

آیا واقعاً این قسم‌ها، قسم به مخلوقات است و خداوند خواست به مخلوقاتش قسم بخورد یا ارزش مسئله بالاتر از اینهاست. در تفسیر همین آیه شریفه روایتی بیان شده که در ظاهر قسم به مخلوقات خداوند است. مخلوقات خداوند نیز دارای شگفتی هستند، آنها نیز عظمت بسیاری دارند که خداوند به آنها قسم می‌خورد؛ ولی هرچه هست، این در ظاهر آیه شریفه و در تنزیل قرآن است، اما آنچه در تأویل آیات قرآن کریم است، بالاتر از این مخلوقات ظاهری و عجایب خلقت است.

## ائمه دوازده‌گانه در سخنان پیامبر ﷺ

روایتی از رسول اکرم ﷺ درباره این آیه شریفه داریم که با دوازده امام معصوم ﷺ ارتباط دارد.<sup>۱</sup> حضرت - بعد از اینکه ائمه و جانشینان خود را توصیف می‌فرماید:

۱. مفید، الاختصاص، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ۱۰۹-۱۱۰، ح ۱۵۹. «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ: ... أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا، وَخُلَفَائِي صِدْقًا، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ، وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ

«أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا»؛ ائمه معصومین علیهم السلام اولیای خدا هستند، آنها درحقیقت ولی خدا هستند. «وَأَخْلَفَانِي صِدْقًا»؛ و خلیفه بعد از من، آن خلفایی که صادق هستند، ائمه معصومین علیهم السلام هستند - می فرماید: «عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ»؛ عدد آنها، عدد ماهها است. همان گونه که ماهها دوازده تا هستند که قرآن کریم در آیه شریفه می فرماید: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾؛<sup>۱</sup> که پیش تر درباره آیه شریفه مباحثی را مطرح کردیم، می فرماید: ﴿عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾؛ عده شهور نیز معلوم است که دوازده ماه هستند. امامان معصوم علیهم السلام نیز دوازده نفرند.

باز می فرماید: «وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُبَّاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ» که در آیه شریفه قرآن می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛<sup>۲</sup> خداوند میثاق محکمی را از بنی اسرائیل گرفت و برای آنها دوازده نقیب<sup>۳</sup> قرار داد. این آیه

شَهْرًا، وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُبَّاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؛ ثُمَّ تَلَا: هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾؛ ثُمَّ قَالَ: أَلْتَقَدَّرُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَبُرُوجَهَا؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا، وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأئِمَّةُ بَعْدِي، أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ».

۱. توبه، ۳۶. «تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده،

دوازده ماه است».

۲. مائده، ۱۲.

۳. نقیب به معنای فرمانروا و حاکم و به معنای کسی است که از امور مردم مواظبت می کند.

شریفه می فرماید: «وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»؛ پیامبر ﷺ اینجا نیز اشاره به همین آیه شریفه دارد: «وَعِدَّتْهُمْ عِدَّةَ نُقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»؛ این تأکید است. بار اول نیز فرمودند: «عِدَّتْهُمْ عِدَّةَ الشُّهُورِ»؛ خودشان می فرمایند: «وَهِيَ اثْنَيْ عَشَرَ شَهْرًا»؛ دوباره تأکید می فرماید که مردم بیشتر بدانند اینها با قرآن ارتباط دارد. بعد می فرماید: «وَعِدَّتْهُمْ عِدَّةَ نُقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»؛ عدد آنها به تعداد نقبای حضرت موسی است. «ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ»؛ سپس رسول اکرم ﷺ این آیه شریفه را تلاوت کردند: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ قسم به آسمان که دارای بروج و ستارگان درخشانده است.

### ائمه دوازدهگانه مصداق اتم بروج

مهم این نکته است. «ثُمَّ قَالَ: أَتُقَدِّرُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَبُرُوجَهَا»؛ رسول اکرم ﷺ فرمودند: ای پسر عباس! تو گمان می کنی خداوند به آسمانی قسم خورده که صاحب بروج است و با این قسم، آسمان و بروجش را قصد کرده است؟ «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ ظاهر این آیه قسم به آسمان و ستارگان است. آیا واقعاً خداوند به آسمان و بروج قسم خورده است؟

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا ذَاكَ؟»؛ عرض کردم پس به چه قسم خورده است؟! ما فقط ظاهرش را می فهمیدیم و متوجه می شدیم. «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ یعنی قسم به آسمان‌هایی که دارای برج‌ها است. «قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا»؛ سپس پیامبر ﷺ فرمودند: آسمانی که قرآن به آن قسم می خورد من هستم؛ یعنی خدا به وجود نازنین حضرت رسول اکرم ﷺ قسم می خورد. «وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَيُّمَةُ بَعْدِي»؛ اما

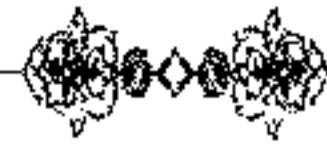
بروجی که خداوند به آنها قسم می خورد، دوازده امام بعد از من هستند. سپس فرمود: «أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»؛ نخستین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرینشان حضرت حجت علیه السلام است.

این روایت بسیار مهمی بود که «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید آسمان صاحب بروج، ما هستیم که خداوند به آسمان قسم می خورد. آسمان من و بروج نیز ائمه معصومین علیهم السلام هستند. اما بروج که در این آیه شریفه هستند، چند نفرند؛ زیرا این آیه تعداد را بیان نمی کند، فقط می فرماید: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ تعداد آنها چقدر است؟ روایات دیگر این را برای ما تفسیر می کنند.

### روایت اصبع بن نباته درباره ائمه

اصبع بن نباته که از یاوران خاص امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود، این روایت را نقل می کند.<sup>۱</sup>

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۲۲۷. «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ وَيَدُهُ فِي يَدِ ابْنِهِ الْحَسَنِ وَهُوَ يَقُولُ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَيَدِي فِي يَدِهِ هَكَذَا وَهُوَ يَقُولُ: خَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَيِّدُهُمْ أَخِي هَذَا وَهُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدَ وَفَاتِي، أَلَا وَإِنِّي أَقُولُ إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَيِّدُهُمْ ابْنِي هَذَا، وَهُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدَ وَفَاتِي، أَلَا وَإِنَّهُ سَيُظْلَمُ بَعْدِي كَمَا ظَلِمْتُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَخَيْرُ الْخَلْقِ وَسَيِّدُهُمْ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنِي أَخُوهُ الْحَسَنِ الْمَظْلُومُ بَعْدَ أَخِيهِ الْمَقْتُولِ فِي أَرْضِ كَرْبَلَاءَ؛ أَمَا إِنَّهُ وَأَصْحَابُهُ مِنْ سَادَاتِ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ بَعْدَ الْحَسَنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَمَنَّاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَأَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَقَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَادَاتُ الْمُتَّقِينَ، تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي



«عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ؛  
 روزی امیرالمؤمنین ﷺ بر ما خارج شدند و ما ایشان را ملاقات کردیم. «وَيَدُهُ فِي يَدِ  
 وَلَدِهِ الْحَسَنِ؛ دست مبارکشان در دست فرزند عزیزشان، امام حسن مجتبی ﷺ،  
 بود. دست ایشان را گرفته بودند و حرکت می کردند. «وَهُوَ يَقُولُ؛ سپس  
 امیرالمؤمنین ﷺ به ما این گونه فرمودند: «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَيَدِي فِي  
 يَدِهِ هَكَذَا وَهُوَ يَقُولُ؛ همین حالتی را که تو داری نگاه می کنی، به همین حالت،  
 روزی پیامبر اسلام ﷺ حرکت می کردند و دست من (دست امیرالمؤمنین ﷺ) در  
 دست رسول الله بود. همان طور که دست امام حسن مجتبی ﷺ در دست من است،  
 دست من نیز در دست پیامبر خدا بود. در آن هنگام رسول اکرم ﷺ چنین فرمودند:  
 «خَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَيِّدُهُمْ أَخِي هَذَا؛ بهترین خلق بعد از من، سید و آقای همه  
 مردم، برادر من، امیرالمؤمنین ﷺ است که دستش در دست من است. دستشان در  
 دست پیامبر ﷺ بود. «وَهُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ؛ ایشان، امام علی ﷺ، امام همه مسلمانان  
 است. اگر کسی می خواهد مسلمان باشد، باید امیرالمؤمنین ﷺ امام او باشد. این  
 برای ما درس است و به ما یاد می دهد که مسلمان کسی است که امیرالمؤمنین ﷺ  
 امام او باشد. «وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدَ وَفَاتِي؛ پیامبر فرمود: بعد از اینکه من از دنیا  
 رفتم، امیرالمؤمنین ﷺ پیشوای همه مردم است.

يَمَلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَعَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَعِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا، وَالَّذِي بَعَثَ  
 أَخِي مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَاخْتَصَّنِي بِالْإِمَامَةِ لَقَدْ نَزَلَ بِذَلِكَ الْوَحْيِ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى لِسَانِ رُوحِ الْأَمِينِ  
 جِبْرِئِيلَ ﷺ، وَلَقَدْ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْأُيُومِ بَعْدَهُ فَقَالَ لِلسَّائِلِ: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ  
 الْبُرُوجِ؛ إِنَّ عَدَدَهُمْ بَعْدَ الْبُرُوجِ وَرَبِّ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَالشُّهُورِ، إِنَّ عَدَدَهُمْ كَعَدَّةِ الشُّهُورِ».

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از اینکه داستان را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند، به اصبع بن نباته فرمودند: «أَلَا وَإِنِّي أَقُولُ»؛ کلام امام علی علیه السلام است؛ اما شما اصحاب و یاوران من آگاه باشید! «وَإِنِّي أَقُولُ: إِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَيِّدُهُمْ ابْنِي هَذَا»؛ من به شما چنین می گویم: بهترین خلق بعد از من و سید آنها، فرزندم امام حسن مجتبی علیه السلام است. «هَذَا» اشاره کردند به کسی که دستش در دست امیرالمؤمنین علیه السلام است. «وَهُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ»، و امام مجتبی علیه السلام امام همه مسلمانان است. همان سخنی که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گفت، همان را نیز در مورد امام حسن مجتبی علیه السلام بیان کرد. «وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدَ وَفَاتِي»؛ بعد از رحلت من نیز امام مجتبی علیه السلام امام شماست، جای دیگری نروید، ممکن است بنی امیه با ظلم، تزویر و قدرت های ظاهری مردم را فریب دهند؛ ولی پیشوای شما امام حسن مجتبی علیه السلام است. از معاویه و دیگران پیروی نکنید.

«أَلَا وَإِنَّهُ سَيُظْلَمُ بَعْدِي كَمَا ظَلِمْتُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ اما فرزندم امام حسن مجتبی علیه السلام به زودی مظلوم می شود، حقش را می گیرند؛ همان طور که من بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مظلوم واقع شدم و حقم را گرفتند. این همه ظلم کردند، نه تنها به امیرالمؤمنین علیه السلام ظلم کردند، بلکه به بشریت و عالم انسانیت ظلم کردند. اینها گناهشان آمرزیده نخواهد شد. کسانی که به عالم بشریت ظلم کردند و مسیر را تا قیامت عوض کردند و مسیر را به سمت گمراهی و مسیر باطل بردند؛ مسیر ظلمتی که آخرش نور اصلاً پیدا نیست. در داخل دالان و تونلی که همه اش تاریکی است و روزنه امید در آن وجود ندارد. اینها مسیر را عوض کردند؛ از این رو ظالمانی اند که به



همه انسان‌های روی زمین تا قیامت ظلم کردند؛ بنابراین می‌فرمایند: «كَمَا ظَلِمْتُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ».

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَخَيْرُ الْخَلْقِ وَسَيِّدُهُمْ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنِي أَخُوهُ الْحُسَيْنُ الْمَظْلُومُ بَعْدَ أَخِيهِ»؛ بهترین مخلوقات و سید آنها، بعد از امام مجتبی علیه السلام فرزند دیگرم برادر او امام حسین علیه السلام است و بعد از برادرش به او نیز ظلم می‌شود. «الْمَقْتُولُ فِي أَرْضِ كَرْبَلَاءَ»؛ کسی که در زمین کربلا شهید می‌شود. همه از حادثه کربلا خبر می‌دهند. سپس می‌فرماید: «أَمَّا إِنَّهُ وَأَصْحَابَهُ مِنْ سَادَاتِ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ ای مردم آگاه باشید! فرزند من امام حسین علیه السلام و اصحاب و یاورانش از سادات شهدا در روز قیامت هستند. امام حسین علیه السلام سیدالشهدا هستند و آنها با امام حسین علیه السلام هستند.

بعد امیرالمؤمنین علیه السلام ائمه بعد از امام حسین علیه السلام را معرفی می‌کند «وَمَنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ»؛ جمله‌ای که شاهد بحث ماست، اینکه بعد از امام حسین، نه نفر از فرزندان ایشان پیشوا و خلیفه مردم هستند. «خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ»؛ آنها خلفای خدا روی زمین هستند. آنان حجت خدا بر بندگان‌اند؛ ایشان امنای خدا هستند. کسانی که خداوند امین بر وحی خودش قرار داده، ائمه معصومین علیهم السلام هستند. «وَأَئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَقَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَادَةُ الْمُتَّقِينَ»؛ اینها پیشوایان مسلمانان‌اند. اینها رهبران مؤمنان و سادات متقین‌اند. این بزرگواران آقا و سید اهل تقوا هستند. سپس در آخر

می فرماید: «تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَعَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَعِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا»؛ کسی که بعد از اینکه جهان را ظلمت فرا گرفته و پس از اینکه ظلم و ستم مردم را فرا گرفته است، تشریف می آورند و جهان را پر از عدل و دادگستری واقعی می کنند، بعد از اینکه جهان را تاریکی و جهل فرا گرفته است، امام زمان عجلتعالیه است.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به اصبع بن نباته خطاب کردند که از یاوران مخصوص آن حضرت بودند و فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَ أَخِي مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءَةِ وَاخْتَصَّنِي بِالْإِمَامَةِ»؛ قسم به کسی که برادرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کردند و همچنین قسم به خدایی که مرا به امامت منصوب کرد «لَقَدْ نَزَلَ بِذَلِكَ الْوَحْيِ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى لِسَانِ رُوحِ الْأَمِينِ جِبْرِئِيلَ»؛ مطالبی را که امروز برای شما گفتم، خداوند متعال به وسیله جبرئیل برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل کرد.

«وَلَقَدْ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْأُمَّةِ بَعْدَهُ»؛ من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که از ایشان سؤال کردند: بعد از شما پیشوایان ما چه کسانی هستند؟ «فَقَالَ لِلسَّائِلِ: وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسی که این پرسش را مطرح کرد، فرمود: قسم به آسمانی که دارای بروج است؛ سپس فرمودند بروج چندتا است. شما قسم به آسمانی می خورید که دارای برج است؟ تعداد ائمه بعد از شما چند نفر است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ عَدَدَهُمْ بِعَدَدِ الْبُرُوجِ»؛ تعداد ائمه بعد از من به عدد بروج است. ستارگان درخشانی که خداوند به آنها قسم خورده، تعدادشان چقدر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «وَرَبِّ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَالشُّهُورِ»؛ قسم به شبها و

روزها، قسم به ماه‌ها. پیامبر اکرم ﷺ قسم می‌خورد. «إِنَّ عَدَدَهُمْ كَعَدَّةِ الشُّهُورِ»؛ تعداد آنان به اندازه تعداد ماه‌های سال است که قرآن فرمود آنها دوازده ماه هستند. امیرالمؤمنین ؑ خودشان نقل کردند، ائمه بعد از خودش را معرفی کرده، سپس با استناد به فرمایش پیامبر اکرم ﷺ به آیات شریفه قرآن استناد کردند.

### خبر جارود نصرانی

درباره تعداد ائمه و اینکه دوازده نفرند، روایات فراوانی داریم. جلد اول و دوم کتاب شریف *منتخب الاثر*<sup>۱</sup> درباره احادیثی است که از پیامبر اکرم ﷺ - هم از طریق اهل سنت و هم از طریق شیعه - روایت شده است؛ یعنی خود علمای اهل سنت نیز تعداد ائمه را از قول پیامبر اکرم ﷺ ذکر کردند.

در کتاب *منتخب الاثر* روایتی از کتاب *مقتضب الاثر* نقل می‌کنند.<sup>۲</sup> این روایت

۱. *منتخب الاثر* به فارسی هم ترجمه شده و ترجمه فارسی آن شش جلد است. ترجمه جلد اول و دوم کتاب درباره روایات ائمه اثناعشر در منابع شیعه و اهل سنت است.

۲. جوهری، *مقتضب الاثر*، ص ۳۱-۳۸؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۲، ص ۴۵-۴۶. ح ۲۵۸. «قَالَ: وَمِنْ أَتَقَنِ الْأَخْبَارِ الْمَأْثُورَةِ وَغَرِيبِهَا وَعَجِيبِهَا وَمِنْ الْمَصُونِ الْمَكْنُونِ فِي أَعْدَادِ الْأَئِمَّةِ وَأَسْمَائِهِمْ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَّةِ مَرْفُوعاً وَهُوَ خَبْرُ الْجَارُودِ بْنِ الْمَنْدِرِ وَإِخْبَارِهِ عَنْ قُسِّ بْنِ سَاعِدَةَ (ثُمَّ ذَكَرَ سَنَدَهُ إِلَى الْجَارُودِ، وَذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ عَالِماً بِبَعْثِ النَّبِيِّ ﷺ؛ عَارِفاً بِأَسْمَاءِ أَوْصِيَائِهِ ؑ)، وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّ الْجَارُودَ الْعَبْدِيَّ كَانَ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمَ عَامَ الْحُدَيْبِيَّةِ وَحَسَنَ إِسْلَامَهُ وَكَانَ قَارِئاً لِلْكِتَابِ إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَنْشَأَ يُحَدِّثُنَا فِي إِمَارَةِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ

روایت بسیار مهمی است، خودشان در آنجا تعریف کردند. صاحب مقتضب الاثر می گوید: «وَمِنْ أَتَقَنِ الْأَخْبَارِ الْمَأْثُورَةَ وَغَرِيبَهَا وَعَجِيبَهَا»؛ از محکم ترین اخبار شگفت انگیز و غریبی که از پیامبر اکرم ﷺ وارد شده، این خبر است: «وَمِنْ الْمَصُونِ الْمَكْنُونِ فِي أَعْدَادِ الْأَيْمَةِ وَأَسْمَائِهِمْ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَّةِ مَرْفُوعاً»؛ از آن چیزهایی که محفوظ شده و مانند گنج هایی که پنهان شده در تعداد ائمه اثنی عشر ﷺ و اسم هایشان از طریق عامه به صورت مرفوع نقل شده است «وَهُوَ خَبْرُ الْجَارُودِ بْنِ الْمُنْدَرِ»؛ و این خبر، خبری است که جارود، یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ، نقل کرده است. «وَإِخْبَارُهُ عَنْ قَسِّ بْنِ سَاعِدَةَ» و خبر می دهد از صحابه دیگری که نامش قس بوده است. ایشان هم این خبر را از پیامبر ﷺ شنیده و برای مردم نقل کرده است. «ثُمَّ ذَكَرَ سَنَدَهُ إِلَى الْجَارُودِ»؛ سپس کتاب مقتضب الاثر سند این روایت را ذکر کرده است. این روایت، روایت صحیحه است.

وَسَاقَ الْكَلَامِ إِلَى أَنْ قَالَ: (ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْبِئْنِي أَنَّكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَمْ نَشْهَدْهَا وَأَشْهَدْنَا قَسَّ ذِكْرَهَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا جَارُودُ لَيْلَةٌ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ أَنْ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا؟ فَقُلْتُ عَلَى مَا بُعِثْتُمْ؟ فَقَالُوا: عَلَى بُرُوتِكَ وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَالْأَيْمَةِ مِنْكُمْ ثُمَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ التَّيْتُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَالتَفْتُ فَإِذَا عَلِيُّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْمَهْدِيُّ فِي صَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ يُصَلُّونَ، فَقَالَ لِي الرَّبُّ تَعَالَى: هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ أَوْلِيَائِي، وَهَذَا الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي...».

«وَذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ عَالِمًا بِبَعْثِ النَّبِيِّ ﷺ»؛ جارود چه کسی بود؟ می‌گوید کسی بوده که قبلاً نصرانی بوده و عالم به بعثت پیامبر اکرم ﷺ بوده است. «عَارِفًا بِأَسْمَاءِ أَوْصِيَاءِهِ»؛ و اسمای اوصیای پیامبر ﷺ را می‌دانسته است. «وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ ذُكِرَ فِيهِ»؛ می‌گوید حدیث مفصل است. در این حدیث نوشته شده است: «أَنَّ الْجَارُودَ الْعَبْدِيَّ كَانَ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمَ عَامَ الْحُدَيْبِيَّةِ»؛ جارود بن منذر عبدی شخصی نصرانی بود که در سالی که صلح حدیبیه اتفاق افتاد، ایشان اسلام آورد. «وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ»؛ و اسلامش اسلام نیکو بود. «وَكَانَ قَارِئًا لِلْكِتَابِ»؛ آدم ساده‌ای نبود، آدم فوق‌العاده‌ای بود، کتاب‌های آسمانی را بلد بود و می‌خواند. «إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَنْشَأَ يُحَدِّثُنَا فِي إِمَارَةِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ»؛ در زمان عمر برای ما حدیث را خواند. «وَسَأَلَ الْكَلَامَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ» کلامش طولانی شد تا اینکه جارود این‌چنین گفت: «ثُمَّ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْبِئْنِي أَنْبَأَكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَمْ نَشْهَدْهَا وَأَشْهَدْنَا قُسَّ ذِكْرَهَا»؛ به پیامبر اکرم ﷺ گفتم به من خبر دهید، خداوند به شما خبر خیر بدهد! از اسمائی که ما اطلاعی نداریم، خبر دهید، ولیکن قس که یکی از دیگران یاران شماست، آن را به ما گفته است؛ می‌خواهم از زبان خودتان بشنوم آیا این روایتی که قس بن ساعده برای ما نقل کرده، حقیقت دارد یا نه؟

### هدف از بعثت انبیا

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا جَارُودُ لَيْلَةٌ أُسْرِي بِهَا إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ»؛ پیامبر ﷺ به جارود فرمود: شبی که من را به آسمان‌ها بردند (شب معراج)، خداوند در آن

شب با پیامبر ﷺ در این باره بسیار صحبت کرده است. احادیث قدسی زیادی درباره فرمایشات خداوند با پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد. در کتاب شریف بحار الانوار مفصل به این موضوع پرداخته است.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند در شب معراج به من وحی کرد: «أَنْ سَلَّ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا؟» به من فرمود ای پیامبر! از من بپرس درباره پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم که چرا آنها را فرستادیم؟ چرا ۱۲۴ هزار پیامبر فرستادیم؟ قبل از تو این همه پیامبران را فرستادم برای چه بود؟ آنها را برای چه مبعوث کردم؟ حقیقت گفتار و رسالت آنان چه بود؟

«فَقُلْتُ: عَلَى مَا بُعِثْتُمْ؟» مثل اینکه دارد با انبیای الهی صحبت می کند. انوار انبیای الهی یا خودشان را آن روز یا آن شب مشاهده کردند. سپس از آنها سؤال کرد، شما پیامبران برای چه مبعوث شده اید؟ دلیل بعثت شما چه بوده است؟ «فَقَالُوا: عَلَى نُبُوتِكَ» گفتند: ما برای نبوت تو مبعوث شدیم که نبوت و پیامبری تو را به مردم اعلام کنیم. «وَوِلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ»؛ وظیفه ما این بود، خدا به ما گفته بود بروید ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را به مردم ابلاغ کنید. «وَالْأَيْمَةَ مِنْكُمْ»؛ همچنین امامانی که از شما بودند، از پیامبر ﷺ و از امیرالمؤمنین ﷺ. این وظیفه ما بود.

«ثُمَّ أَوْحَى إِلَيَّ»؛ خداوند به من وحی فرستاد: «أَنْ التُّفْتُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ»؛ به من گفت به سمت راست عرش نگاه کن! منظور از این عرش چیست؟ ما با این عقول ناقصی که داریم اصلاً نمی توانیم درک کنیم. پیامبر ﷺ به سمت راست



عرش نگاه کرد. «فَالْتَفَتُ فَإِذَا عَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ»؛ می فرماید: التفات کردم به عرش خدا و انوار مقدس امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و اسامی دیگر ائمه علیهم السلام را دیدم. به یمن عرش نگاه کردم، دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، علی بن حسین علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام، علی بن موسی علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، علی بن محمد علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام هستند.

سپس می فرماید: «وَالْمَهْدِيُّ فِي صَخْصَاحٍ مِنْ نُورٍ»؛ امام مهدی علیه السلام را دیدم، با آنها هم تفاوت خاصی داشت. در قطعه بسیار زیادی از نور بود؛ نوری که ایشان را احاطه کرده بود. وجود مقدس امام زمان علیه السلام با انوار دیگر فرق داشتند. «يُصَلُّونَ» همه اینها مشغول نماز خواندن بودند. ائمه معصومین علیهم السلام را دیدم که در حال نماز خواندن بودند. «فَقَالَ لِي الرَّبُّ تَعَالَى: هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ أَوْلِيَائِي»؛ سپس خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اینها اولیا و حجت‌های من روی زمین هستند. «وَهَذَا الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي»؛ به وجود مقدس حضرت ولی عصر - روحی و ارواح العالمین له الفداء - اشاره کرد. این شخصی که می بینید در قطعه بسیار نورانی قرار گرفته، کسی است که از دشمنان من انتقام می گیرد. این حدیث شریف کاملاً روشن است در عدد ائمه معصومین علیهم السلام و نام‌های مبارکشان را به ترتیب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در شبی که به معراج رفتند، از خداوند شنیدند و به مردم اعلام کردند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ \* إِنَّ فِي هَذَا  
لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١﴾

این آیات شریفه در سوره انبیاء، آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ است و درباره وراثت  
زمین است که در آینده به دست صالحان، راستگویان و درستکاران خواهد افتاد و  
وعدۀ حتمی الهی است. وعدۀ خداوند حتمی و تخلف‌ناپذیر است و در جلسات

---

۱. انبیاء، ۱۰۵-۱۰۶. «در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت)

زمین خواهند شد؛ در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان.»



گذشته مباحث مفصلی دربارهٔ وعده‌های الهی بیان کردیم. از سنت‌های الهی که حتماً واقع خواهد شد، این است که خداوند متعال حکومت در روی زمین را به کسانی می‌دهد که انسان‌های صالح، پاک و نیکوکار باشند و آنان هم افراد خاصی هستند که در روایات به آنها اشاره شده است.

### صالحان وارثان حکومت زمین

این آیه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ:» ما در کتاب آسمانی زبور نوشتیم. همان‌طور که می‌دانید، کتاب زبور از حضرت داود علیه السلام یکی از انبیای بزرگ الهی است. می‌فرماید در کتاب زبور نوشتیم: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ». اینکه ذکر چیست، توضیح خواهیم داد. بعد از ذکر نوشتیم که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»: بندگان صالح من زمین را به ارث می‌برند. بعد آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغاً لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»: این مطلبی را که گفتیم، بلاغ است برای قومی که خداوند را عبادت کنند؛ یعنی عابدان حتماً توجه کنند که بلاغ و گفتار آسمانی برای آنهاست که بدانند آیندهٔ زمین در دست صالحان است.

### منظور از زبور و ذکر در قرآن

از نظر ظاهر و تنزیل این آیه شریفه معلوم است که خداوند متعال می‌فرماید: ما در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم، زمین را به بندگان صالح خواهیم داد. زبور که معلوم است کتاب حضرت داود است، اما منظور از ذکر چیست که می‌فرماید:

«مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ» در اینجا روایتی داریم از عبدالله بن سنان که از اصحاب امام صادق ع است. این حدیث شریف در کتاب کافی نقل شده است.<sup>۱</sup>

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ: «مَا الزَّبُورُ وَمَا الذِّكْرُ؟»؛ ايشان می گوید: از امام صادق ع هم از زبور سؤال کردم و هم از ذکر، که در این آیه شریفه که در قرآن آمده است. «قَالَ: الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ»؛ حضرت می فرمایند: ذکر در نزد خداوند است. «وَالزَّبُورُ الَّذِي أُنزِلَ عَلَى دَاوُدَ»؛ زبور نیز کتابی است که بر داود نازل شده است. سپس امام صادق ع این توضیح را می فرمایند: «وَكُلُّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ»؛ هر کتابی که از طرف خداوند متعال نازل شده است، همه این کتاب‌های آسمانی نزد اهل علم است. «وَنَحْنُ هُمْ»؛ و ما آنها هستیم. نمی فرماید: «نَحْنُ مِنْهُمْ». اگر می فرمود «مِنْهُمْ»؛ یعنی ما هم جزو اهل علم هستیم. می فرماید: «وَنَحْنُ هُمْ»؛ اهل علمی که حقیقت کتاب‌های آسمانی پیش آنهاست؛ حضرت می فرماید: «وَنَحْنُ هُمْ»؛ ما آنها هستیم. همه کتاب‌های آسمانی پیش ماست. ذکر که خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: «مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»، این ذکر را امام در این روایت می فرماید: «الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ».

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۶. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ: «مَا الزَّبُورُ وَمَا الذِّكْرُ؟» قَالَ: الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ، وَالزَّبُورُ الَّذِي أُنزِلَ عَلَى دَاوُدَ، وَكُلُّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَنَحْنُ هُمْ».

## لوح محفوظ از مصادیق ذکر

برخی مفسران گفتند: ذکرى که در این آیه بیان شد، همان لوح محفوظی است که در نزد خدا وجود دارد؛ لوحی که تمام حوادث و وقایع عالم، همه علوم عالم و آنچه در جهان روی خواهد داد، در آن نوشته شده است. به بیان دیگر، لوح محفوظ ام‌الکتاب است. ام‌الکتاب مادر همه کتاب‌های آسمانی عالم لوح محفوظ است؛ به سخن دیگر، قرآن می‌فرماید: ذکر؛ پس ذکر همان لوح محفوظ است که طبرسی رحمته در کتاب شریف *مجمع البیان*، با استفاده از احادیثی که نقل کرده، می‌فرماید ذکر همان لوح محفوظ یا ام‌الکتاب است.<sup>۱</sup>

## تورات از مصادیق ذکر

بعضی از مفسران ذکر را به معنای تورات گرفته‌اند.<sup>۲</sup> فرمودند ذکر یعنی تورات؛ *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ*؛ یعنی ما هم در کتاب زبور نوشتیم و هم قبل از آن، در کتاب تورات حضرت موسی علیه السلام نوشتیم. البته منافاتی با قبلی ندارد؛ به خاطر اینکه این هم یکی از کتاب‌های آسمانی است. اگر بنا شد ذکر کتاب آسمانی باشد، یکی از آن کتاب‌ها تورات است که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده است.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۴۱.

## پیامبر اسلام ﷺ از مصادیق ذکر

مهم‌تر از اینها را علامه مجلسی رحمته الله علیه در کتاب شریف *مرآة العقول* بیان می‌کند.<sup>۱</sup> می‌نویسد: منظور از ذکر در اینجا وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. این درحقیقت تأویل آیه می‌شود. **﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ﴾**؛ تأویلش این است کسی که خداوند همه چیز را در قلب مبارکش قرار داده، شخصیت بزرگ عالم بشریت، خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است؛ یعنی خداوند متعال ابتدا برای ایشان این مطلب را آورد و فرمود: «**أَمَّ الْكِتَابِ**» و ذکر ایشان است، سپس در کتاب‌های آسمانی دیگر آن را نوشت.

## مبانی مهدویت در قرآن و کتب آسمانی گذشته

ریشه بسیاری از اصول و مبانی مهدویت ما در قرآن کریم است. بحث ما این است که می‌خواهیم اثبات کنیم که مبانی مهدویت و معارف مهدوی برگرفته از قرآن کریم است؛ سپس آیاتی را بیان کنیم که در این باره نازل شده و ارتباط خاصی که با امام زمان عجل الله فرجه دارند. این آیه شریفه بالاتر از این را می‌فرماید: مبانی مهدویت هم در قرآن ذکر شده و هم قبل از قرآن، در کتاب‌های آسمانی دیگر ذکر شده است. این‌گونه نیست که مهدویت به قرآن اختصاص داشته باشد؛ بلکه

۱. مجلسی، *مرآة العقول*، ج ۳، ص ۲۱.

هر کتابی که از سوی خداوند متعال نازل شده است، در آن مسئله مهدویت مطرح شده است؛ یعنی از روز اول به بشر امید می‌دادند که سرانجام پایان این دنیا در دست صالحان است، در دست مستضعفان و در دست پاک ائمه معصومین علیهم‌السلام و شیعیان آنهاست. این نوید از اول برای انسان‌های پاک و صالحان بوده است؛ و گرنه زندگی کردن مشکل بوده است. این همه مشکلات و گرفتاری، این همه شکنجه و تبعید، این همه قتل و غارت‌ها و این همه افراد صالحی را که در طول تاریخ شهید کردند، اینها هم امیدوار باشند به آینده درخشان که بدانند آخر و عاقبت از آن متقین و پرهیزکاران است؛ از این رو ما می‌توانیم بگوییم در همه کتاب‌های آسمانی مسئله مهدویت مطرح شده است. این آیه شریفه اشاره به همین مطلب دارد. **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**؛ از روایاتی که در تفسیر این آیه آمده است، استفاده می‌کنیم که آیه درباره وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام است.

### توحید، نبوت و امامت در زبور

در تفسیر این آیه شریفه از علی بن ابراهیم قمی رحمته‌الله مطالبی درباره زبور و ذکر نقل شده است.<sup>۱</sup> آنجا که می‌فرمایند: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الزَّبُورَ»؛ توضیح می‌دهند زبور چه

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۲۶. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الزَّبُورَ فِيهِ تَوْحِيدٌ وَتَمَجِيدٌ وَدُعَاءٌ وَأَخْبَارُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام وَالْأئِمَّةِ علیهم‌السلام مِنْ دُرَيْتِهِمَا وَأَخْبَارُ الرَّجْعَةِ، وَذِكْرُ الْقَائِمِ علیه‌السلام، لِقَوْلِهِ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

کتابی است؟ می‌فرماید که خداوند زبور را بر داود نازل کرد. «فِيهِ تَوْحِيدٌ وَتَمَجِيدٌ وَدُعَاءٌ»؛ در کتاب زبور توحید و یکتاپرستی است، تمجید و ستایش و دعاست تا مردم یاد بگیرند چگونه با خداوند ارتباط داشته باشند. «وَأَخْبَارُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا»؛ و اخبار رسول الله است. داود در فصل مهمی از زبور خبر می‌دهد از پیامبر آخرالزمان و همچنین از آمدن امیرالمؤمنین و امامان معصومی که از ذریه پیامبر اکرم و حضرت علی هستند. فصل مهمی از کتاب زبور درباره امامت و رسالت، توحید، دعا، تمجید و نبوت است. درباره نبوت پیامبر آخرالزمان، درباره امامت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین است.

### کتاب‌های آسمانی ذکر الله

علی بن ابراهیم در کتاب شریف تفسیر خود دارند که از امام صادق درباره معنای این آیه شریفه سؤال شد که معنایش چیست؟ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ امام صادق فرمودند همه کتاب‌های آسمانی ذکر الله است: «الْكِتَابُ كُلُّهَا ذِكْرٌ»؛<sup>۱</sup> اینکه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»، منظورش چیست؟ ذکر یعنی همه کتاب‌های آسمانی، کتاب خاصی را نگفته است، «الْكِتَابُ كُلُّهَا ذِكْرٌ».

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۷۷. «وَقَوْلُهُ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ»؛ قَالَ: الْكِتَابُ كُلُّهَا ذِكْرٌ؛ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ قَالَ: الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ».



## امام زمان ع و اصحابش وارثان زمین

سپس حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». کسانی که وارث زمین می شوند و خداوند این زمین پهناور را با همه برکاتش به آنها می دهد. کسانی که در زبور نوشته شده در آینده وارث زمین می شوند، چه کسانی هستند؟ «قَالَ: الْقَائِمُ ع وَأَصْحَابُهُ»؛ می فرماید آن وجود مقدس حضرت بقیة الله - روحی و ارواح العالمین له الفداء - می باشد. این مزده برای شما، این هم بشارت برای شما عزیزان، برای حضرت مهدی ع و برای اصحاب، پیروان و شیعیان حضرت. آیا دوست ندارید از شیعیان آن حضرت باشید که خداوند زمین را در دست شما قرار بدهد و حکومت جهانی حضرت را ببینید و آن هنگام لذت ببرید؟ آن زمان دیگر ظلم، فساد، ستم، شکنجه، فقر و بیکاری نیست، بلکه عدالت، دادگستری، امنیت، آرامش و بندگی خداوند متعال است که فرمود: «يَعْبُدُونَنِي»؛ مرا عبادت می کنند. توحید و عبادت واقعی خداوند در آن موقع است.

## عصر ظهور عصر حکومت صالحان

در این باره روایتی از امام باقر ع نقل شده است.<sup>۱</sup> «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع»

۱. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۱، ح ۳۲۰. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ قَالَ: هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

فِي قَوْلِهِ؛ امام باقر علیه السلام درباره قول خداوند در آیه شریفه: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> می فرماید: آنها اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند. «قَالَ: هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ علیه السلام فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ مصداق اتم این روایت زمانی است که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و اصحابش در خدمت ایشان باشند. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ و زمین از عباد الله الصالحین پر بشود.

شما در آخر هر نماز می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»؛ عباد الله الصالحین چه کسانی هستند؟ یکی از مصداق عباد الله الصالحین اصحاب حضرت هستند که وارث زمین خواهند شد. بندگان صالح چه کسانی هستند؟ روایتی که پیش تر نقل شده، فرمود: صالحان مصداق اتمش امامان معصوم علیهم السلام هستند.

### اهل بیت علیهم السلام وارثان زمین

درباره اینکه وارثان زمین در آینده چه کسانی هستند، آیه دیگری داریم که بیانگر وجود مبارک حضرت حجت - روحی و ارواح العالمین له الفداء - و اصحاب خاص آن حضرت هستند. این آیه در سوره اعراف، است. «قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup> خداوند در این سوره می فرماید: حضرت موسی گفت از خدا استمداد بجویید، از خدا کمک

۱. انبیاء، ۱۰۵. «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

۲. اعراف، ۱۲۸. «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.».



بخواهید و صابر باشید، در برابر این همه مشکلات باید صبر کنید. نتیجه این صبر این است که زمین برای خداست. این زمینی که برای خداست، به هر کسی که دلش بخواهد می‌دهد و عاقبت از آن انسان‌های متقی و پرهیزکار است.

در همین باره در دعای شریف ندبه جمله معروف: «وَجَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ»<sup>۱</sup> می‌فرماید: خداوند قضای خودش را برای اهل بیت علیهم‌السلام جاری کرد، به آنچه «حُسْنُ الْمَثُوبَةِ» بود و ثواب نیک به آنها داد، اشاره به این آیه است: «إِذْ كَانَتِ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ در دعای ندبه آمده که عاقبت برای متقین و برای پرهیزکاران است.

این آیه شریفه مسئله وراثت را بیان می‌کند که آینده در دست متقین است، کسانی که خداوند بناست به آنها زمین را بدهد. امام باقر علیه‌السلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کند: «أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ، وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ»<sup>۲</sup>؛ ما و اهل بیت علیهم‌السلام هستیم که خداوند متعال زمین را به ما داد. حضرت می‌فرماید: در کتاب علی علیه‌السلام دیدم نوشته شده بود که خداوند وراثت زمین را به ما اهل بیت می‌دهد:

۱. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۵۷۸. «وَجَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتِ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۵۲؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۴، ص ۲۸-۲۹، ح ۷۰۴. «عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِبِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام، قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه‌السلام: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ، وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا».

«وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ»؛ و متقین ما هستیم که در این آیه می فرماید: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ عاقبت از آن انسان‌های متقی و پرهیزکار است.

سپس می فرماید: «وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا»؛ تمام زمین برای ماست. خلقت زمین و آسمان، خلقت ستارگان و خلقت آنچه روی زمین و جهان هستی است، برای ماست.

### انتظار فرج بالاترین اعمال

درباره این آیه شریفه روایاتی نقل شده است که می فرماید: عاقبت زمین برای متقین است و متقین هم ائمه معصومین علیهم السلام هستند. روایت بسیار زیبایی نقل شده که «وَمِمَّا كَتَبَ عليه السلام (يَعْنِي الْإِمَامَ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ عليه السلام) إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ»<sup>۱</sup>؛ علی بن حسین بن بابویه، پدر شیخ صدوق علیه السلام که قبر شریفش در نزدیکی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. برای زیارت این بزرگوار اگر توانستید حتماً بروید؛ زیرا مقام بسیار زیادی در نزد ائمه معصومین علیهم السلام داشتند.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۷۴، ح ۵۷۷. «وَمِمَّا كَتَبَ عليه السلام (يَعْنِي الْإِمَامَ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ عليه السلام) إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ...، وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ، قَالَ النَّبِيُّ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ، وَلَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ عليه السلام، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ، وَأْمُرْ جَمِيعَ شِيعَتِي بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ شِيعَتِنَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

ایشان از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده و با ایشان مکاتبه داشتند. حضرت در این روایت برایشان نوشتند: «عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ»؛ ای علی بن حسین بر تو باد به صبر! و همچنین بر تو باد به انتظار فرج! منتظر باش و صبر بکن. این همه سختی‌ها و رنج‌هایی که شیعیان دارند، باید صبر کنند. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»؛ از خداوند متعال به وسیله صبر استعانت بجوئیم. «وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ»؛ امام عسکری علیه السلام به ایشان می‌فرماید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ افضل اعمال امت من انتظار فرج است.

«وَلَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ»؛ بعد می‌فرماید: شیعیان ما همیشه در حزن و ناراحتی‌اند. این‌گونه نیست که توقع داشته باشیم در آسایش و آرامش باشند. تا مولا امام زمان علیه السلام ظهور نکند، شیعیان در حزن و اندوه هستند. «حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي»؛ تا اینکه فرزند من بیاید. «الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله»؛ فرزندی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آمدن ایشان و به ظهور موفورالسرور ایشان بشارت داد. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ سپس بیان می‌کند که زمین را پر از قسط، عدل و دادگستری می‌کند، کما اینکه ظلم و جور زمین را فرا گرفته باشد.

«فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي»؛ سپس حضرت می‌فرماید: صبر کن ای شیخ من! امام عسکری علیه السلام به علی بن حسین (پدر شیخ صدوق) سفارش می‌کند: «يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ»؛ اسمش علی بن حسین است. ای ابوالحسن علی، صبر کن! «وَأْمُرْ جَمِيعَ شِيعَتِي

بِالصَّبْرِ؛ این هم خطاب به ماست. شیعیان من را به صبر فرمان بده. ما هم باید صبر کنیم. شما شیعیان نیز صبر بکنید، چرا؟ عاقبت چه می شود؟ «فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ زمین برای خداوند است که آن را به هر کس بخواهد، می دهد. عاقبت هم برای متقین است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «نَحْنُ وَاللَّهُ الْمُتَّقُونَ»؛ ما متقون هستیم.

سپس امام عسکری علیه السلام در مکاتبه اش به پدر بزرگوار صدوق علیه السلام می فرماید: «وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَمِيعِ شِيعَتِنَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»؛ بر تو و بر شیعیان ما درود و سلام باد و رحمت و برکات خدا بر شما باد. «وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»؛ و درود خدا بر محمد و خاندانش باد!

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>۱</sup>

آیه شریفه‌ای که تلاوت شد، آیه ۱۷ سوره مبارکه حدید است. این آیه نیز مانند آیات دیگری که پیش‌تر درباره آنها بحث شد، با وجود مقدس حضرت بقیةالله فی الارضین، امام زمان - ارواح العالمین له الفداء - ارتباط دارد.

---

۱. حدید، ۱۷. «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات (خود) را برای

شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید».

## ترجمه آیه

آیه می فرماید: **﴿اعْلَمُوا﴾** بدانید، خطاب به همه مردم روی زمین است که **﴿أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾** خداوند متعال زمین را زنده می کند، بعد از اینکه آن زمین بمیرد. بعد از آنکه زمین مرده باشد، دوباره آن زمین مرده را زنده می کند. **﴿قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾**؛ ما این نشانه ها را برایتان بازگو می کنیم؛ برای اینکه تعقل و تفکر کنید و بدانید که در عالم خلقت چه می گذرد و آینده آسمان و زمین و جهان هستی به کجا می رسد. **﴿قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ﴾**؛ اینها همه آیات الهی است. نشانه هایی از قدرت خداوند است که زمین مرده را زنده می کند.

بحث این است که چگونه زمین بعد از اینکه مرد، زنده می شود. ظاهر این آیه شریفه روشن است. مردن زمین در ظاهر به این معناست که خداوند برکات و نعمات ظاهری را از زمین می گیرد. برای نمونه یکی از برکات مهم آب است، اگر خداوند از زمینی آب را بگیرد، آن زمین موات می شود؛ از این رو به آن زمین موات می گوئیم؛ یعنی مرده است. اگر خدا برکات را از زمین بگیرد، آن زمین مرده می شود. بعد از اینکه خداوند عنایت کند و به زمین آب بدهد و دستگاه آفرینش را راه بیندازد و باران و رحمت الهی بر این زمین ببارد، دوباره زنده می شود. این از نظر ظاهر که کاملاً روشن است.

## زنده شدن زمین به وسیله قائم آل محمد علیه السلام

اما از نظر تأویل آیا خواست و منظور خداوند همین بود یا می خواهد مطلب بالاتری را به مردم اطلاع بدهد تا بدانند وضعیت این گونه نیست که ما گمان می کنیم. از این رو در این باره روایاتی داریم که این آیه شریفه را از نظر تأویل برای ما بیان می فرماید.

در کتاب شریف *منتخب الاثر* روایتی داریم که از کتاب شریف *کمال الدین* نقل شده است.<sup>۱</sup> این روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده که ایشان در تفسیر آیه شریفه **«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»**؛ می فرماید: **«قَالَ: يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا»**؛ خداوند متعال زمین را به وسیله حضرت حجت - روحی و ارواح العالمین له الفداء - زنده می کند، بعد از اینکه این زمین مرده شد. **«يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا»**؛ چگونه این زمین مرده می شود؟ حضرت می فرماید: بعد از اینکه اهل زمین کافر می شوند و خدا و عبادت خدا را فراموش می کنند. بعد می فرماید: **«وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ»**؛ کافر نیز مانند انسان میت است که روی زمین راه می رود؛ اما راه رفتن روی زمین مثل کسانی است که **«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا**

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۴، ص ۱۴،

ح ۶۸۶. **«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ قَالَ:**

**يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا؛ وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ.»**

وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا؛<sup>۱</sup> زنده و مرده بودن آنها روی زمین فرقی ندارد، میت هستند، آن هم میت کافر. زمینی که به وسیله کفر مرده شده، خداوند بعد از مدتی آن را دوباره زنده می‌کند.

### زنده شدن زمین با برقراری عدالت توسط امام زمان علیه السلام

نقل دیگری در همین حدیث است<sup>۲</sup> به این عبارت که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ»؛ خداوند زمین را به وسیله حضرت قائم زنده می‌کند، «فَيَعْدِلُ فِيهَا»؛ حضرت نیز عدالت را روی زمین برقرار می‌کند. «فَتَحْيَا الْأَرْضُ»؛ زمین زنده می‌شود؛ یعنی تاکنون این زمین به وسیله ضلالت، گمراهی، ستم و ظلم مرده بوده، خداوند متعال به وسیله امام زمان علیه السلام عدالت را در زمین برقرار می‌کند. «فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَيَحْيَا أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ»؛ و اهل زمین زنده می‌شوند، بعد از اینکه آنها مرده‌اند.

۱. اعراف، ۱۷۹. «آنها دل‌هایی دارند که با آن نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند».

۲. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۶۳۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۴۴-۱۴۵، ح ۱۱۶۶. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ؛ فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَيَحْيَا أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ».



## نکات روایت

چند نکته در این روایت مشهود است؛ یکی اینکه اگر زمین پر از ظلم و ستم شود، آیا می‌توان گفت عدالت در حق این زمین و ساکنان آن رعایت شده است؟ آیا زمین و ساکنان آن حیات واقعی دارند؟ روایت می‌گوید اینها حیات ندارند، بلکه مرده‌هایی هستند که روی زمین راه می‌روند. از این تعبیرها در روایات زیاد داریم که ائمه معصومین علیهم‌السلام گاهی اشخاصی را مانند میت تلقی می‌کنند؛ مانند روایت معروف امیرالمؤمنین که می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ»<sup>۱</sup> هر کس منکر الهی را انکار کند و ترک انکار منکر کند نه با دست، نه با زبان، نه با دل و قلب، حتی در دل از یک انسان گناهکار ناراحت نباشد و انسان گناهکار با انسان صالح برای او فرقی نداشته باشد و هر دو را دوست بدارد، مانند مردگانی هستند که بین زندگان راه می‌روند. آنها هیچ فرقی میان انسان گناهکار و انسان‌های صالح و نیکوکار نمی‌گذارند. اینجا امام می‌فرماید: «فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ»؛ کلمه میت در آنجا به کار رفته است. اینها مانند مردگانی هستند که بین زنده‌ها راه می‌روند.

روایت داریم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱. «وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام: مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ

وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ».

الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ<sup>۱</sup>: پیامبر خدا: ما را فرمان داد ملاقات کنیم اهل معاصی و گناهکاران را با وجوهی که مکفهره است؛ یعنی با آنها ناخوشایند باشیم؛ به گونه‌ای با ایشان رفتار کنیم که متوجه شوند از آنان خوشحال نیستیم، بلکه ناراحت و غضبناک هستیم. میان انسان گناهکار و نیکوکار فرق بگذاریم. اگر همین را در جامعه رعایت می‌کردیم و میان کسی که رشوه می‌گیرد، ربا می‌خورد یا مال مردم را می‌خورد و به حقوق مردم تجاوز می‌کند، با کسی که پاک و صالح است، فرق بگذاریم، به‌طور قطع بسیاری از مشکلات جامعه ما حل می‌شد و بسیاری از مشکلات را امروز نداشتیم. فرمایشات امامان معصوم<sup>علیهم‌السلام</sup> برای ما درس است، همه اینها برای ما آموزندگی دارد، متأسفانه ما اینها را رها کردیم.

### تبلیغ مکتب اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>

شخصی آمده بود نزد من و گفت که من به این کلام امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> رسیدم و فهمیدم کلام مبارک ایشان آن قدر اثرگذار است که حضرت می‌فرماید: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبَعُونَا»<sup>۲</sup>؛ اگر مردم محاسن کلمات ما را می‌دانستند و زیبایی‌های کلمات ما را درک می‌کردند، از ما پیروی می‌کردند. وظیفه ماست

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۳.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا<sup>علیه‌السلام</sup>، ج ۱، ص ۳۰۷؛ همو، معانی الاخبار، ص ۱۸۰؛ حر عاملی،

وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۲.

محاسن دین و کلام ائمه معصومین علیهم السلام را به گوش جامعه بشری برسانیم. امروزه بشریت نیازمند این هستند که محاسن کلام اهل بیت را بشنوند. ایشان نقل می‌کرد، می‌گفت شخصی در فرانسه زندگی می‌کرد و از نظر مادی وضع بسیار خوبی داشت. مقیم یکی از خیابان‌های مهم فرانسه بود و حقوق بسیار زیادی به او می‌دادند. ایشان می‌گفت چون با شما (یکی از مبلغان حوزه علمیه که از طریق این کانال‌ها و از طریق این شبکه‌های ماهواره‌ای) تماس پیدا کردم و با محاسن کلام ائمه علیهم السلام آشنا شدم، همه آنچه را که داشتم، رها کردم و گویا خودم را در دنیای جدیدی می‌بینم؛ دنیایی که سراسر آن نور و حقیقت است. آن موقع خودم را در ظلمتکده و در جایی می‌دیدم که غیر از مادیت چیز دیگری نبود؛ ولی امروز هرچه می‌بینم، معنویت، حقیقت، صداقت و درستی است.

### احیای زمین با عدالت امام زمان علیه السلام

در روایت دیگری چگونگی زنده شدن زمین پس از مردن را بیان کرده است. امام علیه السلام در روایتی این مطلب را به روشنی بیان فرموده است.<sup>۱</sup>

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۳. «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ يُونُسَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ مُحَمَّدِ السَّحَلَبِيِّ، أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ قَالَ: الْعَدْلُ بَعْدَ الْجَوْرِ».



«عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مُحَمَّدِ حَلَبِيِّ،  
 یکی از اصحاب امام صادق عليه السلام، از ایشان از درباره آیه شریفه «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي  
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» می پرسد که معنای این آیه چیست که خداوند زمین را پس از  
 مردنش زنده می کند؟ حضرت تنها دو کلمه فرمودند: «قَالَ: الْعَدْلُ بَعْدَ الْجَوْرِ»؛  
 یعنی خداوند زمین را با عدالت زنده می کند. بعد از اینکه زمین با جور و ستم و  
 ظلم مرده باشد، با عدالت آن را زنده می کند. پس معلوم است ستم زمین را  
 می میراند. اگر جایی عدالت نباشد، مردم آنجا مانند مرده اند و آن زمین نیز زمین  
 مرده قلمداد می شود و خداوند نیز می خواهد به وسیله امام معصوم یعنی حضرت  
 حجت عليه السلام زمین مرده را زنده کند؛ زنده می کند به عدلی که «بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ  
 قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ اصلاً وجود امام محیی زمین است. امام به  
 زمین حیات می دهد. اگر امام نباشد و ما از امام دور باشیم، زمین مرده است و ما  
 هم مانند مردگان هستیم.

### امام زمان عليه السلام سرچشمه حیات و زندگی

خداوند در آیه شریفه سوره ملک می فرماید: «أَقُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ  
 يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛ ای پیامبر! بگو اگر شما مردم صبح بکنید روزی را که

۱. ملک، ۳۰. «بگو به من خبر دهید اگر آب های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی

می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!».

آب‌های شما بر زمین فرو رفته بود و چیزی نداشتید و به آب دسترسی نداشتید و خدا آن نعمت بزرگ الهی را از شما گرفت، کیست که آن آب معین و گوارا و جدید برای شما بیاورد.

ظاهر آیه شریفه این است که خداوند آب را از ما می‌گیرد و زمین می‌میرد. سپس خدا می‌فرماید: چه کسی می‌تواند به شما دوباره آب بدهد؟ غیر از خداوند چه کسی مایه حیات را به شما می‌دهد؟ در تفسیر این آیه شریفه آمده است: **إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا**؛ یعنی اگر خداوند امام را از میان شما گرفت. اینجا «ماء» به معنای امام است، به معنای باب است؛ یعنی ابواب الهی به وسیله امام معصوم به شما می‌رسد. کدام ابواب؟ ابوابی که باعث حیات است. اگر اینها را با کنار هم بگذاریم و یک شخص محقق باشد و دقیق بخواهد این مسائل را به هم ارتباط بدهد، آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: **وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا**؛ ما از آب هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم. زندگی بشر با آب است، اگر آب نباشد، نه درخت است نه سبزی، نه غذا نه حیوانات می‌توانند زندگی کنند. هیچ‌کدام حیاتی ندارند. اما آبی که خداوند سرچشمه حیات جهانیان قرار داده بود، امام زمان عجل الله فرجه و حجت خدا بر روی زمین است؛ لذا می‌فرماید: **وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا**؛ حیات به امام معصوم عجل الله فرجه بستگی دارد. اگر خدا امام معصوم عجل الله فرجه را از ما گرفت و از امام معصوم عجل الله فرجه دور شدیم **فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَعِينٍ**، چه کسی امام را دوباره به شما

بدهد تا زندگی و حیات دوباره پیدا بکنید؟ اگر امام نباشد، مرده هستید؛ مانند حیوانات دیگر باید بخوریم و بیاشامیم و شهوت ظاهری داشته باشیم. اگر امام نباشد، زمین مرده است؛ لذا این آیه شریفه از نظر بحثی که در ارتباط با آیات مهدوی دارد، خیلی مهم است. این مسئله بسیار اهمیت دارد که اگر زمین پر از ظلم و جور شود، گویا زمین مرده است و زمین مرده به محیی احتیاج دارد؛ کسی که دوباره به این زمین مرده حیات می دهد وجود نازنین امام زمان عجلتعالیه است که به وسیله عدل و دادگستری مردم را زنده می کند.

### مناجات خداوند با پیامبر ص در معراج

اما روایتی دیگر باز در اینجا خدمتتان عرض می کنم که خداوند متعال به وسیله امام معصوم زمین را آباد می کند. آبادی واقعی با امام معصوم است. اگر امام باشد، از عمرتان لذت می برید. به امام رثوف و مهربان امیدوار هستید.

ابن عباس از پیامبر اسلام ص نقل می کند: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ؛<sup>۱</sup> حضرت فرمودند هنگامی که به آسمان هفتم

۱. صدوق، الامالی، ص ۶۳۱-۶۳۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵-۶۶؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۸۳-۸۴، ح ۹۶. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَمِنَ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النُّورِ نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، فَاخْضَعْ، وَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَبِي فَتَقَوَّ؛ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا، وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا، فَهُوَ حُجَّتِي

«عُرِجَ»؛ یعنی مرا تا آسمان هفتم بالا بردند. «وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى»؛ از آسمان هفتم هم به سدره‌المنتهی رفتم که در روایات آمده سدره‌المنتهی شجره طوبی یا درخت خاصی است که فرشتگان الهی از آن استفاده می‌کنند و در ظلّ و سایه این درخت هستند.<sup>۱</sup> سدره‌المنتهی آخرین حدی است که من به آن رسیدم. «وَمَنْ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النُّورِ»؛ از آنجا نیز به حجاب‌های نور رسیدم؛ آنجایی که سراسر نور الهی بود. «نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ»، آنجا با خدای خود مناجات کردم. چه لذتی دارد! «يَا مُحَمَّدٌ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ»؛ خداوند متعال با من صحبت کرد. پروردگارم ندا داد و فرمود ای محمد! تو بنده من هستی و من نیز پروردگار توام. همان‌گونه که می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»؛ عبد را قبل از رسول ذکر می‌کند. «فَلِي فَاخْضَعُ»؛ برای من خضوع کن؛ برای من عبادت کن؛ برای من خاشع باش. اگر می‌خواهی کرنش داشته باشی، فقط در درگاه ذات اقدس الهی باشد که خدا تو را بزرگ می‌کند. «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ»؛ هر کس در برابر

---

عَلَى عِبَادِي، وَإِمَامٌ لِيَخْلُقِي، بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَبِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي، وَبِهِ يُقَامُ دِينِي، وَتُحْفَظُ حُدُودِي، وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي، وَبِكَ وَبِالْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي، وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمَرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَهْلِيلِي وَتَقْدِيسِي - وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي... ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَمَهْدِي عِبَادِي صِدْقًا».

۱. حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۱۰۱؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۶۰۶.

۲. کوفی اهوازی، الزهد، ص ۵۵؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲؛ طوسی، الامالی، ص ۱۸۲؛ حر

عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۱۶؛ ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ ج ۲۵، ص ۲۴۷.

خداوند متعال متواضع باشد، خدا نیز او را بسالا می‌برد. «وَأَيُّهَا فَاغْبُدْ»؛ مرا پرستش کن، من آن کسی هستم که باید عبادت کنی. «وَعَلَىٰ فِتْوَاكَ»؛ و بر من توکل کن، توکلت بر من باشد. بگو: «أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۱</sup> «وَبِئْتِقُ»؛ به من وثوق داشته باش و به من اعتماد کن. به هیچ کسی اعتماد نداشته باش، من خدای تو هستم، کجا می‌خواهی بروی؟ آنچه می‌خواهی در درگاه من است. گنج‌های خدا از بین رفتنی نیست و هرچه می‌خواهی نزد من است و به تو خواهم داد. «فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا»؛ من هم راضی شدم به اینکه تو بنده و حبیب من باشی. من محبوبم و تو حبیب من هستی. محبوب، عاشق و معشوق دارند، با همدیگر صحبت می‌کنند. «وَرَسُولًا وَنَبِيًّا»؛ نخست عبد، دوم حبیب، سوم رسول و نبی.

### امیرالمؤمنین علی علیه السلام معیار شناخت دوستان و دشمنان خدا

«وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا»؛ راضی شدم به اینکه برادرت امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه بعد از تو بر روی زمین باشد و جانشین بلافصل و باب تو باشد. «فَهُوَ حُجَّتِي عَلَىٰ عِبَادِي»؛ خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید علی علیه السلام حجت من بر بندگانم است. «وَأَمَامٌ لِخَلْقِي»؛ او امام است. او پیشوای مخلوقات من است و برای آنکه من آنها را آفریدم، دوست دارم مخلوقاتم پیشوایی داشته باشند و مردم دنبال این امام حرکت کنند که آن هم امام علی علیه السلام است.



«بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي»؛ من به وسیله علی علیه السلام اولیای خودم را از دشمنانم می شناسم. هرکس با علی علیه السلام است، دوست من است؛ هرکس دشمن علی علیه السلام باشد، دشمن من است. امیرالمؤمنین علیه السلام را میزان قرار داده بین اینکه چه کسانی خدا را دوست دارند و چه کسانی با خدا دشمن هستند. هرکس با علی علیه السلام باشد دوست خدا و هرکس از او جدا باشد - هرکس می خواهد باشد - دشمن خداست.

«وَبِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي»؛ به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام حزب شیطان از حزب من شناخته می شود. ما دو حزب بیشتر نداریم؛ یکی حزب الله و دیگری حزب شیطان. کسی که با علی علیه السلام باشد، با حزب خداوند است؛ کسی که از علی جدا باشد، با حزب شیطان است.

### اقامه دین خدا و آبادانی زمین به وسیله امامان

«وَبِهِ يُقَامُ دِينِي»؛ به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام دین من اقامه می شود و قوام دین من به وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است (اینها را خداوند به پیامبرش می گوید). «وَتُحْفَظُ حُدُودِي وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي»؛ و به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام حدود و احکام من حفظ می شود. کسی که به عنوان حدودالله قرار دادم، امیرالمؤمنین علیه السلام است. احکام من به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام نافذ می شود و محکم و پایبرجا می ماند. قوام و استواری احکام من به واسطه وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است. اگر علی علیه السلام را کنار بگذاریم، احکام سست و ضعیف می شود و آن گونه که شایسته است، احکام در میان مردم حاکم نیست.

«وَبِكَ وَبِهِ وَبِالْأَيِّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي»؛ به واسطه تو، به واسطه علی علیه السلام و به واسطه ائمه بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام من به بندگان خودم رحم می‌کنم؛ همچنین کنیزان خودم را به خاطر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بخشم «وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمَرُ أَرْضِي»؛ و به واسطه امام زمان علیه السلام زمینم را آباد و زنده می‌کنم؛ زمینی که مرده است و نشاط و آبادیش را از دست داده، به هر سو که می‌روی چپ، راست، اروپا، شرق و غرب - همه جا فساد، خونریزی، قتل و غارتگری است. این زمین دیگر نشاط واقعی خود را از دست داده است؛ اما من به وسیله وجود مقدس امام زمان علیه السلام زمینم را آباد می‌کنم. آبادی زمین به این است که درخت در آن باشد، سبزه در آن باشد؛ گرچه ظاهراً اینها نیز جزو آبادی قلمداد می‌شوند، می‌فرماید: «أَعْمَرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَقْدِيرِي وَتَهْلِيلِي»؛ همه مردم روی زمین ذات اقدس الهی را تسبیح می‌کنند. در آن هنگام، همه مردم خدا را مقدس و بزرگ می‌شمارند و همه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گویند.

می‌فرماید بعد از اینکه حضرت حجت علیه السلام تشریف می‌آورند، همه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گویند. «وَتَكْبِيرِي»؛ و تکبیر مرا می‌گویند. هر جا که می‌روی صدای الله اکبر بلند است؛ در بلندترین برج‌ها و کاخ‌های روی زمین صدای تکبیر است. «وَتَمْجِيدِي»؛ همه من را مقدس می‌شمارند و تمجید می‌کنند و به ذات اقدس الهی احترام می‌گذارند. اینها به وسیله امام زمان علیه السلام است.

در آخر خدا می فرماید: «ذَلِكَ وَلِيِّي حَقًّا»؛ مهدی عجته ولی من است، امامی است که دارم او را معرفی می کنم و درحقیقت او ولی است. «وَمَهْدِيُّ عِبَادِي صِدْقًا»؛ ایشان مهدی بندگان من است؛ از نظر صداقت و راستی درواقع او مهدی بندگان من است و بندگان مرا ایشان هدایت می کند؛ یعنی راه راست فقط راه مهدی عجته است. او مانند پدران بزرگوارش، صادق مصدق است.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا  
عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾

این آیه ارتباط زیادی با ظهور موفورالسرور حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام دارد.  
روایات فراوانی درباره این آیه شریفه داریم که می توان با توجه به آن پی برد که  
زمان ظهور حضرت همان وعده الهی است که در این آیه شریفه آمده و زمان  
تحقق واقعی وعده خداوند است.

## ترجمه آیه

آیه می فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ کسانی که ما آنها را بر روی زمین، مکنت و قدرت دادیم و آنها را حاکم روی زمین قرار دادیم، «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛ کسانی هستند که نماز را به پا می دارند «وَأَتَوْا الزَّكَاةَ»؛ و زکات را می دهند «وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ و امر به معروف و نهی از منکر می کنند «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ و برای خداوند است عاقبت امر و همه به سوی او بازمی گردند.

## حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش مصداق اقامه کنندگان نماز و پراخت کنندگان زکات

روایتی از امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه نقل شده است.<sup>۱</sup> «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ از امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ...»؛ سؤال شد که این آیه به چه معناست؟ آیه

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۳۹؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۶-۲۷، ح ۳۴۶. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»، قَالَ: هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ، وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَيَأْصَحِبُهُ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

می فرماید: زمانی خواهد آمد که خداوند زمین را به دست مردم خاصی بدهد؛ آن هم مردمی که اقامه نماز بکنند، زکات بدهند. آیا چنین زمانی خواهد آمد؟ چون امر بر اینان مشتبه شده بود، که هرگاه به زمین نگاه کردیم، دیدیم کسانی که زمامداران مردم هستند، به جای اینکه اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر کنند، ظلم و ستم و کارهای خلاف واقع انجام داده‌اند؛ اینها به جای اینکه اطاعت خدا را میان مردم گسترش دهند، گناه را میان مردم رواج می‌دادند؛ پس چطور قرآن می‌فرماید: **﴿إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾**. واقعاً برای مسلمان واقعی تعجب برانگیز بود که اگر زمین را به دست حاکمی بدهند، آن حاکم اقامه نماز کند؛ زیرا بیشتر مواقع این‌طور بوده است؛ هرکس آمد و ادعای عدالت کرد و گفت می‌خواهم عدالت را برپا کنم، پس از آنکه حکومت به دستش افتاد، برعکس رفتار کرد؛ همان‌گونه که در احوالات عبدالملک بن مروان آورده‌اند که به او می‌گفتند «حمامة الحرم» و «حمامة المسجد». او کبوتر مسجد نام گرفته بود، از بس که قرآن می‌خواند و همیشه مشغول دعا و ذکر بود و از مسجد بیرون نمی‌آمد. همه غبطه می‌خوردند که چه آدم باخدایی است؛ اما وقتی به او اطلاع دادند که از امروز حکومت بنی‌امیه به دست توست و تو خلیفه شدی، در منظر همه مردم قرآن را بست و گفت: **«هَذَا آخِرُ الْعَهْدِ بِكَ»**؛ تا امروز به دنبال تو بودم، اما از امروز دیگر قرآن را کنار می‌گذارم.<sup>۱</sup> این‌گونه رویدادها و چنین افرادی در

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۸۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۷، ص ۱۲۷؛

سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۳۷.

طول تاریخ کم نبودند که به خاطر جهل و نادانی مردم، آنان را فریب می دادند و با شعارهایی که می دادند، همه به سوی آنها گرایش می یافتند؛ از این رو از امام سؤال کردند برایشان تعجب است، آیا ممکن است کسانی که خداوند به آنها حکومت زمین را بدهد، اقامه نماز بکنند.

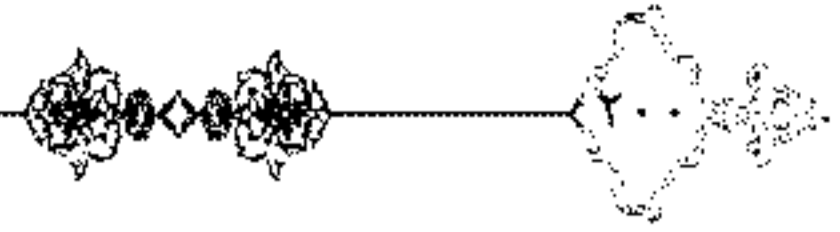
امام علیه السلام فرمود: برای وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام و برای اصحاب خاص ایشان است؛ «قَالَ: هَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ وَالْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ». یعنی اینها هستند که خداوند می فرماید: «إِنَّ مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». کسانی که اقامه نماز می کنند و امر به معروف می کنند و خداوند حکومت جهان را به آنها می دهد، حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب خاص ایشان هستند.

سپس امام باقر علیه السلام می فرماید: «يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»؛ خداوند مشارق و مغارب زمین را به آنها تملیک می کند؛ یعنی خداوند حکومت مشرق و مغرب زمین را به دست آنها می دهد و زیر سیطره آنان قرار می گیرد. «وَيُظْهِرُ الدِّينَ»؛ و به وسیله آن حضرت، دین در سراسر زمین ظاهر می شود که می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ برای اینکه دینش را در سراسر گیتی ظاهر کند؛ از این رو می فرماید: «وَيُظْهِرُ الدِّينَ»؛ امام مهدی علیه السلام دین را در سراسر گیتی ظاهر می کند. «وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَيَأْصَحَابِهِ الْبِدْعَ»؛ و خداوند به وسیله امام زمان علیه السلام بدعت ها را می میراند؛ آنهایی که اهل بدعت هستند و در دین

خدا بدعت گذاشتند، چیزی که در دین خدا نبود، وارد کردند، در نماز بدعت گذاشتند، در حج بدعت گذاشتند، حتی در روزه گرفتن بدعت گذاشتند. الآن کسی که نماز می خواند، بسیاری از این اعمال که در نماز به جای می آورد، آن چیزی نیست که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است و لذا در روایت آمده است آنچه را پیامبر ﷺ آورده بود، کسانی که به ناحق خلافت را از امیرالمؤمنین ﷺ گرفتند، همه چیز را عوض کردند؛ حتی نماز را عوض کردند.<sup>۱</sup> در نماز آمین می گویند، دست روی هم می گذارند، «بسم الله الرحمن الرحيم» را نمی گویند و... که اینها همه بدعت‌هایی بود که در زمان رسول خدا ﷺ وجود نداشت و این افراد چنین بدعت گذاشتند. امام مهدی ﷺ که ظهور کند بدعت‌ها را از بین می برد و همچنین باطل به وسیله ایشان از بین خواهد رفت. «كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ»؛ همان طوری که سفیهان و انسان‌های نابخرد حق را از بین بردند، این اشخاصی که سفیه بودند و چیزی از اسلام نفهمیده بودند و بلکه بالاتر از آن - ادعای حکومت بر مسلمانان را داشتند. امام ﷺ می فرماید: اینها سفیه بودند و سفیه واقعی کسانی بودند که خلافت امیرالمؤمنین ﷺ را غصب کردند. «كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ»؛ همان گونه که سفیهان حق را از بین بردند، اینها نیز حق را از بین بردند. ان شاء الله امام زمان ﷺ خواهد آمد و دوباره با این بدعت‌ها مبارزه می کند و حق واقعی را آشکار خواهد کرد.

۱. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۱۳۴.





### امر به معروف و نهی از منکر در عصر امام زمان عجل الله فرجه

بعد امام عجل الله فرجه می فرماید: «حَتَّى لَا يُرَى أَثَرُ مِنَ الظُّلْمِ»؛ در حکومت امام زمان عجل الله فرجه اثری از ظلم پیدا نخواهد شد. ظلم و ستم و فساد از بین می رود، در همه دنیا عدل و دادگستری اقامه خواهد شد. «وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ»؛ این اشخاص که زمین را خداوند به آنها داده، شکر گزارند، نه اینکه بعد از اینکه حکومت به دستشان افتاد، کفران نعمت الهی بکنند. خداوند نعمت هایی را به انسان می دهد، بعد خدای ناکرده - اینها از نعمت ها سوء استفاده می کنند و کفران نعمت الهی می کنند. اثر کفران نعمت های الهی این است که خداوند این نعمت ها را از آنان خواهد گرفت. اما اصحاب امام مهدی عجل الله فرجه کسانی هستند که مردم را به کار خوب تشویق می کنند. «وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ اگر کار خوب را دیدند، بی درنگ تذکر می دهند و تشویق می کنند. اگر کسی یا شخصیتی کار خوبی انجام داد، باید از او تشکر کرد. باید امر به معروف کرد و آن را به مردم معرفی نمود.

حضرت آیت الله والد ما این طوری هستند. گاهی وقت ها متوجه می شوند، مثلاً فلان امام جمعه در فلان شهر جلوی یک منکر را گرفته، ایشان بلافاصله یا به من یا به دیگران می گویند تلفن ایشان را بگیرید و خودشان از ایشان تشکر می کنند و می فرماید: قلب مقدس امام زمان عجل الله فرجه را با این کار خشنود کردی. امام زمان عجل الله فرجه خوشحال می شود از کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند. حالا هر کس به اندازه خودش، آن هم با شرایطی که در امر به معروف و نهی از منکر هست؛

از این رو می‌فرماید: «وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَرَبُّهُمُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ و برای خداست عاقبت امر. همه باید به سوی خداوند برگردیم؛ اما خداوند در همین دنیا می‌خواهد حکومت واقعی خود را به مردم عالم نشان بدهد؛ آن هم به وسیله ذخیره الهی که همه انبیای گذشته منتظرش بودند و به ظهورش خبر دادند. به وسیله او ان شاء الله این کار مهم روی خواهد داد.

### اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر

درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، امام علی ع می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَسَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»؛<sup>۱</sup> تمام کارهای خوب یک طرف و امر به معروف و نهی از منکر هم طرف دیگر باشد. این همه کارهای خوب مانند نماز، روزه، حج و جهاد در راه خدا که این همه ثواب دارد که برای مجاهدان در راه خدا ثواب نوشتند، یک طرف، امر به معروف و نهی از منکر نیز در طرف دیگر. همه کارهای خوب در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهان کوچک در مقابل دریای بیکرانی است که پر از آب باشد. اگر این کار را انجام می‌دادیم دیگر مشکلات نبود، ناراحتی‌ها نبود. بنده به شما می‌گفتم و شما به من می‌گفتید برادرانه، «الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ»؛<sup>۲</sup> اگر آن حقوق برادرانه را رعایت می‌کردیم، همه چیز درست می‌شد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴ (ص ۵۴۲).

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۳؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۰.

### اثمه علیه السلام مصداق اقامه کنندگان نماز

اما روایت دیگری نیز در تفسیر همین آیه آمده است که مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و این آیه هم بر وجود مقدس امام زمان علیه السلام دلالت می‌کند. این آیات دلیل است که اثبات کنیم همه انبیای الهی به وجود مقدس امام زمان علیه السلام قائل بودند و به امت خود اطلاع دادند که آخرالزمانی هست و آن کسی که در آخرالزمان حکومت حقه الهیه جهانی را انشاءالله اداره خواهد کرد، فرزندی از نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام به نام حضرت مهدی علیه السلام است. این روایت از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است.<sup>۱</sup>

«عَنْ آبَائِهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «قَالَ: نَحْنُ هُمْ»؛ آنهایی که اقامه نماز می‌کنند، ما هستیم؛ کسانی که خداوند زمین را به آنان می‌دهد و کفران نعمت نمی‌کنند، بلکه شکر نعمت می‌کنند، ما هستیم.

از این روایت و آیه شریفه به نکته‌های دیگری نیز پی می‌بریم. ما می‌فهمیم اگر امر به دست شیعیان و اصحاب واقعی بیفتد، گروهی در طول زمان با آنان

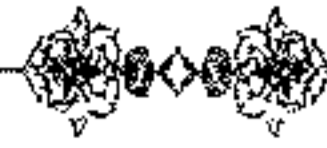
۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۳۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵. «عَنْ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام، عَنْ آبَائِهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ قَالَ: نَحْنُ هُمْ».

مخالفت می کنند و ناراحت می شوند؛ از این رو بنی امیه و بنی عباس - الی یومنا هذا - با آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مخالفت می کردند و ترس و هراس داشتند. هیچ حکومت جورری نبود جز اینکه از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ترس داشته و ناراحت بودند از اینکه حضرت بیاید و حکومت ما را از بین ببرد؛ حضرت بیاید و این کاخ های ستم سفید و سیاه را از بین ببرد؛ بنابراین در طول تاریخ با این آرمان مقدس مبارزه می کردند. برای مقابله با این آرمان، راه های مختلفی داشتند؛ با وسیله های مختلف و انگیزه های گوناگون با آرمان مقدس مهدویت مبارزه می کردند. یکی از راه های مبارزه دشمنان اهل بیت این بود که مسلمانان، شیعیان و اصحاب واقعی امامان معصوم را زندانی یا شکنجه می کردند یا آنها را تبعید می کردند و سرانجام آنان را شهید می کردند؛ از این رو شیعه همیشه در حزن و اندوه بوده است. می فرماید که شیعیان همیشه در اندوه و حزن هستند تا امام بیاید.

روایت دیگری از امام موسی کاظم ع نقل شده است که روایت درخور

توجهی است.<sup>۱</sup>

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵. «عَنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ وَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَعَيْتَ عَلِيَّ فِي آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ فَأَرْشَدَنِي إِلَيْكَ. فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». فَقَالَ أَبِي: نَعَمْ فِينَا



«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ؛ إمام موسی کاظم ع می فرماید: روزی در مسجد نزد پدرم امام صادق ع بودم؛ «إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ»؛ مردی آمد و جلوی امام صادق ع ایستاد. «وَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَعَيْتَ عَلَيَّ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ بر من سخت شد، این آیه شریفه مرا را بی تاب کرده است. معلوم بوده اهل تدبر و تفکر بوده است. آیه را می خواندند و فکر می کردند، می گفتند حقیقت این آیه چیست؟ بر من این آیه سخت آمده و مرا بی تاب و ناراحت کرده است. «سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ»؛ پیش یکی از اصحاب شما به نام جابر بن یزید رفتم و درباره این آیه از او سؤال کردم. «فَأَرَشَدَنِي إِلَيْكَ»؛ گفت: نزد معدن علم و معرفت و کمال امام صادق ع برو و از ایشان بپرس. اکنون نزد شما آمدم تا این آیه را برای من توضیح دهید.

نَزَلَتْ وَذَلِكَ لِأَنَّ فُلَانًا وَفُلَانًا وَطَائِفَةً مَعَهُمْ، وَسَمَّاهُمْ اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ فَوَاللَّهِ لَئِنْ صَارَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا؛ وَلَوْ صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَأَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ. فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا؛ ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ؛ لِأَنَّ بَغْضَهُمْ بَغْضِي وَبُغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ؛ ثُمَّ نَعَيْتُمْ إِلَى نَفْسِي، فَوَاللَّهِ لَئِنْ مَكَّنَّهُمْ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ لَيُتَيْمُونَ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَهَا، وَلَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ لِمَحَلَّتْهَا وَلَيَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَيَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ إِنَّمَا يُرْغِمُ اللَّهُ أَنْوَافَ رِجَالٍ يُبْغِضُونِي وَيُبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ».

«فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ إِذَا مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ مثل اینکه برایش خیلی سخت بود. مگر می‌شود خداوند حکومت را به بعضی‌ها بدهد و آنها بیایند اقامه نماز کنند و زکات بدهند، درحالی‌که آنچه دیدیم، برعکس بوده، بنی‌امیه بودند و بنی‌عباس بودند. زمان خود امام صادق علیه السلام به اسم خون‌خواهی از امامان معصوم علیهم السلام قیام کردند، اما وقتی پیروز شدند، خودشان بر مسند قدرت نشستند. منصور دوانیقی، ابومسلم خراسانی و... چگونه آمدند؟ وقتی مردم به طرف اینها رفتند، به خاطر خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و دفاع از اهل بیت علیهم السلام بود؛ برای اینکه اهل بیت علیهم السلام حاکم روی زمین شوند، به آنها کمک کردند؛ اما وقتی حکومت به دستشان افتاد، مانند عبدالملک بن مروان یادشان رفت امام کیست و قرآن چیست و همه را کنار گذاشتند.

### درخواست و اگذاری حکومت به غیر اهل بیت

این شخص خدمت امام علیه السلام آمد و عرض کرد: اینها چه کسانی هستند؟ «فَقَالَ أَبِي: نَعَمْ فِينَا نَزَلَتْ»؛ امام کاظم علیه السلام به وی گفت پدرم فرمود: این آیه درباره ما نازل شده است. «وَذَاكَ لِأَنَّ فُلَانًا وَفُلَانًا»؛ آن دو نفری که خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب کردند (حضرت در تقیه بودند و اسم نمی‌بردند)، «وَطَائِفَةٌ مَعَهُمْ وَسَاءَ لَهُمْ»؛ و گروهی که با اینها بودند و حضرت آنها را نام برد. «اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله»؛ اینها نزد

پیامبر اکرم ﷺ آمدند «فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِيَّ مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟»؛ به پیامبر ﷺ گفتند یا رسول الله این حکومت را بعد از خودت به چه کسی می دهی؟ آدم های عجیب و پررویی بودند. زمان پیامبر ﷺ بیایند و به پیامبر ﷺ توهین کنند. چطور با اینها برخورد کردند. «إِلَى مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟»؛ چه کسی بعد از شما خلیفه امت است؟ چه کسی بعد از شما جانشین برای این امت است؟ «فَوَاللَّهِ لَئِنْ صَارَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا»؛ قسم به خدا اگر بخواهی این حکومت را به یکی از اهل بیتت بدهی و آنها حاکم بشوند، ما بر خودمان می ترسیم از آن کسی که بعد از توست. می ترسیم به گونه دیگری با ما رفتار کند. «وَلَوْ صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَأَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ»؛ اگر به غیر آنها بدهی و علی را کنار بگذاری و دیگران بیایند، هر کسی جز علی ﷺ خلیفه باشد، به ما نزدیک تر است، به ما جاه و مال و منال می دهد، بیشتر به ما رحم می کند و ما را حاکم روی زمین قرار می دهد؛ اما علی ﷺ آن کسی است که طلحه و زبیر به نزد او آمدند و حضرت به آنها فرمود کارتان خصوصی است یا به امت اسلام مربوط می شود؟ عرض کردند کارمان خصوصی است. امیرالمؤمنین ﷺ چراغی را که روشن بود، خاموش کرد و چراغ دیگری را روشن نمود. از حضرت علت این کار را جویا شدند؟ امام ﷺ فرمود به خاطر اینکه چراغ اول مربوط به بیت المال مسلمانان بود و داشتم کارهای مسلمانان را زیر نور آن چراغ انجام می دادم؛ اما شما که کار خصوصی دارید دیگر مجاز نیستم از آن چراغ استفاده کنم؛ از

همین رو چراغ خصوصی خودم را روشن کردم. طلحه و زبیر شگفت زده شدند؛ به همین خاطر مطلب را نگفتند و رفتند و گفتند علی علیه السلام که با خود این طور باشد، پس با ما چه می کند.<sup>۱</sup>

به همین خاطر گفتند: «وَلَوْ صَارَ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَأَرْحَمُ مِنَّا مِنْهُمْ»؛ ای پیامبر! اگر جانشینی و خلافت را به غیر اهل بیت بدهی، دیگران به ما رحیم ترند و ما به آنان نزدیک تر و آنها نیز به ما نزدیک ترند، پس کاری کن که شخص بعد از تو دل ما را به دست بیاورد.

### بغض به اهل بیت علیهم السلام به منزله بغض به پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا

«فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا»؛ پیامبر از سخنان آنان بسیار ناراحت شد. عجب، اینها جزو امت من هستند که این گونه با من صحبت می کنند! «ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ لِأَنَّ بُغْضَهُمْ بُغْضِي وَبُغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ». سپس فرمود: قسم به خدا اگر شما به خداوند واقعاً ایمان آورده بودید، مسلمان واقعی بودید و اگر به من ایمان آورده بودید، اهل بیت من را به غضب نمی آوردید. کسی که به خدا ایمان دارد، هرگز حاضر نمی شود اهل بیت علیهم السلام را ناراحت کند؛ یعنی شما ایمان نداشتید؛ «لِأَنَّ بُغْضَهُمْ بُغْضِي وَبُغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ»؛ زیرا ناراحتی آنها ناراحتی من است و اگر من ناراحت شوم، بغض من کفر به

۱. کشفی ترمذی، مناقب مرتضوی، ص ۳۵۷.



خداوند متعال است. هر کس پیامبر ص را ناراحت کند، کافر به خداست و شما چطور زندگی می‌کنید؟ شما می‌خواهید اهل بیت مرا به غضب بیاورید؛ شما می‌خواهید صدیقه طاهره ص را به غضب بیاورید؛ بغض من کفر به خداست.

«ثُمَّ نَعَيْتُمْ إِلَىٰ نَفْسِي»؛ سپس پیامبر ص فرمود: به من خبر دادند رفتنم را و باید از میان شما بروم. «فَوَاللَّهِ لَئِنْ مَكَّنَّهُمُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ لَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبْتَهَا»؛ اما بدانید که اهل بیت من اگر آمدند، با دیگران فرق می‌کنند. اگر حکومت به دست آنان افتاد، نماز را اقامه می‌کنند. «وَلَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ لِمَحَلِّهَا»؛ زکات را به محلش می‌دهند. «وَلَيَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَيَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. اهل بیت من کارشان این است.

«إِنَّمَا يُرِغِمُ اللَّهُ أَنْفَ رِجَالٍ يُبْغِضُونِي وَيُبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي»؛ اما بدانید [حضرت تهدیدشان کرد و به آنها فرمود دنیا این طور باقی نمی‌ماند، چند روزی دنیا دست شماست و بر مرکب دنیا سوار شدید و هر چه بخواهید، انجام می‌دهید، ظلم و ستم و ناراحتی می‌کنید و مال ایتام و فقرا را ببرید]، خداوند بینی کسانی را که با من در بیفتند و من را به غضب بیندازد، به خاک مذلت خواهد کشاند. این را نیز بدانید خداوند در همین دنیا بینی کسانی را که با من و اهل بیتم مخالفت کنند، به خاک مذلت خواهد کشاند.

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ پس از اینکه پیامبر ص با آنان این چنین صحبت کردند، این آیه شریفه به وسیله جبرئیل بر پیامبر ص نازل شد: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿الَّذِينَ إِنْ

مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ<sup>۱</sup>؛ آیه نازل شد، پیامبر ﷺ این همه نصیحت کرد؛ اما این بدبخت‌ها چه کار کردند. امام ﷺ فرمود: «فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ»؛ این مردمی که نابخرد بودند، این آیه را از خداوند و پیامبر ﷺ نپذیرفتند. خداوند متعال پس از این آیه، آیه بعد از آن را در سوره حج نازل کرد: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ \* وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ \* وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ<sup>۲</sup>»؛ ای پیامبر ﷺ! اگر تو را تکذیب می‌کنند، ناراحت نباش، اینها کسانی هستند که پیشینیان‌شان - آنهایی که از اینها بدتر بودند یا مثل اینها بودند - هم انبیای گذشته را تکذیب کردند. آنها هم پیامبران قبل را ناراحت و آنها را تکذیب کردند؛ اینها پیامبران الهی را یک‌به‌یک تکذیب کردند و پیامبر اولوالعزم من، حضرت موسیٰ ﷺ به وسیله همین‌ها تکذیب شد. گفتند: موسیٰ ﷺ دروغ می‌گوید، پیامبران الهی دروغ می‌گویند، او را اذیت و آزار کردند. «فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ<sup>۳</sup>»؛ به اینها بگو: کسانی که در مقابل تو اعتراض کنند، کافر می‌شوند. کسی که

۱. حج، ۴۱.

۲. حج، ۴۲-۴۳. «اگر تو را تکذیب کنند (امر تازه‌ای نیست)؛ پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسیٰ تکذیب شد.»

۳. حج، ۴۴. «من به کافران مهلت دادم؛ پس آنها را مجازات کردم. دیدی که چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم.»

اعتراض کند و تسلیم امر خدا و پیامبر نباشد، کافر است. بعد آنها را گرفتند به اشد عذاب رساندند. چه کسی را انکار می‌کنید؟ پیامبر خدا را انکار می‌کنید؟ آیا خداوند و آیات الهی را انکار می‌کنید؟ این است عاقبت ستمگران.

ما از این آیه شریفه استفاده کردیم که **﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾**، این آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و اصحاب باوفای ایشان نازل شده است. ان شاء الله همه ما جزو اصحاب و یاوران آن حضرت باشیم.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.

## جلسه دوازدهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>.

این آیه شریفه در سوره مبارکه توبه آمده است. همان‌گونه که در مباحث گذشته بیان شد، از آیات متعدد قرآن کریم استفاده می‌کنیم که خداوند ظهور موفورالسروور حضرت ولی عصر عجلت فرجه را در این آیات شریفه به مردم اطلاع دادند. اگر روایاتی که در این باره وارد شده و شأن نزول بعضی از این آیات را

---

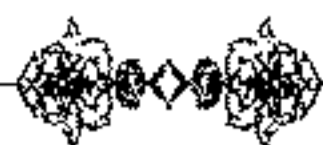
۱. توبه، ۳۳. «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه

آیین‌ها غالب گرداند؛ هرچند مشرکان کراحت داشته باشند».

مطالعه کنیم، متوجه خواهیم شد که مصداق اتمّ این آیات ظهور حضرت حجت -روحی و ارواح العالمین له الفداء- است.

### توصیه قرآن به صبر و امید

از مجموع این آیات به نکته مهمی پی می‌بریم و آن اینکه از سویی خداوند به وسیله انبیا نور امید را در دلهای مردم روشن می‌کند و آنان را به آینده‌ای درخشان و همراه با آسایش، آرامش و امنیت نوید می‌دهد که در آن ظلم، ستم، گمراهی، ضلالت و جهالت وجود ندارد. از سوی دیگر، می‌بینیم که از نظر روانی این موضوع بسیار اهمیت دارد که مردم با امید زنده باشند. امروزه بسیاری از بیماران صعب‌العلاج هستند، اما به دکترهای ویژه و روان‌شناسی سفارش می‌کنند که به این بیماران امید دهید تا زنده بمانند و دردهایشان را فراموش کنند. نه تنها در جهان اسلام، بلکه در همه جوامع بشری اگر نور امید در دل‌ها زنده شود، توجه مردم به آینده درخشان بیشتر است و همه منتظر می‌مانند تا سرانجام، مصلح جهانی بیاید و این جهان را پر از عدل کند؛ یعنی اگر به کسانی که ظلم می‌بینند و مظلوم هستند و سرزمینشان در دست متجاوزان و بیگانگان است و ناموس، عرض و اموالشان مورد تجاوز ظالمان و ستمگران قرار گرفته، امید دهید، با این امید زنده می‌مانند به امید روزی که آینده برای آنها باشد و وضعیت‌شان بهتر شود؛ خودشان دگرگون می‌شوند، وضعیت به گونه‌ای پیش می‌رود که همه برای صبح درخشان و صبح امید و برای آینده‌ای روشن منتظر می‌شوند.



از نظر روانی امید دادن بسیار مؤثر است؛ از این رو آیات متعدد قرآن کریم به مردم و مسلمانان - به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام - این امید را می دهند که نشاط خود را از دست ندهید، از طرف خدا صبر و استعانت داشته باشید، ان شاء الله خداوند آینده را به دست شما خواهد داد.

### تحقق حتمی وعده الهی

از جمله آیات شریفه، همین آیه ۳۳ سوره توبه است که خداوند می فرماید: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ**؛ او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد که مردم را هدایت و ارشاد کند؛ دینی که حقیقت و راست است، یعنی دین مقدس اسلام. **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**؛ تا اینکه دین اسلام را بر سایر ادیان ظاهر کند و پیروز بگرداند **وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**؛ اگرچه مشرکان آن را نخواهند و ناراحت شوند که آینده در دست مسلمانان واقعی بیفتد. آنها همیشه ناراحت هستند؛ اما وقتی خداوند چیزی را بخواهد، هیچ کس نمی تواند در مقابل خواست او عرض اندام کند. آنچه خدا بخواهد، انجام می شود. وعده الهی حق است. **لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ**؛ وعده خدا تخلف ناپذیر است و حتماً به وقوع می پیوندد.

## فراگیر شدن توحید و یکتاپرستی در جهان

خداوند در قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ باز در آیه دیگر همین را می‌فرماید، ولی در آخر می‌فرماید: «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»؛ این آیه می‌فرماید خداوند هم بر این مطلب گواه است. شاهد اینکه آینده در دست مسلمانان است و دین حق سراسر دنیا را می‌گیرد، خداوند است: «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا». از این آیه و آیات این‌چنینی به نکته بسیار مهمی پی می‌بریم که توحید و یکتاپرستی در آینده فراگیر می‌شود و همه موحد و مسلمان واقعی می‌شوند.

## حاکم شدن دین اسلام در سرتاسر جهان

در روایات داریم پس از اینکه دین حق به وسیله امام زمان عجل الله فرجه ظاهر شود، هیچ مشرکی روی زمین باقی نخواهد ماند؛ یعنی کسانی که مایل هستند موحد و دیندار شوند، مسلمان می‌شوند و شهادتین را جاری می‌کنند. کسانی که حاضر نیستند دین خدا را بپذیرند، جایی بر روی زمین ندارند. آن زمان با عصر ما فرق می‌کند. امروز آزاد هستند که هر کاری می‌خواهند انجام دهند؛ اما آنجا دینی حاکم است که خداوند حکومت می‌کند و مسائلی که امروز هست، همه از بین

---

۱. فتح، ۲۸. «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد».

خواهد رفت؛ از این رو عبایه بن ربیع، از اصحاب مولا امیرالمؤمنین علیه السلام، روایتی در این باره نقل می‌کند.<sup>۱</sup>

«عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ:»؛ ایشان از حضرت شنید که حضرت بعد از تلاوت آیه شریفه **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** فرمودند: «أَظْهَرَ ذَلِكَ بَعْدُ؟» آیا دین حق تاکنون این‌گونه ظاهر شده و همه جا را فرا گرفته است؟ آیا وضعیت به گونه‌ای می‌شود که همه دنیا مسلمان و موحد گردند؟ حضرت فرمودند: «كَلَّا»؛ هرگز، این چنین نیست. خود امیرالمؤمنین فرمودند: **«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ»**؛ قسم به کسی که جان علی علیه السلام در دست اوست، **«حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَنُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»**؛ قریه و بلدی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه همه در قریه و بلد به وحدانیت خداوند متعال شهادت می‌دهند، **«وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا»**؛ صبح و شام همه فریاد توحید و ندای شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت سر می‌دهند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید قریه‌ای باقی نمی‌ماند؛ یعنی انسان وارد هر بلد، شهر و

۱. حسینی استرآبادی، تاویل الآیات، ص ۶۶۳. «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مِيثَمٍ، عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ، أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**؛ **أَظْهَرَ ذَلِكَ بَعْدُ؟ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَنُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا**».





روستایی که می‌شود، صدای وحدانیت و صدای رسالت و شهادت به خاتمیت دارند و کسی پیدا نمی‌شود که بگوید من مشرک هستم. اصلاً مشرکی وجود ندارد؛ زیرا آن موقع همه باید موحد باشند و در مقابل حاکمی که خداوند او را برای آن زمان نگه داشته، هزاران سال پیش به دنیا آمده، تسلیم شوند. همه پیامبران الهی برای برپایی این حکومت جهانی آمدند و شکنجه و اذیت شدند، دیگر جایی ندارد که کسی مشرک باشد.

### غالب شدن دین خداوند بر کفر و شرک هنگام خروج قائم علیه السلام

ابن بابویه روایتی دیگر درباره همین آیه شریفه که نوید می‌دهد آینده جهان در دست موحدان و امام زمان علیه السلام است، از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.<sup>۱</sup>

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال سؤال شد که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ حضرت فرمودند: قسم به خدا تاویل این آیه شریفه هرگز نازل نشده؛ بلکه چیزی که نازل شده،

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام؛ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَاقْتُلْنِي».

تنزیل آیه است، نه تأویل آن. «فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ»: خداوند در ظاهر می فرماید: «أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»: پیامبر را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب گرداند. اما تأویل آیه این است که جهان پر از ندای توحید و کلمه طیبه «لا إله إلا الله» باشد. «مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ»: حضرت می فرماید به خدا قسم! تأویل آیه نازل نمی شود تا اینکه حضرت مهدی عجل الله فرجه خارج شود. «فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عجل الله فرجه لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ»: وقتی حضرت قائم عجل الله فرجه ظهور کند دیگر کافر به خداوند پیدا نمی شود. وقتی وجود نازنین امام را می بینند، برای چه مشرک بشوند؛ آن امام رئوف و مهربان، امامی که همه منابع زمین را در اختیار مردم قرار داده، امامی که صلح، صفا، صمیمیت و مهربانی برای مردم به ارمغان آورده است. آن گاه انسانها به پیشگاه امام زمان عجل الله فرجه عرض ادب می کنند و تسلیم می شوند؛ از این رو می فرمایند: «لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ»: امام عجل الله فرجه می فرماید کافری به خداوند پیدا نمی شود. «وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ»: و کسی به امام شرک نمی ورزد. همه امامت را قبول دارند و شیعه واقعی می شوند «إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ»: مگر برخی که از خروج و قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه ناراحت می شوند. اینها دنبال جایی هستند که از دست عدالت امام زمان عجل الله فرجه فرار کنند؛ اما وضعیت برعکس می شود.

امام صادق عجل الله فرجه می فرماید: «حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا

مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ»: اگر کافری خود را در زیر تخته سنگی پنهان کرده باشد، آن

تخته سنگ به صدا درمی آید و داد می زند ای مؤمن! کافری در زیر من پنهان شده است؛ سپس این تخته سنگ می گوید: «فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْنِي»؛ من را بشکن و این کافر را بکش و از بین ببر. چه وضعیتی پیدا می شود! اگر کسی پیدا شود که توحید را قبول نکند، به این وضعیت دچار می شود. وضعیت به گونه ای است که همه باید طوعاً یا کرهاً قبول کند.

امروزه در اندیشه برخی خطور می کند که اگر این گونه می شد که اصلاً به زور مردم را مثلاً مؤمن کرد، پس منظور آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» چیست؟

اولاً «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ یعنی در قلب انسان نمی شود به زور وارد شد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ یعنی کسی به زور نمی تواند در دل شما وارد بشود؛ اما اینها قبل از قیام است، تا قبل از قیام ظالمان و ستمگران آزاد بودند و هر کاری که می خواستند انجام می دادند. آن قدر ظلم کردند که ضعیفان و مظلومان دادشان بلند شد. اما روز فرج امام زمان عجلت فرجه روز مظلومین است، نه روز ظالمین، ظالمان دیگر جایی ندارند. روزی است که مظلومان عالم باید از وجود نازنین امام عزیز و مهربان بهره ببرند و همه دنیا در اختیارشان قرار می گیرد. پس از حکومت امام زمان عجلت فرجه رجعت می شود و ائمه بزرگوار روی زمین دوباره حکومت می کنند و حکومت الهی را برای مردم پیاده می کنند. چه روزهایی می آید که زمین سرشار از

عدل، انصاف، احسان و نیکوکاری می شود! این گونه نیست که خداوند زمین را برای گناه، ظلم و ستمگری آفریده باشد.

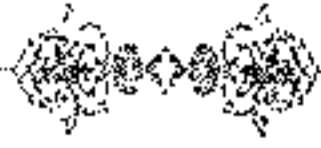
از آیه **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ**؛ و از این روایت استفاده می کنیم که همان طور که امام صادق ع می فرماید هنوز این قضیه اتفاق نیفتاده و تا موقع ظهور رخ نخواهد داد. آنچه آیه شریفه به ما نوید می دهد، بعد از ظهور حضرت روی خواهد داد. **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**؛ همه ادیان از بین خواهند رفت. آینده به گونه ای خواهد شد که حضرت عیسی ع از آسمان به زمین می آید و به امام زمان ع عرض ادب می کند و به ایشان اقتدا می نماید. وقتی مسیحیان می بینند که پیامبرشان با امام بیعت می کند، آنان نیز با امام زمان ع بیعت می کنند. این روایت می فرماید در زمان ظهور حضرت این اتفاق خواهد افتاد.

## ولایت دین حق

روایت دیگری از امام موسی کاظم ع نقل شده است<sup>۱</sup> که شخصی از ایشان پرسید

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۱۸. «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ع، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... قُلْتُ: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ**؛ قَالَ: هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لِمَوْصِيَّهِ، وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ. قُلْتُ: **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**؛ قَالَ: يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ...»

معنای آیه شریفه **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ** چیست؟ آیا اتفاق افتاده یا اتفاق می‌افتد؟ اگر این چنین است، چرا بعد از رسالت پیامبر اکرم ﷺ دین واحدی در جهان ایجاد نشده و هر کس ادعای دینداری می‌کند، درحالی که قرآن می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ**؛ بعد از پیامبر ﷺ باید چنین اتفاقی می‌افتاد. امام می‌فرماید رسالت خداوند به وسیله پیامبر اکرم ﷺ رخ می‌دهد که مردم را هدایت می‌کند و زمانی می‌رسد که جهان پر از عدل و انصاف و دادگستری می‌شود. امام ع فرمود: **«هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لِمَوْصِيهِ»**؛ خداوند به پیامبر ﷺ امر کرد باید ولایت وصی خودت را به مردم ابلاغ کنی. **«وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ»**؛ اینکه آیه می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ**، دین حق ولایت مولا امیرالمؤمنین ع است. باز این شخص از حضرت پرسید اگر بنا بر این بود، می‌بایست همه جهان را فرا می‌گرفت؛ زیرا پیامبر ﷺ ولایت امیرالمؤمنین ع را به مردم اعلام کرده است، پس چرا هنوز هم ادیان مختلف در جهان وجود دارد؟ **«قُلْتُ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»**؛ این فراز از آیه به چه معناست که آیه می‌فرماید: **لِيُظْهِرَهُ**؟ یعنی این دین را بر تمام ادیان ظاهر می‌کند و اسلام بر تمام ادیان غلبه می‌کند. **«قَالَ: يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»**؛ زمانی که بر تمام ادیان ظاهر می‌شود، زمانی است که امام زمان ع ظهور تشریف می‌آورند. از این روایت استفاده می‌کنیم که آیه شریفه درباره ظهور حضرت است.



## امام زمان علیه السلام منصور به وسیله رعب

درباره آیه شریفه، روایت دیگری نقل شده است.<sup>۱</sup> «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام؛ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمِ نَقَلَ مَنِيَّ كَمَا خَدَمْتُ إِمَامَ مُحَمَّدَ بَاقِرٍ علیه السلام؛ «يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا»؛ شَنِيدِمُ إِمَامٍ علیه السلام؛ مَنِيَّ فَرَمَائِدُ: حَضْرَتِ مَهْدِيِّ علیه السلام أَمَّا هَذَا: «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»؛ خَدَاوَنَدُ إِيشَانِ رَا بَا رَعْبِ نَصْرَتِ مِي دَهْدُ؛ يَعْنِي وَاقْتِي حَضْرَتِ ظَهْرُورِ مِي كَنْدُ، دَرِ دَلِ دَشْمَنَانِ وَحَشْتِ مِي اِنْدَاوَدُ، مَرْدَمِ خُوْدَشَانِ وَحَشْتِ زَدَه مِي شُوْنَدُ. هَنْكَامِي كِه حَضْرَتِ ظَهْرُورِ مِي كَنْدُ، خَدَاوَنَدُ يَكِي اَز عَوَامِلِ نَصْرَتِ رَا رَعْبِ قَرَارِ مِي دَهْدُ؛ هَمَانِ كَوْنِه كِه دَرِ جَنْگِ بَدْرِ دَرِ دَلِ مَشْرَكَانِ رَعْبِ وَ وَحَشْتِ اِنْدَاخْتِ. اَز اَيْنِ رُو مِي فَرَمَائِدُ: «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»؛ بَا وَجُوْدِ حَضْرَتِ، رَعْبِ وَ وَحَشْتِ دَرِ دَلِ دَشْمَنَانِ قَرَارِ مِي دَهْدُ.

## امام زمان علیه السلام تأییدشده به وسیله نصر خدا

«مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ»؛ نصر خدا و پیروزی حتمی با اوست. خداوند به او پیروزی

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۴، ص ۱۱، ح ۶۷۷. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَنْقُصُ فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ علیه السلام؛ فَيَصَلِّيَ خَلْفَهُ».



می دهد. آنجا دیگر بمب اتم یا بمب هسته‌ای و... از بین رفتنی است. وقتی خدا بخواهد همه آنها از کار می افتد. حساب و قدرت بی پایان الهی از همه حساب‌ها و قدرت‌ها بالاتر است. کسی که این مغز و قدرت را به اشخاص داده تا بمب هسته‌ای را بسازند، همان خداوند حاکم روی زمین است و هر کاری را برای از بین بردن دشمنانش می تواند انجام بدهد.

### طی الارض و احاطه امام زمان علیه السلام به زمین

«تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ»؛ زمین برای او پیچیده می شود (پیموده می شود)؛ یعنی زمین در دست مبارک او مانند جسم بسیار کوچکی است. حضرت به تمام زمین احاطه دارد. حضرت طی الارض دارند. برای حضرت طی الارض مهم نیست. الآن هم ایشان طی الارض دارند. الآن هم ایشان از این شهر به آن شهر می روند. اگر کسی حضرت را صدا بزند و به ایشان استغاثه کند، حضرت او را نجات می دهد. این اتفاق‌ها فراوان رخ داده و الآن نیز هست.

### ظاهر شدن گنج‌ها در عصر ظهور امام زمان علیه السلام

«وَتَنْظَرُ لَهُ الْكُنُوزُ»؛ آینده جهان این گونه است که با آمدن امام زمان علیه السلام کنوز و گنج‌های مخفی ظاهر می شود. دیگر لازم نیست که معادن را اکتشاف بکنید و زحمت بکشید، زمین هرچه درون خود دارد، خدمت امام علیه السلام عرضه می دارد.

## حاکمیت امام زمان علیه السلام در مشرق و مغرب عالم

سپس می فرماید: «يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ حاکمیت او تمام مغرب و مشرق را فرا می گیرد، پنج قاره ای که ما الآن در آن زندگی می کنیم، برای امام زمان چیزی نیست؛ آسمان های سبع، ارضین سبع همه در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می گیرد.

بعد امام می فرماید: «وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ طبق آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، خداوند دینش را بر همه دین ها با وجود کراهت و دشمنی کافران ظاهر و غالب می کند.

## آبادانی زمین در عصر ظهور

سپس امام علیه السلام می فرماید: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ»؛ خرابی در روی زمین پیدا نمی شود، مگر اینکه امام، شیعیان و اصحاب ایشان آن را تعمیر و آباد می کنند. جهان، جهانی آباد است، نه جهانی ویران؛ هم آبادی دلهاست، هم آبادانی زمین ها، خانه ها و شهرهاست. شهرتان آباد است، دل هایتان به نور ولایت امام زمان علیه السلام آباد و نورانی می شود. امروزه دلها همه تاریک است، اکنون که نگاه می کنیم، دلها ظلمتکده است، در این دلها کینه است، در این دلها حسد است. در این دلها افکار بسیار زشتی است. نفس های ما گاهی وقتها نفس های



گناهی است. فکر گناه داریم، ولی امام زمان عجلتعالیه که ظهور کند همه این ویرانی‌های ظاهری و باطنی را به آبادانی تبدیل می‌کند.

### نزول حضرت عیسی ع در عصر ظهور

«وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ»؛ حضرت عیسی نازل می‌شود و ایشان پشت سر امام زمان عجلتعالیه اقتدا می‌کند. پیامبر الهی که پیروان بسیاری دارد، وقتی امام زمان عجلتعالیه تشریف بیاورند، همه پیروانشان با امام زمان عجلتعالیه عهد می‌بندند. بر اساس این آیه، آینده‌ای درخشان در انتظار ماست و باید منتظر چنین روزی باشیم. اگر کسی منتظر بود، نور امید در دل‌ها روشن می‌شود و نزد خداوند متعال اجر و مقام فراوانی دارد.

### اوصاف منتظران ظهور امام عصر عجلتعالیه

روایت مفصل دیگری در این باره نقل شده است که بخش پایانی این روایت را بیان می‌کنیم. یکی از اصحاب امام زین‌العابدین ع به نام ابوخالد کابلی نقل کرده است.<sup>۱</sup>

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب‌الاثار، ج ۳، ص ۱۸۳-۱۸۵، ح ۵۸۷. «قَالَ أَبُو خَالِدٍ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَايِنٌ؟ فَقَالَ: إِي وَرَبِّي إِنَّ ذَلِكَ لَمَكْتُوبٌ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الَّتِي فِيهَا ذِكْرُ الْمَحْنِ الَّتِي تَجْرِي عَلَيْنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص. قَالَ أَبُو خَالِدٍ: فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: ثُمَّ تَمْتَدُّ الْعِيبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ

«قَالَ أَبُو خَالِدٍ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَايِنٌ؛ ايشان نزد امام علی بن حسین علیه السلام آمد، وقتی امام علیه السلام آینده جهان را برایش توضیح می دهد، عرض می کند آیا چنین اتفاقی روی می دهد؟ «فَقَالَ: إِي وَرَبِّي»؛ بله این چنین اتفاق خواهد افتاد؟ «إِنَّ ذَلِكَ لَمَكْتُوبٌ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الَّتِي فِيهَا ذِكْرُ الْمِحْنِ الَّتِي تَجْرِي عَلَيْنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»؛ این مطالبی که برایتان گفتیم، نزد ما در صحیفه ای که خداوند آن صحیفه را به پیامبر داد نوشته شده و پیامبر نیز آن را به حضرت صدیقه طاهره دادند. آنچه بعد از پیامبر صلى الله عليه وآله رخ داده و می دهد، در این صحیفه وجود دارد.

«قَالَ أَبُو خَالِدٍ: فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟»؛ بعداً چه می شود؟ «قَالَ: ثُمَّ مَمَّتْ الغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَعْدَهُ»؛ غیبت امتداد پیدا می کند و به ولی خداوند کشیده می شود. «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛ کسانی که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به امامت حضرت قائل اند و منتظر ظهور حضرت هستند، از اهل هر زمان افضل اند؛ «لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»؛ خداوند آن قدر به آنها عقل، فهم و

---

رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَعْدَهُ؛ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ، أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَشِيعَتُنَا صِدْقًا، وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا.



معرفت عطا می کند که غیبت نزد آنها مانند مشاهده کردن حضرت است؛ مثل اینکه ما خدمت حضرت هستیم و تمام اوصاف حضرت را می دانیم.

«وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ»؛

خداوند این منتظران را در آن زمان مانند کسانی که همراه با رسول الله مجاهده کردند، قرار می دهد مثل کسانی که در جنگ بدر و احد بودند، مانند کسانی که همراه پیامبر اکرم ﷺ با شمشیر مجاهده کردند «أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا»؛ منتظران این عصر مخلص واقعی هستند. آنان کسانی هستند که اخلاص دارند. «وَشِيعَتُنَا صِدْقًا»؛ شیعیان واقعی ما چنین کسانی هستند. «وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا»؛ اینها کسانی هستند که مردم را هم در آشکار و هم در نهان، به دین خدا می خوانند. چنین کسانی هستند که از اصحاب رسول الله ﷺ افضل هستند، از اصحاب امیرالمؤمنین ﷺ افضل هستند؛ زیرا اینها پیامبر خدا و ائمه معصومین ﷺ را ندیدند؛ چراکه غیبت آن قدر برایشان طولانی شده، با این حال باز به پیامبر ﷺ، امامان معصوم ﷺ و به امام زمان ﷺ ایمان دارند.

امیدواریم که ان شاء الله همه ما از منتظران آن حضرت باشیم.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ  
قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>

### ترجمه آیه شریفه

آیه ۶۲ سوره نمل آیه بسیار معروفی است و مؤمنان هنگامی که به درگاه خداوند  
تضرع و انابه دارند و می خواهند از خداوند برای قضای حوایج استمداد بجویند،  
این آیه شریفه را می خوانند.

---

۱. نمل، ۶۲. «کیست که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و  
شما را خلفای زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خدا است؟ کمتر متذکر می شوید.»

درباره این آیه، همانند آیات دیگری که پیش‌تر بیان کردیم، روایاتی نقل شده است؛ روایاتی درباره اینکه مصداق اتم این آیه شریفه در زمان ظهور موفورالسرور حضرت حجت رخ می‌دهد و مضطر واقعی و آن کسی که اضطرار پیدا کرده است، وجود نازنین امام زمان - روحی وارواح العالمین له الفداء - است. آیه می‌فرماید: آیا کسی هست که مضطر را جواب بدهد؟ **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾**؛ چه کسی غیر از خداوند مضطر را جواب می‌دهد، وقتی که او را می‌خواند؟ **﴿وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾**؛ و چه کسی غیر از خداوند متعال، بدی و ناراحتی را برطرف می‌کند؟ **﴿وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾**؛ و شما را خلفا و جانشینان روی زمین قرار می‌دهد؟ **﴿أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ﴾**؛ آیا خدای دیگری را با این خداوند، معبود خود می‌دانید و برای خداوند شریک قرار دادید؟ **﴿أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ﴾**؛ آیا خدای دیگری هست؟ **﴿قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾**؛ اندک‌اند مردمی که متذکر شوند و این مطالب را بفهمند.

### تأویل آیه شریفه

روایاتی در تأویل این آیه شریفه نقل شده که با زمان ظهور حضرت ولی‌الله الاعظم علیه السلام ارتباط دارد. روایات هم در این باره زیاد است. تفاسیر زیادی این روایات را ذکر کردند.<sup>۱</sup> روایات صحیح‌السندی هستند.

۱. مهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۰-۵۸۱.

علی بن ابراهیم قمی روایتی درباره تفسیر آیه شریفه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» نقل کرده است. «حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «أُروایت از امام صادق ع نقل شده که می فرماید: «قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع:»؛ این آیه شریفه درباره وجود نازنین امام زمان ع از آل محمد ع نازل شده است.

### امام زمان ع مضطر واقعی

«هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ»؛ قسم به خدا امام زمان ع مضطر است. مضطر واقعی کسی که به حالت اضطرار رسیده و مشکلات بر او غلبه کرده - امام زمان ع است. سپس می فرماید چه زمانی اضطرارش زیاد می شود که در آن هنگام دعای مضطر مستجاب می شود؟ «إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ»؛ وقتی حضرت در خانه خدا، در مقام ابراهیم ع، دو رکعت نماز می خوانند. «وَدَعَا اللَّهَ»؛ و به سوی خداوند متعال دعا می کنند. «فَأَجَابَهُ»؛ در این هنگام خداوند دعای امام را اجابت می کند. اجابتش بدین گونه است: «وَيَكْشِفُ السُّوءَ»؛ بدی ها و مشکلات را از وجود مقدس امام زمان ع برطرف می کند. «وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ و بعد از استجاب دعا، ایشان را خلیفه روی زمین قرار می دهد. وقتی حالت اضطرار برای ایشان پیش

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۲۹. «حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، قَالَ: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع، هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ، وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ، وَيَكْشِفُ السُّوءَ، وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ».

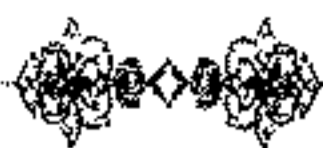
می آید، خداوند دعای مضطر را قبول می کند و نتیجه دعای مضطر این است که مشکلات از وجود مقدس امام و شیعیان ایشان برطرف می شود و خلافت و حاکمیت روی زمین از آن امام زمان عجلت الله فرجه می شود.

بر اساس روایاتی که پیرامون این آیه شریفه نقل شده است استفاده می کنیم که مضطر واقعی وجود مقدس امام زمان عجلت الله فرجه است.

یکی دیگر از اصحاب امام باقر ع به نام ابی خالد کابلی روایت دیگری را نقل می کند.<sup>۱</sup>

«قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: ايشان می گوید: خدمت امام باقر ع رسیدم، حضرت این چنین فرمودند: «وَاللَّهِ». می دانید وقتی امام قسم می خورد، قسم امام با قسم ما تفاوت فراوانی دارد. ما برای هر چیزی قسم می خوریم؛ ولی امام معصوم ع قسم هایش فقط برای کارهای مهم و با عظمت است. «وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ ع»؛

۱. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۰۵؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ۵۸۱؛ ج ۱۰، ص ۵۲۲-۵۲۳؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۵-۶، ح ۹۱۲. «عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ ع، وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ...؛ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلَ، ثُمَّ الثَّلَاثِيَّةُ وَالثَّلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا؛ فَمَنْ كَانَ ابْتِئَاءً بِالسَّمِيرِ وَافَاهُ؛ وَمَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالسَّمِيرِ فَقَدْ عَن فِرَاشِهِ؛ وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: هُمُ الْمَفْقُودُونَ عَن فُرْشِهِمْ؛ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»؛ قَالَ: الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ».



قسم به خدا من اکنون نگاه می‌کنم و حضرت مهدی عج را می‌بینم. امام باقر ع چگونه وجود مقدس ایشان را می‌بیند؟! روایت بسیار عجیبی است. «وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ»؛ می‌فرماید: امام زمان عج به حجرالاسود تکیه داده، تمام مردم جهان وجود مقدس ایشان را در آن هنگام می‌بینند؛ نه اینکه فقط کسانی که در مسجدالحرام هستند، ایشان را می‌بینند. «ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ»؛ سپس خداوند را به حق خودش سوگند می‌دهد. خداوند را سوگند می‌دهد به حقی که او بر خداوند متعال دارد. تا اینکه امام باقر ع می‌فرماید: «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: هُوَ وَاللَّهِ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ»؛ قسم به خدا مضطر واقعی در کتاب خدا، وجود نازنین امام زمان عج است. «فِي قَوْلِهِ: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ و خداوند متعال شما را (شیعیان را) خلفای روی زمین قرار بدهد، بعد از اینکه حضرت به خانه خدا تکیه می‌دهد و خدا را به حق خودش قسم می‌دهند و از او می‌خواهد که آنچه برای ایشان مقدر فرموده است، انجام بدهد.

### جبرئیل نخستین بیعت‌کننده

بعد می‌فرماید: «فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ ع»؛ نخستین کسی که با امام زمان عج بیعت می‌کند، جبرئیل ع است. این امین وحی الهی از طرف خداوند مأمور می‌شود به زمین بیاید و همه فرشتگان وحی الهی می‌بینند که جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان عج بیعت می‌کند.



### ۳۱۳ نفر یاران امام زمان علیه السلام

«ثُمَّ الثَّلَاثِمِائَةِ وَالثَّلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا»؛ سپس ۳۱۳ نفر از یاوران مخصوص امام زمان علیه السلام

می آیند و با ایشان بیعت می کنند.

«فَمَنْ كَانَ ابْتِغَاءً بِالمَسِيرِ وَافَاهُ»؛ کسانی که گرفتار راه باشند؛ یعنی در بین راه

هستند و به طرف مکه در حرکت هستند، خودشان را با هر وسیله‌ای به

حضرت می‌رسانند.

سپس می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالمَسِيرِ فَقَدْ عَنِ فِرَاشِهِ»؛ هر کس در راه نباشد،

از بستر خویش ناپدید می‌گردد؛ یعنی کسانی که در راه نیستند، بلکه ممکن است

در خواب باشند، از فراش خود مفقود می‌شوند؛ یعنی از محل خوابشان بلند

می‌شوند و بلافاصله به مکه معظمه می‌رسند. سپس می‌فرماید: «وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ

المؤمنين: هُمُ المفقودونَ عَن فُرُشِهِمْ»؛ گویا این روایت را تازه شنیده باشیم. امام

باقر علیه السلام می‌فرماید: این گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام است که آن روز فرمودند: «هُمُ

المفقودونَ عَن فُرُشِهِمْ»؛ آنها کسانی هستند که از فرش‌ها و سیطره امام

زمان علیه السلام مفقود هستند؛ یعنی جایی برای آنها نیست. می‌توانیم فرش را به

صورت مفرد بخوانیم. این افراد کسانی هستند که نمی‌توانند خدمت امام

زمان علیه السلام آن‌گونه که باید و شاید عرض ادب کنند.



## سبقت گرفتن از یکدیگر در کارهای خیر

سپس می فرماید: «وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾؛ برای همین جاست: «اسْتَبِقُوا»؛ یعنی مسابقه بدهید. مسابقه دادن و سبقت گرفتن از یکدیگر خوب است. ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾؛ در خوبی ها با یکدیگر مسابقه دهید و اجازه ندهید در خوبی از شما پیشی بگیرند. الآن مسابقات برعکس شده، ما زیاد مسابقه می دهیم؛ ولی در کارهای خلاف شرع، نه در کارهای خیر. ﴿فَاسْتَبِقُوا﴾؛ مسابقه بدهید در خیرات. ببینید حضرت چگونه همه را به هم ارتباط می دهد. اگر شما در خوبی ها مسابقه بدهید، خداوند در آن روز شما را هر جای دنیا باشید، به مکه نزد امام زمان عجلت می آورد و با ایشان بیعت می کنید. ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾؛ هر جا باشید خداوند شما را بی درنگ به مکه می آورد و همه شما خدمت امام زمان عجلت می آید.

## خیرات یعنی ولایت

سپس حضرت می فرماید: «قَالَ: الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ»؛ اینکه قرآن فرمود: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾؛ خیرات چیست؟ «الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ»؛ آنچه قرآن به ما فرمان می دهد، از جمله اینکه مسابقه بدهید و خوبی ها را کسب کنید و زودتر به آن خوبی برسید، منظور ولایت امیرالمؤمنین ع است. کسی که ولایت امیرالمؤمنین ع را بپذیرد - چه شما، چه انبیای الهی، چه فرشتگان الهی - زودتر جزو یاران حضرت

مهدی علیه السلام قرار می گیرند؛ اما کسی که توقف کرد در میان یاران حضرت جای ندارد؛ حتی برخی از انبیا که مقداری توقف کردند، مقامشان پایین آمد. حضرت آدم علیه السلام به دلیل اینکه در مقام ولایت - از روی تعجب یا چیز دیگری، نه اینکه انکار بکند - مکث بسیار کوچکی کرد، خداوند مقام اولوالعزمی را به او نداد، اما به حضرت نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام مقام اولوالعزمی می دهد. به موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام مقام اولوالعزمی می دهد؛ به دلیل اینکه این انبیای بزرگ درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مکث نکردند و بی درنگ ولایت ایشان را قبول کردند.<sup>۱</sup>

آیه می فرماید: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**<sup>۲</sup>؛ بروید به سوی خیرات. منظور از خیرات این است که در ولایت مولا علی علیه السلام از یکدیگر سبقت بگیرید. اینجا جای مسابقه است. هر کس ولایت را زودتر قبول کند، زودتر از اصحاب دیگر با امام زمان علیه السلام بیعت می کند. درباره آیه شریفه **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ**؛ امام می فرماید: «هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ».

نکته مهمی که از این روایت و روایت بعدی به دست می آید، این است که امام زمان علیه السلام آن موقع در حالت اضطرار به تمام معناست؛ یعنی حالتی به ایشان دست داد که در آن هنگام دیگر مضطر شدند. چگونه مضطر شدند؟ این همه ناراحتی ها و مشکلات شیعیان را می بینند، این همه قتل، غارت، ظلم و ستم روی زمین را می بینند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ مجلسی، بحار

الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۹.

۲. بقره، ۱۴۸. «در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید».

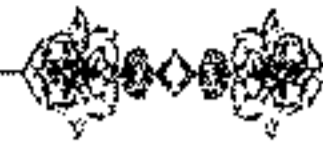
از سویی می بیند که خداوند به ایشان چنین قدرتی داده است که می تواند جهان را پر از عدل و داد کند. از این رو در کنار خانه خدا به حجرالاسود تکیه می دهد و از خدای متعال درخواست می کند و این آیه را می خواند: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ؛** چه کسی هست که جواب من مضطر را بدهد! مضطر منم! آیا وقت آن نرسیده که جواب اضطرار ما و اضطرار شیعیان ما را بدهی! بلافاصله می فرماید: **وَيَكْشِفُ السُّوءَ؛** خداوند متعال سوء را برطرف می کند. سپس بالاتر از آن **وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛** حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را خلیفه روی زمین قرار می دهد.

از این روایت می توانیم درباره این آیه شریفه که در خصوص مهدویت است، استفاده کنیم.

### امام زمان عجل الله تعالی فرجه مقربترین فرد به انبیای الهی

روایت دیگری نیز ابراهیم بن عبدالحمید از امام صادق ع در این باره نقل می کند.<sup>۱</sup>  
**«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع؛** ایشان یکی از اصحاب حضرت است.

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۹۹؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹. **«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ ص، ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ، وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ.»**



«قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ، وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ»؛ امام صادق ع فرمودند: وقتی حضرت می خواهد ظهور کند، وارد مسجد الحرام، خانه خدا می شود و در برابر کعبه پشت به مقام می ایستد، روبه روی خانه خدا می ایستد. «ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ»؛ سپس دو رکعت نماز آنجا می خواند. «ثُمَّ يَقُومُ»؛ سپس بعد از نماز می ایستد. «فَيَقُولُ»؛ اینجاست که ندای حکومت واحد جهانی الهی به وسیله وجود مقدس امام زمان ع در تمام جهان طنین انداز می شود و همه صدای مبارکش را می شنوند. صدا می زند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»؛ ای مردم روی زمین! «أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ»؛ من را می خواهید بشناسید، من از همه مردم به آدم ع اولی هستم. من نزدیک ترین مردم به آدم ابوالبشر هستم! «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ»؛ من از همه مردم به حضرت ابراهیم ع نزدیک تر هستم. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ»؛ من نزدیک ترین افراد به اسماعیل ع هستم. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ»؛ من نزدیک ترین افراد به محمد ع هستم.

«ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ»؛ سپس دستان مبارک خود را به سوی آسمان بلند می کند. «فَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ»؛ حضرت اینجا خداوند را می خواند. ایشان آن قدر گریه و زاری می کنند تا اینکه بر زمین می افتند؛ «وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»»<sup>۱</sup>؛ در اینجا قول خداوند در آیه کریمه قرآن محقق می شود که گفت کیست آن کسی که

۱. نمل، ۶۲. «کیست که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما

را خلفای زمین قرار می دهد».

مضطر را جواب می‌دهد؟ مضطر واقعی وجود مقدس امام زمان علیه السلام است که در این هنگام تضرع و زاری می‌کند و در اینجا خداوند حضرت را به عنوان خلیفه الهی به مردم معرفی می‌کند.

این هم درباره آیه شریفه که حضرت به گونه‌ای خودش را معرفی می‌کند که مضطر واقعی در قرآن وجود مقدس امام زمان علیه السلام است؛ از این رو در دعای ندبه هم می‌خوانیم: «أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا»؛ آن مضطری که اگر خدا را بخواند، خدا جواب آن را می‌دهد و دعای او را اجابت می‌کند، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است.

### امام زمان علیه السلام وارث عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله

از محمد بن مسلم روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَيْنَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَا»؛ کسی که مضطر را جواب می‌دهد کیست و مضطر کیست؟ «قَالَ: هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام»؛ امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره امام زمان علیه السلام نازل

۱. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۵۷۹؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲. حسینی استرآبادی، تأویل الآيات، ص ۳۹۹؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۲-۵۸۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَيْنَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَا»؛ قَالَ: هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمًا، وَصَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ، وَتَضَرَّعَ إِلَى رَبِّهِ، فَلَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ أَبَدًا».



شده است. «إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمَ وَصَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ»؛ وقتی حضرت خروج کند و ظهورش نزدیک شود، عمامه می بندد؛ همان گونه که در روایت داریم، عمامه حضرت رسول اکرم ص را بر سر می گذارند و وارد مسجدالحرام می شوند. عمامه پیامبر اکرم ص را بر سر می گذارند و در مقام ابراهیم نماز می خوانند. «وَتَضَرَّعَ إِلَى رَبِّهِ، فَلَا تُرَدُّ لَهُ رَأْيَةٌ أَبَدًا»؛ و تضرع می کنند در درگاه خدا، اینجا خداوند که می فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» دعای این مضطر را به اجابت می رساند. برای ما نیز درس است. اگر انسان به حالت اضطرار برسد، اضطرار در زندگی پیدا بکند و خدا را بخواند «إِذَا دَعَاهُ» واقعاً خدا را بخواند: «يَكْشِفُ السُّوءَ»؛ خدا کسی است که بدی ها و ناراحتی ها و غصه ها را برطرف می کند. «أَقُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»؛ اگر دعای شما نبود، خداوند به شما اعتنایی نمی کرد. اگر خداوند به شما اعتنا می کند و نظر دارد، به خاطر دعای شماست. این است که باید همیشه در حالت دعا باشیم؛ یعنی در ارتباط خالق و مخلوق باشیم. حال یا دعا مستجاب می شود یا برآورده نمی شود. هنگامی که دعا مستجاب نمی شود، به مصلحت ماست؛ اما مهم تر اینکه انسان با خالق خویش در ارتباط است. از خدا چیزی می خواهد و به سوی او می رود؛ چه خدا اجابت بکند، چه اجابت نکند.

روایات زیادی درباره دعا داریم. بعضی از دعاها اگر مستجاب شود، در روز قیامت صاحب دعا می بیند اشخاصی که دعایشان مستجاب نشده چقدر مقام دارند! از این رو به درگاه خدا عرضه می دارند ای کاش دعای ما در دنیا برآورده نشده بود و در قیامت چنین مقامی به ما می دادند! این است که هر چیزی مصلحت و حکمت دارد. این گونه نیست که هر چه الآن بخواهیم، خدا نیز اجابت کند. اما از همه مهم تر ارتباطی است که انسان باید با خدای خودش داشته باشد.

### دوست علی علیه السلام و مؤمن و دشمن علی علیه السلام منافق

روایت دیگری از عمران بن حصین از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.  
 «عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله؛ مِی گوید: خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم «وَعَلِيٌّ إِلَى جَنْبِهِ»؛ حال در نظر بگیرید وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله را

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۰-۴۹۱؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۳۳؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۲۸۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۶۲.

۲. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۹۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۸۶-۲۸۷. «عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَعَلِيٌّ علیه السلام إِلَى جَنْبِهِ إِذْ قَرَأَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «أَمِنْ يُجِيبُ السُّضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ قَالَ: فَارْتَعَدَ عَلِيُّ علیه السلام فَصَرَبَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله بِيَدِهِ عَلَى كَتِفِهِ وَقَالَ: مَا لَكَ يَا عَلِيُّ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ فَخَشِيتُ أَنْ تُبْتَلَى بِهَا فَأَصَابَنِي مَا رَأَيْتُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ لَا تُحِبُّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».



و از آن طرف امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله نشست است. «إِذْ قَرَأَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله»؛ در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه شریفه را تلاوت کرد: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ حضرت این آیه را خواند. این شخص می گوید من خدمت این دو بزرگوار بودم، «قَالَ: فَأَرْتَعَدَ عَلِيٌّ علیه السلام»؛ دیدم بدن امیرالمؤمنین علیه السلام به لرزه افتاد، وقتی آن آیه را از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدند. واقعاً مثل اینکه این آیه در وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام اثر کرد. «فَضْرَبَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله بِيَدِهِ عَلِيَّ كَتِفِهِ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با دست مبارکشان به شانه مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام زدند و سپس فرمودند: «وَقَالَ: مَا لَكَ يَا عَلِيُّ»؛ چه شد ای علی! چرا لرزیدی؟ این حالتی که در تو دیدم، برای چه بود؟ مضطرب و ناراحت شدی و بدنت به لرزه افتاد. «فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ فَخَشِيتُ أَنْ نُبْتَلَى بِهَا»؛ عرض کرد یا رسول الله! وقتی شما این آیه را خواندید، ترسیدم که به این آیه شریفه مبتلا شوم. «فَأَصَابَنِي مَا رَأَيْتَ»؛ یعنی ترسیدم جزو کسانی باشم که نتوانم آیه شریفه را آن گونه که باید و شاید هضم کنم و به دنبال کسانی بروم که پیش خدا حالت اضطرار خودشان را بیان نمی کنند. «فَخَشِيتُ أَنْ نُبْتَلَى بِهَا فَأَصَابَنِي مَا رَأَيْتَ»؛ ترسیدم به وسیله این آیه شریفه امتحان شوم، من نیز مانند کسانی بشوم که ظلم و ستم کردند، این همه ناراحتی برای مردم به وجود آوردند، ترسیدم نکند من نیز جزو آنها باشم. آیا من هم جزو آنان هستم؟

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»: حضرت فرمودند غصه نخور! این آیه شامل حال تو نمی‌شود. این ناراحتی‌ها برای شما نیست. «يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ، وَلَا يُغِضُّكَ إِلَّا مُنَافِقٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»: ای علی! تو را دوست ندارد مگر کسی که مؤمن باشد و دشمنی ندارد با تو به جز کسانی که منافق هستند. دوست تو مؤمن است و دشمن تو منافق است.

حال از این آیه و از این فرمایش امیرالمؤمنین ﷺ و حضرت رسول ﷺ چه چیزی انسان می‌تواند برداشت کند. معلوم می‌شود این آیه نکات ارزنده‌ای دارد. یکی از آنها در خصوص ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ است که اضطراری که برای وجود مقدس امام زمان ﷺ پیش می‌آید، چه اضطراری است؟ از آیه قبلی استفاده می‌کنیم. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۱</sup> که فرمودند: «أَيُّ فَاسْتَبِقُوا إِلَى الْوَلَايَةِ»؛ خیرات یعنی سبقت بگیرید به ولایت. اضطراری که امام زمان ﷺ دارند، این است که مردم ولایت امیرالمؤمنین ﷺ را قبول نکردند. امام زمان ﷺ در حالت اضطرار است. ناراحتی این است. حضرت نگاه می‌کند، بیشتر امت پیامبر آخرالزمان در حال انحراف و جدایی از دین واقعی خدا هستند؛ تنها یک فرقه میان آنها هست که تعدادشان بسیار اندک است و برخی از آنان نیز با یکدیگر اختلاف و درگیری دارند. اینها با هم اختلاف دارند. این فرقه ناجیه است و بقیه در گمراهی هستند؛ از این رو امام زمان ﷺ مضطر و ناراحت است. امام

۱. بقره، ۱۴۸. «در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید».

زمان تَشْتِئُ غصه دار است. شخصیتی که عالم اسلام منتظر وجود ایشان هستند و منتظر آمدن ایشان هستند، غصه دارد که مردم از راه راست منحرف شدند؛ از این رو وارد خانه خدا می شود و عرض می کند: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ».

پیامبر خدا ﷺ می فرماید: ای امیرالمؤمنین! کسی که تو را دوست داشته باشد، مؤمن است؛ یعنی با امام زمان تَشْتِئُ است و کسی که با تو دشمن باشد، منافق و کافر است.

«عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ»؛<sup>۱</sup> مسئله همین است.

از این آیه شریفه استفاده می کنیم که اولاً: مضطر واقعی وجود نازنین امام زمان تَشْتِئُ است و برای ظهور موفورالسرور این مضطر باید دعا کنیم؛ ثانیاً: بر اساس این آیه پی می بریم که همان گونه که امام زمان تَشْتِئُ این آیه را در حالت اضطرار می خواند، ما شیعیان نیز اگر ناراحت و گرفتار هستیم، در حالت اضطرار این آیه شریفه را بخوانیم: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ».

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

۱. طبری امامی، المسترشد، ص ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۹؛ علامه حلی، کشف الیقین، ص ۲۹۱؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ».



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾<sup>۱</sup>

به دلیل اینکه این جلسه همزمان با سالروز ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام است، از این رو در این جلسه درباره وجود شریف و مقدس حضرت مطالبی را بیان می‌کنیم.

---

۱. نور، ۳۶. «(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد): خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.»

## فضایل و مناقب امام حسن علیه السلام در کتاب‌های شیعه و اهل سنت

در مورد امام مجتبی علیه السلام کتاب‌های بسیاری نوشته شده است، همچنین در کتاب‌های مختلفی از آن حضرت جداگانه نام برده‌اند. هم کتاب‌های اهل سنت و هم کتاب‌هایی که از علمای شیعه است، از جمله *صحیح بخاری*، *صحیح مسلم*، *سنن ترمذی*، *طبقات ابن سعد*، *تذکره الخواص* و همچنین *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید و *اسد الغایة* که کتاب‌های معروف اهل سنت هستند، مطالب بسیاری درباره فضایل و مناقب امام حسن مجتبی علیه السلام ذکر کردند. در میان شیعیان درباره امام مجتبی علیه السلام کتاب‌های زیادی نوشته شده است که شاید تاکنون صدها، بلکه بیش از هزار نفر از مؤلفین شیعه برای حضرت کتاب نوشتند.

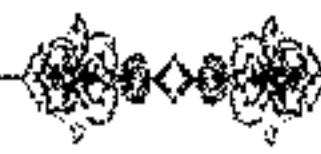
اخیراً در سال ۱۳۹۰ هجری قمری یکی از علمای اهل سنت و از دانشمندان معروف مصر به نام توفیق ابو علم کتابی به نام *اهل البیت* نوشته و فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام را در این کتاب ارزنده گردآوری کرده است. ایشان فصل مهمی از کتابش را به امام حسن مجتبی علیه السلام اختصاص داده است. اگر کتاب *رمضان در تاریخ* تألیف حضرت آیت‌الله والد ما را ملاحظه کردید، ایشان نیز فصلی را درباره مناقب امام حسن مجتبی علیه السلام نوشتند که بیشتر مطالب آن را از کتاب *اهل البیت* آوردند و ترجمه کردند. در هر صورت، درباره امام مجتبی علیه السلام بحث‌های فراوانی است. در عین حال می‌بینیم که امام مجتبی علیه السلام در میان خود شیعیان و دیگران مظلوم واقع شده‌اند و ظلم فراوانی به ایشان شد. متأسفانه ما هم آن‌گونه که باید و شاید ایشان را نشناختیم. در طول سال درباره حضرت کمتر صحبت می‌شود.

## انتخاب نام امام حسن علیه السلام توسط خدا

وقتی امام حسن علیه السلام به دنیا آمدند، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند که حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام فرزندی را به دنیا آورده است.<sup>۱</sup> امام حسن علیه السلام اولین نوه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. حضرت به اسماء فرمود: ای اسماء! فرزندم را بیاور تا او را بینم. امام مجتبی علیه السلام را نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش راستشان اذان و در گوش چپشان اقامه خواندند؛ یعنی نخستین ندایی که به گوش این طفل ملکوتی رسید، ندای تکبیر و شهادت بر وحدانیت خدای متعال و همچنین تهلیل و شهادت بر رسالت جدشان بود. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام رو کردند و فرمودند: آیا برای فرزندت نامی انتخاب کردی یا نه؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که از شما سبقت نمی گیرم؛ تا شما هستید، من نمی توانم برای ایشان اسم انتخاب کنم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: من هم بر خدای متعال سبقت نمی گیرم و باید خداوند برای ایشان نامی برگزیند. جبرئیل از جانب خدا نازل شد و بر پیامبر خدا سلام کرد و تبریک گفت و عرض کرد که خداوند می فرماید: «سَمَّهِ الْحَسَنِ»؛ نامش را حسن بگذار. از این رو حسن نام گذاری شد. نامش از طرف خداوند است؛ همان گونه که خداوند نام علی را برای پدر بزرگوارشان انتخاب نموده است. نام مادر گرامی

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵؛ فتال نیشابوری، روضة السواعظین، ج ۱،

ص ۱۵۳-۱۵۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۵-۲۶.



ایشان نیز از جانب خدا، فاطمه شد. ایشان نیز از جانب خداوند به نام حسن نام گذاری شد. اسم زیبایی که تاکنون در اسلام و پیش از اسلام چنین اسمی در عالم شناخته شده نبود و چنین اسمی وجود نداشت!

### فضایل و مکارم اخلاق امام حسن علیه السلام

اگر بخواهیم درباره مکارم و فضایل امام مجتبی علیه السلام سخن بگوییم بسیار طولانی می شود. به قولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید      لیک به قدر تشنگی باید چشید

مقداری از فضایل حضرت را بیان می کنیم که «إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا»؛ وقتی حضرت سلیمان به صحرائی که تمام حیوانات آنجا بودند، وارد شد؛ هرکس برای حضرت سلیمان علیه السلام هدیه ای می برد. به مورچه گفتند چه هدیه ای برای حضرت می بری؟ گفت من هدیه ای ندارم، بال ملخی در دهان دارم آن را برای ایشان هدیه می برم. آنجا دارد:

أهدت سليمان يوم العرض نملته      تأتي برجل الجراد كان في فيها  
ترنمت بفصيح القول واعتذرت      إن الهدايا على مقدار مهديها

ما هم به اندازه ای که توان داشته باشیم، اندکی از فضیلت های ایشان را بیان می کنیم.

## امام حسن علیه السلام جزو اصحاب کساء

امام حسن علیه السلام از اصحاب کساء هستند که آیه تطهیر برای ایشان نازل شد. آیات متعددی در فضیلت اهل بیت به ویژه امام مجتبی علیه السلام وارد شده است؛ از جمله آیه شریفه **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**؛ خداوند متعال خواست که از شما اهل بیت علیهم السلام گناهان و آلودگی‌ها را پاک بسازد؛ این اراده خداوند است که از شما اهل بیت رجس و پلیدی و گناه را برطرف کند و شما را از تمام رجس و پلیدی پاک و منزّه کند.

وقتی این آیه نازل شد، در دفعات مختلفی اتفاق افتاد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، صدیقه طاهره علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام در کساء یمانی که برای آن حضرت آماده بود، جمع شدند. امام مجتبی علیه السلام عضو چهارم اصحاب کساء و آیه تطهیر بود. از این رو از کسانی است که خداوند او را پاک و مطهر کرده است. کسی که پاک و مطهر باشد، به یقین او امام و خلیفه خدا بر زمین است. یکی از اصحاب کساء امام مجتبی علیه السلام است. این مطلب را اهل سنت و شیعیان در موارد متعدد و مختلف نقل می‌کنند؛ از جمله در سنن ترمذی،<sup>۱</sup> در اسد الغابة<sup>۲</sup> و... این مطلب بیان شده است.

۱. احزاب، ۳۳. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

۲. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۶۱.

۳. ابن اثیر جزری، اسد الغابة، ج ۳، ص ۱۲؛ ج ۴، ص ۲۹.



## نزول آیه مباحله درباره اهل بیت

امام حسن مجتبی علیه السلام از کسانی هستند که آیه شریفه مباحله درباره ایشان نازل شده است. بعد از اینکه نصارای نجران نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند، هرچه پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها محاجه کرد، اثری نداشت تا اینکه پذیرفتند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آنان مباحله کند و آنها نیز با پیامبر خدا مباحله کنند. از خدا بخواهند که هر کدام حق هستند را به دیگری نشان دهد و کسی که ناحق است، به نفرین طرف مقابل گرفتار شود. این مطالب در تفاسیر نقل شده است.

آیه شریفه می فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۱</sup> بگو ای پیامبر ما فرزندان خود را می آوریم، شما نیز فرزندانتان را بیاورید؛ ما زنهای خود را می آوریم شما نیز زنانتان را بیاورید؛ ما انفس و جانمان را می آوریم، شما نیز جان خود را بیاورید. «ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» سپس به درگاه خداوند متعال ابتهال، تضرع و زاری می کنیم و لعنت خداوند را بر کسانی که دروغ گو هستند، قرار می دهیم.

قضیه رخ داد، روز بعد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرزندان عزیزش امام حسن و امام حسین علیهما السلام را که سن کمی داشتند، همراه خود به عنوان «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ» آورد.<sup>۲</sup>

۱. آل عمران، ۶۱. «به آنها بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

۲. ابوعلم، اهل بیت (الحسن بن علی)، ص ۲۶-۲۷.

این داستان در کتاب‌های تفسیری متعدد اهل سنت وجود دارد که یکی از کسانی که جزو آیه مباحله بود وجود مقدس امام مجتبی علیه السلام است. نفس پیامبر، وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام که سیده نساء عالمیان بود؛ یعنی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام نیز برای مباحله به همراه آنان بود.<sup>۱</sup>

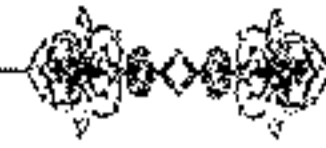
مسیحیان نجران وقتی دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندانش را آورده، فهمیدند که اگر ایشان حق نبود، راضی نمی‌شد که به وسیله نفرین ما فرزندانش از بین بروند؛ از این رو همه برگشتند و گفتند که حق با پیامبر صلی الله علیه و آله و دین مبین اسلام است؛ بنابراین امام حسن علیه السلام جزو آیه شریفه مباحله است.

### امام حسن علیه السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

جایگاه ارزشمندی در اسلام برای امام حسن مجتبی علیه السلام است. نوشتند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاقه فراوانی به ایشان داشت؛ زیرا نخستین نوه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان بسیار اظهار محبت و علاقه می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید: هنگامی که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، روزی امام مجتبی علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند، درحالی که سه یا چهار ساله بودند، خواستند او را از ایشان دور سازند؛ ولی امام حسن علیه السلام در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و پیامبر صلی الله علیه و آله عزیزکرده خویش را در آغوش گرفتند. سپس به من فرمود: وای بر تو ای انس! تو می‌خواهی امام مجتبی علیه السلام را از من دور

۱. سمرقندی، بحر العلوم، ج ۱، ص ۲۲۰؛ سمعانی، تفسیر، ج ۱، ص ۳۲۷؛ بغوی، معالم التنزیل، ج ۱،

ص ۳۱۰؛ فخر رازی، ج ۸، ص ۲۴۷؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۲، ص ۴۷.



کنی! بدان هرکس حسن را اذیت کند، من را اذیت کرده است. «مَنْ آذَى هَذَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»؛ هرکس با او مخالفت و دشمنی کند، با من دشمنی کرده؛ هرکس با من دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده و من او را کافر می دانم، در حد کفر با خداوند است.

از سوی دیگر امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار اظهار علاقه می کردند. نوشتند وقتی پیامبر خدا زنده بودند، امام حسن و امام حسین علیهما السلام به ایشان «یا اَبَّة» می گفتند. نمی گفتند «یا جَدَّة». بلکه آن حضرت را «اَبَّة» خطاب می کردند.<sup>۱</sup> ایشان را پدر خطاب می کردند؛ بنابراین آنان فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله هستند، باینکه از طرف مادر به پیامبر صلی الله علیه و آله می رسند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله را «یا اَبَّة» صدا می زدند. به پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین علیه السلام - هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود - «یا ابا الحسن» می گفتند.<sup>۲</sup> به امیرالمؤمنین علیه السلام «یا اَبَّة» نمی گفتند، احترام جد بزرگوارشان را حفظ می کردند. در تاریخ دارد بعد از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، به امیرالمؤمنین علیه السلام «یا اَبَّة» می گفتند.<sup>۳</sup> به پیامبر خدا چنان علاقه ای داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله در هر مناسبتی آنها

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۴۲-۴۳؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲. مفید، المزار، ص ۱۸۰؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۳؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۲؛ ابن مشهد، المزار الكبير، ص ۳۱، ۳۵.

۳. بحرانی، حلیة الابرار، ج ۴، ص ۱۷۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۱-۶۲.

۴. مفید، الاختصاص، ص ۲۳۸؛ بحرانی، حلیة الابرار، ج ۴، ص ۱۷۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵،

را به مردم معرفی می‌کرد و می‌فرمود: هر کس خدا را دوست داشته باشد، باید امام حسن مجتبی علیه السلام را دوست داشته باشد.<sup>۱</sup> محبتی که انسان به امام مجتبی علیه السلام دارد، آن محبت به محبت خداوند متعال می‌رسد. نمی‌شود گفت که ما موحدیم و مطیع امر خدا هستیم؛ اما محب امام مجتبی علیه السلام نیستیم. کسانی که این گونه‌اند، دروغ‌گو هستند. امروزه کسانی که می‌گویند ما محبت خدا را داریم، اما محبت امام مجتبی علیه السلام را ندارند، دروغ‌گو هستند؛ همان‌طور که پیامبر خدا فرمود: «مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»؛ محبت خدا مسیرش از محبت امام مجتبی علیه السلام است.

### امام حسن علیه السلام تربیت یافته وحی

درباره مکارم اخلاق حضرت مطلب بسیار زیاد است. جد بزرگوارشان فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»؛<sup>۲</sup> کسی که در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله تربیت شد، در خانه وحی تربیت یافت، امام مجتبی علیه السلام بود. تربیت شده در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی است؟ کسی که خداوند او را تأدیب کرده است. کسی که پیامبر خدا به او ادب یاد داد، کسی که در خانه پیامبر خدا و در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، مسلماً به آداب اسلامی و آداب الهی مؤدب می‌شود. مطالب مختلفی درباره مکارم اخلاق امام مجتبی علیه السلام نقل شده و به خاطر مکارم اخلاقی، ایشان محبوب مردم بود.

۱. بخاری، صحیح، ج ۷، ص ۵۵؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۷، ص ۱۳۰؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل

ابی طالب، ج ۳، ص ۳۸۱-۳۸۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ ج ۶۸، ص ۳۸۲.



### جلال و شکوه امام حسن علیه السلام

در آن زمان امام مجتبی علیه السلام را مردم چنان دوست داشتند که در تاریخ نوشتند وقتی امام مجتبی علیه السلام از خانه بیرون می نشستند، فرشی را کنار خانه می انداختند و کنار این فرش می نشستند و مردم وقتی وجود مبارک ایشان را می دیدند، از دیدن چهره مبارک و نورانی ایشان لذت می بردند. آن قدر ابهت، جلال و شکوه دارد که اصلاً در تاریخ نمونه ندارد. خوب معروف است که سادات طباطبایی که فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام هستند، بیشتر آنها ابهت خاصی دارند. امام مجتبی علیه السلام دارای جلال و شکوه بودند. نوشتند که جمعیت فراوانی جمع می شد که کوچه و خیابانها بسته می شد. مردم آن قدر محو تماشای جمال دلربای محبوب خدا می شدند که از خود بی خود می شدند تا اینکه امام بلند می شدند و به منزل می رفتند و مردم رد می شدند.<sup>۱</sup>

### پیاده رفتن امام حسن علیه السلام برای حج خانه خدا

نقل شده امام مجتبی علیه السلام بیشتر مواقع با پای پیاده به خانه خدا می رفتند. اتفاق نیفتاده که با مرکب به مکه رفته باشند. از مدینه با پای پیاده به مکه مشرف می شدند. نوشتند که در بعضی سفرها، حتی پای مبارکشان برهنه بود. چقدر محبوب خودشان - خدا - را می شناختند! به خدای متعال علاقه بسیاری داشتند که

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۷؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۱۲؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۸.

هر وقت می خواستند از مدینه به مکه بروند، با پای برهنه می رفتند و سوار مرکب نمی شدند.<sup>۱</sup> مردم وقتی وسط راه این وجود مبارک را می دیدند، از مرکبشان پیاده می شدند و با امام مجتبی علیه السلام به راه می افتادند؛<sup>۲</sup> تا اینکه عده‌ای نزد ایشان رفتند و گفتند که برای برخی از دوستان مشکل است با شما پیاده بیایند؛ وقتی شما پیاده می آید، شکوه و جلال شما به آنها اجازه نمی دهد سوار مرکب شوند. از این رو امام مجتبی علیه السلام گاهی مسیرش را تغییر می داد و از مسیری می رفت که مردم متوجه نشوند؛ بدین گونه راهش را جدا می کرد که از آنها جدا می شود.

مردم به امام حسن علیه السلام علاقه فراوانی داشتند. زهد، شجاعت، ادب و حلم ایشان مورد توجه مردم بود. چقدر مؤدب بودند؛ یعنی در تاریخ کسی را از نظر ادب مانند امام مجتبی و امام حسین علیه السلام پیدا نخواهیم کرد که چگونه جد بزرگوار، پدر عزیز و مادرشان اینها را مؤدب بار آورده بودند. اینها ادب خدایی بود.

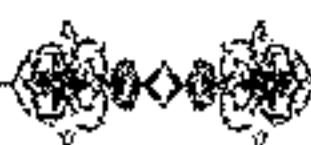
### آداب صحیح نصیحت و برخورد با دیگران

آن داستان را همه می دانید، واقعاً در تاریخ تکرار نشده که این دو بزرگوار طریقه وضو گرفتن صحیح را به پیرمردی که وضوی اشتباه گرفته بود، آموزش دادند. این

۱. صدوق، الامالی، ص ۱۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۹؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۳۱؛ ابن شهر آشوب،

مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۷، ۱۴؛ ابوعلم، اهل البیت (الحسن بن علی)، ص ۲۴.



پیرمرد از امت اسلام و مسلمان است، سالیان سال به همین منوال وضو می‌گیرد و وضوی ایشان باطل است. بسیاری از ما مسلمانان برخی از اعمالمان باطل است و به ارشاد و هدایت مردم توجه نمی‌کنیم. برخی در طول عمر غسل کرده، ولی نمی‌دانند غسلی که انجام داده، درست بوده یا غلط؛ باین حال از کسی نمی‌پرسند. افرادی را می‌بینیم که یک عمر آن عملش باطل بوده است. امام مجتبی و امام حسین علیهما السلام - در حالی که هر دو نوجوان بودند - وقتی دیدند که آن پیرمرد اشتباه وضو می‌گیرد، نزد او آمدند «فَقَالَا: أَيُّهَا الشَّيْخُ، كُنْ حَكَمًا بَيْنَنَا يَتَوَضَّأُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا»<sup>۱</sup> و به وی گفتند: هر کدام از ما وضو می‌گیریم و شما میان ما داوری کن. «فَتَوَضَّأْنَا؛ ثُمَّ قَالَا: أَيُّنَا يُحْسِنُ؟» پس وضو گرفتند و به پیرمرد گفتند: شما بگویید که وضوی کدام یک از ما بهتر است؟ من بهتر وضو می‌گیرم یا ایشان؟ نمی‌توانستند بگویند که وضوی شما باطل است. پس از آنکه وضو گرفتند، پیرمرد شرمنده شد و فهمید که وضوی آنان صحیح و درست است و وضوی خودش باطل است. «قَالَ: كِلَاكُمَا تُحْسِنَانِ الْوُضُوءَ»؛ پیرمرد به آنها گفت: هر دوی شما وضو را خوب می‌گیرید «وَلَكِنَّ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹. «عُيُونُ الْمُحَاسِنِ عَنِ الرَّوْيَانِيِّ: أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مَرَّ عَلَى شَيْخٍ يَتَوَضَّأُ وَلَا يُحْسِنُ فَأَخَذَا فِي التَّنَازُعِ يَقُولُ: كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْتَ لَا تُحْسِنُ الْوُضُوءَ، فَقَالَا: أَيُّهَا الشَّيْخُ كُنْ حَكَمًا بَيْنَنَا يَتَوَضَّأُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا؛ فَتَوَضَّأْنَا؛ ثُمَّ قَالَا: أَيُّنَا يُحْسِنُ؟ قَالَ: كِلَاكُمَا تُحْسِنَانِ الْوُضُوءَ وَلَكِنَّ هَذَا الشَّيْخَ الْجَاهِلَ هُوَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يُحْسِنُ، وَقَدْ تَعَلَّمَ الْآنَ مِنْكُمَا، وَتَابَ عَلَى يَدَيْكُمَا بِبِرِّكُمَا وَشَفَقَتِكُمَا عَلَى أُمَّةٍ جَدُّكُمَا».

هَذَا الشَّيْخَ الْجَاهِلَ هُوَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يُحْسِنُ؛<sup>۱</sup> اما این پیرمرد جاهل آن کسی است نتوانست وضو بگیرد و وضویش باطل است «وَقَدْ تَعَلَّمُ الْآنَ مِنْكُمْ وَتَابَ عَلَيَّ يَدَيْكُمْ»؛ اکنون من وضو را از شما یاد گرفتم و به دست شما دو بزرگوار توبه کردم.<sup>۲</sup>

ادب را ما باید از اینها یاد بگیریم، امر به معروف را باید از اینها یاد بگیریم، نهی از منکر را باید از اینها یاد بگیریم. اگر همین را ما به عنوان درس زندگی از امام مجتبی ع در خانواده، اجتماع و بازار پیاده کنیم، اثر بسیاری می‌گذارد. ما چقدر از ائمه ع دور هستیم؛ آنها چگونه ادب داشتند و ما چطور.

### جواب نیکی با نیکی یا بهتر از آن

در روایت داریم<sup>۳</sup> که یکی از کنیزان امام مجتبی ع دسته‌گلی به امام حسن ع تقدیم کرد، سپس امام ع به این کنیز فرمود: «أَنْتِ حُرَّةٌ لِرُوحِهِ اللَّهِ»؛ تو در راه خدا

۱. ابوعلم، اهل البيت (الحسن بن علی)، ص ۲۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۳. «قَالَ أَنَسٌ: حَيْثُ جَارِيَةٌ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِطَاقَةِ رَيْحَانٍ، فَقَالَ لَهَا: أَنْتِ حُرَّةٌ لِرُوحِهِ اللَّهِ. فَقُلْتُ لَهُ: فِي ذَلِكَ؟ فَقَالَ: أَدَبْنَا اللَّهُ تَعَالَى، فَقَالَ: إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا، الْآيَةَ، وَكَانَ أَحْسَنَ مِنْهَا إِعْتَاقُهَا».

۳. البته این روایت درباره امام حسین ع نیز وارد شده است. نکته‌اش اینجاست که بعضی گفتند علت اینکه بعضی از داستان‌های تاریخی امام حسن و امام حسین ع مانند هم است، چون آنها در دوران نوجوانی و جوانی بیشتر زندگانشان مانند یکدیگر بوده است؛ از این رو بسیاری از داستان‌هایی که برای امام حسن مجتبی ع بوده، ممکن بوده برای امام حسین ع نیز نقل شود یا برعکس، با همدیگر تفاوتی نداشته باشد.



آزاد هستی. «فَقُلْتُ لَهُ: فِي ذَلِكَ»؛ شخصی که آنجا بود به امام عرض کرد: این دسته گلی که به شما داده، ارزشی ندارد، پس از مدتی این گل‌ها پژمرده می‌شود و از بین می‌رود، شما او را آزاد کردید! فرمود: «فَقَالَ: أَدَبْنَا اللَّهَ تَعَالَى»؛ خدا ما را این‌گونه تربیت کرده است.

در آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «فَقَالَ: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾»؛<sup>۱</sup> اگر به شما تحیت دادند، و برای‌تان هدیه‌ای و کادویی آوردند، به عنوان هدیه، مثل آن یا بهتر از آن را به او برگردانید. ایشان دسته گل برای ما آورد، من نیز بهترین هدیه‌ای که می‌توانستم به او بدهم، آزادی ایشان در راه خدا بود «وَكَانَ أَحْسَنُ مِنْهَا إِعْتَاقُهَا». سپس فرمودند: «أَدَبْنَا اللَّهَ»؛ ادبی که خدا به ما یاد داد، این‌گونه است.

ما نیز از آیات و تفاسیر آنها باید یاد بگیریم: امام مجتبی ع به خاطر همین کارهایشان محبوب مردم بودند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»<sup>۲</sup>.

۱. نساء، ۸۶. «هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان‌گونه پاسخ گویند!».

۲. مریم، ۹۶. «مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.».

## عبادت امام حسن علیه السلام

آن حضرت از نظر عبادت، آن قدر به درگاه خداوند متعال تضرع و انابه و زاری داشتند و هنگامی که می خواستند وضو بگیرند، تمام بدنشان می لرزید و اشک می ریختند و گریه می کردند که می خواهند وضو بگیرند. وقتی می خواستند وارد مسجد شوند، آن طور می گفتند: «إِلَهِي ضَيْفُكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ السُّمِّيُّ»<sup>۱</sup>؛ و خودشان را در پیشگاه خداوند می دیدند و گریه و انابه داشتند.

شخصی نزد امام مجتبی علیه السلام آمد و به ایشان گفت شما خیلی گریه و زاری می کنید. می ترسم بر شما! می ترسم که خودت را از دست بدهید. از سویی شما فرزند پیامبر خدا هستید و جد بزرگوارتان پیامبر صلی الله علیه و آله است! چرا شما گریه می کنید؟ از سوی دیگر، خداوند شفاعت دارد و پیامبر خدا شفیع است، مگر رحمت واسعة الهی را نمی بینید. خداوند رحیم است. این رحمت واسعة الهی شامل حال شما خواهد شد. چرا شما به درگاه خداوند گریه و انابه دارید؟! چرا شب زنده داری دارید؟! برای چه این همه ناراحت هستید؟

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹؛ ابوعلم، اهل البیت (الحسن بن علی)، ص ۲۳-۲۴. «إِنَّ السَّحْسَنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ ارْتَعَدَتْ مَفَاصِلُهُ، وَاصْفَرَ لَوْنُهُ، فَقِيلَ لَهُ: فِي ذَلِكَ؟ فَقَالَ: حَقٌّ عَلَى كُلِّ مَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَرْشِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ، وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ، وَكَانَ علیه السلام إِذَا بَلَغَ بَابَ الْمَسْجِدِ رَفَعَ رَأْسَهُ وَيَقُولُ: إِلَهِي ضَيْفُكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ السُّمِّيُّ فَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمٌ».

حضرت فرمود: اما اینکه می گویند من پسر رسول خدا هستم، خداوند می فرماید: **فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ**<sup>۱</sup>؛ در روز قیامت همه نسب‌ها از بین می رود. نمی گویند فلانی پسر کیست، یا پدرش کیست، برادرش کیست، قدرتش در دنیا چه بوده، رئیس بوده یا مدیر بود، همه این انساب از بین می رود. وقتی که روز قیامت نسبی در کار نباشد، آیا من گریه نکنم؟!

درست است که شفاعت وجود دارد، ولی از آن سو قرآن می فرماید: **إِنَّ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ**<sup>۲</sup>؛ شفاعت باید به اذن خدا باشد. آیا خداوند اجازه می دهد کسی شفاعت من را بکند؟! این است که می ترسم و گریه می کنم.

اما اینکه رحمت خدا واسعه است، شکی نیست. ولی از سوی دیگر می فرماید: **إِنَّمَا يَتَّقُوا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ**<sup>۳</sup>؛ ما شفاعت و رحمت خود را برای کسانی قرار می دهیم که اهل تقوا باشند. رحمت خدا به انسان‌های متقی می رسد. حال من متقی هستم یا متقی نیستم، به این دلیل گریه می کنم و ناراحت هستم.<sup>۴</sup>

۱. مؤمنون، ۱۰۱. «هنگامی که در صور دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود».

۲. بقره، ۲۵۵. «کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟».

۳. اعراف، ۱۵۶. «و رحمت خود را را برای آنها که تقوا پیشه کنند، مقرر خواهم داشت».

۴. ابوعلم، اهل البیت (الحسن بن علی)، ص ۲۲.

رفتار، کردار و همه زندگی آن حضرت برای ما درس است. با همه این فضایل، مناقب و مکارم اخلاق حضرت مظلوم هستند؛ از این رو ما باید به ولادت آن حضرت شکوه و عظمت بیشتری بدهیم. ان شاء الله خداوند عیدی ما را فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار بدهد.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.<sup>۱</sup>

آیاتی را که با ظهور حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام ارتباط دارد، بیان کردیم و گفتیم که بعضی از علمای بزرگوار ما، با استفاده از روایات صحیحی که در تفاسیر گوناگون و در منابع روایی داریم، بیش از ۲۵۰ آیه را به طور مستقیم درباره امام زمان - ارواح العالمین له الفداء - بیان کرده‌اند.

---

۱. بقره، ۱۴۸. «در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.»

یکی از موالیان و دوستان حضرت می گوید: «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا السَّحْسَنِ رضی الله عنه؛ از امام رضا رضی الله عنه پرسیدم: «عَنْ قَوْلِهِ: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»؛ ما درک درستی از این آیه نداریم، منظور از این آیه که خداوند می فرماید: شما هر جا باشید، همه را یکجا جمع می کند، چیست؟ حضرت فرمود: «وَذَلِكَ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ»؛ قسم به خداوند هنگامی که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور می کند، خداوند همه شیعیان را از همه سرزمین ها جمع می کند، در هر نقطه ای اگر شیعه خالصی وجود دارد، او را در زمان ظهور حضرت جمع می کند و در مکان مقدسی قرار می دهد.

### اولین بیعت کنندگان با امام زمان عجل الله فرجه

این روایت به طور اجمال به قیام امام عصر رضی الله عنه و جمع شدن شیعیان اشاره دارد. در روایات دیگر نیز به طور مفصل بیان شده که برخی را پیش تر گفتیم؛ ولی یک روایت در مورد همین آیه شریفه نقل شده که لازم است دوباره آن روایت را توضیح دهیم. پیش تر در ارتباط با آیه شریفه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ»<sup>۱</sup> بیان کردیم. ابی خالد کابلی در خصوص آیه شریفه: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۲</sup> روایتی را از امام باقر رضی الله عنه نقل می کند.<sup>۳</sup>

۱. نمل، ۶۲. «کیست که دعای مضطر را اجابت می کند».

۲. بقره، ۱۴۸.

۳. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۰۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ آیت الله العظمی صافی

گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۶-۵، ح ۹۱۲. «عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاثِلِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ رضی الله عنه:

«عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِبِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «كَهْ حَضْرَتِ فَرْمُودَنْدِ: «وَاللّٰهُ لَكَانِي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ»؛ بِه خدَا قِسْمِ گُویَا چِهْرَهٗ مَبَارَكِ حَضْرَتِ مَهْدِي رَا مِی بِنِیْمِ. «وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ»؛ وَ دِرْحَالِي كِه بِه حَجْرِ الْاَسْوَدِ دِر خَانَهٗ خدَاوَنْدِ تَكِيه دَادَهٗ اِسْتِ. «ثُمَّ يَنْشُدُ اللّٰهُ حَقَّهُ»؛ خدَاوَنْدِ رَا بِه حَقِّ خُودَشِ سُوگَنْدِ مِی دِهْدِ، خدَايَا! بِه حَقِّي كِه بِرِ تُو دَارَمِ، (مَا اِهْلِ بَيْتِ بِرِ تُو حَقِّي دَارِيْمِ) فِرْجَمِ رَا نَزْدِيكِ بَگَرْدَانِ! حَدِيثِ مَفْصَلِ اِسْتِ تَا اَيْنَكِه اِمَامِ بَاقِر عليه السلام مِی فَرْمَايْدِ: «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: هُوَ وَاللّٰهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللّٰهِ فِي قَوْلِهِ»؛ اِمَامِ زَمَانِ هِمَانِ مُضْطَرِّ وَاقَعِي دِر كِتَابِ خدَاوَنْدِ اِسْتِ كِه مِی فَرْمَايْدِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ <sup>۱</sup> تَنهَا كَسِي كِه خدَاوَنْدِ جَوَابِ اُو رَا مِی دِهْدِ، مُضْطَرِّ وَاقَعِي اِسْتِ كِه خدَاوَنْدِ دَعَايِشِ رَا اِجَابْتِ مِی كَنْدِ.

اِمَامِ بَاقِر عليه السلام مِی فَرْمَايْدِ: «هُوَ وَاللّٰهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللّٰهِ». دَعَايِ مُضْطَرِّ هِمِ مُسْتَجَابِ اِسْتِ. كَسِي كِه دِر حَالْتِ اِضْطِرَارِ دَعَا كَنْدِ، بِه طُورِ قَطْعِ خدَا دَعَايِ اُو رَا

وَاللّٰهُ لَكَانِي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللّٰهُ حَقَّهُ...؛ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: هُوَ وَاللّٰهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللّٰهِ فِي قَوْلِهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»؛ فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ، ثُمَّ الثَّلَاثُمِائَةِ وَالثَّلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، فَمَنْ كَانَ ابْتِئَاءً بِالسَّمْسِيرِ وَآفَاءً، وَمَنْ لَمْ يُبْتَلِ بِالسَّمْسِيرِ فَقَدْ عَن فِرَاشِهِ، وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْمَفْقُودُونَ عَن فُرُشِهِمْ؛ وَذَلِكَ قَوْلُ اللّٰهِ: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللّٰهُ جَمِيعًا». قَالَ: الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ».

به هدف استجابت می‌رساند. در این هنگام است که اجابت دعوت می‌شود. «فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ»؛ جبرئیل از سوی خدا خدمت امام زمان عجلت می‌آید و با ایشان بیعت می‌کند. نخستین کسی که با حضرت بیعت می‌کند، این فرشته وحی الهی است. «ثُمَّ الثَّلَاثَاةُ وَالثَّلَاثَاةُ عَشَرَ رَجُلًا»؛ سپس ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص امام زمان عجلت با ایشان بیعت می‌کنند.

«فَمَنْ كَانَ ابْتِئَاءً بِالْمَسِيرِ وَآفَاهُ»؛ کسانی که گرفتار راه باشند؛ یعنی در بین راه هستند و دارند به طرف مکه معظمه می‌آیند. به سوی مکه رهسپار می‌شوند و خودشان را با هر وسیله یا هر مرکبی که دارند، پیاده یا سواره، به حضرت می‌رسانند.

### منظور از «المفقودون عن فرشهم»

«وَمَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ عَن فِرَاشِهِ»؛ کسانی که مبتلای به مسیر نیستند؛ یعنی در راه نیستند، بلکه در خانه هستند و برخی هم که خواب هستند، وقتی ندای آسمانی ولایت را می‌شنوند، «فُقِدَ عَن فِرَاشِهِ»، از فراش خودشان مفقود می‌شوند؛ یعنی از محل خوابشان بلند می‌شوند و بلافاصله به مکه معظمه می‌رسند.

بعد امام باقر ع می‌فرماید: این سخن امیرالمؤمنین ع است؛ «وَهُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: هُمُ الْمَفْقُودُونَ عَن فُرُشِهِمْ»؛ آنها کسانی هستند که از فرش‌هایشان و محل خوابشان مفقود شدند، همسر و فرزندان‌شان صبح نگاه می‌کنند، می‌بینند که در رختخواب نیستند. در روایات می‌خوانیم که عده‌ای از اصحاب حضرت



خانم‌ها هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید اینها کسانی هستند که «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ»؛ از فرش‌ها و محل خواب خود مفقود می‌شوند. کجا رفتند؟ بعد می‌فهمند که به مکه معظمه خدمت امام زمان علیه السلام رفته‌اند.

### منظور از سبقت گرفتن در خیرات

«وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ»؛ سپس امام باقر علیه السلام می‌فرماید: این همان قول خداوند است که می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»؛ آنان برای رسیدن به امام زمان علیه السلام مسابقه می‌دهند که زودتر برسند و به ندای آسمانی امام زمان علیه السلام لبیک بگویند. بعد می‌فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا»؛ هر جا باشید؛ در خانه‌ها باشید، در فراشتان باشید، در راه باشید، در مسیر یا غیرمسیر باشید؛ شما ۳۱۳ نفر و بعد اصحاب دیگر که در روایت داریم، خدا همه شما را نزد امام زمان علیه السلام در مکه معظمه جمع می‌کند.

از ارتباط این آیه شریفه با این روایت استفاده می‌کنیم که «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ» آنها کسانی هستند که در خانه بودند و ندای امام زمان علیه السلام را لبیک گفتند و در طول زندگی به ولایت جواب مثبت دادند. «قَالَ: الْخَيْرَاتُ الْوِلَايَةُ»؛ آنها کسانی بودند که در طول زندگیشان منتظر واقعی امام زمان علیه السلام بودند، اینک صدای محبوبشان را شنیدند؛ چه ندایی بهتر از صدای محبوبشان که به طرف این صدا بروند! دیگر همه را رها می‌کنند، هرچه دارند رها می‌کنند و خدمت امام زمان علیه السلام می‌آیند.

## شروع قیام امام زمان عجلتعالیه از بین رکن و مقام

این مباحث در روایات دیگر بیشتر توضیح داده شده است. روایتی مفصل که با این آیه شریفه در ارتباط است در تفسیر عیاشی نقل گردیده است.<sup>۱</sup>

«فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ»؛ حدیث بسیار مفصل است. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع»؛ برخی از اصحاب خدمت امام باقر ع بودند، «سَأَقَ الْكَلَامَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ»؛ کلام طولانی شد تا حضرت چنین فرمودند؛ داشتند صحبت می کردند، سپس فرمودند: «فَيَقُومُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»؛ امام مهدی ع میان رکن و مقام در خانه خدا می ایستند. «فَيُصَلِّي وَيُنْصَرِفُ وَمَعَهُ وَزِيرُهُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ»؛ بعد از اینکه نماز می خوانند، برمی گردند و به مردم رو می کنند؛ درحالی که وزیر حضرت هم همراه اوست. به همه مردم خطاب می کند و صدای مبارکشان را می شنوند. «إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا»؛ حضرت نخست بیان می کند که چقدر به ایشان ظلم

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۵؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۸-۲۹.

ح ۳۵۰. «فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع... سَأَقَ الْكَلَامَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ: ... فَيَقُومُ الْقَائِمُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيُصَلِّي وَيُنْصَرِفُ وَمَعَهُ وَزِيرُهُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا ... إِنَّا نَشْهَدُ وَكُلُّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ أَنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَطَرِدْنَا وَبُعِغِي عَلَيْنَا وَأُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَمْوَالِنَا وَأَهَالِينَا وَقُهِرْنَا؛ أَلَا إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَكُلُّ مُسْلِمٍ، وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثِيَّةً وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

شده است. در این مدت طولانی که از رسالت پیامبر اسلام ﷺ گذشته است، مردم به غیر از ظلم و ستم بر فرزندان پیامبر ﷺ، کاری نکردند. از این رو حضرت نخست وضعیت مردمی را که این همه ناخلف و ناسپاس بودند، بیان می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَنَا»؛ ما از خدا یاری می‌جوئیم در برابر کسانی که به ما ظلم کردند. خداوند یار و یاور ماست در برابر کسانی که به ما ظلم کردند «وَسَلَبَ حَقَّنَا»؛ و حق ما را گرفتند و سال‌ها حقوق واقعی اهل بیت ﷺ را سلب کردند.

سپس می‌فرماید: «إِنَّا نَشْهَدُ وَكُلُّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ»؛ شهادت می‌دهیم و همه مسلمانان امروز بدانند «أَنَا قَدْ ظَلِمْنَا وَطُرِدْنَا»؛ در این ایام به ما ظلم شده و مظلوم واقع شدیم و ما را طرد کردند. مردم ما را کنار گذاشتند و از شهرها و سرزمین مقدسمان دور کردند. همان‌گونه که می‌دانید، ائمه معصومین ﷺ را از مکه و مدینه جدا کردند «وَبَغِي عَلَيْنَا»؛ بعد از سال‌ها و قرن‌ها در حق ما جفا کردند، با ما این‌گونه رفتار کردند. همه درددلی است که امام زمان ﷺ دارند. درحقیقت امروزه باید به این درددل توجه داشته باشیم، «وَأَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا»؛ ما از شهرهای خودمان خارج شدیم، ما را بیرون راندند و تبعید کردند و نگذاشتند در جایگاه خودمان بمانیم «وَأَمْوَالِنَا وَأَهَالِنَا»؛ و اموال ما را گرفتند و اهل و عیال ما را از مکان‌های شان دور کردند؛ عده‌ای را تبعید کردند و عده‌ای را زندانی نمودند. «وَقُهِرْنَا»؛ و در ظاهر آنها بر ما پیروز شدند و ما مغلوب شدیم. سال‌ها به امامان ظلم شده، نه تنها به

آنها ظلم شده؛ بلکه به عالم بشریت ظلم شده که بیش از چهارده قرن یا بیشتر (ما نمی دانیم ظهور حضرت چه زمانی است) است که مردم از حقایق عالی و معارف صحیح و ناب اسلامی محروم شدند. از حکومت واحد جهانی اهل بیت علیهم السلام محروم شدند. «أَلَا إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَكُلُّ مُسْلِمٍ؛ ما مسلمانان امروز از خداوند متعال طلب یاری می کنیم که به دادمان برسد. امروزه خدای متعال یار و یاور ماست.

### تعداد یاران امام زمان علیه السلام هنگام ظهور

سپس می فرماید (پس از اینکه امام باقر علیه السلام این مطالب را بیان می کند، توضیح می دهد): در این هنگام که حضرت درددل می کند و غصه هایش را بیان می کند، خودش تنهاست. به خانه خدا تکیه داده، ناگهان بعد از این درددل ها و استمدادی که از خداوند متعال دارد، «وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا»؛ قسم به خدا که در این هنگام حدود ۳۱۳ نفر می آیند «بِضْعَةَ»؛ چندتا، یعنی سیصد و اندی. حدود سیصد و چند نفر از مردم نزد حضرت می آیند. «فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً»؛ پنجاه نفر از آنها بانوان مسلمانانند که اینها هم در رکاب امام زمان علیه السلام هستند. «يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ»؛ همه در مکه جمع می شوند خدمت حضرت که در این هنگام حضرت غصه دار بود و ناله و تضرع می کرد. پیش تر در روایتی بیان شد که آن قدر حضرت در این مکان مقدس تضرع می کند که از شدت ناراحتی و شدت انابه و گریه ای

که به درگاه خداوند می‌نمایند، بر زمین می‌افتند.<sup>۱</sup> خدا نیز ایشان را از این مشکلات نجات می‌دهد. بالاخره خداوند وعده داده بود که امت اسلامی را از این همه ناراحتی‌ها و مشکلات نجات می‌دهد.

### چگونگی اجتماع یاران امام زمان علیه السلام در مکه

«عَلَى غَيْرِ مِعَادٍ»؛ با همدیگر قبلاً پیش‌بینی نکرده بودند که حالا بگویند من بروم یا تو بروی، یکدیگر را نمی‌شناسند. برخی از این ۳۱۳ نفر اصلاً همدیگر را نمی‌شناسند که اکنون جزو سربازان امام زمان علیه السلام هستیم یا نیستیم. می‌فرماید: «يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِعَادٍ»؛ یعنی بدون پیش‌بینی قبلی نزد امام زمان علیه السلام جمع می‌شوند و در خدمت حضرت هستند. «قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ»؛ مانند ابر اینها می‌آیند. همان‌گونه که ابر پراکنده می‌شود و مانند ابر پاییزی هنگامی که نزدیک زمستان است، این ابرهای بارانی پراکنده می‌شوند و با همدیگر جمع می‌شوند و در همدیگر فرو می‌روند و به طرف خاصی که مأموریت دارند، یاران امام زمان علیه السلام هم مانند ابر خدمت امام زمان علیه السلام می‌رسند. «يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا»؛ پشت سر یکدیگر می‌آیند؛ دسته‌ای از قم می‌آیند، گروهی از شهرهای دیگر مانند تهران، مشهد و... می‌آیند. در روایات گفته شد که بعضی از آنها راه می‌افتند

۱. حسینی استرآبادی، تأویل الآیات، ص ۳۹۹؛ مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۵۸۲؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹.



— ان شاء الله جزو آنان باشیم — اگر جزو ۳۱۳ نفر نباشیم، دست کم جزو ده هزار نفری که در این روایت می فرماید، باشیم.

سپس می فرماید: «وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ»: امام باقر ع می فرماید: و این تفسیر آن آیه ای است که خداوند می فرماید: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»: اینکه ما گفتیم قم و تهران، برای مثال است، و گرنه شیعیان مخلص امیرالمؤمنین ع جاهایی هستند که ما آنها را نمی شناسیم، شهرهایی هستند که نه ما می شناسیم، نه شما؛ آنجا زندگی می کنند و وضعیتشان شاید سخت باشد؛ از نظر مالی، از نظر ظاهری در سختی هستند، اما دست از ایمانشان بر نمی دارند. مانند کوهی استوار هستند. اینها ایمانشان مانند آن کوهی است که بادهای نمی توانند این کوهها را از جا برکنند. مسلمان واقعی و شیعیان امیرالمؤمنین ع نیز در برابر این بادهای و ظواهر دنیا، مشکلات دنیا، ظلم و ستمی که می شود، مانند کوه پابرجا هستند تا خدمت حضرت برسند.

بعد امام باقر ع این آیه را خواندند که این حدیث در ارتباط با این آیه شریفه است که می فرماید: «وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ»: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»: هر

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ ج ۲، ص ۳۷۸؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۸۳؛ طبرسی، اعلام

الوری، ج ۲، ص ۲۴۳، ۲۸۸، ۲۹۲.

۲. بقره، ۱۴۸. «هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و

بد، در روز رستاخیز) حاضر می کند».



کجا باشید خداوند در این هنگام شما را خدمت امام زمان علیه السلام می آورد و محضر مبارکشان را درک می کنید و به ذخیره الهی (امام زمان) لبتک می گوید. خداوند او را برای چنین روزی نگه داشته است. انبیای الهی منتظر ایشان بودند. عیسی مسیح برای عرض ادب و تشریف خدمت امام زمان علیه السلام از آسمان نزول پیدا می کند. خضر علیه السلام که طبق آیات قرآن، معلم حضرت موسی علیه السلام است،<sup>۱</sup> نیز به امام زمان علیه السلام عرض ادب می کنند.<sup>۲</sup> آنها فرماندهان لشکر بزرگ امام زمان علیه السلام هستند. روایات بسیاری در خصوص این آیه شریفه است که اینها را اگر خواستید، در کتاب *کمال الدین صدوق* علیه السلام و در کتاب *منتخب الاثر* می توانید مطالعه کنید.

### مراتب و درجات یاران امام زمان علیه السلام

روایت دیگری درباره کسانی که خدمت امام زمان علیه السلام می رسند، نقل شده که چند دسته هستند و هر کدام از نظر مقام و فضیلت از دیگری برتر است. آنها نیز دارای مراتب و درجاتی هستند، همه ۳۱۳ نفر که در یک مرتبه نیستند، مانند اصحاب خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مانند اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام، یاران امام

۱. کشف، ۶۵-۶۶.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۱؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۷۴؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.



زمان عنه نیز درجاتشان فرق می‌کند. یکی سلمان می‌شود، یکی ابوذر می‌شود، یکی مقداد می‌شود، یکی عمار می‌شود، اینها از نظر مراتب همه با هم فرق دارند.

### استشهاد اهل بیت علیهم السلام به آیات قرآن

روایت از مفضل نقل شده است.<sup>۱</sup> می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت این آیه شریفه را قرائت فرمودند: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»؛ شیوه بحث امامان معصوم علیهم السلام این گونه بوده، همیشه آیات قرآن به‌ویژه آیاتی را که در مردم اثرگذار بود برای مردم می‌خواندند. حضرت نیز آیات اثرگذار را در مجلس می‌خواندند؛ برای اینکه مردم را برای ظهور موفورالسرور حضرت آماده کنند؛ زیرا امام زمان عنه خواهد آمد و غیبتی دارد. از سوی دیگر، مهم‌تر از این، به مردم امید دهند وضعیتی که شما دارید، باقی نخواهد ماند. ظلم بنی‌امیه و ظلم بنی‌عباس به ائمه معصومین علیهم السلام، از بین رفتنی است؛ از این رو اهل بیت علیهم السلام از راه‌های گوناگون این آیات را برای شیعیان می‌خواندند که به آنها نشاط و امید بدهند و منتظر چنین روزی باشند.

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۲. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُفْتَقِدِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام، قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»؛ إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ، وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ يُعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَنَسَبِهِ. قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا؟ قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا».



### چگونگی رفتن یاران امام زمان علیه السلام به مکه

مفضل می گوید: بعد از اینکه امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را خواندند، فرمودند: «لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُفْتَقِدِينَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام»؛ این آیه درباره کسانی از اصحاب قائم علیه السلام که مفقود هستند، نازل شده است؛ یعنی کسانی که ناگهان مفقود می شوند و کسی نمی داند کجا رفتند؟! بعد آیه را می خوانند: «قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»؛ و می فرمایند: «إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا»؛ اصحاب حضرت، چه مرد و چه زن، از جایگاه و از مکانی که شب در آنجا استراحت می کردند، مفقود می شوند. از فرش های خود به صورت ناگهانی مفقود می شوند، بدون اینکه کسی آنها را ببیند که کجا رفتند؟! «إِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا»؛ شب هنگام همه آنها می روند «فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ»؛ و اینها صبح می کنند در مکه، شب از رختخواب هایشان بیرون می روند و صبح در مکه، خدمت امام زمان علیه السلام می رسند. عده ای این گونه از جایگاهشان مفقود می شوند.

«وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ»؛ برخی دیگر نیز روز می آیند؛ اما اینها با ابرهای آسمانی می آیند. گویا ابرها مأمور هستند که آنها را سوار کنند و راه می افتند تا به مکه می رسند. البته امروز اینها برای ما راحت است، آن زمان شاید برای بعضی ها مشکل بود، مگر می شود روی ابر راه رفت! امروز هواپیما از روی ابر می رود؛ حتی بالاتر از ابرها ماهواره های بزرگی که تمام جهان را به راحتی می گردند؛ اما نه اینکه در زمان امام زمان علیه السلام با این وسیله ها برویم، آن دست اعجازی که ایشان

دارد و خدا می خواهد همین جسمها و بدنها را از روی ابرها می برد تا به مکه برسند و به وسیله ابرها خدمت حضرت می رسند.

### مشخص بودن نام، اوصاف و خاندان یاران امام زمان عجل الله فرجه

«يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ»؛ اسم اینها معلوم است که چه کسانی هستند؟ آنها را می شناسند، مثلاً محمد پسر حسن؛ همچنین پدرانشان را می شناسند. شمایل و صفاتشان نزد مردم روشن است. اینها دارای چه ویژگی هایی بودند، وضعیت شان چگونه بود؟ شغلشان چه بود؟ همه اینها معلوم است. «وَنَسَبِهِ»؛ و نسب خانوادگی آنان مشخص است.

### برتری ایمان یارانی که در روز به وسیله ابر به مکه می رسند

سپس مفضل می گوید به امام جعفر صادق ع عرض کردم: «قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيْمَانًا؟»؛ جانم فدایتان باشد، ایمان کدام یک عظیم تر و محکم تر است؟ کسانی که در مسیرند و شب به طرف مکه می روند و خدمت حضرت می رسند یا عده ای که در فراش و محل خواب و استراحتگاهشان هستند و ناگهان مفقود می شوند و خدمت امام زمان عجل الله فرجه می رسند و گروهی نیز به وسیله ابرها خدمت امام زمان عجل الله فرجه می روند. وقتی این مطالب را از امام ع می شنوند، تعجب می کنند. «قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيْمَانًا؟»؛ ایمان کدام یک از اینها قوی تر است؟ «قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا»؛ فرمود: کسانی که خداوند آنان را به

وسیله ابر می‌برد و مرکبشان ابر است، ایمان، مقام و عظمتشان نزد خداوند بیشتر است. اینکه اینها چه کسانی هستند و وضعیت چگونه می‌شود، منقولات است ما فقط باید از روایات مأثوره استفاده کنیم؛ وگرنه تاکنون چنین حادثه‌ای رخ نداده که بگوییم مانند سابق همان‌طور که مثلاً امام دیگری این چنین ظهور کرده بودند. نه، چنین امامی تاکنون ظهور نکرده و چنین برنامه‌ای با این کیفیت بسیار عظیم برای هیچ کس رخ نداده است، بنابراین باید از روایات استفاده کنیم و این آیات شریفه را از روایاتی که قبول داریم و سندش صحیح است، استنباط کنیم. وضعیت بسیار عجیب و حادثه بسیار مهمی است که در عالم رخ خواهد داد و نظیر نخواهد داشت. ان شاء الله آن زمان را درک کنیم و ببینیم.

### زنده شدن برخی شیعیان هنگام ظهور

روایت‌های دیگری نیز در این باره داریم که برخی از اصحاب امام زمان هنگام ظهور زنده نیستند. مأموران حضرت سر قبر آنها می‌آیند و آنان را زنده می‌کنند و خدمت امام زمان عجل الله فرجه می‌برند. چنین وضعیتی رخ می‌دهد و این هم روشن است و از نظر عقلی باید این‌گونه باشد؛ یعنی اینکه جهان همیشه به سوی ظلم نمی‌رود؛ چراکه مردم خسته می‌شوند. آنها به مصلح جهانی احتیاج دارند. شما ببینید به سمت غرب می‌روند، به سمت شرق می‌روند، به هر سو که آنها را اذیت

۱. طوسی، الغیبه، ص ۴۵۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹-۹۲.



می‌کنند. این همه مجامع حقوقی بین‌المللی درست شده، ولی از مظلوم دفاع نمی‌کنند؛ بلکه همه اینها از ظالم و ستمگر دفاع می‌کنند. ستمگر و ظالم وضعیت بسیار خوبی دارد، ولی عده‌ای مظلوم و ناراحت هستند و غصه دارند.

### از بین رفتن دوسوم جمعیت جهان مقارن ظهور

روایت داریم که وقتی حضرت ظهور می‌کند، دوسوم جمعیت جهان از بین خواهد رفت؛<sup>۱</sup> عده‌ای پدرانشان را از دست دادند، عده‌ای عزیز کرده‌هایشان را از دست دادند، در دنیا ناله‌ها بلند می‌شود، همه داد می‌زنند خدایا آن مصلحی را که قرار است بیاید و ما را از این وضعیت و از این ظلم و ستم نجات بدهد، او را بفرست. همه برای آمدن مصلح جهانی آماده هستند.

محمد بن مسلم و ابی‌بصیر از شخصی نقل کرده‌اند که از امام صادق ع شنیدیم که می‌گوید ممکن است دوسوم جهان از بین برود! پس چه کسی باقی می‌ماند؟ امام ع فرمود: آیا تو نمی‌خواهی در میان یک‌سوم باقی‌مانده باشی؟<sup>۲</sup> آن دوسوم از بین می‌روند. آنها مظلومانه از بین می‌روند؛ آنها پیش خدا مأجورند. این‌گونه نیست که هر مظلومی که از دنیا برود، اجر نداشته باشد؛ بسیاری از کسانی که با ولایت امیرالمؤمنین ع از دنیا رفتند، اجر دارند. حضرت می‌فرماید:

۱. ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۱۲۸.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۵-۶۵۶.

آیا نمی خواهی بین آن یکسوم باقی مانده باشی؟<sup>۱</sup> آن زمان یکسومی که باقی می ماند، به وسیله وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه جهان را پر از عدل و داد می کند و آسایش و آرامش همه جهان را فرا می گیرد. این است که جا دارد برای فرج امام زمان عجل الله فرجه هر شب و روز دعا کنیم و هر شب دعای افتتاح را بخوانیم. ان شاء الله جزو یاوران خاص آن حضرت باشیم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ واجعلنا من أعوانه وأنصاره.

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.

---

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۶؛ طوسی، الغیبة، ص ۳۳۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲،



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ  
الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا  
يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ  
وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ<sup>١</sup>

١. نور، ٣٥. «خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغ دانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند به هر چیزی دانا است.»

از آیاتی که ارتباط بسیار زیادی با وجود مقدس امام زمان - روحی و ارواح العالمین له الفداء - دارد، آیه سی و پنجم سوره نور است. البته نه تنها درباره امام زمان علیه السلام است؛ بلکه ارتباط زیادی با ائمه معصومین علیهم السلام و شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد. روایات زیادی داریم که این آیه در مورد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر شده است.

### ترجمه آیه شریفه نور

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ خداوند نور آسمانها و زمین است. در بحث نور ما وارد نمی شویم؛ زیرا بحث ما درباره امام زمان علیه السلام است؛ و گرنه برای نور در این آیه معانی گوناگونی ذکر کردند. از امام علیه السلام سؤال می کنند که نور در این آیه شریفه به چه معناست؟ امام می فرماید به معنای هادی است؛ یعنی هدایت کننده و معانی دیگری هم ذکر شده است.

﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ﴾؛ مثل نور خداوند مانند مشکات است. اگر بخواهند نور خداوند را برای مردم تمثیل بکنند و مانند آن را نشان بدهند، مثل نور خداوند مانند مشکات است. مشکات در زبان فارسی به معنای چراغدان یا معنای امروزی آن، به معنای لوستر است که در این لوستر چراغهای گوناگونی هم وجود دارد. مثل نور خداوند مانند مشکات است. مشکات همان چراغدانی است که پرنور است.

﴿فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾؛ در این چراغدان مصباح واقع شده و چراغ بسیار نورانی در

میان این لوستر و این چراغدان قرار دارد.

﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾؛ این چراغ پرنور در میان زجاجه است. زجاجه به معنای شیشه است؛ مانند چراغ‌های معمولی که دور آن حبابی است و درون آن حباب، چراغ دیگری واقع شده است. خود این چراغ در زجاجه، در شیشه‌ای است که این شیشه صاف، روشن و شفاف است.

﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾؛ زجاجه همانند کوكب و ستاره‌ای درخشان است. ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾؛ نور این چراغی که این همه نور دارد و برافروخته می‌شود، از شجره و درختی مبارکی است. این درخت مبارک شجره مبارکه زیتونه نام دارد.

همان‌گونه که می‌دانید، درخت زیتون از درخت‌هایی است که روغن دارد؛ یعنی دانه‌های این زیتون دارای روغن است و زمان قدیم با روغن چراغ را روشن می‌کردند. ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾؛ این چراغ از درخت مبارکه زیتونه برافروخته می‌شود. ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾؛ این درخت نه شرقی و نه غربی است.

برخی معنای ﴿لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ را چنین معنا کرده‌اند که این درخت دانه‌هایش به گونه‌ای واقع نشده که وقتی آفتاب بر آن می‌تابد، اگر به یک سویش رو کند، همه‌اش شرقی بشود یا اگر به طرف دیگرش رو کند، غربی بشود؛ یعنی یک سوی این دانه یا یک سوی این درخت آفتاب خورده باشد و طرف دیگرش آفتاب نخورده باشد؛ در وسط بیابان یا میان باغی قرار گرفته که آفتاب از همه طرف بر آن می‌تابد. این‌گونه نیست که یک طرفش زیر سایه واقع شده باشد و



آفتاب کمتر به او خورده باشد و طرف دیگرش آفتاب بیشتر بخورد؛ بنابراین می فرماید روغن درخت مبارک زیتون این همه استفاده دارد.

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ؛ نزدیک است این روغن نور بدهد. روغنی که در این چراغ قرار گرفته، چراغ روشن شده و نور می دهد. **أَوْلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارًا؛** هرچند آتشی آن را مس نکرده باشد. بدون اینکه آتشی این روغن را مس کرده باشد، خودبه خود نورانیست دارد و آنقدر شفاف و روشن است که اطراف خود را نورانی و منور می کند؛ یعنی هرچند آتشی به او نخورده باشد، خود شفاف و روشن و دارای نور است.

نُورٌ عَلَى نُورٍ؛ سپس می فرماید: نور بر روی نور انباشته شده است. این چراغ دان را که انسان می بیند، مانند حرم مطهر امام رضا علیه السلام که لوسترهای بسیار بزرگی دارد، همین طور نور بر روی نور انباشته شده است. **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ؛** خداوند به واسطه این نورش هرکس را که بخواهد، هدایت می کند. **وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ؛** سپس می فرماید: اینها مثلی بود که خداوند برای شما آورد. اینها مثل و تنزیل برای تقریب ذهن بود. **أَوَاللَّهِ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛** خداوند به هر چیزی داناست.

### خواندن آیه نور جهت تشرف خدمت امام زمان عجل الله فرجه

این آیه شریفه در سوره نور است و خواندنش ثواب زیادی دارد و فضایی را درباره این آیه شریفه نوشتند؛ از جمله نقل کردند آیت الله حائری رحمته الله که خودم از

۱. آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، فرزند حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم است.

ایشان شنیدم و در جای دیگر هم خوانده بودم، فرمودند: هرکس حاجتی دارد، اگر اول ماه روز جمعه واقع شود و این آیه شریفه را بین الطلوعین ۳۶۵ مرتبه بخواند تا پانزده روز ان شاء الله سعادت پیدا می کند یا در خواب یا بیداری خدمت امام زمان عجلتعالیه تشرّف می یابد؛ اگر این تشرّف نصیبش نشد، دوباره بعد از پانزده روز «لا إله إلا الله» بگوید. تنها کلمه شریفه «لا إله إلا الله» را بین الطلوعین بگوید. بسیاری از افراد و دوستان را می شناسم که این کار را انجام دادند و به آن هدفی که خواستند، رسیدند. بیمارانی این اعمال را انجام دادند، امام زمان عجلتعالیه آنها را شفا داده اند یا همین طور حاجتشان را گرفتند.

در تنزیل این آیه شریفه تفسیرهای گوناگونی وجود دارد. اما آنچه با موضوع بحث ما ارتباط مستقیم دارد، روایاتی است که درباره آیه شریفه از معصومان عجلتعالیه رسیده است. اتفاقاً روایات هم در این باره بسیار زیاد است. در تفاسیر گوناگون این روایات را نقل کردند که بعضی از آنها را بیان می کنیم. خداوند متعال مثلی که در این آیه کریمه می آورد، به طور قطع مراد بسیار مهمی در این آیه شریفه دارد که برای ما و همه مردم روی زمین است.

### پیامبر اکرم ص مشکات و اوصیای حضرت مصباح

«عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عجلتعالیه؛ از امام صادق عجلتعالیه شنیدم که فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ النُّورِ: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ

نُورِهِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ؛ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ؛<sup>۱</sup> حضرت آیه شریفه را تا آخر خواندند و فرمودند: «فَالْمِشْكَاتُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ مشکات و چراغدان بزرگ و نور بزرگی که عالم هستی را روشن می کند، وجود مقدس رسول اکرم ﷺ است. پس مشکات را به رسول الله ﷺ تفسیر کردند. «وَالْمِصْبَاحُ الْوَصِيُّ وَالْأَوْصِيَاءُ»؛ و مصباح که بعد می فرماید: «كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»؛ منظور از مصباحی که در این آیه است، وصی حضرت، امیرالمؤمنین ﷺ است. نه تنها امیرالمؤمنین ﷺ، بلکه اوصیا و امامان معصوم ﷺ بعد از ایشان نیز مصداق مصباح هستند.

### منظور از زجاجة فاطمه ﷺ و شجرة مبارکه پیامبر ﷺ

سپس امام صادق ﷺ می فرماید: «وَالزُّجَاجَةُ فَاطِمَةُ ﷺ؛ زجاجة در این آیه شریفه وجود مقدس حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا ﷺ، است. «وَالشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ شجرة مبارکه ای که فرمود: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ؛ این شجرة مبارکه و این درخت طیبه وجود مقدس رسول الله ﷺ است.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۱-۳. «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ ﷺ...، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ النُّورِ: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، إِلَى آخِرِ الْآيَةِ؛ فَالْمِشْكَاتُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَالْمِصْبَاحُ الْوَصِيُّ وَالْأَوْصِيَاءُ ﷺ، وَالزُّجَاجَةُ فَاطِمَةُ ﷺ، وَالشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَالْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا؛ ثُمَّ قَالَ تَعَالَى: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ أَي يَنْطِقُ بِهِ نَاطِقٌ.

## امام زمان علیه السلام کوکب درّی

سپس فرمودند: «وَالْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ»؛ موضوعی که با بحث ما ارتباط دارد و ستاره بسیار درخشانی که نورانیتش همه عالم را فرا گرفته است، وجود مقدس قائم منتظر امام مهدی علیه السلام است. کوکب درّی در این آیه ایشان است. «الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا» که زمین را با نورش پر از عدل و دادگستری می کند.

«ثُمَّ قَالَ تَعَالَى: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارًا»؛ سپس فرمود: منظور از «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارًا»؛ این است که امام زمان علیه السلام آن قدر نورانیت دارد، بدون اینکه که کسی از او چیزی بپرسد، پاسخ او را می دهد؛ «أَيُّ يَنْطِقُ بِهِ نَاطِقٌ»؛ ناطقی که بدون اینکه از او چیزی بپرسند و با مردم صحبت می کند، منظور وجود مقدس امام زمان علیه السلام است که با مردم در تکلم هستند و مردم را هدایت و ارشاد می کنند. در روایت بعدی این را بیشتر توضیح می دهیم.

این حدیث مبارک، بسیار حدیث جالب و خواندنی بود. انسان لذت می برد از خواندن این احادیث که در تأویل این آیه شریفه است؟ این حدیث شریف در کتاب *بحار الانوار* روایت شده است.<sup>۱</sup>

در همین باره روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده در خصوص وجود نازنین امام زمان علیه السلام در تفسیر شریف *مجمع البیان*<sup>۲</sup> و همچنین در تفسیر شریف

۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۰، ص ۲۱-۳.

۲. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۲۲۶.

منهج الصادقین<sup>۱</sup> که این آیه شریفه را از زبان ائمه معصومین<sup>۲</sup> تفسیر کردند «كَلَامُكُمْ نُورٌ»<sup>۲</sup> درحقیقت فرمایشات آنها این گونه است؛ نور است که انسان از این انوار مقدسه استفاده می کند. نوری که اینها دارند، همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «أَنْتُمْ نُورُ الْأَنْوَارِ»<sup>۳</sup> کلامشان نور است.

### مشکات نور علم در سینه پیامبر<sup>ﷺ</sup>

امام باقر<sup>ؑ</sup> درباره آیه شریفه «كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»<sup>۴</sup> می فرماید: «قَالَ: الْمِشْكَاتُ نُورُ الْعِلْمِ فِي صَدْرِ النَّبِيِّ<sup>ﷺ</sup>؛ مشکات، نور علم در سینه پیامبر<sup>ﷺ</sup> است. خداوند خودش نورش را تشبیه می کند: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»<sup>۵</sup>؛ نور خداوند مانند مشکات است که در آن مصباح است، که عبارت است از: «نُورُ الْعِلْمِ فِي صَدْرِ النَّبِيِّ<sup>ﷺ</sup>»؛ نور علمی است که خداوند آن را در سینه مبارک پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup> قرار داده است. مشکات نور علم در سینه پیامبر<sup>ﷺ</sup> است. قلب مقدس پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup> است.

### زجاجه سینه علی<sup>ؑ</sup>

«الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ»<sup>۶</sup>؛ این مصباح و نوری که در سینه نبی<sup>ﷺ</sup> وجود دارد، این نور در زجاجه است. زجاجه چیست؟ امام<sup>ؑ</sup> می فرماید: «الزُّجَاجَةُ صَدْرُ عَلِيِّ<sup>ؑ</sup>»

۱. کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج ۴، ص ۲۹۵.

۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶؛ همو، عيون اخبار الرضا<sup>ؑ</sup>، ج ۲، ص ۲۷۷؛ طوسی،

تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۰۰؛ ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۵۳۳.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۴.

صَارَ عِلْمُ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى صَدْرِ عَلِيٍّ ﷺ؛<sup>۱</sup> زجاجه شیشه روشن و شفافی است که انسان می تواند آن را از دور ببیند که همان سینه امیرالمؤمنین علی ﷺ است که آن نور از سینه پیامبر اکرم ﷺ به سینه امیرالمؤمنین ﷺ وارد شده است. خود حضرت فرمود که پیامبر ﷺ در آخرین لحظات زندگی، در حالت احتضار، هزار باب علم به من یاد داد که از هر کدام هزار باب دیگر باز می شود.<sup>۲</sup> همه اینها از سینه پیامبر اکرم ﷺ وارد سینه امیرالمؤمنین ﷺ شد.

امام باقر ﷺ می فرماید آنچه در سینه پیامبر اکرم ﷺ بود و خدا به او عنایت فرموده بود، همه وارد سینه علی ﷺ شد. سپس می فرماید: «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ»؛ توضیح می دهند تا به این مطلب می رسند. «قَالَ: نُورٌ»؛ اینکه نورانیت است و از این درخت مبارکه زیتونه است. درخت نیز به معنای شجره

۱. صدوق، التوحید، ص ۱۵۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۶. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ﷺ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»؛ قَالَ: الْمِشْكَاةُ نُورُ الْعِلْمِ فِي صَدْرِ النَّبِيِّ ﷺ: «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ»، الزُّجَاجَةُ صَدْرُ عَلِيٍّ ﷺ؛ صَارَ عِلْمُ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى صَدْرِ عَلِيٍّ ﷺ؛ «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ»؛ قَالَ: نُورٌ؛ «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ»، قَالَ: لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ؛ «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»، قَالَ: يَكَادُ الْعَالِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ؛ «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ يَعْنِي إِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فِي إِثْرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَذَلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ». (با اندکی اختلاف در عبارات).

۲. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۶؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۵؛ ابن شهر آشوب،

مناقب ابی طالب، ج ۱، ص ۲۳۷.

طیبه رسالت است و نورانیتی که در اینجا وجود دارد، این نور «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ» است. امام باقر علیه السلام در این روایت، «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ» را به «لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ» تفسیر کردند. این نور نور الهی است، نور اسلام است، نور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نور اوصیای پیامبر اسلام است، نه یهودی‌ها و نه نصرانی‌ها.

«يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ نزدیک است که زيت و روغن این زجاجة روغن این درخت زيتون نورانيتش زياد مي شود. چگونه نورانيتش زياد مي شود؟ «قَالَ: يَكَادُ الْعَالَمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ»؛ نزديك است كه عالم از آل محمد بدون اينكه از او پرسند، به علم تكلم كند. «وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ منظور اين است كه قبل از اينكه از او سؤال بكنند و بدون اينكه از او پرسند، حضرت شروع به صحبت مي كند و به ارشاد و هدايت مردم مي پردازند.

### ائمه مصداق نور و حكمت الهی

سپس می فرماید: «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ همه اوصیا نور علی نور هستند. نور پشت سر نور، همه اینها می آیند. «يَعْنِي إِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ»؛ امامانی هستند که نور علم و حکمت خداوند به آنها مؤید شد. «فِي إِثْرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»؛ یعنی پشت سر امامی از آل محمد. «إِثْرٌ» یعنی عقب همدیگر، به دنبال یکدیگر؛ امام اول، سپس امام دوم و همین گونه تا به حضرت مهدی علیه السلام می رسد. همه آنها امامانی هستند که به نور علم و حکمت مؤیدند. «وَذَلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ

السَّاعَةُ؛ این مطلبی را که گفتیم جزو سنت‌های الهی است، از زمان آدم تا زمانی که قیامت برپا می‌شود، باید این انوار مقدسه در هر زمانی روی زمین باشد. این گونه نیست که زمین از حجت خالی باشد. بدون حجت زمین اصلاً وجود ندارد. «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»<sup>۱</sup>؛ لذا می‌فرماید: «وَذَلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»؛ از زمانی که آدم ابوالبشر نخستین حجت خدا بر روی زمین آمد تا زمانی که قیامت برپا می‌شود، این انوار طیبه که همه آنها حجج الهی هستند، به وسیله خداوند به نور علم و حکمت مؤید هستند.

از این روایت نتیجه می‌گیریم که آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ درباره وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام نازل شده است.

استفاده مهم‌تری که ما از این آیه می‌کنیم، این است که باید در هر عصری و هر زمانی حجتی از طرف خداوند باشد که مؤید به نورالله باشند؛ نه اینکه ما برای خودمان اشخاصی را معین کنیم و بگوییم اینها امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. نصب همه اینها با خداوند و مؤید من عندالله هستند.

روایات در خصوص این آیه شریفه زیاد است. درحقیقت وقتی این روایات را می‌خوانیم، تعجب می‌کنیم که چگونه برخی این روایات را می‌خوانند، ولی به

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۴۳۶؛ ابوالصلاح حلبی، تقریب

المعارف، ۴۱۹؛ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ (با اندکی تغییرات در عبارت).



مراد اصلی آیات شریفه نمی‌رسند. خداوند چرا این آیه را ذکر می‌کند؟ برای چه ضرب‌المثل را ذکر می‌کند؟ آیا ظاهر آیه را می‌خواهد بیان بفرماید؟ خداوند نوری است که مثل چراغ‌دان می‌باشد و در میان این چراغ‌دان چراغ دیگری واقع شده و در میان این چراغ روغنی هست که این روغن مشغول نورافشانی است. به همین سادگی، یعنی ما همین‌طور می‌خواهیم قرآن را معنا بکنیم. آیا معنای دیگری ندارد؟ مفهوم دیگری ندارد؟ ما نمی‌توانیم از این آیه استفاده‌های بیشتری کنیم؟ بنابراین خود قرآن می‌فرماید: **يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ**؛ ما اینها را برای مردم می‌گوییم که مردم از این مثال‌ها و از این تمثیلات استفاده کنند؛ ولی اگر استفاده نکنند، ما و دیگران هیچ فرقی نداریم. حتماً باید از ضرب‌المثل‌های قرآنی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام استفاده بکنیم.

### تعجب امام علی علیه‌السلام از عدم شناخت آیه نور

«رُويَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - يَكْتُبُ بِإِصْبَعِهِ وَيَتَبَسَّمُ».<sup>۱</sup> در خبرها به نفل از جابر بن

۱. نور، ۳۵.

۲. بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۷۲؛ همو، المحجة فيما نزل في القائم الحجة، ص ۱۴۷. «رُويَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ - يَكْتُبُ بِإِصْبَعِهِ وَيَتَبَسَّمُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا الَّذِي يُضْحِكُكَ؟ فَقَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا. فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ آيَةٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: قَوْلُهُ

عبدالله انصاری آمده است که داخل مسجد کوفه<sup>۱</sup> شدم و امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> با انگشتانشان چیزی می نوشتند، درحالی که تبسم می کردند و می خندیدند. «فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»، تعجب کردم، امام علی<sup>ع</sup> را کم دیدم که بخندند! تنها در روایتی داریم که شخصی آمد نزد امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> عرض کرد شما چرا نمی خندید؟ چرا مثل ما و دیگران نشاط ندارید؟ حضرت فرمود: مگر انسانی که می خواهد بمیرد و در این دنیا نخواهد ماند، باید بخندد؟! من این دنیا را می بینم، درحالی که این دنیا رفتنی است، برای چه بخندم. اینک مشاهده کردم که ایشان در حال تبسم است. «فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا الَّذِي يُضْحِكُكَ؟»: چه چیزی باعث شد که تبسم کنید و بخندید؟

«فَقَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا». تعجب می کنم از کسانی که این آیه شریفه را می خوانند، اما نمی فهمند حق معرفت این آیه

تَعَالَى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ، الْمِشْكَاةُ: مُحَمَّدٌ<sup>ص</sup>، فِيهَا مِصْبَاحٌ، أَنَا الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ، الزُّجَاجَةُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ<sup>ع</sup>، كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ<sup>ع</sup>، يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ<sup>ع</sup>، زَيْتُونَةٍ، جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ<sup>ع</sup>، لَا شَرْقِيَّةٍ، مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ<sup>ع</sup>، وَلَا غَرْبِيَّةٍ، عَلِيُّ بْنُ مُوسَى<sup>ع</sup>، يُكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ<sup>ع</sup>، وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ<sup>ع</sup>، نُورٌ عَلَى نُورٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ<sup>ع</sup>، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ<sup>ع</sup>، وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

۱. مسجد کوفه مقر حکومت امام زمان<sup>ع</sup> است. طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۵؛ مجلسی، بحار

چیست؛ یعنی واقعاً نمی‌فهمند این آیه چه دارد؟! منظور از این آیه چیست؟ به همین دلیل عرض کردم که ما نباید از این آیات قرآنی رد شویم. «فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّ آيَةٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟»؛ جابر بن عبدالله می‌گوید عرض کردم کدام آیه شما را به خنده درآورده و تعجب کردید؟

«فَقَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى»؛ حضرت این آیه را خواند: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ»؛ سپس برای ایشان توضیح می‌دهند که منظور از این آیه شریفه چیست؟ «الْمِشْكَاةُ: مُحَمَّدٌ ﷺ، فِيهَا مِصْبَاحٌ، أَنَا الْمِصْبَاحُ»؛ مشکات در آیه حضرت محمد ﷺ است و مصباح من هستم. «فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ﷺ»، زجاجه وجود مبارک امام حسن و امام حسین ﷺ است.

### ائمه مصداق بارز «نور علی نور»

سپس امیرالمؤمنین ﷺ به ترتیب اسامی امامان معصوم ﷺ را در این آیه شریفه بیان می‌کند. «كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ»، کوكب دري علی بن حسین، امام سجاد ﷺ است. «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ»؛ کسی که از یک درخت مبارک برافروخته می‌شود، محمد بن علی، امام باقر ﷺ است. «زَيْتُونَةٌ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ»؛ منظور از زیتونه در این آیه قرآن، وجود مقدس امام جعفر صادق ﷺ، رئیس مذهب تشیع است. «لَا شَرْقِيَّةَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ﷺ»؛ نه شرقی، وجود مقدس



موسی بن جعفر علیه السلام است. «وَلَا غَرْبِيَّةَ عَلِيٌّ بِنُ مُوسَى علیه السلام»؛ نه غربی، وجود مقدس علی بن موسی علیه السلام است. «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام»؛ نزدیک است که روغن این درخت نورانیت بدهد، نورانیت فراوان. آن نور فراوان محمد بن علی، امام جواد علیه السلام است. «وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ عَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام»؛ منظور از اینکه آتشی او را فرا بگیرد که خودبه خود نور دارد، علی بن محمد، امام هادی علیه السلام است. «نُورٌ عَلِيٌّ نُورُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام»، نوری پشت سر نوری امام حسن عسکری علیه السلام است. حضرت همه را به ترتیب نقل می کند تا می رسد به آخر آیه شریفه: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ خداوند هرکس را بخواهد به واسطه نورش هدایت می کند. نور خدا که در اینجاست، «الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام»؛ قائم حضرت مهدی علیه السلام است.

## حکمت مثل های قرآنی

سپس می فرماید: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ»؛ حالا فهمیدید خدا برای چه مثل ها را برای مردم می زند؟ مردم باید توجه کنند و به آیات الهی معرفت داشته باشند. حضرت می فرماید تعجب می کنم از کسانی که این آیه شریفه را می خوانند؛ ولی تفکر ندارند که این آیه به چه دلیل نازل شده است. آیه بِسْمِ اللَّهِ نُورُ السَّمَاوَاتِ؛ برای حقایق و انوار مقدسه چهارده معصوم ذوات مقدسه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا وجود مقدس امام زمان - روحی و ارواح العالمین له الفداء - نازل شده است.

## ذکر اسامی ائمه در معراج پیامبر ﷺ

روایت دیگر را در این باره بیان می‌کنیم<sup>۱</sup> که موجب تشفی قلوب مؤمنان می‌شود و (به قول ما) دل مؤمنان را خنک می‌کند که غرض و هدف خداوند از این آیه شریفه چیست؟

«عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». این روایت مفصلی درباره معراج رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فقط بخشی از فقرات این روایت را می‌خوانیم. «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ؛ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آسمان‌ها تشریف بردند،

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۵۸-۵۹؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۵۲. «عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ... يَا مُحَمَّدُ أُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّي، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ارْفَعْ رَأْسَكَ؛ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَمُحَمَّدِ (الْحُجَّةِ) بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ، وَهَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي، وَبِهِ أَنْتَقِمُ مِنَ أَعْدَائِي، وَهُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي، وَهُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَالْجَاحِدِينَ وَالْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى طَرِيئِينَ فَيُحْرِقُهُمَا، فَلَفِتْنَةُ النَّاسِ بِهَا يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَالسَّامِرِيِّ».

پیامبر ﷺ فرمود: خداوند به من وحی کرد و با من صحبت کرد، بعد از اینکه کلماتی را می فرماید (مفصل است)، به این جمله می رسد. «يَا مُحَمَّدُ أَكْحَبُ أَنْ تَرَاهُمْ؟» آیا دوست داری انوار مقدسه اوصیایت را در شب معراج ببینی؟ «قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّي»؛ گفتم: بله ای پروردگام. «فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: اِرْفَعْ رَأْسَكَ»؛ خداوند فرمود: سرت را بالا ببر و این انوار مقدسه را یکی یکی نگاه کن! «فَرَفَعْتُ رَأْسِي»؛ پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: سرم را بالا بردم، ناگهان دیدم انوار مقدس ائمه معصومین ﷺ را؛ سپس حضرت یکی یکی آنها را نام می برد.

اینها مهم است. از آن روایاتی است که اسامی مبارکه چهارده معصوم در آن گفته شده است. در این روایات کسی نمی تواند شک و شبهه ایجاد کند که نام های امامان معصوم ما ذکر نشده است. «فَإِذَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»، تا به وجود مقدس امام زمان ﷺ می رسد. «وَالْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ»؛ سپس می فرماید ایشان در وسط آنها ایستاده است. «فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ اشاره به همین آیه شریفه دارد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ... كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ». دیدم امام زمان ﷺ مانند کوكب و ستاره درخشان میان انوار مقدسه ایستادند و نورانیت خاصی دارند. «قُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟»؛ عرض کردم خدای من اینها چه کسانی هستند؟ «قَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ»؛ فرمود: اینها امامان هستند.

### امام زمان علیه السلام احیاکننده دین پیامبر صلی الله علیه و آله

«وَهَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَائِلِي، وَيُحَرِّمُ حَرَامِي»؛ این شخصی که ایستاده است، کسی است که حلال من را حلال می‌کند و حرام من را حرام می‌کند. بعد از اینکه اتفاقاتی رخ می‌دهد و حلال‌ها به حرام و حرام‌ها به حلال تبدیل می‌گردند، حضرت ظهور می‌کنند و دین جدشان را دوباره احیا می‌کنند و حلال پیامبر صلی الله علیه و آله را زنده می‌کنند؛ از این رو می‌فرماید: «الَّذِي يُحِلُّ حَلَائِلِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي».

«وَبِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي»؛ به واسطه وجود مبارک امام زمان علیه السلام من از دشمنان خودم انتقام می‌گیرم. «وَهُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي»؛ این وجود مقدس وسیله راحتی برای دوستان است؛ یعنی وجود مقدس امام زمان علیه السلام موجب آسایش، امنیت و آرامش شیعیان است. «وَهُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَالْجَاحِدِينَ وَالْكَافِرِينَ»؛ و این آقا کسی است که دل شیعیانت را از دست ظالمین و ستمکاران شفا می‌دهد و خنک می‌کند. امروزه ما از دست ظالمان و ستمگران بسیار ناراحت هستیم. از کسانی که بر ائمه معصومین و فرزندان آنان ستم کردند، ناراحت هستیم. امام زمان علیه السلام کسی است که دل‌های شیعیان را شفا خواهد داد و از دست ظالمان، جاحدان، منکران ولایت و کافران نجات خواهد داد.

«فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى»؛ خارج می‌کند لات و عزی را؛ می‌آیند در مدینه منوره آن دو بدن را بیرون می‌آورند «طَرِيئِينَ»؛ درحالی که آنها تازه هستند، بیرونشان می‌آورند که مردم آنها را ببینند. «فَيُحْرِقُهُمَا»؛ این بت‌ها را آتش می‌زند، سپس

می فرماید: «فَلْفِتْنَةُ النَّاسِ بِهَا يَوْمٌ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَالسَّامِرِيِّ»: فتنه‌ای که این دو نفر، آن روز به پا کردند، تا دامنه ظهور حضرت پابرجاست. فتنه‌ای که این دو نفر ایجاد کردند، از فتنه‌ای که سامری با گوساله‌اش به وجود آورد، شدیدتر است.

کتاب شریف *متخب الاثر* این روایت را مفصل بیان کرده است. در کتاب شریف *کفایة الاثر*، همچنین کتابی که مرحوم صدوق، اخبار امام رضا<sup>ع</sup> را نقل کرده به نام *عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>* این روایت نقل شده است. ان شاء الله همه ما از یاوران آن حضرت باشیم.

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ وَاَجْعَلْنَا مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

وَصَلِّیْ اللّٰهَ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ.





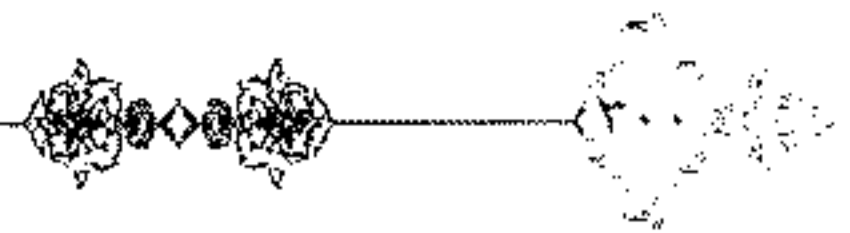
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۱</sup>

همان‌گونه که در جلسه‌های گذشته گفتیم پیرامون آیاتی که در خصوص مهدویت است، بر اساس روایات شریفه و احادیث نورانی از امامان معصوم علیهم‌السلام، مطالب و آیاتی را بیان داشتم. یکی از این آیات، این آیه شریفه سوره رعد است.

---

۱. رعد، ۷. «کسانی که کافر شدند، می‌گویند: چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده است؟! تو فقط بیم‌دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.»



## ترجمه آیه

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ؟» می گوید کسانی که کافر شدند، به پیامبر اکرم علیه السلام اعتراض می کنند که چرا بر پیامبر آیه و نشانه‌ای از طرف پروردگار نازل نمی شود، مانند آیات و نشانه‌هایی که برای امت‌های گذشته نازل می شد. می خواستند چنین آیات و نشانه‌هایی بر پیامبر علیه السلام نازل شود. سپس می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ ای پیامبر! تو منذر و بیم‌دهنده هستی! تو مردم را انذار می کنی و برای هر قوم و هر گروهی یک هادی و هدایت‌کننده وجود دارد.

## منذر بودن رسول خدا

در خصوص این آیه شریفه روایات فراوانی نقل شده که به وجود نازنین امام زمان علیه السلام و همچنین به ذوات مقدس معصومین علیهم السلام مربوط است. روایتی در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>۱</sup>

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ که این به چه معنا است؟ امام می فرماید: «فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَنَا الْمُنذِرُ»؛ وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۰۴. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَنَا الْمُنذِرُ، وَفِي كُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا يَهْتَدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَالْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيَّ، ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، أَمَا وَاللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَلَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ، رَسُولُ اللَّهِ الْمُنذِرُ، وَبِعَلِيَّ يَهْتَدِي السُّمَّهْتُونَ».



نقل می‌کند که می‌فرماید: من منذر هستم. پیامبر اسلام ﷺ منذر است، مراد از مبشر و نذیری که در قرآن کریم آمده، پیامبر اکرم ﷺ است.

### وجود امام هدایت‌کننده از اهل بیت ﷺ در هر عصر و زمان

«وَفِي كُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ مِّنَّا يَهْدِيهِمْ إِلَىٰ مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ»؛ در هر زمانی لازم است امامی از ما باشد. اینکه می‌فرماید: «مِنَّا»، کاملاً مطلب را برای ما مسلمانان روشن می‌کند که امام باید از خانواده ما باشد؛ از اهل بیت عصمت و طهارت باشد؛ همان‌گونه که صفات رسالت در وجود مقدس پیامبر ﷺ جمع شده، باید آن صفات ممتاز که عبارت است از: عصمت، صداقت، طهارت، همه اینها در امام هم باشد؛ زیرا میان اینها جدایی نیست؛ از این رو می‌فرماید: «إِمَامٌ مِّنَّا»؛ امام باید از ما باشد که این امام مردم را هدایت کند به آنچه پیامبر اسلام ﷺ آورده است؛ یعنی امام، هادی می‌شود برای آنچه قرآن کریم و پیامبر اسلام ﷺ برای هدایت مردم آورده‌اند.

### امام علی ﷺ و اوصیایش هادیان امت

سپس می‌فرماید: «وَالْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ»؛ هادیان پس از پیامبر اکرم ﷺ عبارتند از: امیرالمؤمنین ﷺ، نخستین هادی که از آیه شریفه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» استفاده می‌کنیم. «ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ»؛ سپس اوصیای پس از امیرالمؤمنین ﷺ یکی پس از دیگری می‌آیند، نخستین آنان امیرالمؤمنین، سپس امام حسن مجتبیٰ ﷺ تا به وجود حضرت حجت ﷺ می‌رسد که در روایت بعدی می‌آید.

«أَمَّا وَاللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَلَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ»؛ قسم به خدا آگاه باشید! این داستانی که گفتم و این سنتی که فرمود امام و هادی برای هر قوم و گروهی لازم است، تا زمان قیامت وجود دارد «مَا ذَهَبَتْ مِنَّا»؛ و از میان ما هرگز بیرون نخواهد رفت؛ یعنی کسانی که تا روز قیامت هم می آیند، باید از خانواده ما باشند. «مَا ذَهَبَتْ مِنَّا»؛ از میان ما هرگز این امامت بیرون نخواهد رفت. «وَلَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ»؛ در میان ما تا روز قیامت زایل نمی شود. هر امامی بیاید تا روز قیامت باید از نسل طاهره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

### هدایت در پیروی از علی ﷺ

سپس می فرماید: «رَسُولُ اللَّهِ الْمُنْدِرُ، وَبِعَلِيٍّ يَهْتَدُونَ»؛ رسول خدا همان منذری است که آیه می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>۱</sup> و به واسطه امیرالمؤمنین ﷺ هدایت می شوند کسانی که اهل هدایت هستند «وَبِعَلِيٍّ يَهْتَدُونَ». بدون امیرالمؤمنین ﷺ هدایت معنا ندارد. هرچند از نظر ظاهر وضعیتشان خوب باشد یا اینکه جمعیتشان زیاد باشد؛ ولی اگر امیرالمؤمنین ﷺ را قبول نداشته باشند، مسلماً در خسران، ضلالت و گمراهی هستند. این روایت در تفسیر عیاشی از امام باقر ﷺ نقل شده که در تأویل آیه شریفه می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ این آیه نشان دهنده این است که تا قیامت باید هادی بیاید، آن هم از نسل پیامبر اکرم ﷺ.

۱. رعد، ۷. «تو فقط بیم دهنده ای، و برای هر گروهی هدایت کننده ای است».

در روایات دیگر که چندین روایت است، آنجا حضرت همه را به ترتیب بیان

می کند که چه کسانی هستند.

### سفارش پیامبر ﷺ به تمسک به قرآن و عترت

روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده، روایت بسیار طولانی است. <sup>۱</sup> «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۶۳-۱۶۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۸-۳۴۰؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۴۴-۴۵، ح ۱۰۹. «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَسَنِ بْنِ حَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَوْمًا، فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُدْعَى فَأَجِيبُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو (تَخْلُو) الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ، وَأَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِكَيْلًا تَبْطُلَ (يَبْطُل) حُجَّتَكَ وَلَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، أَوْلِيَاؤُكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا الْأَعْظَمُونَ قَدْرًا عِنْدَ اللَّهِ، فَلَمَّا نَزَلَ عَنْ مَنبَرِهِ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ؟ قَالَ: يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ فَأَنَا الْمُنذِرُ، وَعَلِيٌّ السَّهَادِي. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَوْلُكَ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ؛ قَالَ: نَعَمْ، عَلِيٌّ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، وَأَنْتَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ، وَالْحُسَيْنُ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَكَ، وَلَقَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَلَدًا يُقَالُ لَهُ عَلِيُّ سَمِيِّ جَدِّهِ عَلِيٌّ، فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ أَقَامَ بِالْأَمْرِ بَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ وَهُوَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَلَدًا سَمِيِّي وَأَشْبَهَ النَّاسِ بِي، عِلْمُهُ عِلْمِي وَحُكْمُهُ حُكْمِي، وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ جَعْفَرٌ أَصْدَقُ النَّاسِ قَوْلًا [وَعَمَلًا] وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ جَعْفَرٍ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ

عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا؛ امام مجتبیٰ علیه السلام می فرماید (با اینکه ایشان سن کمی داشتند، هنگامی که به نزد پیامبر اکرم ﷺ می رفتند و حضرت خطبه می خواندند، یاد می گرفتند و در منزل برای حضرت صدیقه ﷺ بیان می کردند).

«عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ روزی رسول خدا برای ما خطبه خواندند. «فَقَالَ: بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ»؛ بعد از اینکه حضرت، حمد خدا را به جا آوردند و خداوند را هم ستایش کردند، فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ»؛ ای مردمی که با ما هستید! به همه مردم خطاب کرد. «كَأَنِّي أُدْعَى فَأَجِيبُ»؛ مثل اینکه خوانده شدم که باید از این دنیا بروم. من هم جواب دادم که بالاخره مرگ چیزی است

مُوسَى] سَمِيَّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، أَشَدُّ النَّاسِ تَعَبُدًا، فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ مُوسَى وَلَدًا يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، مَعْدِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَمُنْقِذَ أَوْلِيَائِهِ، يَغِيبُ حَتَّى لَا يَرَى بَرِّجُ عَنْ أَمْرِهِ قَوْمٌ وَيَثْبُتُ آخِرُونَ «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، وَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ قَائِمُنَا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا فَلَا يَحُلُّو الْأَرْضَ أُعْطَاكُمْ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي».

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۸.

که همه را فرا می گیرد. **إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ**: 'پس من هم باید از میان شما بروم. سپس همان وصیت معروفشان را بیان می کنند: **«وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»**: من در میان شما دو شیء گران بها می گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترتم. اینها پیش شما خواهد ماند. عترت من اهل بیتم هستند. آنها بعد از من همانند کتاب خدا در میان شما هستند. همان گونه که به کتاب خدا احترام می گذارید، باید به اهل بیت من نیز احترام بگذارید. کتاب خدا بدون اهل بیت علیهم السلام ارزشی برای کسی ندارد. اگر کسی بخواهد به کتاب خدا تمسک کند، باید به اهل بیت تمسک جوید. **«مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»**: مادامی که به این دو شیء بزرگ و گران بها تمسک کردید، هرگز گمراه نخواهید شد.

### امامان اهل بیت علیهم السلام معلم بشریت

**«فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ»**: شما از اهل بیت من یاد بگیرید. کسانی که از غیر اینها یاد می گیرند، تا روز قیامت در ضلالت و گمراهی هستند. معلم بشریت اهل بیت علیهم السلام هستند و من نیز در هر زمانی یک معلم برای مردم قرار دادم که از او یاد بگیرند **«وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ»**؛ و به آنها یاد ندهید، آنها خودشان معلم هستند، نه متعلم. پیش آنها نروید و بگویید این کار را بکنید یا این کار را نکنید. نه، هرگز! شما باید از آنها یاد بگیرید. **«فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»**: آنها از شما اعلم و داناترند.

۱. زمر، ۳۰. «تو می میری و آنها نیز خواهند مرد».

## ضرورت وجود امام برای هر عصری

«لَا يَخْلُو (تخلوا) الْأَرْضُ مِنْهُمْ»؛ هرگز زمین از وجود آنها تا روز قیامت خالی نمی‌شود، بالاخره هر زمانی یکی از اهل بیت من بر روی زمین هست. «وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ اگر روزی آمد و از اهل بیت و عترت من کسی در روی زمین نبود، زمین اهل خودش را فرو می‌برد؛ یعنی در هر زمانی حجت بالغه الهیه بر روی زمین لازم است که محور اصلی عالم وجود و قطب عالم امکان باشند و همه دنیا باید پیرامون وجود این محور دور بزنند و این محور شمع فروزان عالم بشریت است. اگر این شمع خاموش شود، همه دنیا نیز به تبع آن خاموش می‌شود و اگر این شمع از بین رفت، همه دنیا در ضلالت و گمراهی خواهد ماند؛ از این رو می‌فرماید: «وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ اگر روزی زمین از حجت خدا و از اهل بیت علیهم السلام خالی شد، زمین اهلش را فرو می‌برد و دیگر ارزش ندارد. ارزش زمین به وجود حجة الله است. ما امروز اگر می‌خواهیم از عمرمان لذت ببریم، بگوییم ما در خدمت حجت خدا هستیم. حجت خدا اکنون روی زمین است و ما می‌توانیم نشاط و امیدی داشته باشیم و لذت ببریم. اگر حجت خدا گرفته شود، دیگر نشاطی برای مردم نخواهد بود.

«ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَلَا يَنْقَطِعُ»؛ سپس پیامبر خدا در آن خطبه فرمود: خدایا من می‌دانم که علم هرگز قطع نمی‌شود؛ علم همواره تا روز قیامت هست و باید عالمی باشد که این علم را به مردم برساند. «وَأَنَّكَ لَا تُخْلِي



أَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ؛ و تو هم زمین را خالی از حجت قرار نمی دهی. حتماً باید حجتی از سوی تو بر مردم روی زمین باشد، بقیة الله باید باشد. حجت دو گونه است: یک حجتی که در بین مردم ظاهر است، مانند ائمة معصومین علیهم السلام تا امام یازدهم که اینها حضور داشتند و مردم از وجودشان بهره می بردند؛ ولی حجت هایی که به غیر امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت ظاهری نداشتند؛ از این رو می فرماید: «ظَاهِرٌ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ»؛ حجتی که ظاهر است، مانند امام مجتبی، امام حسین، امام حسن عسکری علیهم السلام که مردم فرمان ایشان را گوش نمی دادند. از کسانی که در ضلالت بودند فرمان برداری می کردند؛ ولی کسانی را که هادی واقعی امت بودند، کنار گذاشته بودند. «أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ»؛ یا حجتی که بیمناک باشد و پنهان باشد که آن وجود مقدس امام زمان علیه السلام است؛ از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام در آن خطبه می فرماید: «اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّةٍ إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: حجت همیشه باید روی زمین باشد یا در غیبت است یا در ظاهر؛ بنابراین می فرماید زمین خالی از حجت نمی ماند که این حجت در میان مردم است.

«لِكَيْ لَا تَبْطُلَ [يَبْطُلَ] حُجَّتُكَ»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید تا اینکه حجت تو باطل نشود و همیشه در میان مردم یک نفر باشد «وَلَا يَضِلُّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ»؛ تا اینکه اولیای تو بعد از اینکه آنان را هدایت کردی، گمراه نشوند.



بعد از اینکه شما آنها را هدایت کنید، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین مردمی که اهل هدایت هستند، می‌دانند حجت واقعی کیست. «أُولَئِكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا الْأَعْظَمُونَ قَدْرًا عِنْدَ اللَّهِ»: این حجت‌های الهی از نظر عدد کم هستند؛ آنها دوازده نفر هستند؛ ولی قدر و منزلتشان در پیشگاه خدا بسیار زیاد است، مقام والایی دارند. این را پیامبر صلی الله علیه و آله بالای منبر فرمودند.

سپس می‌فرماید: «فَلَمَّا نَزَلَ عَنْ مُنْبَرِهِ»: پس از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمدند. «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ؟»: امام حسن مجتبی علیه السلام، نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که چند سال بیشتر نداشت، خدمت حضرت رفت و عرض کرد ای رسول خدا! آیا تو حجت خدا بر همه مردم نیستی؟ سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود ای حسن! ای نور دیده من! خدا می‌فرماید: «قَالَ: يَا حَسَنُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ فَأَنَا الْمُنْذِرُ»: کسی که قرآن فرموده: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ»: مندر من هستم. پیامبر خدا مندر است «وَعَلِيُّ الْهَادِي»: امیرالمؤمنین علی علیه السلام، هادی است.

### ذکر اسامی امامان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسن مجتبی علیه السلام

«قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ»: حضرت می‌خواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر توضیح بدهند. «فَقَوْلُكَ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ؟»: پس چرا شما فرمودید زمین هیچ وقت از حجت خالی نمی‌شود. این را ما متوجه نمی‌شویم؟! بیشتر توضیح دهید که این حجت‌های الهی چه کسانی هستند که زمین خالی از حجت نمی‌شود! پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: «قَالَ: نَعَمْ»: همین‌گونه است که گفتم. زمین هرگز از حجت خالی نمی‌شود. سپس فرمود: «عَلِيٌّ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي»: امیرالمؤمنین علیه السلام امام و حجت بعد از من است «وَأَنْتَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ»: و پس از امیرالمؤمنین تو (امام مجتبی علیه السلام) حجت هستی. امام پس از امیرالمؤمنین علیه السلام شما هستی. «وَالْحُسَيْنُ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَكَ»: بعد از شما امام حسین علیه السلام امام و حجت است.

«وَلَقَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَلَدٌ يُقَالُ لَهُ عَلِيُّ سَمِيِّ جَدِّهِ عَلِيٌّ»: سپس می‌فرماید: خداوند بر من وحی فرستاد و مرا آگاه کرد که بعد از امام حسین علیه السلام فرزندی به نام علی به دنیا می‌آید که همانم جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام جد بزرگوار امام زین‌العابدین علیه السلام و همانم ایشان هستند. «فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ قَامَ بِالْأَمْرِ بَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ وَهُوَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ»: بعد از امام حسین علیه السلام، علی بن حسین علیه السلام امام و حجت است. «وَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَلَدًا سَمِيًّا»: و خداوند از صلب علی علیه السلام (امام سجاد) فرزندی را می‌آورد که همانم من است: یعنی همان‌گونه که نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محمد است، نام مبارک ایشان نیز امام محمد باقر علیه السلام است. «وَأَشْبَهَ النَّاسِ بِي، عِلْمُهُ عِلْمِي، وَحُكْمُهُ حُكْمِي»: امام باقر علیه السلام شبیه‌ترین مردم به من است. علم او علم من است. حکم امام باقر علیه السلام نیز حکم من است. فرمان او فرمان من است و فرمان من نیز فرمان خداوند است. «وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»: امام باقر علیه السلام بعد از پدر بزرگوارش امام و حجت است.

«وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِهِ مَوْلُودًا يُقَالُ لَهُ جَعْفَرٌ أَصْدَقُ النَّاسِ قَوْلًا وَعَمَلًا»: باز

خداوند فرزندی را به امام محمد باقر علیه السلام می‌دهد که راست‌گوترین مردم هم از نظر

گفتار و هم از نظر کردار است. «وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ و امام بعد از امام باقر علیه السلام و حجت خدا بر بندگان است. سپس می‌فرماید: «وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ جَعْفَرٍ مَوْلُوداً [يُقَالُ لَهُ مُوسَى] سَمِيَّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»؛ مولودی از صلب امام صادق علیه السلام خدا عنایت می‌کند که همانام موسی بن عمران است. «أَشَدُّ النَّاسِ تَعَبُداً»؛ امام موسی کاظم علیه السلام از نظر تعبد و عبادت از همه مردم عبادتش بیشتر و شدیدتر است. عبودیت و بندگی‌اش در درگاه خدا زیاد است. «فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ امام کاظم علیه السلام و حجت بعد از پدرش است.

«وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُوسَى وَلِداً يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، مَعْدِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ»؛ پس از امام موسی کاظم علیه السلام، علی بن موسی الرضا علیه السلام است که معدن علم خداوند و محل حکم و فرمان خداوند است، «فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ و امام و حجت بعد از امام کاظم علیه السلام است. «وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُوداً يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ»؛ پس از امام رضا علیه السلام، امام محمد جواد علیه السلام است. «فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ امام جواد علیه السلام بعد از پدرش امام رضا علیه السلام، امام و حجت بر مردم است. «وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ مَوْلُوداً يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ و پس از امام جواد علیه السلام فرزندش امام علی النقی علیه السلام امام و حجت است. «وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُوداً يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ»؛ سپس می‌فرماید: بعد از او، امام حسن عسکری علیه السلام است.

«وَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ إِمَامَ زَمَانِهِ وَمُنْقِذَ أَوْلِيَائِهِ»؛ خداوند امام زمان علیه السلام را پس از امام حسن عسکری علیه السلام، امام و حجت روی زمین



قرار می‌دهد و او امروز حجت روی زمین است و اولیای خودش را نجات می‌دهد. «يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى»؛ پس از امام حسن علیه السلام، حضرت بقیة الله علیه السلام غیبت می‌کند، به طوری که دیده نمی‌شود و از چشم ما پنهان است. «يَرْجِعُ عَنْ أَمْرِهِ قَوْمٌ»؛ آن قدر غیبت حضرت طولانی می‌شود که عده‌ای دچار شک و تردید می‌شوند. ان شاء الله ما از آنها نباشیم. همیشه از خدا بخواهیم «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ»؛ این دعا، دعای غیبت است که ائمه معصومین علیهم السلام سفارش کرده‌اند این دعا را در عصر غیبت بخوانید. اگر دعاهای دیگر را نتوانستید بخوانید، حتماً این دعا را بخوانید: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛<sup>۱</sup> انسان اگر حجت خدا را نشناسد، در دین خود گمراه می‌شود. خدای نکرده از کسانی نباشیم که در وجود مبارک امام زمان علیه السلام تردید کنیم و بگوییم بیش از هزار سال از غیبت حضرت می‌گذرد، اگر بود، می‌آمد. با وجود این همه ظلم و ستم، چرا به داد شیعیان نمی‌رسد. اینها مطالبی نباشد که ما را به تردید بیندازد.

از این رو پیامبر خدا می‌فرماید: «يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى، يَرْجِعُ عَنْ أَمْرِهِ قَوْمٌ»؛ آن روز عده‌ای از مردم از او برمی‌گردند «وَيَثْبُتُ عَلَيْهِ آخِرُونَ»؛ و عده‌ای دیگر نیز در

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲،



معرفت حقیقی خداوند ثابت قدم می ماند. **وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**؛ پس عده‌ای می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده‌ای که خداوند متعال داده، چه زمانی رخ می دهد؟ آیا باز هم صبر کنیم؟ **إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً \* وَتَرَاهُ قَرِيباً**؛ باید این گونه جواب دهیم. بله، عده‌ای هستند که حضرت را نشناختند و ایشان را نمی بینند یا بعید می بینند. **وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**؛<sup>۱</sup>

سپس پیامبر اکرم ص می فرماید: بعد از این فرمایشاتی که به امام مجتبی ع دارد: **«وَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِماً»**؛ اگر از این دنیا فقط یک روز باقی بماند، خدا این روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه حضرت قائم را خارج کند. تا مهدی ان شاء الله تعالی ظهور کند. **«فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْماً، فَلَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْكُمْ»**؛ و زمین را از عدل و داد پر کند؛ سپس پیامبر ص به امام مجتبی ع می فرماید: زمین از شما خالی نمی شود؛ **«مِنْكُمْ»**؛ یعنی از عترت و اهل بیت من همیشه حجتی از طرف خدا روی زمین است. **«فَلَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْكُمْ»**؛ شما می توانید با این حجت خدا تماس داشته باشید و با ایشان درد دل کنید. خداوند شما را رها نکرده، ما صاحب داریم، ما حجت داریم. **«أَعْطَاكُمْ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي»**؛ خداوند به شما (به ائمه معصومین ع) علم و فهم من را عنایت کرده است.

۱. ملک، ۲۵.

۲. معارج، ۷-۶.

۳. ملک، ۲۵. «آنها می گویند: اگر راست می گوئید این وعده قیامت چه زمانی است؟».



این حدیث مفصل در کتاب شریف *منتخب الاثر*، *کفایة الاثر*<sup>۱</sup> و همچنین در *بحار الانوار*<sup>۲</sup> نقل شده است.

قرآن که می فرماید: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**<sup>۳</sup> ای پیامبر! تو منذر هستی و برای هر قوم و گروهی نیز هادی است؛ هادی یعنی ائمه معصومین علیهم السلام. هادی یعنی حجت خدا بر روی زمین. خداوند این حجت را قرار داده که ما با ایشان درددل و انابه کنیم؛ به ویژه در این شب‌های احیا و شب‌های قدر که **تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ**<sup>۴</sup> ملائکه الهی و روح که فرشته اعظم الهی است، بر وجود نازنین امام زمان علیه السلام نازل می شود و اعمال و مقدرات ما را خدمت حضرت عرضه می دارند. ان شاء الله از کسانی باشیم که هنگام ارائه اعمال، پیش حضرت خوشبخت باشیم. روسیاه نباشیم، بلکه روسفید باشیم و حضرت نیز در حق ما دعای خیر کند و خوشحال شود. ان شاء الله تعالی بتوانیم خشنودی دل امام زمان علیه السلام را به دست بیاوریم.

**وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.**

۱. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۲، ص ۴۴-۴۵، ح ۲۵۷.

۲. خزاز قمی، *کفایة الاثر*، ص ۱۶۵.

۳. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۶، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۴. رعد، ۷. «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.»

۵. قدر، ۴. «فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند.»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ  
الْمُنْتَظِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

### ترجمه آیه

این آیه در ظاهر می‌فرماید: کسانی که به خدا و پیامبر ایمان نداشتند، گفتند چه موقع آیه و نشانه‌ای از سوی پیامبر نازل می‌شود؟ ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ﴾؛ آیه نازل شد که ای پیامبر بگو غیب از طرف خداوند است؛ شما منتظر باشید، من هم با شما منتظر هستم.



## ارزش صبر و انتظار فرج

درباره این آیه شریفه چند روایت داریم. این آیه درباره انتظاری است که مردم باید در زمان غیبت داشته باشند و همچنین انتظار از مؤمنان، زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام زمان عجل الله فرجه مطالبی را بیان می فرمودند، وجود داشت و همه منتظر ظهور موفورالسرور آن حضرت بودند.

روایتی در این باره از کمال الدین نقل شده است<sup>۱</sup> که به اسناد خودش می فرماید: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ، قَالَ الرَّضَائِيُّ: «امام رضا: فرمودند: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ»: چه نیکوست صبر و انتظار فرج در ناراحتی‌ها و ناملایمات! انسان در مشکلات صبر کند، حوصله داشته و بردبار باشد. «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»: خداوند می فرماید: صابران را بدون حساب اجر می دهد که یکی از مصادیق صبر روزه است؛ همان طوری که در روایتی در تفسیر همین آیه شریفه داریم کسی که روزه می گیرد، بر گرسنگی و تشنگی و مشکلاتی که ممکن است روزه برایش پیش بیاورد صبر می کند و خداوند می فرماید: «إِنَّمَا

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۸۸، ح ۱۲۳۶. «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ، قَالَ: قَالَ الرَّضَائِيُّ: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَارْتَبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبًا»؛ «فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ السُّمَّطِيرِينَ»؛ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ؛ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ».

يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ: بدون حساب خداوند به کسانی که صبر کردند، پاداش خیر می دهد. صبر و انتظار فرج چقدر خوب است.

بعد می فرماید: «أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَيَا نَشْنِيدُ قَوْلَ خَدَاوْنَسَ رَا دِرَ قِرَآنَ کَه مِی فِرْمَايِد: «وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ»: منتظر باشید. من هم با شما منتظر هستم. همچنین استشهاد می کند به همین آیه شریفه ای که تلاوت کردم: «فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ»: شما هم منتظر باشید، من هم با شما از منتظران هستم. حالا خود خداوند یا رسول خدا: در این آیه ای که دارد، می فرماید: «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ»: بگو ای پیامبر: غیب از خدا است.

### صبر در امت‌های پیشین

روایت می فرماید: «فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ»: فرج و گشایش در امور مردم زمانی می آید که مردم از همه جا ناامید شدند. امیدها قطع می شود و هر دسته و هر گروهی که حکومت را به دست گرفتند، نتوانستند آن طور که باید و شاید، عدالت اسلامی را برقرار کنند. همه و همه ناامید می شوند. «فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ»: آنهایی که قبل از شما بودند صبرشان از شما بیشتر بود. در

۱. هود، ۹۳.

۲. یونس، ۲۰.

ناملایمات و مشکلات صابر بودند و چقدر در زمان فرعونیان بنی اسرائیل در مقابل این همه ظلم و ستمی که فرعون بر بنی اسرائیل داشت، صبر کردند و همچنین امت‌های سایر پیامبران، آنها را به بدترین وضعی که انسان تصور می‌کند، شکنجه دادند و آنان را از بین بردند، ولی صابر بودند و دست از ایمانشان برنداشتند.

این آیه شریفه را که می‌فرماید: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛ از آن استفاده می‌کنیم منظور همان انتظاری است که ما باید برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه داشته باشیم. یکی از وظایف بزرگ ما در عصر غیبت همان حالت انتظار است که منتظر ظهور منجی باشیم و منتظر باشیم که خداوند متعال آن ذخیره الهی خودش را که انبیای الهی همه منتظرش بودند، ائمه علیهم السلام همه منتظرش بودند، ما هم این حالت انتظار را باید داشته باشیم. این وظیفه اصلی ما در عصر غیبت است.

### منتظر امر ظهور به منزله شهید در راه خدا

روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، قَالَ: الْمُنتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که منتظر امر ما باشد و منتظر ظهور ولی الله الاعظم باشد که او بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند، مانند

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵،

ص ۱۸۸، ح ۱۲۳۸. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: الْمُنتَظِرُ لِأَمْرِنَا

كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

کسی است که در خون خودش غلتیده، هرچند شهادت نصیبش نشود. اما همین که منتظر ظهور حضرت مهدی عجته باشد، در خون خود غلتیده و شهید شده است. خداوند متعال ثواب و فضیلت را به او می‌دهند.

### انتظار فرج برترین اعمال

روایت دیگری امام کاظم ع از پدران بزرگوارشان نقل کرده است که از این قرار است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ، عَنْ آبَائِهِ ع، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛» رسول خدا ص فرمود: بالاترین عمل امت من انتظار فرج است. یعنی عملی بالاتر از این نیست. آن عملی که از همه ثوابش بیشتر است و آن عملی که خداوند آن را در درگاه خودش می‌پذیرد، انتظار فرج است. منتظر بمانید و امیدوار باشید این جامعه را با امید و با نشاط حفظ کنید که ان شاء الله امام زمان عجته تشریف بیاورند و این جهانی را که پر از ظلم و فساد است، پر از عدل و دادگستری، آسایش و آرامش، امنیت و عدالت کند؛ از این رو می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛» بالاترین عملی که امت من انجام می‌دهند، انتظار فرج است که به طرق مختلف این روایت آمده است.

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۴؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵،

ص ۱۸۷، ح ۱۲۳۵. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ آبَائِهِ ع، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي

أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

## شرایط قبولی اعمال بندگان

آیا همین که بگوییم منتظر هستیم کفایت می‌کند یا نه؟ روایات، وظیفه ما را در این عصر معین کرده است که منتظران ظهور امام مهدی عجله الله فرجه چه کنند؟ روایت می‌فرماید: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟»؛ «ابو بصیر، یکی از اصحاب خاص امام، از امام صادق ع نقل کرده است، روزی امام صادق ع با اصحابشان صحبت می‌کردند درباره اینکه آیا به شما خبر ندهم به آن چیزی که خدای متعال عملی را قبول نمی‌کند، مگر به وسیله او؟ اگر عملی را قبول می‌کند، به وسیله او قبول می‌کند. «فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ شهادت به توحید و وحدانیت خداوند؛ «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»؛ و همچنین رسالت پیامبر ص؛ «وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ»؛ اقرار

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۹۰-۱۹۱.

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَالْوِلَايَةَ لَنَا، وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا؛ يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً؛ وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ، وَالسُّورَةَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ عجله الله فرجه؛ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ؛ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَيِّئُوا لَكُمْ أَيْتَهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ».

به آنچه خداوند به آن فرمان داده است: «وَالْوَلَايَةُ لَنَا»؛ و ولایت ما را قبول داشته باشید؛ «وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا»؛ با دشمنان ما هم دشمن باشید؛ «يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً، وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ»؛ و باید تسلیم امر ولایت و آنچه خداوند آورده است، باشید «وَالْوَرَعُ»، و همچنین اگر می‌خواهید عملتان قبول بشود، ورع و تقوا داشته باشید و از خداوند بترسید. «وَالْإِجْتِهَادُ وَالطَّمَأْنِينَةُ»؛ کوشش کنید در اینکه اعمالتان مقبول خداوند باشد. «وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ»؛ منتظر حضرت باید باشید. اگر می‌خواهید عملتان مقبول باشد، بدون انتظار، عمل قبول نیست. کسانی که نماز می‌خوانند، شب تا صبح عبادت و روزها روزه می‌گیرند، قرآن را ختم می‌کنند و کارهای نیک انجام می‌دهند، اگر منتظر امام زمان عجلتعالیه نباشند، برایشان سودی ندارد؛ از این رو می‌فرماید: «وَالْإِنْتِظَارُ»؛ منتظر باشید.

«ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً»؛ سپس امام صادق ع فرمودند: برای ما یک دولتی است، ما هم دولت، مکتب و حکومت داریم «يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ»؛ و هرگاه خدا بخواهد، آن دولت یا آن حکومت یا امارت را به ما خواهد داد.

### وظایف منتظران و اصحاب قائم عجلتعالیه

«ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ»؛ اگر می‌خواهید از اصحاب امام زمان عجلتعالیه باشید، باید منتظر باشید. اگر حالت انتظار وجود مقدس امام زمان عجلتعالیه و ظهور موفورالسرور در شما و در ما وجود داشته باشد، بدانید از اصحاب امام زمان عجلتعالیه هستید. چگونه منتظر باشیم؟ برای مثال اگر یکی از

دوستانان در سفر باشد و مدت‌هاست از او خبر ندارید و به شما اطلاع می‌دهند که وی برمی‌گردد، چگونه اظهار علاقه می‌کنید؟ چگونه در فراق او اظهار ناراحتی می‌کنید؟ باید این‌گونه منتظر باشید.

«وَلْيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ»؛ منتظر به کسی می‌گویند که عمل با ورع انجام می‌دهد و فقط نگوید من منتظرم. انتظار، عامل مقاومت و حرکت در جامعه است؛ نه اینکه عامل منتظر بشود. با ورع منتظر بشود، انسان متقی منتظر شود، کسی که به دیگران کمک کند، کسی که مواظب حقوق بندگان خدا باشد؛ لذا می‌فرماید: «وَلْيَعْمَلِ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»؛ بهترین اخلاق را باید انسان منتظر داشته باشد. «وَهُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ این شخص منتظر نامیده می‌شود. اگر منتظر شد چه می‌شود؟ چه مقامی پیش خداوند متعال دارد؟ «فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ»؛ حال اگر قبل از ظهور امام ع از دنیا رفت، همان کسانی که خود حضرت را می‌بینند و در رکابش جهاد می‌کنند و شهید می‌شوند، چقدر اجر دارند؟ کسی هم که حال انتظار را دارد و از دنیا رفته، خداوند ثواب، اجر و فضیلت همان شخص را به او می‌دهد.

«فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ»؛ تلاش و کوشش کنید و منتظر باشید؛ برای شما گوارا باد. این حالت انتظار بهترین حالتی است که انسان دارد. «أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»؛ ای عصابه مرحومه، ای گروهی که مورد رحمت خداوند متعال قرار گرفتید، (منظور همان شیعیان امیرالمؤمنین ع است)؛ منتظر ظهور امام زمان ع باشید.



## انتظار فرج محبوب‌ترین کارها نزد خدا

درباره انتظار فرج در روایت دیگری داریم<sup>۱</sup> «فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعَاءِ الَّذِي عَلَّمَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَاءَةً بَابٍ مِمَّا يَصْلَحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ؛ أميرالمؤمنین ۳: چهارصد حدیث در یک مجلس به اصحاب یاد دادند؛ چهارصد حدیثی که برای دین و دنیای آنها لازم بود.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۳: اِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ به آنها گفت از روح و رحمت خداوند ناامید نشوید. «فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ»؛ امام می‌فرماید: محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است، مادامی که بنده مؤمن بر این انتظار باشد. این حالت را داشته باشد، حالت انتظار بهترین عملی است که خداوند از او قبول دارد و دوست دارد.

۱. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۰-۶۲۵؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۹۳، ح ۱۲۴۲. «فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعَاءِ الَّذِي عَلَّمَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَاءَةً بَابٍ مِمَّا يَصْلَحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: اِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ... إِلَى أَنْ قَالَ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ كَثِيرٍ مِنْ هَذَا الْحَدِيثِ الشَّرِيفِ... ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْعِلَلِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الرَّيْبِ، وَجِهَتْنَا رِضَا الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».





## یاد اهل بیت علیهم السلام شفای هر ناراحتی و بیماری

امام سخن را طولانی کردند: «إِلَى أَنْ قَالَ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ كَثِيرٍ مِنْ هَذَا الْحَدِيثِ الشَّرِيفِ»: سپس فرمود: «ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْعِلَلِ وَالْأَسْقَامِ»: ذکر و یاد ما اهل بیت شفاست، از هر ناراحتی و غصه و مرض و بیماری. در مجلسی بنشینیم که به یاد اهل بیت باشیم، صحبت کنیم، یاد اهل بیت شفاست.

در مجالسی که نشستید، روایت و حدیث نقل کنید. به جای اینکه حرف‌های دنیایی بزنید، روایتی آماده کنید و برای دوستان خود نقل کنید. چنین مجلسی بسیار ارزشمند است.

«وَوَسْوَسِ الرَّيْبِ»: و وسوسه‌های دل‌ها با ذکر اهل بیت علیهم السلام از بین می‌رود. آن چیزهایی که شیطان در ذهن انسان وارد می‌کند، اگر به یاد اهل بیت علیهم السلام باشیم، آنها را به وسیله ذکر اهل بیت علیهم السلام از بین می‌برد.

## فراگیرنده امر امامان علیهم السلام همراه آنان در قیامت

«وَالْأَخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ»: هر کس که با ما و آخذ به امر ما باشد، فردای قیامت در سرای قدس و طهارت با ما و پیش ماست.

«وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»: آن کسی که منتظر امر ماست و فرج ما را از خداوند می‌خواهد، مانند کسی است که در راه خداوند در خون خودش غلتیده است؛ همان‌گونه شهدا در پیشگاه خداوند عزیزند که آیه می‌فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>۱</sup> و سر سفره رحمت الهی همیشه زنده هستند و از سفره رحمت الهی و مائده آسمانی استفاده می کنند، کسی که منتظر امر ما باشد نیز مانند کسی است که در راه خداوند متعال شهید شده باشد. ان شاء الله که این حالت انتظار واقعی در ما باشد.

### ارزش انتظار

حدیث دیگری در فضیلت کسانی که حالت انتظار دارند و برای اینکه همیشه این حالت در آنها باقی بماند، از محاسن برقی نقل شده است.<sup>۲</sup>

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَغَيْرُهُ عَنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»؛ هر کسی از شما بمیرد، ولی منتظر این امر باشد و با حالت انتظار از دنیا رفته باشد، مانند کسی است که با امام زمان علیه السلام و در خیمه مخصوص امام زمان علیه السلام است. همان گونه که این شخص این همه اجر و مقام

۱. آل عمران، ۱۶۹.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۴؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۵، ص ۱۹۳، ح ۱۲۴۴.  
«عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَغَيْرُهُ، عَنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً؛ ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ؛ ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ».

دارد که تقرب به ولی الله پیدا کند، کسی که در حال انتظار از دنیا برود، مانند این است که پیش امام زمان عجلتعالیه و در خدمت ایشان بوده است.

«قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً»؛ امام عجلتعالیه مکث کوچکی کردند و بعد فرمودند: «ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ»؛ خیر؛ این کسی که با حالت انتظار از دنیا رفته، مانند کسی است که در رکاب امام زمان عجلتعالیه شمشیر زده است. کسی که در جلوی چشم امام زمان عجلتعالیه شمشیر بزند برای اجرای عدالتی که امام زمان عجلتعالیه می خواهد، شخص منتظر عین همان است. «ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ»؛ نه، بالاتر، کسی که منتظر است، مقامش بالاتر است. اینها را امام صادق عجلتعالیه می فرمایند: «إِلَّا كَمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ مگر مانند کسی که با پیامبر ص شهید شده، مثل کسی که در رکاب پیامبر ص شهید شده، انسان منتظر از این دنیا برود، حتی اگر امام زمان عجلتعالیه را ندیده باشد، مثل کسی است که در رکاب پیامبر ص در جنگ بدر، احد، حنین و خیبر شهید شده و این حالت انتظار است و فضیلتی است که برای منتظران ظهور آن حضرت قرار داده است.

### وظایف شیعیان در عصر غیبت

وظایف ما در عصر غیبت بنا به آنچه در روایات آمده است را به طور مختصر بررسی می کنیم. روایت داریم<sup>۱</sup> که زراره خدمت امام صادق عجلتعالیه آمد و گفت:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۶؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲.

«جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ

«جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟»؛ فدایت شوم، وقتی حضرت در غیبت هستند، اگر این زمان را درک کردم، چه کنم؟ «قَالَ: يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ خدایا خودت را به من بشناسان و بعد از آن، رسالت را به من بشناسان و بعد حجتت را به من بشناسان، که اگر حجتت را نشناسم، گمراه شدم؛ یعنی دین را اگر بخواهی بشناسی، مسیر شناخت دین ولی الله و حجت خداست. آنهایی که حجت خدا را نشناخته باشند، بدبخت و بیچاره هستند. خدا را شکر می‌کنیم حجت خدا را در این عصر می‌شناسیم، وگرنه همان است که فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». حضرت فرمود این دعا را همیشه بخوانید: «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ اگر حجتت را نشناسم و اگر خدایا تو حجتت را بر من شناسانی، گمراه و عاقبت به شر می‌شوم و دینم را از دست می‌دهم. این است که باید همیشه این دعا را بخوانیم، آن هم با تضرع و انابه.

بِهَذَا الدُّعَاءِ: اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

کتابی به نام *مکیال المکارم* از موسوی اصفهانی، یکی از علمای بزرگ اصفهان و جد امی مرحوم آیت الله ابطحی، است. کتاب بسیار باارزشی است. *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، فوائد دعا برای امام زمان عجلت، حدود هشتاد وظیفه را در این کتاب برای ما منتظران در عصر غیبت ذکر کرده است.<sup>۱</sup> حالا غیر از اینکه دعای برای امام زمان عجلت است و فواید دعا را می فرماید، حدود هشتاد وظیفه را برای شیعیان در زمان غیبت بیان کرده است که بعضی از آنها را اشاره می کنیم.

«ذکر فی کتابِ مِکْیالِ المَکَارِمِ فی بَابِ الثَّامِنِ مِنْ تَکَالِیفِ العِبَادِ بِالنَّسْبَةِ إِلَیْهِ عجلت، ثَمَانِینَ أَمْرًا»؛ باب هشتم از تکالیف بندگان، هشتاد مورد را ذکر می کند که ما در خدمت حضرت باید داشته باشیم. «وَأَشْبَعَ الْكَلَامَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ بِمَا لَا مَزِيدَ عَلَيْهِ».

به طور دقیق مطلب را اشباع کرده و مطلب را توضیحات مفصلی داده اند. «وَنَحْنُ نَشِيرُ إِلَى ذِكْرِ بَعْضِهَا بِالْإِيجَازِ وَالْإِخْتِصَارِ»؛ ما به صورت مختصر به ذکر بعضی از این وظایف می پردازیم.

«فَمِنْهَا تَحْصِيلُ مَعْرِفَةِ صِفَاتِهِ وَآدَابِهِ وَخَصَائِصِ جَنَابِهِ»؛ وظیفه اول ما این است که حضرت را بشناسیم، صفات و خصایص حضرت و آداب ایشان را بشناسیم و

۱. موسوی اصفهانی، *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۹۵.

۲. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۵، ص ۱۹۹-۲۰۱، باب ۱۱، فصل ۳.

همچنین نشانه‌های ظهور آن حضرت را کامل بدانیم. علایم حتمی و غیرحتمی چیست؟ اینها ممکن است پیش بیاید، ما بدانیم که این علامتی که آمده، علامت حتمی است یا نه، اینها می‌خواهند ما را گمراه کنند و باعث ضلالت در دینمان شوند.

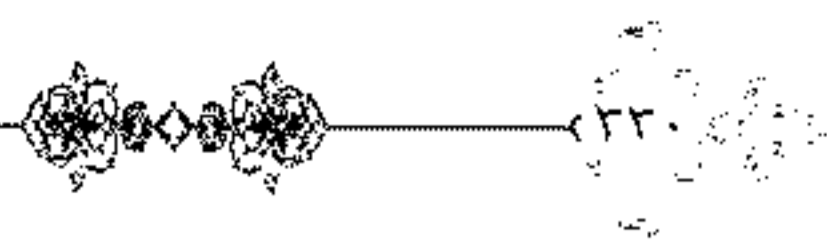
### رعایت ادب در بردن نام امام زمان علیه السلام

«وَمِنْهَا رِعَايَةُ الْأَدَبِ بِالنِّسْبَةِ إِلَى ذِكْرِهِ»؛ از جمله تکالیفی که داریم، رعایت ادب نسبت به حضرت است. وقتی اسم حضرت را می‌آوریم، با ادب نام ببریم، با القاب مخصوص نام ببریم، نه اینکه مثلاً اسمی را که برای امام است، همین‌طوری ببریم. حضرت را با نام‌های صاحب‌الامر، بقیة‌الله، صاحب‌الزمان نام ببریم و با القاب خاصی، کمال ادب را نسبت به امام زمان علیه السلام داشته باشیم.

«بِأَنَّ لَا يَذْكُرُهُ إِلَّا بِالْأَلْقَابِ الشَّرِيفَةِ كَالْحُجَّةِ وَالْقَائِمِ وَالْمَهْدِيِّ وَصَاحِبِ الْأَمْرِ وَصَاحِبِ الزَّمَانِ وَغَيْرِهَا وَتَرَكَ التَّصْرِيحَ بِاسْمِهِ الشَّرِيفِ وَهُوَ اسْمُ رَسُولِ اللَّهِ؛ وَمِنْهَا مَحَبَّتُهُ بِالْخُصُوصِ وَتَحْيِيئُهُ إِلَى النَّاسِ»؛ نام مبارکشان را که نام مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله است، نیاورید.

### اظهار محبت و علاقه ویژه به حضرت

از جمله چیزهایی که جزو تکالیفمان در عصر غیبت است، اینکه حضرت را دوست داشته باشیم و محبوب واقعی دل‌های ما امام زمان علیه السلام باشد. الآن چقدر



حضرت را دوست دارید؟ به قلبتان نگاه کنید، آیا درون این قلبتان عشق به حضرت وجود دارد یا حب چیزهای دیگر است. باید اول محبوب و بالاترین محبوب امام زمان عجلتعالیه باشد. چگونه انسان محبوب‌های دنیایی را علاقه دارد، باید ایشان را از همه بیشتر دوست داشته باشد.

«وَمِنْهَا مَحَبَّتُهُ بِالْخُصُوصِ وَتَحْبِيبُهُ إِلَى النَّاسِ»؛ و مردم را هم نسبت به علاقه داشتن به امام زمان عجلتعالیه تشویق کنیم. به مردم اسم و مناقب حضرت را بگوییم. آیت‌الله والد ما می‌فرمودند: مرحوم حضرت آیت‌الله بروجردی به طلاب و مبلغین سفارش می‌کردند، در منابر خودتان نام حضرت را زیاد ببرید. به یاد حضرت باشید و منبر را با نام ایشان شروع کنید و با نام ایشان تمام کنید. فضایل حضرت را هم بیاورید تا مردم با حضرت مأنوس باشند، انس‌شان با امام زمان عجلتعالیه زیاد باشد، این‌طور نباشد که ما با نام امام غریبه باشیم. باید آن‌قدر به حضرت اظهار ادب و اظهار علاقه کنیم، مثل یک محبوبی که پیش ما هست چطور اظهار علاقه کنیم، باید مردم را تحبیب کنیم، مردم را تشویق کنیم که به خدمت امام زمان عجلتعالیه اظهار ادب داشته باشند.

### اظهار شوق برای دیدار با امام زمان عجلتعالیه

«وَإِظْهَارُ الشُّوقِ إِلَى لِقَائِهِ»؛ همه ما دوست داریم که حضرت را ببینیم. «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»؛ از خدا بخواهیم که این محبوب را ملاقات کنیم



و این چشم‌های ناقابل به جمال مبارکش ان شاء الله روشن بشود.

«وَذِكْرُ فَضَائِلِهِ وَمَنَاقِبِهِ وَالْحُزْنُ لِفِرَاقِهِ»؛ در فراق ایشان محزون باشیم، گریه کنیم

و اشک بریزیم. در روایات داریم که امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام وقتی نام امام

زمان علیه السلام را می‌بردند، چگونه گریه می‌کردند. «بِکَيِّ بُكَاءٍ أَشَدِّدًا»؛ در فراق ایشان

محزون باشیم. اگر دوستان، اقوام و بستگان، پدر، مادر یا فرزندان را سال‌ها

ندیدید، همان‌گونه که در فراق او ناراحت هستید، باید در فراق امام زمان علیه السلام

محزون باشید.

### اهمیت حضور و برپایی مجالس به یاد امام زمان علیه السلام

«وَالْحُضُورُ وَالْجُلُوسُ فِي الْمَجَالِسِ الَّتِي تَذَكَّرُ فِيهَا فَضَائِلُهُ وَمَنَاقِبُهُ وَمَا يَتَّعَلَقُ بِهِ»؛ در

آن مجالسی که نام امام را می‌برند و فضایل و مناقب امام را ذکر می‌کنند، حضور

پیدا کنیم. جلسه‌ای که شرکت کردید، اگر اسم امام و منقبتی از امام صادر نشد،

باید تذکر بدهیم. مجلس را با یاد امام زمان علیه السلام شروع کنید و با یاد امام

زمان علیه السلام تمام کنید. ما همه منتظر فرج هستیم؛ از این رو می‌فرماید در آن مجالس

حضور پیدا کنیم.

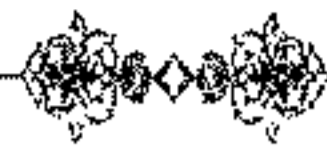
«وَإِقَامَةُ تِلْكَ الْمَجَالِسِ»؛ وظیفه ماست که این مجالس را اقامه کنیم، هر طور

شده و با هر وسیله‌ای که می‌توانید، اگر پول دارید، روی هم بگذارید و مجلسی

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ همو، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۳۷۲؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۶۸.





را به نام امام زمان علیه السلام برپا کنید و اگر مجلسی تشکیل می‌شود، برای رونق آن مجلس شرکت کنید و کسر شأن ندانید و مجلسی که یاد امام زمان علیه السلام در آن است، بهترین مجلس است.

### نشر فضایل امام زمان علیه السلام و ترویج دین خدا

«وَنَشْرُ فَضَائِلِهِ»؛ فضایل حضرت را به هر وسیله‌ای می‌توانید نشر دهید، چقدر اثر دارد و چقدر مردم لذت می‌برند. «وَبَدُلُ الْمَالِ فِي ذَلِكَ»؛ مال خودتان را در این راه بدهید «لِأَنَّهَا تَرْوِجُ لِدِينِ اللَّهِ وَتَعْظِيمُ شَعَائِرِهِ»؛ به خاطر اینکه این مجالس ترویج دین خداست. «وَإِنْشَاءُ شِعْرٍ وَإِنْشَادُهُ فِي مَدْحِهِ»؛ از جمله تکالیفی که ما داریم این است که درباره امام زمان علیه السلام شعر بسراییم، اگر شما اهل شعر و شاعری هستید، درباره امام زمان علیه السلام شعر بسرایید و همچنین مدح امام زمان علیه السلام، اشعار شاعرانی که مدح امام زمان علیه السلام را گفتند، برای مردم بخوانید.

### گریه در فراق امام زمان علیه السلام

«وَالْبُكَاءُ وَالْإِبْكَاءُ وَالتَّبَاكِي عَلَى فِرَاقِهِ»؛ گریه کنید و دیگران را به گریه بیندازید و حالت بکاء برای امام زمان علیه السلام داشته باشید، همان‌گونه که برای سیدالشهدا علیه السلام حالت بکاء و تباکي و ابکاء هست، برای امام زمان علیه السلام هم باید باشد. «وَالتَّسْلِيمُ وَتَرْكُ الْاِسْتِعْجَالِ»؛ نسبت به امر امام زمان علیه السلام تعجیل نکنید؛ اینکه بگوییم چرا دیر شد و مردم از دین خدا منصرف شوند و تسلیم امر خدا باشیم که هر وقت خدا خواست، امام زمان علیه السلام را به داد ما خواهد رساند.



«وَالْتَصَدَّقُ عَنْهُ بِنِيَابَتِهِ»؛ از طرف امام زمان عجلت و به نیابت از ایشان صدقه بدهید. اگر می‌خواهید به فقیری صدقه بدهید، بگویید این به نیابت امام زمان عجلت است «وَبِقَصْدِ سَلَامَتِهِ»؛ و برای سلامتی امام زمان عجلت صدقه بدهید خداوند، خودتان و اهل و عیالتان را حفظ می‌کند «وَالْحَجُّ بِنِيَابَتِهِ»؛ حالا که حج بسته شده و دعا کنید، با نابودی آل سعود انشاءالله خانه خدا به روی شیعیان باز شود. به نیابت امام زمان عجلت حج انجام دهید. بار اول که مستطیع شدی، به نیت خودت برو و سال‌های بعد به نیابت امام زمان عجلت حج برو. «وَبَعَثُ النَّائِبِ لِيُحُجَّ عَنْهُ»؛ اگر پول داری، اشخاصی را بفرست تا حج به نیابت امام زمان عجلت به جا بیاورند. «وَطَوَافُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَبَعَثُ النَّائِبِ لِيَطُوفَ عَنْهُ»؛ طواف کنید و همچنین از طرف امام زمان عجلت نایب بفرستید که طواف کنند. «وَزِيَارَةُ مَشَاهِدِ الرَّسُولِ وَالْأئِمَّةِ بِنِيَابَةِ عَنْهُ»؛ اگر به زیارت امام حسین ع مشرف شدید، بگویید به نیابت از امام زمان عجلت هرچند خودشان مشرف هستند؛ ولی اینها برای ما ارتباط دقیق و خاصی را با امام زمان عجلت برقرار می‌کنند. «وَبَعَثُ النَّائِبِ لِيُرْوَرَ عَنْهُ»؛ از همین جا نمی‌توانید بروید یا پیرمردی که در بستر بیماری است، چند نفر را بفرستد تا امام حسین ع را زیارت کند یا به زیارت امام رضا ع بفرستد. «وَالسَّعْيُ فِي خِدْمَتِهِ وَتَجْدِيدُ الْبَيْعَةِ لَهُ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ مِنَ الْفَرَائِضِ الْيَوْمِيَّةِ»؛ هر وقت نماز می‌خوانید، با امام زمان عجلت تجدید بیعت کنید و آن دعاها را مخصوصاً بخوانید «وَهَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».



## خواندن دعای عهد

بعد می فرماید: «وَيُسْتَحَبُّ تَجْدِيدُهَا بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ»؛ بعد از هر نمازی تجدید بیعت کنید با امام زمان عجلتعالیه «بِمَا رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ ع كَمَا عَنِ الصَّلَاةِ الْبِحَارِ عَنِ كِتَابِ الْإِخْتِيَارِ، وَمِنَ الْأَدْعِيَةِ الْمَأْثُورَةِ فِي ذَلِكَ مَا كُتِبَ فِي الدَّعَوَاتِ بِأَسَانِيدٍ مُتَّصِلَةٍ إِلَى مَوْلَانَا الصَّادِقِ ع قَالَ: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا كَانَ مِنْ أَنْصَارِ الْقَائِمِ»؛ از آن دعاهایی که وظیفه داریم در عصر غیبت بخوانیم، از آن دعاهایی که از امام صادق ع وارد شده، دعای عهد است. هرکس این دعا را چهل صبح بخواند از اصحاب قائم است و آن دعا این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحُرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقَانِ] الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ [وَالْمُرْسَلِينَ].

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ [بِاسْمِكَ] الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ؛ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَمُيْتِ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرَّهَا وَبَحْرَهَا

وَسَهِّلْهَا وَجَبَلِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرَشِكَ وَمِدَادَ  
كَلِمَاتِكَ وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

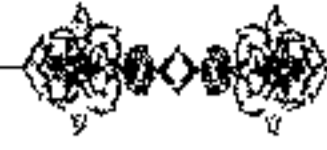
اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً  
لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَثِّلِينَ  
لِأَمْرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَالتَّابِعِينَ [وَالسَّابِقِينَ] إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ  
قَرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحَلْ مُرْهِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ  
فَرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ  
بِلَادَكَ وَأَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ  
أَيْدِي النَّاسِ»؛ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ  
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ  
وَيُحِقِّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُحَقِّقُهُ.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ مَفْرَعًا لِلْمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا  
عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛  
وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِّنْ حَصَنَتِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.



اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ  
اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ.

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ  
بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَضْرِبُ عَلَى فَخْذِكَ الْأَيْمَنِ ثَلَاثاً وَتَقُولُ: الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.»<sup>۱</sup>  
وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ﴾

### امامت در ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام

این آیه شریفه درباره حضرت ابراهیم علیه السلام است که خداوند متعال می فرماید: ما امامت را در ذریه او باقی گذاشتیم و ذریه طیبه ای که از نسل حضرت ابراهیم - علی نبینا وعلی آله وعلیه السلام - به عنوان امام و خلیفه به وسیله خداوند متعال برای مردم منصوب شده است. ظاهر آیه درباره حضرت ابراهیم علیه السلام است.



## امامان معصوم علیهم السلام مصداق کلمه باقیه

اما روایاتی در این باره داریم و از این روایات استفاده می‌کنیم که ائمه علیهم السلام هم از نسل ابراهیم علیه السلام هستند و تا ظهور حضرت حجت علیه السلام همه کلمه باقیه‌اند و به عنوان حجت خدا بر زمین حکومت دارند و امامت می‌کنند. درباره غیبت و اینکه غیبت امام زمان علیه السلام چگونه است، چند نوع غیبت دارد، روایاتی که در این باره وارد شده و فایده غیبت امام زمان علیه السلام چیست، مطالبی بیان می‌کنیم.

## امامت در اولاد امام حسین علیه السلام

درباره همین آیه شریفه روایت داریم که از امام سجاد علیه السلام نقل شده است.<sup>۱</sup>  
 «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»، که ایشان فرمودند: «وَفِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ؛ این آیه که می‌فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»؛ درباره ما نازل شده

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۴؛ نیز: مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۶۰۷. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: ... وَفِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»؛ وَالْإِمَامَةُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ وَأَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا عَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى، أَمَّا الْأُولَى فَمِئَةٌ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ؛ وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ بِقِيْنُهُ، وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ».

است. «وَالْإِمَامَةُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»: خداوند متعال قرار داد امامت را در اعقاب امام حسین علیه السلام و اولاد امام حسین علیه السلام به منصب امامت می‌رساند و تا روز قیامت هر امامی خواهد آمد از نسل امام حسین علیه السلام است. از این رو آیه می‌فرماید: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً»، یعنی به این معنا تا روز قیامت این کلمه و این نشانه خداوند متعال که امامت باشد، در نسل و ذریه امام حسین علیه السلام باقی می‌ماند.

### غیبت صغری و غیبت کبری

«وَأَنَّ لِلْقَائِمِ مَنَّا غَيْبَتَيْنِ»: مهدی از ما دو غیبت دارد: «إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى»: امام زمان علیه السلام دارای دو غیبت است که یکی از آنها از دیگری طولانی‌تر است. «أَمَّا الْأُولَى فِسِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ؛ وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمَدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ»: ثابت نمی‌ماند بر امامت امام زمان علیه السلام، مگر کسی که یقینش قوی باشد. اگر دارای یقین قوی باشد، این شخص بر امامت امام زمان علیه السلام باقی بماند؛ چون غیبت آن حضرت طولانی می‌شود، عده‌ای شک می‌کنند و مردد می‌شوند، آیا همچنین امامی زنده است یا خواهد آمد؟ «فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ»: آن کسی که یقین داشته باشد و یقینش قوی باشد، معرفتش نسبت به امام زمان علیه السلام صحیح و استوار است.



## شناخت حجت سبب نجات از گمراهی

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛ حجت خدا را ما باید بشناسیم، آن هم از طریق خداوند و پیامبر اکرم ﷺ. اگر من حجت تو را نشناسم، گمراه می شوم و دینم را از دست می دهم. کسی دین دارد که به وجود امام معرفت داشته باشد. این روایت درباره آیه ۲۸ سوره رُحرف أَوْجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ آمده که امیرالمؤمنین ﷺ می فرماید درباره ما نازل شده است و آن کلمه باقیه ما و فرزندان امام حسین ﷺ تا روز قیامت هستیم.

## روایات ائمه ﷺ درباره غیبت

بعد می فرماید برای امام دو غیبت است که یک غیبتش طولانی تر از غیبت دیگر است. غیبت صغری و غیبت کبری. درباره چگونگی غیبت حضرت، روایات زیادی داریم که این مسئله برای ما معلوم و روشن باشد و کلماتی که برای ما

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: ... قَالَ: يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكَتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

فرموده‌اند، تبیین بشوند. ائمه علیهم‌السلام هم‌شان این بوده که مسئله غیبت و ظهور امام درست جا بیفتد؛ لذا هر کدام از ائمه علیهم‌السلام درباره غیبت امام مطلب و مسئله‌ای فرمودند و احادیث و روایات زیادی از آنها نقل شده است؛ تا شیعه در عصر غیبت آمادگی کامل برای غیبت امام زمان علیه‌السلام پیدا کند و با این آمادگی وارد شوند، در غیر این صورت، اگر این بزرگواران برای ما نفرموده بودند، واقعاً متحیر و مردد می‌شدیم که چگونه شخصی می‌تواند این همه غیبت داشته باشد و آیا غیبتش برای ما سودی دارد یا نه؟ چه فرقی میان ایشان و دیگر ائمه علیهم‌السلام وجود دارد که آنها غیبت نداشتند، ولی ایشان غیبت دارند. بنابراین ائمه علیهم‌السلام ما را برای چنین روزهایی آماده کردند.

### غیبت امام زمان علیه‌السلام در سخنان امام حسین علیه‌السلام

از امام حسین سیدالشهدا علیه‌السلام نقل شده که می‌فرماید: «أَنَّه قَالَ: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ يَعْنِي الْمَهْدِيَّ علیه‌السلام غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ: بَعْضُهُمْ مَاتَ»؛ برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از این دو غیبت طولانی است؛ یکی غیبت صغری و دیگری

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۱۷۱-۱۷۲، ب ۱۲، ح ۴؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب

الاثار، ج ۳، ص ۲۰۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ يَعْنِي

الْمَهْدِيَّ علیه‌السلام غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ، وَبَعْضُهُمْ قُتِلَ وَبَعْضُهُمْ ذَهَبَ،

وَلَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ».

غیبت کبری و غیبت آن حضرت بسیار طولانی می‌شود: «حَتَّى يَقُولَ: بَعْضُهُمْ مَاتَ»؛ به طوری که بعضی از مردم می‌گویند امام مرد، از دنیا رفت، و الا اگر بود، می‌آمد. «وَبَعْضُهُمْ قُتِلَ»؛ و بعضی از مردم می‌گویند امام کشته شد و حضرت را شهید کردند «وَبَعْضُهُمْ ذَهَبَ»؛ و بعضی‌ها می‌گویند رفت، حالا به آسمان رفت، یا جاهای دیگر، ایشان را نمی‌بینیم. «وَلَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَرَثَةٍ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»؛ و کسی مطلع نمی‌شود بر محل ایشان، مگر آن خادمی که در خدمت حضرت است و کارهای امام را انجام می‌دهد و حالا آن خادم یک نفر است یا چند نفر، در روایات فراوانی آمده که ممکن است چند نفر در خدمت حضرت باشند.<sup>۱</sup>

از این روایت استفاده می‌کنیم که حضرت دو غیبت دارد، به طوری که غیبت دوم آن قدر طولانی می‌شود که عده‌ای دین خودشان را از دست می‌دهند، برخی نمی‌توانند ایمان خودشان را حفظ کنند که چرا این قدر غیبت حضرت طولانی شد و لذا این است که ما همیشه از خدا بخواهیم به یاد امام زمان عجل الله فرجه باشیم؛ به گونه‌ای که ایمان به او ثابت باشد و «يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ» که امام صادق ع فرمودند این دعا را بخوانید: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»؛<sup>۲</sup> همیشه این دعا را بخوانید که ما در این امر ثابت قدم باشیم.

۱. مفید، الفصول العشرة، ص ۲۱.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۳۲۸؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۳۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹؛ ج ۹۲، ص ۳۲۶. «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

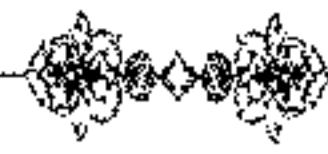


## غیبت و عمر طولانی امام زمان علیه السلام

و اما از نظر اینکه آن حضرت عمر طولانی دارد و فایده این عمر طولانی چیست، باز روایات بسیار زیادی در این باره داریم. حدود ۳۶۳ روایت از ائمه علیهم السلام و از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره وجود دارد.

از جمله روایتی است که شیخ صدوق در این باره از امام حسن عسکری علیه السلام در کمال الدین نقل کرده است. ' قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ علیه السلام يَقُولُ: «راوی می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي»؛ فرزند من همان شخصی است که بعد از من می آید و قیام کننده است. «وَهُوَ الَّذِي تَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ»؛ و او کسی است که سنن انبیا برای او جاری می شود، آنچه برای انبیا گذشته بوده، برای ایشان هم هست؛ «بِالتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ»؛ هم از نظر عمر طولانی و هم از نظر غیبت. «حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبُ لِطُولِ الْأَمَدِ»؛ تا اینکه قلبها به خاطر طول غیبت آن امام قسی می شوند؛ بعضی قسی القلب می شوند، دیگر خودشان را واقعاً از اجتماع مهدویون جدا می کنند. می گویند تا به حال منتظر بودیم، این همه ظلم

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۴؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۳۳. «حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ الْبَرَّازِ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي (تَجْرِي) فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام بِالتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبُ لِطُولِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ».



و این همه فساد (گاهی انسان با خودش از این حرف‌ها می‌زند) و این همه ظلم را می‌بینیم که جهان را فرا گرفته است، چرا حضرت تشریف نمی‌آورند؟! بعد می‌فرمایند: «فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ»؛ ثابت نمی‌ماند بر قول به ایشان، بر عقیده استوار مهدویت، مگر آن کسی که خداوند متعال در دلش ایمان را نوشته است که این مؤمن است، این ایمان آورنده به پیامبر خدا، ایمان آورنده به ائمه علیهم‌السلام است و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را قبول دارد. «وَأَيَّدُهُ بِرُوحٍ مِنْهُ»؛ و آن کسی که از جانب خدا تأیید بشود، این شخص می‌تواند در عصر غیبت امام زمان علیه‌السلام ثابت قدم بماند و چون غیبت دارد طولانی می‌شود، باید از خدا بخواهیم که باقی مانده غیبتش را بر ما ببخشد؛ همان‌گونه که در زمان حضرت موسی علیه‌السلام آن قدر فساد و ظلم فرعونیان زیاد شد که مردم روزها و شب‌ها استغاثه، گریه و رازی و انابه کردند. در روایت داریم که خداوند ۱۷۰ سال زودتر حضرت موسی را برای نجات بنی اسرائیل از دست فرعونیان فرستاد. ما باید از خدا بخواهیم که خدا باقی مانده غیبت ایشان را بر ما ببخشد.

### حکمت و فایده غیبت امام زمان علیه‌السلام

در این باره روایاتی داریم که بعضی از روایات برای ما تکان‌دهنده است و مسیر زندگی را برای ما روشن می‌کند. حال که غیبت امام علیه‌السلام طولانی شد و عمرش

۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۵۴؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار

الانوار، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵۲، ص ۱۳۲.

طولانی گردید، فایده وجودی شان برای ما چیست؟ در عصر غیبت امام نیست در پس پرده غیبت ما نمی توانیم به خدمت حضرت برسیم. خود ائمه معصومین علیهم السلام آمدند فایده وجودی این وجود مبارک را برای ما بیان کرده اند. روایتی از امام صادق علیه السلام است: ایشان از پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام و ایشان از امام سجاد علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: «قَالَ: نَحْنُ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ»؛ ما امامان مسلمانان هستیم، پیشوایان مسلمانان ما هستیم. «وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ ما حجت خدا بر جهانیان هستیم. «وَسَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ ما سید و آقای مؤمنان هستیم. آن کسی که سیادت دارد و آقای دارد و کسی که رهبری بر مؤمنان دارد، ما هستیم. «وَقَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ»؛ و پیشوایان مردم ما هستیم. «وَمَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ» ما هستیم و مؤمنان

---

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۵-۴۶؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۳۰-۲۳۱. «عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: نَحْنُ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَسَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَمَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ؛ وَنَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛ وَبِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ؛ وَبِنَا تُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ، وَتُخْرِجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ؛ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. ثُمَّ قَالَ علیه السلام: وَلَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لَلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ؛ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لَلَّهِ فِيهَا؛ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ. قَالَ سَلِيمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ».

باید از ما یاد بگیرند. «وَنَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»؛ ما امان اهل زمین هستیم؛ یعنی اگر ما نبودیم، مردم امنیت نداشتند، زمین امنیت نداشت. اینجا معلوم می شود فایده وجودی امام چیست؟ اگر می بینید زمین امنیت دارد و پابرجاست، پابرجایی زمین به خاطر وجود مبارک امام زمان عجلتعالیه است.

### امامان عجلتعالیه امان اهل زمین

«وَنَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ»؛ ما هستیم که باعث امان اهل زمین هستیم؛ «كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛ همان طور که ستارگان امان آسمانیان هستند، ما هم امان اهل زمین هستیم. اینها ستارگان درخشانی هستند که در زمین نورانیت دارند و زمین را حفظ می کنند. «وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ»؛ اگر ما نبودیم، خداوند آسمان را روی زمین می انداخت. ما عمود زمین هستیم و به وسیله ما آسمان و زمین پابرجاست. محور تمام عالم هستی وجود مقدس امام زمان عجلتعالیه است که باید همه جهان به دور این محور بگردد؛ از این رو می فرماید: «وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا»؛ خداوند به واسطه ما زمین را حفظ می کند تا اهلیش را فرو نبرد و اگر ما نبودیم مردم نمی توانستند روی زمین زندگی کنند.

### امامان عجلتعالیه وسیله نشر رحمت و برکت الهی

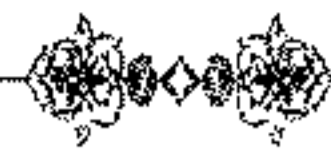
«وَبِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثَ»؛ اگر خدا بارانی برای شما می فرستد، به برکت وجود مقدس امام زمان عجلتعالیه است که باید همه جهان به دور این محور در گردش باشد. «وَبِنَا

تُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ وَتُخْرِجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ؛ خداوند به وسیله ما رحمتش را در سرتاسر گیتی نشر می‌دهد و برکات زمین به واسطه ما خارج می‌شود و اگر از زمین استفاده می‌کنید، به واسطه ما است. «وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ اگر یکی از ما روی زمین نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد. این فایده وجودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر روی زمین است که خود ائمه ع برای ما فرمودند.

### وجود حجت خدا در میان مردم از زمان خلقت آدم ع:

«ثُمَّ قَالَ: وَلَمْ تَخُلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِّهِ فِيهَا»؛ و می‌فرماید زمین خالی نمی‌ماند، از آن روزی که خداوند متعال آدم را خلق کرد، از حجتی برای خدا، از همان روز اولی که اولین انسان خلق شد، خداوند متعال حجت خودش را روی زمین قرار داد. «ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ». ما دو نوع حجت داریم: یک حجت ظاهری، مثل ائمه معصومین ع که مردم در ظاهر خدمتشان می‌رسیدند و وجود مبارکشان را درک می‌کردند؛ و حجت دیگر غایب و مستور است، اما هست و وجود دارد؛ امامی که غایب است، ولی وجود دارد. «وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِّهِ فِيهَا»؛ و زمین خالی از حجت نمی‌شود تا وقتی که خداوند متعال این حجت را برای مردم بفرستد، حجتی که به وسیله خداوند متعال نصب شده و به مردم معرفی شده و برای هدایت مردم خواهد آمد.





### عبادت خدا به واسطه وجود امام علیه السلام

«وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ»؛ اگر ایشان نباشد، مردم خدا را عبادت نمی‌کنند. الآن هم همین‌طور نقطه امید می‌ماند که ما داریم، حرکت‌هایی که مسلمانان انجام می‌دهند و تحولاتی که در جامعه ایجاد می‌شود، همه به خاطر این است که به وجود نازنین امام زمان علیه السلام امیدوار هستیم. «وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ»؛ اگر این نبود خداوند متعال عبادت نمی‌شد. به واسطه وجود امام است که خداوند عبادت می‌شود.

### چگونگی بهره‌مندی مردم از امام غایب

«قَالَ سَلِيمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟»؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چطور مردم منتفع می‌شوند و استفاده می‌کنند از حجتی که غایب و مستور است؟ چطور از ایشان استفاده کنیم؟ «فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟»؛ از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: «قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»، فرمود: همان‌گونه که مردم از خورشید استفاده می‌کنند، وقتی جلوی خورشید ابر آمده باشد. الآن هوا ابری است، خورشید در پس پرده ابر است. ما خورشید را نمی‌بینیم، اما نورانیت خورشید تمام جهان را فراگرفته است. این‌طور نیست که اگر ابر خورشید را فرا گرفت، قابل انتفاع و استفاده نباشد. خورشید وجود دارد و از آن استفاده می‌شود، فقط ابری جلوی آن را گرفت. امام غایب و مستور نیز - به فرموده امام صادق علیه السلام - مانند خورشید

غایب و مستوری است که پشت ابری پنهان شده، ولی نورانیتش سراسر گیتی را فرا گرفته و فایده وجودیش همه دنیا را در بر گرفته است. این طور نیست که ما از وجود ایشان استفاده نکنیم. البته اگر شما خواستید از نظر علمی هم استفاده بکنید، همین کتاب شریف **منتخب الاثر مفصل** در این باره بحث کرده است که چگونه می توانیم در زمان غیبت از حضرت بهره ببریم؛ همان گونه که خورشید در پشت ابر است. ایشان مطالب جالب و مفصلی را در آنجا آورده اند. مفصل این حدیث را از امام نقل کرده است. آنجا فرمودند که چگونه ما در زمان غیبت از وجود امام استفاده می کنیم.

### گریه امام صادق علیه السلام در فراق امام زمان علیه السلام

روایت دیگری نیز در این باره نقل شده است.<sup>۲</sup> شخصی می گوید خدمت امام

۱. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۳۳۳.

۲. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۸-۴۰۹؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۰۶-۲۰۷، ح ۶۱۵. «عَنْ مَسْعَدَةَ قَالَتْ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ علیه السلام إِذْ آتَاهُ شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ انْحَنَى مُتَكِينًا عَلَى عَصَاهُ، فَسَلَّمَ فَرَدَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْجَوَابَ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاوِلْنِي يَدَكَ أُقْبِلُهَا، فَأَعْطَاهُ يَدَهُ فَقَبَّلَهَا، ثُمَّ بَكَى. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا يُبْكِيكَ يَا شَيْخُ؟ قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَقَمْتُ عَلَى قَائِمِكُمْ مِنْذُ مِائَةِ سَنَةٍ أَقُولُ: هَذَا الشَّهْرُ وَهَذِهِ السَّنَةُ، وَقَدْ كَبُرَتْ سِنِّي وَرَقَّ (دَقَّ) عَظْمِي وَاقْتَرَبَ أَحْجَلِي، وَلَا أَرَى فِيكُمْ مَا أَحِبُّ (وَأَرَى فِيكُمْ مَا لَا أَحِبُّ)؛ أَرَاكُمْ مُقْتَلِينَ مُشَرَّدِينَ، وَأَرَى عَدُوَّكُمْ يَطِيرُونَ بِالْأَجْنِحَةِ فَكَيْفَ لَا



صادق علیه السلام رفتم، آن قدر اشک ریخته بود که اشک روی محاسن شریفش آمده بود و مثل مادری که فرزند جوان از دست داده باشد، در فراق امام زمان گریه و ناله می کرد.

«قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ علیه السلام إِذْ أَنَاهُ شَيْخٌ كَبِيرٌ: خَدَمْتُ إِمَامًا صَادِقًا علیه السلام بُوَدِمَ كَمَا أَنَّهُ بِيَرْمُودِي أَمَدٌ «قَدْ أَنْحَنِي مُتَكِنًا عَلَى عَصَاهُ»؛ در حالی که خمیده شده بود و تکیه داده بود بر عصای خودش. «فَسَلَّمَ فَرَدَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْجَوَابَ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاوِلْنِي يَدَكَ أُقْبِلُهَا»؛ سلام کرد و امام علیه السلام جواب سلام وی را داد؛ پس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! دست مبارکتان را بیاورید تا من ببوسم. «فَأَعْطَاهُ يَدَهُ فَاقْبَلَهَا»؛ امام دستشان را آوردند و پیرمرد بوسید. «ثُمَّ بَكَى»؛ پس پیرمرد شروع به گریه کرد. «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا يُبْكِيكَ يَا شَيْخُ؟ قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَقَمْتُ

أَبْكِي؟ فَدَمَعَتْ عَيْنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام؛ ثُمَّ قَالَ: يَا شَيْخُ إِنَّ اللَّهَ أَبَقَاكَ حَتَّى تَرَى قَائِمَنَا كُنْتَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى، وَإِنْ حَلَّتْ بِكَ السَّمِيئَةُ جِئْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ ثَقَلٍ مُحَمَّدِيٍّ، وَنَحْنُ نَقْلُهُ. فَقَدْ قَالَ علیه السلام: إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي. فَقَالَ الشَّيْخُ: لَا أَبَالِي بَعْدَ مَا سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا شَيْخُ إِنْ قَائِمَنَا يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ، وَالْحَسَنِ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٌّ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ، وَمُحَمَّدٌ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٌّ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ ابْنِي هَذَا، وَأَشَارَ إِلَى مُوسَى علیه السلام، وَهَذَا خَرَجَ مِنْ صُلْبِي؛ وَنَحْنُ اثْنَا عَشَرَ كُلُّنَا مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ...؛ ثُمَّ قَالَ علیه السلام: يَا شَيْخُ وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ أَلَا وَإِنْ شِيعَتَنَا يَقَعُونَ فِي فِتْنَةٍ وَحَيْرَةٍ فِي غَيْبَتِهِ هُنَاكَ يُثَبِّتُ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْمُخْلِصِينَ؛ اللَّهُمَّ أَعِنَهُمْ عَلَى ذَلِكَ».

عَلَى قَائِمِكُمْ مُنْذُ مِائَةِ سَنَةٍ»؛ امام فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد: صد سال از عمر من می‌گذرد و منتظر حضرت مهدی عج هستم. «أَقُولُ: هَذَا الشَّهْرُ وَهَذِهِ السَّنَةُ وَقَدْ كَبُرَتْ سِنِّي وَرَقَّ عَظْمِي»؛ با خودم می‌گویم این ماه و این سال می‌آید، درحالی که سنم به پیری رسیده و استخوان‌هایم نازک شده و دیگر رمقی برایم نمانده است «وَأَقْتَرَبَ أَجَلِي»؛ و مرگم نزدیک است. «وَلَا أَرَى مَا أُحِبُّ»؛ من نمی‌بینم آنچه را که دوست دارم. «أَرَاكُمْ مُقْتَلِينَ مُشَرَّدِينَ، وَأَرَى عَدُوَّكُمْ يَطِيرُونَ بِالْأَجْنِحَةِ»؛ شما را می‌بینم که ناراحتید و غصه می‌خورید، حقوق شما را غصب کردند و دیگران با بال‌های خودشان پرواز می‌کنند. کنایه از اینکه دارند عیاشی و خوشگذرانی می‌کنند، اما شما همه از دیارتان آواره شدید و عده‌ای از شما را گرفتند و کشتند؛ من این‌طور می‌بینم. «فَكَيْفَ لَا أَبْكِي»؛ چرا گریه نکنم؟ آیا مهدی شما خواهد آمد یا نه؟

### امامان ع ثقل محمد

«فَدَمَعَتْ عَيْنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ»؛ چشمان امام صادق ع پر از اشک شد و حضرت گریه کرد. «ثُمَّ قَالَ: يَا شَيْخُ إِنَّ اللَّهَ أَبْقَاكَ حَتَّى تَرَى قَائِمَنَا كُنْتَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى»؛ اگر خداوند به تو عمر دهد تا اینکه مهدی ما را ببینی، تو در اوج برین با ما هستی؛ یعنی در آن مراتب عالی بهشت با ما هستی. «وَإِنْ حَلَّتْ بِكَ الْمَمِيَّةُ جِئْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ ثَقَلِ مُحَمَّدٍ»؛ و اما اگر شما منتظر حضرت هستید و مرگ به سراغ شما و ما آمد، روز قیامت با ثقل محمد می‌آیی. «وَنَحْنُ ثَقَلُهُ»؛ و ثقل محمد ما هستیم. ما آن شیء

گران‌بهایی هستیم که پیامبر ﷺ به ما وصیت کرد و فرمود: «قَالَ ﷺ: إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»: من دو چیز را در میان شما می‌گذارم؛ به این دو تمسک کنید تا گمراه نشوید. «كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»؛ کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. عترت ما هستیم، پس ما ثقل پیامبر ﷺ و آن شیء گران‌بهایی هستیم که پیامبر ﷺ وصیت کرد که مردم به او تمسک کنند.

«فَقَالَ الشَّيْخُ: لَا أَبَالِي بَعْدَ مَا سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ»؛ پیرمرد گفت: بعد از اینکه این خبر را از امام شنیدم، دیگر غصه‌ای ندارم. اگر من زنده ماندم که در رکاب ایشان هستم و اگر از دنیا رفتم، در بهشت با پیامبر ﷺ و آل او هستم.

### اسامی امامان ﷺ و اوصاف آنان

بعد حضرت خصوصیات امام زمان ﷺ را برای این پیرمرد نقل می‌کند. «وَقَالَ: يَا شَيْخُ إِنَّ قَائِمَنَا يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ، وَالْحَسَنُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٌّ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ، وَمُحَمَّدٌ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٌّ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ ابْنِي هَذَا، وَأَشَارَ إِلَى مُوسَى وَهَذَا خَرَجَ مِنْ صُلْبِي»: حضرت مهدی از صلب امام حسن عسکری، امام حسن عسکری از صلب امام علی النقی، امام علی النقی از صلب امام محمد تقی، امام محمد تقی از صلب امام رضا، امام رضا از صلب امام کاظم و امام کاظم از صلب من است. بعد فرمود «وَنَحْنُ اثْنَا عَشَرَ كُلُّنَا مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ»؛ ما دوازده امام همه پاک و معصوم هستیم.

«ثُمَّ قَالَ ﷺ: يَا شَيْخُ وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ اگر از دنیا مگر یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا حضرت تشریف بیاورد.

### قرار گرفتن شیعیان اهل بیت در فتنه و سرگردانی

«أَلَا إِنَّ شِيعَتَنَا يَقَعُونَ فِي فِتْنَةٍ وَحَيْرَةٍ فِي غَيْبَتِهِ»؛ همه شیعیان ما در فتنه واقع می‌شوند. این طور نیست وقتی امام زمان عجل الله فرجه تشریف بیاورند، راحت باشیم؛ نه، فتنه‌ها در پیش است و مردم حیرت دارند؛ عده‌ای در غیبت متحیرند؛ آیا حضرت وجود دارد و تشریف می‌آورد؟ بعد می‌فرماید: «هُنَاكَ يُثَبِّتُ اللَّهُ عَلَى هُدَاهُ الْمُخْلِصِينَ»؛ خداوند آنهایی را که باخلاص هستند، در این زمان حفظ می‌کند. «اللَّهُمَّ أَعِنَهُمْ عَلَى ذَلِكَ»؛ خدایا به آنان کمک کن که خودشان را ثابت نگه دارند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این جلسه روایاتی را درباره امام زمان عجل الله فرجه بیان می‌کنیم که از عالمان و محدثان اهل سنت نقل شده است. در قرآن آیات متعددی داریم که در آن به ظهور حضرت مهدی عجته اشاره شده و درباره ظهور حضرت تفسیر و تأویل شده است.

### آیات مهدوی در تفاسیر اهل سنت

آیه شریفه **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**؛<sup>۱</sup> که قبلاً روایاتی در این باره از مفسران اهل سنت نقل شد که

این آیه شریفه درباره ظهور امام زمان ع است.

فخر رازی، از علمای بزرگ اهل سنت، در *التفسیر الکبیر* اشاره به همین مطلب می‌کند که جمعی از مفسران مثل ابن عباس و سعید بن جبیر گفتند که این وعده الهی **«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ»**، درباره ظهور امام زمان ع است.<sup>۱</sup>

در کتاب *نور الابصار* نیز که تألیف یکی از علمای اهل سنت به نام شبلینجی است، آمده است که این آیه شریفه زمانش و وعده الهی که دین خدا همه جهان را در بر می‌گیرد، زمان ظهور حضرت مهدی ع است.<sup>۲</sup> همچنین آیه دیگری که قبلاً خواندیم: **«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»**<sup>۳</sup> روایاتی از مفسران شیعه داشتیم که این آیه درباره زمان ظهور امام زمان ع است. همچنین علمای اهل سنت در کتاب‌های متعددی اشاره کردند به اینکه آیه درباره وجود مقدس امام زمان ع است که در آن زمان بندگان صالح خداوند وارث حکومت روی زمین می‌شوند.

قندوزی، عالم بزرگ اهل سنت، در کتاب معروف *ینابیع المودة* نقل کرده که این آیه درباره زمان ظهور امام مهدی ع است.<sup>۴</sup>

۱. فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۱۶، ص ۲۳.

۲. شبلینجی، *نور الابصار*، ص ۳۹۷، ب ۲.

۳. انبیاء، ۱۰۵.

۴. قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۴۳.



آیه دیگر که در جلسات اول بیان کردیم، عبارت است از: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»<sup>۱</sup> از روایات تفسیری منابع شیعه عرض کردیم که ائمه علیهم السلام فرمودند: غیب یعنی وجود مبارک امام زمان عجل الله فرجه؛ مؤمنان کسانی هستند که ایمان به غیب دارند؛ یعنی ایمان به ظهور حضرت دارند. روایات متعددی در این زمینه داریم. از مفسران اهل سنت نیز فخر رازی در *التفسیر الکبیر* خود نقل می کند که این آیه شریفه درباره امام مهدی عجل الله فرجه است.<sup>۲</sup> پس روشن است که علمای اهل سنت نیز اشاره به این مطلب دارند.

آیه دیگری هم در این باره داریم: «وَنَجْعَلُهُمْ أُيُّمَةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۳</sup>. باز در منابع اهل سنت آمده است اینکه خداوند اراده می کند و منت می گذارد بر کسانی که در زمین مستضعف شدند که ما آنها را امام قرار می دهیم، آنها اهل بیت و امام زمان عجل الله فرجه هستند.

ابن ابی الحدید، یکی از علمای بزرگ اهل سنت، در کتاب معروفش شرح *نهج البلاغه* که دایرةالمعارف بزرگی است و در این کتاب از ایام صدر اسلام تا زمان خودش، مطالب بسیار مهمی را بیان کرده و حقانیت شیعه را در این کتاب می توان استفاده کرد. ایشان درباره آیه شریفه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا

۱. بقره، ۳.

۲. فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. قصص، ۵.

فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ<sup>۱</sup>؛ نیز اشاره کرده است آن کسی که خداوند می‌خواهد منت بگذارد بر مردم و خداوند حکومت زمین را به او خواهد داد، وجود مقدس امام مهدی عجله الله فرجه است.<sup>۲</sup>

### احادیث مهدوی در کتاب‌های اهل سنت

در قرآن آیات زیادی در این باره آمده است، همچنین احادیث فراوانی در موضوع ظهور وارد شده است. احادیث نقل شده توسط راویان و محدثان اهل سنت به گونه‌ای است که ما می‌توانیم ادعا کنیم این احادیث از پیامبر اکرم ص به صورت متواتر وارد شده است؛ آن قدر احادیث فراوان است که شاید بتوان گفت درباره هیچ موضوعی به اندازه وجود شریف حضرت مهدی عجله الله فرجه در کتاب‌های اهل سنت حدیث وارد نشده است. درباره موضوعات دیگر هم هست، ولی موضوع ظهور در کتاب‌های اهل سنت کمتر از آنها نیست، بلکه مهم‌تر از آنهاست؛ به گونه‌ای که کسی نمی‌تواند منکر این مطلب شود.

شاید بپرسید چرا برخی علمای اهل سنت منکر این موضوع می‌شوند؟ دلیلش این است که آنها موضوع سیاست را در علم حدیث وارد کردند. از وقتی وهابی‌ها و تکفیری‌ها وارد شدند، متأسفانه آن مطالبی را که در کتاب‌های

۱. قصص، ۵.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۷.

خودشان هست، مورد اغماض و چشم‌پوشی قرار می‌دهند و حال اینکه بسیاری از علمای بزرگشان این مطلب را نقل کردند.

مطالب این بخش را بیشتر از کتاب *نوید امن و امان* که تألیف آیت‌الله والد ماست، نقل می‌کنیم که مطالب بسیار مهمی در این کتاب است. این کتاب را حدود شصت سال پیش نوشتند و زحمت بسیاری کشیدند. اسامی راویان احادیث و کتاب‌های متعددی را که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجته در آن وارد شده بود و بیشتر آنها را ایشان دیده بودند، در آنجا آوردند؛ چون می‌خواستند کتاب *شرف‌الائمه* را بنویسند؛ از این رو به همه آنها مراجعه کردند. ایشان آن قدر مطلب را دقیق نوشتند که اگر اهل انصاف و منصف باشند، نمی‌توانند ظهور حضرت را منکر شوند.

### تواتر احادیث مهدوی در کتاب‌های اهل سنت

لذا ایشان از نظر تواتر احادیث می‌فرمایند: جمع کثیری از مشایخ محدثان و حفاظ اهل سنت ظهور حضرت را نقل و ادعای تواتر کرده‌اند؛ مانند شخصی است به نام *صَبَان* در کتاب *إسعاف الراغبین*، کتاب معروفی است از اهل سنت که به تواتر احادیث حضرت در این کتاب اشاره دارد.<sup>۱</sup>

کتاب معروف *نور الابصار*، تألیف شبلنجی نیز از کتاب‌های معروف اهل سنت است که به تواتر احادیث ظهور و حضرت مهدی عجته اشاره دارد.<sup>۲</sup>

۱. *صَبَان*، *إسعاف الراغبین*، ص ۱۱۸-۱۲۴.

۲. *شبلنجی*، *نور الابصار*، ص ۳۹۵-۴۰۳.

همچنین کتاب‌های متعدد دیگری مانند *الفتوحات الاسلامیة*، نوشته دحلان؛<sup>۱</sup> *فتح الباری*، تألیف حافظ ابن حجر عسقلانی؛ *غایة المأمول*، نوشته منصور علی ناصف<sup>۲</sup> و کتاب *البيان* تألیف گنجی شافعی<sup>۳</sup> به طور متواتر احادیث حضرت را در آنجا نقل کردند. تصریح به تواتر حدیث درباره حضرت که ایشان از اهل بیت پیامبر ﷺ و از اولاد حضرت فاطمه ﷺ و همچنین از فرزندان امام حسن و امام حسین ﷺ است. جمع زیادی از صحابه این احادیث را روایت کردند؛ یعنی خود صحابه پیامبر ﷺ که در زمان حضرت زندگی می‌کردند، احادیثی را که مربوط به حضرت مهدی ﷺ است، نقل کردند.

### اسامی صحابه روایت‌کننده احادیث مهدوی

خود صحابه، از جمله وجود مقدس امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و حضرت فاطمه ﷺ و کسانی از صحابیان که معصوم نیستند، اما از بزرگان صحابه به شمار می‌روند و نزد اهل سنت احترام بسیاری دارند، مثل عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، سلمان فارسی، ابویوب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، عبدالرحمن بن عوف، انس بن مالک و... تا حدود ۳۴ نفر را ایشان ذکر می‌کنند که از صحابیان حضرت بودند و احادیث ظهور را نقل کردند.<sup>۴</sup>

۱. دحلان، *الفتوحات الاسلامیة*، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. ناصف، *غایة المأمول*، ج ۵، ص ۳۸۲.

۳. گنجی شافعی، *البيان*، باب ۱۱.

۴. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، *نوید امن و امان*، ص ۸۹-۹۰.

## اسمای مشاهیر علمای اهل سنت

همچنین نام مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت و کتاب‌هایی که آنها احادیث مربوط به حضرت را در آنجا حفظ می‌کردند، در آنجا آورده‌اند.<sup>۱</sup>

ما دو نوع کتاب داریم: یک نوع کتاب که در آنها به‌خصوص نام حضرت را آوردند و درباره حضرت نوشته‌اند و نوع دیگر کتاب‌هایی هستند که به‌طور عموم مسائلی را نقل کرده‌اند، ولی درباره وجود مبارک امام مهدی عجلت الله فرجه مطالب بسیاری را علمای بزرگ آنها ذکر کردند؛ مثل *مسند احمد*، *سنن ترمذی*، *کنز العمال* و *منتخب کنز العمال*. ایشان حدود ۱۰۶ کتاب را نام می‌بردند از علمای اهل سنت که همه اینها از کتب معروف نزد اینهاست.<sup>۲</sup> حال با توجه به این ۱۰۶ کتاب، آیا می‌توانند انکار بکنند و بگویند مثلاً اینها رافضی بودند یا دارای گرایش تشیع بودند؟ نه، این‌گونه نبودند؛ اما متأسفانه بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای مثل اینکه اصلاً منکر روشنایی آفتاب و منکر همه چیز شدند. می‌گویند درباره حضرت حدیث صحیح نداریم. این نهایت بی‌انصافی است، این همه روایت را علمای شما نقل کردند، این همه روایات را ذکر کردند، نمی‌خواهید قبول کنید؟ روی اینها فکر کنید. سیاست باعث شد همان‌گونه که در صدر اسلام احادیث مجعول را وارد می‌کردند، الآن هم منکر حدیث و منکر کتاب‌های علمای بزرگ خود شوند.

۱. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۹۰-۹۶.

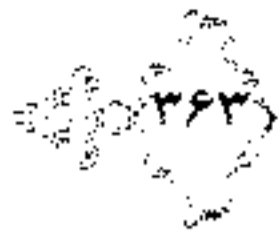
۲. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۹۰-۹۳.

کتاب صحیح مسلم درباره حضرت مطلب دارد؛ کتاب صحیح بخاری، کتاب مودة القربی همدانی، اینها همه مهم است. کتاب فرائد السمطين جوينی خراسانی، کتاب المناقب و مقتل الحسين بن خوارزمی، الاربعین حافظ ابی الفوارس، الجامع الصغير سیوطی که کتاب‌های زیادی دارد و مورد احترام همه است. کتاب المعجم الكبير طبرانی، تاریخ اصفهان، ذخائر العقبی طبری، شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، تفسیر غرائب القرآن نیشابوری، التفسیر الكبير فخر رازی، البيان والتبيين جاحظ که از نظر علمی دارای درجه بالایی است. خلاصه اگر بخواهیم ذکر کنیم، فراوان است. ببینید چقدر از علمای بزرگ اهل سنت این مطالب را نقل کردند. این دسته از کتاب‌ها، کتاب‌هایی بودند که به‌طور اختصاصی درباره امام زمان نوشته نشده، اما از اوصاف امام، نام و ظهور امام مطالبی آمده است.<sup>۱</sup>

### کتاب‌های اختصاصی اهل سنت درباره امام زمان عجل الله فرجه

کتاب‌هایی از اهل سنت به صورت اختصاصی برای امام مهدی عجل الله فرجه نوشته شده است از جمله کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان از ملا علی متقی هندی که متوفای ۹۷۵ هجری قمری است. البيان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله فرجه علامه گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری، این هم کتاب بسیار مهمی است که به‌طور اختصاصی درباره امام مهدی نوشته شده است. عقد الدرر فی اخبار الامام

۱. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۹۰-۹۳.



*المنتظر*، تألیف جمال‌الدین یوسف دمشقی از علمای قرن هفتم هجری قمری، اخبار امام منتظر را ایشان جمع‌آوری کرده؛ اخباری را که از شخص پیامبر ﷺ است، جمع‌آوری کرده است. حافظ ابونعیم اصفهانی که در میان اهل سنت عالم بسیار معروفی است، در قرن پنجم هجری قمری -درست هزار سال پیش- کتابی با نام *مناقب المهدی* رضی الله عنه نوشته که بسیار معروف است. خوشبختانه این کتاب‌ها موجود است و می‌توان از آنها استفاده کرد.

همچنین کتاب معروف *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر* از ابن حجر هیتمی، متوفای سال ۹۷۴ هجری قمری است. مهدی آل الرسول کتابی است از علی بن سلطان محمد هروی حنفی نزیل و ساکن مکه بوده و در آنجا این کتاب را نوشته است. *احادیث المهدی و اخبار المهدی* تألیف ابی بکر بن خثیمه که از علمای بزرگ اهل سنت است. *اربعین حدیثاً فی المهدی* تألیف ابی العلاء همدانی. اینها از کتاب‌های مهمی است که خود اهل سنت درباره این موضوع نوشته‌اند. ایشان حدود ۳۲ کتاب از کتب خود اهل سنت را ذکر می‌کنند که به‌طور اختصاصی درباره حضرت نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

این کتاب‌ها به‌خصوص درباره امام زمان رضی الله عنه نوشته شده است. مطلب مهمی که می‌توانیم استفاده کنیم از این همه کتاب‌ها و این همه روایات که خود اهل سنت

---

۱. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۹۴-۹۶.



نقل کرده‌اند و بسیار زیاد است، اتفاق همه مسلمانان بر ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است؛ می‌توانیم استفاده کنیم که همه مسلمانان اعتقاد دارند بر ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه، به گونه‌ای که اگر کسی ادعا می‌کرد من مهدی هستم، چون اوصاف حضرت را می‌دانستند. بیشترشان با مدعیان مهدویت مبارزه کردند و حرفشان را قبول نکردند؛ چراکه اوصاف امام مهدی عجل الله فرجه را در کتاب‌های خود ذکر کردند.

### دیدگاه ابن‌خلدون درباره امام زمان عجل الله فرجه

به اتفاق همه مسلمانان - چه شیعه و چه سنی - حتی بعضی‌ها در مسئله مهدویت تصریح کردند؛ از جمله ابن‌خلدون در مقدمه تاریخش که کتاب بسیار مهمی است، می‌نویسد: «آنچه در بین همه مسلمانان مشهور است، در طول عصرهای گوناگون و قرن‌های متعدد این است که «لَا بُدَّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ ظُهُورِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»، حتماً در آخر الزمان شخصی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد. این را همه علما اتفاق نظر دارند. «يُؤَيِّدُ الدِّينَ وَيُظْهِرُ الْعَدْلَ وَيَتَّبِعُهُ الْمُسْلِمُونَ»؛ دین را تأیید می‌کند، عدل را در سراسر گیتی ظاهر می‌کند و مسلمانان از ایشان پیروی می‌کنند. «وَيَسْتَوْلِي عَلَى الْمَمَالِكِ الْإِسْلَامِيَّةِ»؛ و حکومتش بر همه جهان مستولی می‌شود. «وَيُسَمَّى بِالْمَهْدِيِّ»؛ و این شخص همه او را به نام مهدی می‌شناسند و بر این مطلب اتفاق نظر دارند.<sup>۱</sup>

۱. ابن‌خلدون، تاریخ، ج ۱، ص ۳۱۱.



### تصریح برخی عالمان اهل سنت به وجود و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام

همچنین شیخ علی ناصف در کتاب معروف *غایة المأمول*، که از کتاب‌های معروف اهل سنت است، می‌نویسد: «إِتَّضَحَ مِمَّا سَبَقَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ الْمُنْتَظَرَ مِنْ هَذَا الْأُمَّةِ»؛ از مطالبی که گفته شد، معلوم می‌شود مهدی منتظر از امت اسلام است تا اینکه می‌نویسد: «وَعَلَى هَذَا أَهْلُ السُّنَّةِ سَلَفًا وَخَلْفًا»؛ همه اهل سنت قدیماً و جدیداً قائل هستند به اینکه مهدی منتظر خواهد آمد.

از تصریحات دیگر علمای اهل سنت که بر این مطلب دلالت دارد و بعضی از صفات امام زمان علیه السلام را ذکر کردند، عبارتند از: مهدی موعود از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه علیها السلام است. مهدی موعود از فرزندان امام حسین علیه السلام است. مهدی علیه السلام جهان را پر از عدل و قسط می‌کند هنگامی که ظهور کند. امام زمان علیه السلام دارای دو غیبت است: یکی غیبت صغری و دیگری غیبت کبری. حضرت مهدی علیه السلام امام دوازدهم، از ائمه اثنی عشر است، این را همه قبول دارند. می‌گویند ائمه دوازده نفر هستند و دوازدهمین امام، حضرت مهدی علیه السلام است که طبق روایات بسیاری از *مسند احمد*، *صحیح بخاری*، *صحیح مسلم* و دیگر کتاب‌های معتبر اهل سنت امامتشان ثابت است.

صفات دیگری نیز برای حضرت ذکر کردند. حضرت همانام و هم‌کنیه پیامبر ﷺ و شبیه‌ترین مردم به پیامبر ﷺ است. پوشاک و خوراک حضرت در نهایت سادگی است. خود اهل سنت ذکر کردند و برکات آسمان و زمین در عصر ایشان فراوان می‌شود؛ زمین برکاتش را نشان می‌دهد. در عصر ایشان علم و دانایی همه جهان را فرا می‌گیرد، عقل‌ها به وسیله ایشان بالا می‌آید، نسبت به فقرا ایشان مهربان هستند و نسبت به عمالشان و مأموران حکومتی خودشان سخت‌گیر هستند، اغماض ندارند، نسبت به زمامداران و حاکمانی که در شهرهای اسلامی معین می‌کنند، سخت‌گیر هستند؛ می‌پرسند در آن بلاد چگونه خرج کردی، بودجه و بیت‌المال مسلمانان را در کجا خرج کردی؟ همه اینها حساب و کتاب دارد. باز می‌فرماید: عیسی - علی نبینا وآله وعلیه السلام - در زمان ایشان فرود می‌آید و در نماز به امام زمان عجلتعالیه اقتدا می‌کند، اینها را قبول دارند.

### دیدگاه اهل سنت درباره تولد امام زمان عجلتعالیه

اما نکته مهم این است که آیا امام زمان عجلتعالیه متولد شده‌اند و حیات دارند؟ آیا علمای اهل سنت این مطلب را قبول دارند، بسیاری از علمای اهل سنت هر کدام طوری بیان کردند. فصل سوم کتاب *منتخب الاثر*، باب یکم را حتماً مطالعه کنید. اسامی علما را ذکر کردند که بیش از هفتاد نفر از علمای اهل سنت عقیده دارند امام زمان عجلتعالیه زنده است و ظهور خواهد کرد. مهم‌تر از اینها، برخی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب‌های خود یادآور می‌شوند که اگر کسی وجود امام

زمان تَشْتِ را انکار کند، انکارش را در حد کفر می‌دانند؛ یعنی کسی که منکر وجود امام زمان عجلتعالیه باشد، در حد کفر است و در کتاب *فرائد السمطين*، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛<sup>۲</sup> الاشاعة<sup>۳</sup> و همچنین کتاب *الاذاعة*<sup>۴</sup> روایتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل کردند که پیامبر اکرم ص فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ قَدْ كَفَرَ»؛ هر کس ظهور و خروج و انقلاب و قیام امام زمان عجلتعالیه را منکر بشود، کافر شده است. این خیلی مهم است در کتاب‌هایشان ذکر شده است.

سیوطی در کتاب *العرف الوردی*<sup>۵</sup> و همچنین کشمیری در کتاب *التصریح*<sup>۶</sup> این مطلب را به لفظ دیگری از پیامبر اکرم ص نقل کرده‌اند که حضرت فرمود: «مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»؛ هر کس حضرت را تکذیب کند، کافر است. آن کسی که منکر وجود امام زمان عجلتعالیه بشود، کافر است. یکی از علما به نام سفارینی در کتاب *لوامع الانوار* می‌نویسد: ایمان به خروج مهدی جزو واجبات دین ماست، ایمان به خروج مهدی عجلتعالیه جزو واجبات و از عقاید اهل سنت و جماعت است.<sup>۷</sup>

۱. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲. متقی هندی، البرهان، باب ۲.

۳. حسینی برزنجی، *الاشاعة*، ص ۱۱۲.

۴. حسینی قنوجی، *الاذاعة*، ص ۱۵۲.

۵. سیوطی، *العرف الوردی*، ج ۲، ص ۸۳.

۶. کشمیری، *التصریح*، ص ۴۴۰.

۷. سفارینی، *لوامع الانوار*، ج ۲، ص ۸۹-۹۰.

قبول دارند که امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

حال انکار آنها برای چیست، روشن است. ما هم باید بتوانیم به انکارشان پاسخ علمی بدهیم و بتوانیم با برهان و از طریق نوشته‌ها و کتاب‌های خودشان که از فضایل و مناقب حضرت علیه السلام مشحون است، پاسخ‌شان را بدهیم.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>.

درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله فرجه در جلسه گذشته از کتابها، روایان و محدثان اهل سنت مطالبی را عرض کردیم که جدای از اینکه محدثان بزرگ درباره امام زمان عجل الله فرجه مطالب و روایاتی را نقل کردند؛ آیات متعددی نیز در قرآن

---

۱. توبه، ۳۳. «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه

آیینها غالب گرداند؛ هرچند مشرکان کراهت داشته باشند».

کریم در مورد امام زمان عجله الله فرجه آمده است. محدثان بزرگ اهل سنت نیز در این باره مطالبی نقل کردند؛ از جمله مطالب بسیار مهمی درباره ائمه اثنی عشر علیهم السلام در کتاب‌هایشان آمده است که اگر کسی به طور کامل بررسی کند، می‌بیند که مسئله ائمه اثنی عشر علیهم السلام یکی از ضروریات دین و شرع مقدس اسلام به شمار می‌رود و در این باره همه علما اتفاق نظر دارند. چه علمای عامه و چه علمای خاصه نسبت به ائمه اثنی عشر علیهم السلام دیدگاهی یکسان دارند و نمی‌توانیم منکر این مسئله شویم؛ یعنی اگر کسی انکار کند؛ انکار ضروریات، انکار علم و انکار آفتاب است؛ مانند اینکه کسی بگوید آفتاب طلوع نکرده و حال اینکه در تمام کتاب‌های مهم آنها مسئله ظهور حضرت و به‌ویژه ائمه اثنی عشر علیهم السلام مطرح شده است؛ از این رو در این جلسه نیز در این باره از کتاب‌های اهل سنت مطالبی را بیان می‌کنیم تا روشن شود که این موضوع اختصاص به شیعیان ندارد.

### اسامی صحابه نقل‌کننده روایات ائمه دوازده‌گانه

راویانی که احادیث دوازده امام را از صحابه نقل کردند، بسیار زیاد هستند؛ یعنی صحابه‌ای که احادیثی را که بر ائمه اثنی عشر علیهم السلام دلالت دارند، بیان کردند، عبارتند از: صحابی بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند جابر بن سمره، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، سلمان فارسی، انس بن مالک، ابوالطفیل، امام امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و تا حدود ۳۴ نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله را نام بردند که احادیث ائمه اثنی عشر را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند؛ عمر بن خطاب، عبدالله بن

عمر، عثمان، عایشه و دیگران نیز جزو اینها هستند که از پیامبر اکرم ﷺ نقل کردند که درباره ائمه اثنی عشر ﷺ چنین فرمودند.

### روایات ائمه اثنی عشر در کتاب‌های حدیثی اهل سنت

در کتاب‌های متعددی از اهل سنت این احادیث نقل شده است؛ یعنی درباره امام زمان عجل الله فرجه نیست؛ ولی نام مبارک ایشان، مناقب، فضایل، اوصاف، صفات و برنامه ظهور آن حضرت در آن کتاب‌ها آمده است. کتاب‌های معتبری در این زمینه از خود اهل سنت نقل شده که پیش اهل سنت اعتبار بسیار ویژه‌ای دارند؛ مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابی داود، مسند احمد بن حنبل، تاریخ بغداد، تاریخ مدینه دمشق، منتخب کنز العمال و همچنین تاریخ الخلفاء سیوطی، مصابیح السنة بغوی و کتاب‌هایی از این قبیل که احادیث ائمه اثنی عشر ﷺ را ذکر کردند و مفصل مطالبی را بیان کردند که به متن بعضی از این احادیث در اینجا اشاره می‌کنیم.

### روایت احمد بن حنبل در خصوص دوازده امام

احمد بن حنبل، از راویان و محدثان بزرگ اهل سنت، در مسند خود که از معتبرترین کتب مسانید و جوامع اهل سنت است و شاید بتوان گفت از معروف‌ترین کتب حدیث آنهاست، ۳۵ حدیث با سندهای عالی که می‌گویند «عالية الاسناد»؛ یعنی سندشان بسیار عالی است، از پیامبر ﷺ روایت کرده که همه

این حدیث دلالت می‌کند که جانشینان و رهبران امت بعد از پیامبر اکرم ﷺ دوازده نفر هستند؛ از جمله سند را به جابر بن سمره، یکی از صحابیان معروف، می‌رساند که جابر می‌گوید: از پیامبر اسلام ﷺ شنیدم که فرمودند: «يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»؛ برای این امت دوازده خلیفه و رهبر و امام معین شده است.<sup>۱</sup>

باز یکی دیگر از علمای اهل سنت به نام ابن عدی جرجانی در *الکامل*<sup>۲</sup> و نیز ابن عساکر در *تاریخ مدینه دمشق*<sup>۳</sup> از ابن مسعود روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ عِدَّةَ الْخُلَفَاءِ بَعْدِي عِدَّةُ نُبُوءِ مُوسَى»؛ خلفای بعد از من تعدادشان به اندازه نقیب‌های حضرت موسی ﷺ است. درباره نقیب‌ها و عدد دوازده قبلاً مطالبی را گفتیم که حضرت موسی ﷺ نقبایشان دوازده نفر بودند و خلفای پیامبر اکرم ﷺ به تعداد نقبای حضرت موسی ﷺ است. این روایت در کتب خود اهل سنت نقل شده است. طبرانی باز از جابر بن سمره روایت کرده که ایشان نیز از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که شنیدم آن حضرت فرمودند: «يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»<sup>۴</sup>؛ پیامبر ﷺ فرمود بعد از من دوازده خلیفه هستند که همه از

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۰۸-۱۰۵.

۲. ابن عدی جرجانی، الکامل، ج ۳، ص ۱۵.

۳. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۶، ص ۲۸۶.

۴. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۹، ۲۰۸، ۲۳۲، ۲۵۳، ۲۵۵.





قریش هستند.<sup>۱</sup> اینها مصادیقی هستند که خود اهل سنت در خصوص ائمه بعد از پیامبر ﷺ گفتند که دوازده نفر هستند.

باز ابن نجار از انس بن مالک نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛<sup>۲</sup> این دین همواره پابرجا است تا دوازده نفر از قریش بیایند امامت کنند و خلیفه بعد از من هستند. وقتی آنها آمدند و از دنیا رفتند، زمین اهلس را از بین می‌برد. ایشان هم باز درباره عدد دوازده از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که خلفای بعد از پیامبر ﷺ دوازده نفر هستند. از این قبیل روایات زیاد داریم.

### روایت ابوسعید خدری در خصوص دوازده امام

روایتی از ابوسعید خدری نقل شده که پیامبر ﷺ وقتی نماز خواندند، به طرف ما برگشت و خطبه‌ای را خواند. پس از اینکه فرمودند: مَثَلِ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ مِثْلِ كَشْتِي نُوحٍ است: «فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ»؛ اینها را که فرمودند «فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ؟»؛ به حضرت گفته شد تعداد امامان بعد از شما چند نفر است؟ «فَقَالَ: اثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي (أَوْ قَالَ: مِنْ عِزَّتِي)»؛<sup>۳</sup>

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴.

۳. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۳۳-۳۴؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۵۳؛ آیت الله العظمی صافی

(در روایت وارد شده «مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» یا «مِنْ عِثْرَتِي»). پرسیدم تعداد امامان بعد از شما چند نفرند؟ فرمودند: دوازده نفر از اهل بیت من هستند. این روایت نیز در کتاب‌های اهل سنت نقل شده است؛ از جمله در *کنز العمال* که پیامبر ﷺ فرمود: دوازده نفر از عترتم پس از من حتماً خواهند آمد تا بر مردم امامت کنند.

جوینی در *فرائد السمطين* نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَخْرَهُمُ الْقَائِمُ ﷺ»؛<sup>۱</sup> در این کتاب که از کتاب‌های معتبر اهل سنت است، از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که تعداد ائمه اثنی عشر ﷺ را پیامبر ﷺ فرمودند؛ نخستین آنها امیرالمؤمنین ﷺ و آخرین‌شان نیز وجود مقدس امام زمان - ارواحنا العالمین له الفداء - است.

در *ینایع المودة* نیز احادیثی به این مضمون نقل شده است.<sup>۲</sup> در کتاب‌های دیگر نیز آمده است، فقط اشاره می‌کنم)، همچنین در *روضة الاحباب* باز از ابن عباس نقل شده که یک‌به‌یک حضرت آنها را بیان فرمودند که پس از من

گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۴۹، ح ۶۶. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَاةَ (الصَّلَاةِ) الْأُولَى، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ عَلَيْنَا، فَقَالَ: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنْ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ... فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الْأَيَّامُ بَعْدَكَ؟ فَقَالَ: اثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي (أَوْ قَالَ مِنْ عِثْرَتِي)».

۱. جوینی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲. قندوزی، *ینایع المودة*، ج ۳، ص ۲۹۵.

دوازده نفر هستند. نام مبارک امام زمان علیه السلام را می آورند و می گویند زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

شارح *غایة الاحکام* از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: از ما دوازده نفر است، نخستین ایشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آخرین ایشان نیز وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۲</sup> این روایت نیز در کتب اهل سنت وجود دارد که از امام حسین علیه السلام این روایت را نقل کردند. در منابع حدیثی شیعه نیز این روایت از امام حسین علیه السلام نقل شده است.<sup>۳</sup> البته مرحوم میرحامد حسین در *عبقات الانوار* این حدیث را مفصل بیان کرده و شرح دادند.<sup>۴</sup> همچنین مرحوم محدث نوری در *کشف الاستار* به این مطلب اشاره دارند.<sup>۵</sup>

### روایت ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوازده امام

باز از ابن عباس روایت کردند که ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»؛<sup>۶</sup>

۱. جوهری، مقتضب الاثر، ص ۸-۹ «مقدمه»؛ لکنهوی، عبقات الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۲. محدث نوری، کشف الاستار، ص ۲۵۳.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸؛ همو، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ جوهری، مقتضب الاثر، ص ۲۳.

۴. لکنهوی، عبقات الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۵. محدث نوری، کشف الاستار، ص ۲۵۰-۲۵۵.

۶. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۹؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳.

من، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و نه نفر از فرزندان امام حسین علیهم السلام همه مطهر و معصوم هستیم؛ معلوم می‌شود کسی می‌تواند امام این امت باشد که مطهر و معصوم باشد، به غیر از معصوم و مطهر کسی نمی‌تواند زمام‌دار حکومت اسلامی باشد.

خوارزمی در *مقتل الحسین* علیه السلام از سلمان نقل می‌کند<sup>۱</sup> که ایشان می‌گوید: بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم، درحالی که امام حسین علیه السلام روی زانوی مبارک ایشان نشسته بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله چشم‌ها و دهان امام حسین علیه السلام را می‌بوسید و فرمود: تو آقا و پسر آقایی! تو امام و پسر امام هستی! و تو حجت خدا و پسر حجت خدایی. سپس فرمودند: پدر نه حجت هستی که آنها از صلب تو هستند و نهمین ایشان حضرت مهدی علیه السلام است. این را باز خود اهل سنت نقل کردند. در *ینابیع المودة* قندوزی نقل می‌کند.<sup>۲</sup> اشاره دارد به این حدیث مفصلی که سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند.

از این روایات استفاده می‌کنیم که مسئله‌ای که شیعه می‌گوید و به آن قائل است که ائمه اثنی عشر دوازده نفر هستند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن صحه گذاشتند و

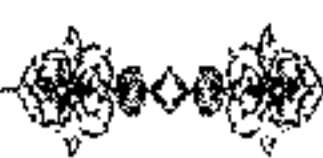
۱. خوارزمی، *مقتل الحسین* علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۲۱۵. «عَنْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّديِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله، وَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ، وَهُوَ يُقَبِّلُ عَيْنَيْهِ، وَيَلْتَمِسُ فَاهُ وَيَقُولُ: إِنَّكَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدِ أَبِي سَادَةَ، إِنَّكَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامِ أَبِي أَيْمَةَ، إِنَّكَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةِ أَبِي حُجَجٍ تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ».

۲. قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۲، ص ۴۴؛ ج ۳، ص ۲۹۱.

غیر از شیعه هیچ مذهب دیگری مدعی ائمه دوازده گانه نیستند و نمی توانند آن را برای خود ثابت کنند. ما متوجه می شویم و درک می کنیم که مذهب شیعه که مذهب ائمه اثنی عشری است، همان مذهب صحیحی است که پیامبر اکرم ﷺ بارها و بارها به آن تذکر و بشارت دادند و سپس به مردم فرمودند که بعد از من دوازده نفر از قریش، از عترت من و فرزندان من امامت خواهند کرد. اما روایاتی که به اسم مبارک ائمه اثنی عشری ﷺ در کتاب های اهل سنت هست، فراوان است. اگر کسی بخواهد واقعاً اینها را احصا کند، می بیند روایات متعددی محدثان اهل سنت نقل کردند که اسامی مبارک ائمه اثنی عشری ﷺ را ذکر کردند.

### مراد از نگارش چهل حدیث

روایت بسیار مهمی است، البته به طور اختصار آن روایت را بیان می کنیم. روایتی است که حافظ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس، از علمای بزرگ اهل سنت، آن را نقل کرده است. وی متوفای ۴۱۲ هجری قمری - حدود هزار سال پیش - کتابی به نام *الاربعین* نوشته است. همان گونه که می دانید، بین علما - چه علمای اهل سنت، چه علمای شیعه - رسم بود کتاب هایی به نام *اربعین* می نوشتند. چهل حدیثی که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا، بَعَثَهُ اللَّهُ فَقِيهًا عَالِمًا»؛ هر کس از امت من چهل حدیث حفظ کند، خداوند روز قیامت او را به



صورت فقیه وارد محشر می‌کند؛ از این رو کتاب اربعین بین علما رسم بوده و نوشته می‌شده است. البته روایت داریم که این اربعین حدیث، منظور اربعین حدیث درباره ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.<sup>۱</sup> به خصوص روایت در این باره داریم که ان شاء الله در جای خودش بیان خواهیم کرد.

### ولایت حضرت مهدی علیه السلام شرط ایمان کامل

حافظ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس که از علمای اهل سنت است، در کتاب *الاربعین* در حدیث چهارم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اینکه نام ائمه علیهم السلام را فرمودند، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نام بردند تا امام علی علیه السلام، اسامی مبارکشان را یک‌به‌یک فرمودند تا به این مطلب رسیدند، فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ، فَلْيَتَوَالَ ابْنَهُ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ»<sup>۲</sup> هرکس دوست دارد خدای بزرگ را ملاقات کند و از فائزین و رستگاران باشد،

۱. محدث نوری، کشف الاستار، ص ۱۶۷-۱۶۹؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر،

ج ۱، ص ۳۱۴-۳۱۵.

۲. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، ح ۲۷۱. «الْأَرْبَعِينَ: لِلْحَافِظِ أَبِي الْفَتْحِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْفَوَارِسِ، قَالَ: الْحَدِيثُ الرَّابِعُ: ... مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ، فَلْيَتَوَالَ ابْنَهُ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ ابْنَهُ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ، فَهَؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَأَئِمَّةُ الْهُدَى، وَأَعْلَامُ التَّقَى، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ وَتَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ».

باید فرزند امام علی النقی را به عنوان امامت و ولایت قبول داشته باشد. «فَلْيَتَوَالَ ابْنَهُ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ»؛ یعنی ولی بعد از امام علی النقی ع، امام حسن عسکری ع است. «وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ»؛ کسی که بخواهد خدا را ملاقات کند و ایمانش کامل باشد، اگر دوازده امام را قبول نداشته باشد، ایمانش کامل نیست. «وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ»؛ و اسلامش نیکو باشد. «فَلْيَتَوَالَ ابْنَهُ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ»؛ باید امامت، ولایت و خلافت فرزند ایشان را قبول کند؛ یعنی فرزند امام حسن عسکری ع، سپس اسم شریف حضرت را هم می آورد. آنگاه می فرمایند: آن وجود مقدس صاحب زمان ع است، به نام حضرت مهدی ع که باید ایشان را قبول کند. اگر ایشان را قبول داشته باشند، مسلم ایمانشان کامل است و اسلامشان، اسلام حقیقی و ناب است. خود اینها نقل کردند که ایمان بدون پذیرش ولایت امام مهدی ع ناقص است، ایمان نیست.

### پذیرش ولایت امامان دوازده گانه شرط ورود به بهشت

«فَهُؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى»، اینها مصابیح بدرها و ستارگانی هستند که در آسمان درخشانند و درخشش دارند. «وَأَئِمَّةُ الْهُدَى، وَأَعْلَامُ التَّقَى»؛ اینها پرچم های تقوا و پرهیزکاری امت من هستند. «فَمَنْ أَحَبَّهُمْ وَتَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ» هرکس اینها را دوست داشته باشد، غیر از حب، باید آنها را به عنوان ولی و امام قبول داشته باشد؛ من ضامن او در بهشت هستم که بهشت برای این اشخاص است. به ویژه خدا بهشت را خلق کرده برای کسانی که ائمه اثنی عشر ع را به

عنوان امامت و خلافت قبول بکنند. این را خودش نقل می‌کند؛ از علمای اهل سنت است. البته در کتاب‌های ما هم -از جمله بحار الانوار- این حدیث مفصل ذکر شده است.<sup>۱</sup> همچنین *عبقات الانوار* مرحوم میرحامد حسین رحمته این عالم بزرگوار خدمت بسیاری به شیعه کرد و اینها علاقه‌مند بودند، محب ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام بودند. با آن وضعیتی که در آن دوران بوده، خدمت زیادی به اهل بیت کردند مانند امروز نبوده، درحقیقت ما خیلی کوتاهی می‌کنیم، همه چیز داریم، وسایل ارتباط جمعی همه در دست ماست؛ ولی شاید بشود گفت که به اندازه یک صدم این بزرگواران برای ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام کاری نمی‌کنیم. ایشان باز در کتاب *شریف عبقات الانوار* این حدیث شریف را نقل می‌کند.<sup>۲</sup>

البته برخی از این احادیث، اسم مبارک ائمه علیهم السلام را ذکر کردند، ولی برخی دیگر اسامی مقدس آنها را ذکر نکردند، ولی چون فرمودند دوازده نفر بعد از پیامبر خدا جانشین ایشان هستند، انطباق کامل با عقیده شیعه پیدا می‌کند و به غیر از شیعیان هیچ مذهب دیگری مدعی ائمه دوازده‌گانه نیستند، و نمی‌توانند برای خود ثابت کنند؛ از این رو برخی علمای اهل سنت خودشان به این مطلب اذعان و اعتراف کردند که ما هم به وجود ائمه اثنی عشر عقیده داریم و می‌گویند اگر به

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

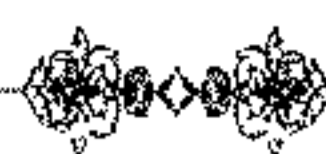
۲. لکنهوی، عبقات الانوار، ج ۲۰، ص ۲۵۳.



ائمه اثنی عشر عقیده نداشته باشیم، اسلام ما کامل نیست. اسناد و مدارک آنها موجود هست که خود اینها قبول دارند که پیامبر ﷺ ائمه اثنی عشر را فرموده و مهم‌تر از اینها این است که ما هم اینها را قبول داشته باشیم.

### ائمه دوازده‌گانه ﷺ در کتاب‌های اهل سنت

از علمای بزرگی که باز در اینجا کتاب‌هایی نوشته‌اند، قندوزی مؤلف کتاب *ینابیع المودة* است که کتاب بسیار معتبری است. همچنین کتاب *شواهد النبوة*، کتاب *کفایة الطالب* و کتاب‌های بسیاری است که اسامی مبارکه ائمه اثنی عشر ﷺ را نقل می‌کنند و صریحاً به امامت ائمه اثنی عشر ﷺ اعتراف کرده‌اند و فضایل و مناقب آن بزرگواران را نوشته‌اند؛ مانند کتاب *فرائد السمطين* که از کتاب‌های معتبر اهل سنت است. جوینی در آنجا اسامی مبارک ائمه اثنی عشر را نام می‌برد و به وجود مقدسشان اعتراف می‌کند و می‌گوید اینها جزو عقاید دینی ماست و ما باید اینها را بپذیریم؛ از این رو درباره روایات و احادیثی که در خصوص ائمه اثنی عشر ﷺ است، بحثی نیست؛ یعنی ما نمی‌توانیم این مطالب را انکار کنیم. اگر کسی هم انکار کند، نمی‌تواند کتاب‌های علمی و محدثان بزرگ خودشان را انکار بکند. محدثان و راویان بزرگ آنها، هم، اینها را نقل کردند. مگر می‌شود منکر آنها شد! غیر از سیاست و دنیاطلبی چیز دیگری نیست. سیاست وقتی وارد دین شود، ممکن است انسان اصل دین را انکار کند، اصل وجود خداوند را نیز انکار کند. اینها هم همین‌گونه است، و گرنه به این عقیده دارند، کتاب‌هایشان مشحون از روایاتی است که درباره ائمه اثنی عشر ﷺ آمده است.



### تعداد احادیث منقول در باب اسامی امامان معصوم علیهم السلام

برای اطلاع بیشتر از این روایت، کتاب شریف *منتخب الاثر* را مطالعه کنید. والد معظم ما در آنجا احصائی کردند. البته ایشان می‌فرماید که احصای من ناقص است، حدود شصت سال پیش این کتاب نوشته شد که نه کامپیوتری بود، نه وسایل و امکانات تحقیق امروزی و با زحمت زیاد احصا کردند و به من و شما واگذار کردند که الآن احصا کنیم. مسلم بیشتر از اینهاست. می‌فرمایند که ۲۷۱ حدیث از اهل سنت داریم که همه بر امامت دوازده امام علیهم السلام دلالت می‌کند. اگر از آن ۲۷۱ حدیث، ۲۰۰ حدیث آن را انکار کنیم، هفتاد حدیث دیگر را نمی‌توانیم انکار کنیم یا بگوییم همه اینها دروغ است. اصلاً امکان ندارد ۲۷۱ حدیث را آن هم راویان و محدثان بزرگ اهل سنت نقل کنند، انصاف را از دست بدهیم. ایشان می‌فرماید ۹۴ حدیث دلالت دارد بر اینکه حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام است؛ یعنی از این ۲۷۱ حدیث، ۹۴ حدیث آن می‌فرماید که امام مهدی امام دوازدهم است. ۹۱ حدیث آن نیز دلالت دارد بر اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین از امامان و حضرت مهدی علیه السلام آخرین آنهاست.

۱۰۷ حدیث دلالت دارد بر اینکه امامان ما دوازده نفرند و نه نفر از ایشان از فرزندان امام حسین علیه السلام و نهمین آنها حضرت مهدی علیه السلام است. ۱۰۷ حدیث بر این مطلب دلالت دارد که نهمین فرزندان امام حسین علیه السلام حضرت حجت - روحی وارواح العالمین له الفداء - است.

باز ایشان می‌فرماید (این را توجه کنید شاید این از همه مهم‌تر باشد): پنجاه حدیث بر اسامی مبارکه آنها دلالت دارد که یک‌به‌یک اسامی آنها را هم نام می‌برد؛ از اول، امام امیرالمؤمنین علی، امام حسن، امام حسین، امام زین‌العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق، امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری علیه السلام تا آخر که وجود مبارک امام زمان علیه السلام است. پنجاه حدیث دلالت دارد بر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسامی مبارکه ایشان را نقل کردند و در کتاب‌های معتبر اهل سنت و کتاب‌های معتبر ما نیز وجود دارد.

این موضوع بسیار مهمی است که پنجاه حدیث اسامی ائمه علیهم السلام را یک‌به‌یک نام می‌برد که پس از آنها چه کسانی بودند، این روشن است و هرکس اینها را مطالعه کند و انصاف داشته باشد، متوجه می‌شود که درباره امامت حضرت مهدی علیه السلام از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب‌های اهل سنت روایات بسیاری نقل شده است که به هیچ وجه انکارشدنی نیست؛ اما امروزه برخی به ما می‌گویند که یک حدیث را شما در کتاب‌های خودتان پیدا بکنید. خوب خودتان مطالعه کنید!

برخی گویا عامی محض هستند، چیزی مطالعه نمی‌کنند، اما داد و فریاد می‌زنند که کتاب‌های ما نامی از حضرت مهدی علیه السلام نیاوردند؛ درحالی که من کتاب‌هایی را عرض کردم که این کتاب‌ها به‌ویژه از لسان علمای اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام و ائمه علیهم السلام نوشته شده است. اینها را مطالعه کنید. خودتان می‌گویید، اگر نگفته بودید ما نیز چنین مطلبی را نداشتیم که به آن استناد

کنیم، ولی وقتی خودتان چنین مطلبی می‌گویید، پس قبول دارید، چرا چیزی را که روشن و آشکار است، منکر می‌شوید؟

پیش‌تر گفتم که برخی علمای اهل سنت این روایت را نقل کردند که کسی که منکر حضرت مهدی شود، کافر است. «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»؛ هر کس که منکر امام زمان ع بشود، کافر است. خودشان نقل کردند؛ یعنی نمی‌توانیم منکر شویم. این جزو ضروریات و عقاید دین ماست. ما نیز وظیفه داریم پیرامون این مسئله مهم بیشتر تحقیق کنیم و دقت بیشتری داشته باشیم. یکی از وظایف مهم حوزه‌های ما همین مسئله مهدویت است. ما باید احادیث و روایاتی را که درباره امام زمان ع آمده، تتبع کامل کنیم و به دنیا اعلام کنیم ما امیدوار هستیم آینده‌ای درخشان در انتظار جهان هست، آن هم به فرماندهی یک مقام بزرگ الهی که از طرف خداوند ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل و داد می‌کند.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

# كتاب نامہ

قرآن کریم.

اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۰۴ق)، بیروت،  
مؤسسة الاعلمی، ۱۴۲۵ق.

الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی (م. ۵۶۰ق)، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی،  
مشهد، نشر المرتضی، ۱۴۰۳ق.

الاختصاص، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.

الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة، حسینی قنوجی بخاری، سید محمد صدیق  
حسن (م. ۱۳۵۷ق)، دار ابن کثیر، ۱۴۲۰ق.

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، بیروت، دار  
المفید، ۱۴۱۴ق.

اسباب نزول القرآن، واحدی، علی بن احمد (م. ۴۶۸ق)، تحقیق کمال بیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. ۶۳۰ق)، تهران، انتشارات اسماعیلیان.

اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی وفضائل اهل بیته الطاهرین، صبان، محمد بن علی، حضرموت، دار المیراث النبوی.

الاشاعة لاشراط الساعة، حسینی برزنجی، محمد بن رسول، القاهرة، مكتبة المشهد الحسينی.

إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق)، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

اقبال الاعمال، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، تحقیق جواد قیومی، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ش.

الامالی، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.

الامالی، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی) بیضاوی، عبدالله بن عمر (م. ۶۸۵ق)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.

اهل البيت (الحسن بن علی)، ابو علم، توفیق، القاهرة، دار المعارف، ۲۰۰۸م.

- بحار الانوار، مجلسي، محمداقرا (م. ١١١١ق)، تحقيق محمداقرا بهبودي، بيروت، دار  
احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
- بحر العلوم (تفسير سمرقندي)، سمرقندي، علاء الدين محمد (م. ٣٧٥ق)، بيروت،  
دار الفكر.
- البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، منقي هندي، علي (م. ٩٧٥ق)، قم، مطبعة الخيام،  
١٣٩٩ق.
- البرهان في تفسير القرآن، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق)، تهران، بنياد بعثت،  
١٤١٦ق.
- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليه السلام صفار، محمد بن حسن (م. ٢٩٠ق)، تحقيق  
ميرزا محسن كوجه باغي، تهران، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٤ق.
- البلد الامين والدرع الحصين، كفعمي، ابراهيم بن علي (م. ٩٠٥ق)، بيروت، مؤسسة  
الاعلمي، ١٤١٨ق.
- البيان في اخبار صاحب الزمان، گنجي شافعي، محمد بن يوسف (م. ٦٥٨ق).
- تاج المواليد في مواليد الائمة ووفياتهم، طبرسي، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق)، بيروت،  
دار القاري، ١٤٢٢ق.
- تاريخ ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (م. ٨٠٨ق)، بيروت، دار احياء  
التراث العربي، ١٣٩١ق.
- تاريخ الخلفاء، سيوطي، جلال الدين (م. ٩١١ق)، بيروت، دار التعاون.

تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ۴۶۳ق)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن (م. ۵۷۱ق)، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.

تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی (م. ۹۶۵ق)، تحقیق حسین استادولی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن ۴)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.

التشريف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم والفتن)، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، قم، مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ق.

التصريح بما تواتر فی نزول المسيح، هندی، محمد، القاهرة، دار السلام، ۱۳۸۹ق.

تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ق)، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.

تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود (م. ۳۲۰ق)، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.  
التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

تفسیر فرات الکوفی، فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (م. ۳۰۷ق)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.



تفسیر القرآن، سمعانی، منصور بن محمد (م. ۴۸۹ق) تحقیق یاسر بن ابراهیم، عنیم بن عباس، الرياض، دار الوطن، ۱۴۱۸ق.

تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم (م. ۳۰۷ق)، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق.

تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، مشهدی، محمد بن محمدرضا (م. ۱۱۲۵ق)، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، قم، مدرسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کاشانی، فتح الله بن شکرالله (م. ۹۸۸ق)، تهران، کتاب فروشی علمی، ۱۳۳۶ش.

تفسیر نور الثقلین، حویزی، عبدعلی بن جمعه (م. ۱۱۱۲ق)، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.

التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، معرفت، محمدهادی (م. ۱۳۸۵ش)، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، ۱۴۱۸ق.

تقریب المعارف، ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (م. ۴۴۷ق)، تحقیق فارس حسون، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۰۲ق.

التوحید، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸ق.

تهذیب الاحکام، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

جامع الاخبار، شعیری، محمد بن محمد (م. قرن ۶)، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة.

جامع بیان العلم وفضله، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. ۴۶۳ق).

الجغریات (الاشعثیات)، اشعث کوفی، محمد بن محمد (م. قرن ۴)، تهران، مکتبة النینوی الحدیثة.

حلیة الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم السلام، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق)،

قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.

حیة القلوب، مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق)، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۴ش.

الخرائج والجرائح، قطب راوندی، سعید بن هبة الله (م. ۵۷۳ق)، قم، مؤسسه الامام

المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

الخصال، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی،

۱۴۰۳ق.

دانشنامه علوم قرآن (قرآن شناخت)، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ش.

الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، سیوطی، جلال الدین (م. ۹۱۱ق)، قم، کتابخانه مرعشی

نجفی، ۱۴۰۴ق.

دلائل الامامة، طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن ۵)، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.  
 روضة الواعظين وبصيرة المتعظمين، فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. ۵۰۸ق)، قم،  
 الشريف الرضي، ۱۳۷۵ش.

الزهد، كوفي اهوازي، حسين بن سعيد (م. قرن ۳)، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ق.  
 سعد السعود، ابن طاووس، سيدعلي بن موسى، (م. ۶۶۴)، قم، الشريف الرضي، ۱۳۶۳ش.  
 سنن الترمذي، ترمذي، محمد بن عيسى (م. ۲۷۹ق)، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف،  
 عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ق.

السنن الكبرى، بيهقي، احمد بن حسين (م. ۴۵۸ق)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ق.  
 شرح نهج البلاغة، تحقيق ابن ابي الحديد، عزالدين (م. ۶۵۶ق)، محمد ابوالفضل ابراهيم،  
 قم، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۴ق.

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في الآيات النازلة في اهل البيت عليهم السلام، حاكم حسكاني،  
 عبيدالله بن عبدالله (م. ۵۰۶ق)، تحقيق محمدباقر محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد  
 اسلامي، ۱۴۱۱ق.

صحيح البخاري، بخاري، محمد بن اسماعيل (م. ۲۵۶ق)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق.  
 صحيح مسلم، مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. ۲۶۱ق)، بيروت، دار الفكر.  
 الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، سيدعلي بن موسى (م. ۶۶۴ق)، قم،  
 مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ق.

عبارات الانوار في امامة الائمة الاطهار عليهم السلام، لکنهوي، سيدحامد حسين (م. ۱۳۰۶ق)،

اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۶۶ ش.

العرف الوردی فی اخبار المهدي، سیوطی، جلال‌الدین (م. ۹۱۱ق)، تهران، المجمع

العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية، ۱۴۲۷ق.

علل الشرائع، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم،

النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.

عوالی اللئالی العزیزية فی الاحادیث الدينية، ابن ابی جمهور احسائی، قم، مطبعة سيد

الشهداء، ۱۴۰۳ق.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق سید مهدی حسینی

لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

غایة المامول، ناصف، منصور علی.

الغیبة، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق)، تحقیق عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم،

مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۵ق.

الغیبة، نعمانی، محمد بن ابراهیم (م. ۳۶۰ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مكتبة

الصدوق، ۱۳۹۷ق.

فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. ۸۵۲ق) بیروت، دار المعرفة.

الفتوحات الاسلامية بعد مضي الفتوحات النبوية، دحلان، سید احمد بن زینی، مصر،

مطبعة مصطفى محمد، ۱۳۵۴ق.

فرائد السمطين، جوینی، ابراهیم بن محمد خراسانی (م. ۷۳۰ق)، تحقیق محمد باقر

محمودی، بیروت، مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۰ق.

الفصول العشرة فی الغیبة، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، تحقیق فارس حسون،

بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.

الفصول المختارة، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت،

دار المفید، ۱۴۱۴ق.

فضائل الاشهر الثلاثة، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق غلامرضا عرفانیان،

قم، مكتبة الداوری، ۱۳۹۶ق.

فقه القرآن فی شرح آیات الاحكام، قطب راوندی، سعید بن هبة الله (م. ۵۷۳ق)، تحقیق

سیداحمد حسینی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.

قرب الاسناد، حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (م. ۳۰۰ق)، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام،

لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.

الكافی، کلینی، محمد بن یعقوب (م. ۳۲۹ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب

الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

الکامل فی ضعفاء الرجال، ابن عدی جرجانی، عبدالله (م. ۳۶۵ق)، تحقیق سهیل زکار،

بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.

كشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، نوری، میرزاحسین (م. ۱۳۲۰ق)، تحقیق

احمد علی مجید حلی، کربلاء، مكتبة و دار مخطوطات العتبة العباسیة المقدسة، ۱۴۳۲ق.

كشف اليقين فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، علامه حلی، حسن بن یوسف (م. ۷۲۶ق)،



تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر علیه السلام، خزاز قمی، علی بن محمد (م. ۴۰۰ق)،

تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.

کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری،

تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ق.

کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، منقی هندی، علی (م. ۹۷۵ق)، تحقیق بکری

حیاتی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.

لوامع الانوار البهية وسواطع الاسرار الاثرية، سفارینی، محمد بن احمد (م. ۱۱۸۸ق)،

بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۲۹ق.

مائة منقبة، ابن شاذان قمی، محمد بن احمد (م. ۴۱۲ق)، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام

۱۴۰۷ق.

مجمع البيان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق) تهران، انتشارات

ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، هیثمی، علی بن ابی بکر (م. ۸۰۷ق)، بیروت، دار الکتب

العلمية، ۱۴۰۸ق.

المحاسن، برقی، احمد بن محمد (م. ۲۷۴ق)، تحقیق سید جلال الدین حسینی، تهران، دار

الکتب الاسلامية، ۱۳۷۰ش.

المحجة فیما نزل فی القائم الحجة علیه السلام، بحرانی، سید هاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق)، تحقیق

محمد منير ميلاني، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.

مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول ﷺ، مجلسي، محمدباقر (م. ١١١١ق)، تحقيق

سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٤ق.

المزار (مناسك المزار)، مفيد، محمد بن محمد (م. ٤١٣ق)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.

المزار الكبير، مشهدي، محمد بن جعفر (م. ٦١٠ق)، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر

اسلامي، ١٤١٩ق.

مستدرک الوسائل، محدث نوري، ميرزا حسين (م. ١٣٢٠ق)، بيروت، مؤسسة آل

البيت ﷺ لاحياء التراث، ١٤٠٨ق.

المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق)، تحقيق

يوسف عبدالرحمن مرعشلي، بيروت، دار المعرفة.

المسترشد في امامة امير المؤمنين علي بن ابي طالب ﷺ، طبري امامي، محمد بن جرير

(م. قرن ٥)، مؤسسة فرهنگ اسلامي كوشانيور، ١٤١٥ق.

مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شيباني (م. ٢٤١ق)، بيروت، دار صادر.

مشكاة الانوار في غرر الاخبار، طبرسي (م. قرن ٧)، تحقيق صالح جعفري، النجف

الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق.

مصباح المتعبد، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق)، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة،

١٤١١ق.

المصباح، كفعمي، ابراهيم بن علي (م. ٩٠٥ق)، قم، الشريف الرضي، ١٤٠٥ق.

معالم التنزیل (تفسیر بغوی)، بغوی، حسین بن مسعود (م. ۵۱۰ق)، تحقیق خالد عبدالرحمن العک، بیروت، دار المعرفة.

معانی الاخبار، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ش.

المعجم الکبیر، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق)، تحقیق حمدی سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

مفاتیح الجنان، محدث قمی، عباس (م. ۱۳۵۹ق).

مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر<sup>علیهم السلام</sup>، جوهری، احمد بن عبیدالله (م. ۴۰۱ق)، تحقیق نزار منصور، قم، مکتبة الطباطبائی.

مقتل الحسین<sup>علیه السلام</sup>، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق)، تحقیق محمد سماوی، قم، دار انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.

مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل (م. ۵۵۴ق)، الشریف الرضی، ۱۳۹۲ق.

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم<sup>علیه السلام</sup>، موسوی اصفهانی، محمدتقی (م. ۱۳۴۸ق)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۱ق.

مناقب مرتضوی در مناقب شاه اولیاء امیرالمؤمنین علی مرتضی<sup>علیه السلام</sup>، کشفی ترمذی، محمد صالح بن عبدالله، نشر روزنه، ۱۳۸۰ش.

من لا یحضره الفقیه، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.



مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق)، قم، انتشارات علامه،

۱۳۷۹ق.

منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، صافی گلپایگانی، لطف الله، تهران، مرکز فرهنگی

انتشارات منیر، ۱۳۹۳ق.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله (م. ۱۳۲۴ق)، تحقیق

سیدابراهیم میانجی، تهران، المكتبة الاسلامية، ۱۴۰۰ق.

مهج الدعوات ومنهج العبادات، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق)، تحقیق

ابوطالب کرمانی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سیدمحمدحسین (م. ۱۴۰۲ق)، قم، نشر اسلامی،

۱۴۰۷ق.

نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم (م. ۱۳۷۱ق)، قم،

مؤسسة البعثة، ۱۴۲۹ق.

النوادر، اشعری قمی، احمد بن محمد (م. قرن ۳)، قم، مدرسة الامام المهدي علیه السلام،

۱۴۰۸ق.

نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام، شیلنجی، مؤمن بن حسن (م. ۱۲۹۸ق)،

قم، الشریف الرضی.

نوید امن و امان، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله

العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۳۹۳ش.

نهج البلاغة، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق و شرح محمد عبده،  
بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

وسائل الشیعة، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ق)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام  
لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

هدایة الامة الی احکام الائمة علیهم السلام، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ق)، مشهد،  
آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق.

الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی  
(م. ۶۶۴ق)، تحقیق اسماعیل انصاری، قم، دار الكتاب، ۱۴۱۳ق.

ینابیع المودة لذوی القربی، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. ۱۲۹۴ق)، تحقیق سیدعلی  
جمال اشرف حسینی، دار الاسوة، ۱۴۲۳ق.